

# آقای دولت!

لطفاً شانه خالی نکنید

سپتامبر ۱۱۴

## سرمقاله

رسالت تشکل‌ها در بزرگراه دشوار اقتصاد ایران ۴

## پرونده اول

- ۶ چگونه سندیکا شویم
- ۱۲ سرمایه اجتماعی، هدف و ابزار تشکل‌گرایی بالنده
- ۱۳ صنعت برق و افول سرمایه اجتماعی
- ۱۴ سرمایه اجتماعی؛ تهدید یا فرصت
- ۱۸ تشکل‌ها و ایجاد تعهد
- ۲۱ کسب رانت یا توسعه اقتصادی
- ۲۳ سرمایه اجتماعی چیست؟
- ۲۶ شناسایی سرمایه اجتماعی متروک؛ قوام تشکل‌های اقتصادی
- ۲۸ در فقدان سرمایه اجتماعی، خیزش اقتصادی ممکن نیست



## تشکل‌ها و معمای سرمایه اجتماعی

## نگاه ویژه

- ۳۱ مسافران کشتی طوفان زده اقتصاد ایران
- ۳۲ ابزارهای موجود برای التیام اقتصاد ملتهب ایران
- ۳۴ آقای دولت! لطفا شانه خالی نکنید
- ۳۶ ایجاد بازارهای جدید برای جذب سرمایه‌گذاری
- ۳۷ ورشکستگی اقتصاد کلان کشور و حال ناخوش صنعت برق
- ۳۹ جنگ اقتصادی؛ جدال ارز و قراردادهای برق
- ۴۰ بلا تکلیفی‌های امروز اقتصاد کشور



## بن بست‌ی به نام صنعت برق

صاحب امتیاز | سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول | غلامرضا ناصح

سردبیر | سپهر بزی مهر

اعضای شورای سیاست‌گذاری | علی بخشی، محمد بهزاد، ولی الله بیات، محمدصادق جنان‌صفت، عباس خالدنژاد، منصور سعیدی،

حمیدرضا صالحی، پرویز غیاث‌الدین، علیرضا کلاهی، حامد گرشاسبی، سعید مهدب‌ترابی، غلامرضا ناصح، محمدعلی وحدتی

دبیر تحریریه | سمیه کاظم زاده دهکردی

تحریریه | نفیسه زارع کهن، طیبه سادات میرحسینی، زینب حدادی، سحر بخشی روشن، مرجان نظری

طراحی گرافیک | ایمان جلالی

سایت | طیبه سادات میرحسینی

توزیع | سپیده گرجی

امور آگهی‌ها | بهارک باقرپور

امور اداری | سمیه برادران

لیتوگرافی، چاپ و صحافی | فارابی

#### یادداشت

۴۳ اصلاح اقتصاد برق؛ پیش‌نیاز حمایت از کالای ایرانی



#### گزارش روز

۴۵ از ابتدا تا سندیکا  
۴۸ آیا اعضا به سندیکا نمره قبولی می‌دهند؟



#### گفت و گو

۵۳ اراده دولت انتقال قدرت به بخش خصوصی نیست؛  
۵۵ ناتوانی نیروگاه های برق آبی برای تامین برق تابستان  
۵۶ شفافیت و مبارزه با نهادهای انحصارطلب؛ کلید نجات اقتصاد ایران



#### مقالات

۵۹ «سیستم»، بودن یا نبودن؟ مسأله این است!  
۶۱ اصول اساسی بانک اروپایی بازسازی و توسعه



#### اخبار

۶۶ اخبار هیات مدیره سندیکا  
۶۸ اخبار کمیته‌های سندیکا  
۷۲ اخبار شعب  
۷۲ اخبار کارگروه‌ها  
۷۳ اخبار شرکت‌های عضو  
۷۴ رویدادها



## ستبران ۱۱۴

نشریه داخلی سندیکای صنعت برق ایران، سال نوزدهم، شماره ۱۱۴، خرداد و تیر ۱۳۹۷

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می‌کند به منظور معرفی پتانسیل‌های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت‌های مهندسی بازرگانی، تصویرروشنی از توانمندی‌های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش‌ها و گلوگاه‌های صنعت با هدف طرح دیدگاه‌های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست‌های این نشریه است.

نشانی تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

تلفکس ۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

فکس ۶۶۹۴۴۹۶۷

سازمان آگهی‌ها ۶۶۵۷۰۹۳۰-۶

سایت [www.ieis.ir](http://www.ieis.ir)

ایمیل [setabran@ieis.ir](mailto:setabran@ieis.ir)



# رسالت تشکل‌ها در بزنگاه دشوار اقتصاد ایران

تشکل‌ها مهمترین مولفه‌های توسعه جوامع مدنی به شمار می‌روند. این نهادها از زمان تشکیل تا کسب مشروعیت لازم و تاثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها در جهت تامین منافع اعضای خود اساسا مسیر پرفراز و نشیبی را طی می‌کنند. مساله‌ای که در این میان حائز اهمیت به نظر می‌رسد این است که تشکل‌های اقتصادی بخشی از سرمایه اجتماعی در بطن جوامع محسوب می‌شوند.

البته سرمایه اجتماعی تعابیر متفاوتی دارد، اما در نگاهی کلی می‌توان آن را مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و روابط انسجام‌بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هایی دانست که توانایی اکتساب منافع جمعی را دارند. در حقیقت سرمایه اجتماعی زمانی در جوامع مردمی ایجاد می‌شود که اعتماد مردم به یکدیگر و مردم به حاکمیت و نهادهای اصلی جامعه در کنار مشارکت و تعامل اجتماعی و نیز احساس هویت جمعی و گروهی به صورت سازمان یافته و نهادینه شکل گرفته باشد.

ایجاد اعتماد متقابل در سایه سرمایه اجتماعی این مولفه مدنی را به یکی از مهمترین زیرساخت‌های توسعه بدل می‌کند. حال با نگاهی به این تعاریف، شاید بتوان اهمیت تجمیع سرمایه اجتماعی در قالب فعالیت‌های انجمن‌های کسب و کار را بهتر درک کرد.

گردهم آمدن صاحبان کسب و کار که ممکن است در مواردی دچار تعارض شدید منافع با یکدیگر باشند، نمود مشخص و بارزی از سرمایه اجتماعی است. ایجاد اعتماد و اطمینان در تشکل‌های اقتصادی، بین شرکت‌های عضو به عنوان قطعه‌های حیاتی پازل یک تشکل و میان اعضا و هیات مدیره، از این نهادهای مدنی پیکره‌ای واحد می‌سازد که می‌تواند در قالب یک حرکت جمعی، نهادهای اقتصادی را متاثر از خویش کند.

در شرایط معمول و زمانی که رونق بر اقتصاد حکمفرماست، نقش تشکل‌ها به توسعه رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای بهبود محیط کسب و کار اعضا خلاصه می‌شود. در چنین شرایطی شاید اطمینان کردن به حرکت‌های جمعی آسان‌تر و البته الزام آن کم‌رنگ‌تر باشد.

اما تشکل‌ها و سرمایه اجتماعی تجمیع شده در آن‌ها در زمان بحران، شکل تازه‌تر و پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. زمانی که شرکت‌ها نه برای افزایش منابع و منافع بلکه برای بقای خود می‌جنگند، اتکا به پتانسیل‌های گروهی و تشکلی و اعتماد به تصمیمات جمعی شاید دشوارتر باشد، اما واقعیت این است که در بحران تنها مامن فعالان اقتصادی، تشکل‌های آن‌ها خواهد بود.

تعبیر «یک دست صدا ندارد» شاید بهترین تعریف برای تفکیک میزان اثربخشی حرکت‌های فردی و گروهی به ویژه در شرایط بحرانی باشد. کافی است وضعیت بحرانی صنعت برق در طول یک دهه گذشته را بررسی کنیم. کدام فعالیت فردی به نتیجه‌ای مثبت شده منجر شد و کدام نتیجه مقطعی توانست به صنعت سودی برساند؟

امروز و در کارزار دشواری که حفظ حیات بنگاه‌های اقتصادی مهمترین دغدغه فعالان صنعتی است بی‌شک سرمایه اجتماعی بهترین نقش را در عبور از این دوران گذار ایفا خواهد کرد. اگرچه بدون تردید نمی‌توان منکر ابعاد گسترده و سایه سنگین دولت بر سیاست‌گذاری‌ها و عدم فراگیری تاثیرات تشکل‌ها بر تصمیم‌سازی‌های کلان کشور شد اما نمی‌توان ناامیدانه همه چالش‌ها را به حال خود رها کرد.

اثربخشی نسبی تلاش‌های سندیکا در موضوعاتی مانند قراردادهای متوقف، تدوین متن قرارداد تیپ، وصول مطالبات اعضا، تدوین فهرست بها و حمایت از ساخت داخل یا اخذ کرسی در کارگروه‌ها و کمیته‌های مشترک با مجلس، وزارت نیرو و... از جمله همین فعالیت‌هایی است که در سایه سرمایه اجتماعی تجمیع شده از سوی اعضا رخ داده است.

عبور از شرایط بحرانی حاکم بر کشور که به بروز یک جنگ اقتصادی با ابعاد گسترده تعبیر می‌شود، بیش از هر زمان دیگری به همدلی، انسجام و اعتماد نیاز دارد. تشکل‌های اقتصادی شاید نتوانند تغییری در شرایط بحرانی اقتصاد ایجاد کنند، اما حداقل می‌توانند تا حدی اعضا را زیر سایه مذاکرات، چانه‌زنی‌ها و پیگیری‌های خود گرفته و مقابل بخشی از هجومه زبان‌هایی که به سمت آن‌ها سرازیر شده، بایستند.

امروز و در بزنگاه دشوار اقتصاد ایران، تنها می‌توان به یک اراده ملی و عزم همگانی و فراگیر امید بست. می‌توان با اتکا به سرمایه اجتماعی حتی در قالب تشکل‌هایی نظیر سندیکای صنعت برق ایران این امید را زنده نگاه داشت. ■

# تشکل‌ها و معمای سرمایه اجتماعی

(پرونده)



۵

پرونده

تشکل‌ها و  
معمای سرمایه  
اجتماعی



# چگونه سندیکاشویم

مشروعیت یابی

دیگری است. دولت در ایران به ویژه در صنعت برق، علاوه بر اینکه در جایگاه حاکمیتی خود، فشارهای مختلفی به فعالان صنعت برق وارد می‌کند، خریدار عمده و گاهی حتی تامین کننده کالا و خدمات صنعت برق نیز محسوب می‌شود. به این ترتیب نقش دولت به عنوان کارفرما، خریدار و رقیب در این صنعت نه تنها حاکمیتی است بلکه به عنوان یک نیروی رقابتی هم در کنار بخش خصوصی قرار می‌گیرد. فشار ناشی از نقش پررنگ و فراگیر دولت در صنعت برق، میزان اثرگذاری دولت بر کسب و کار خصوصی این صنعت را به شدت افزایش داده است.

در چنین فضایی بخش خصوصی برای مدیریت این فشارها چاره‌ای جز سازماندهی همکاری های جمعی نداشته است. در حقیقت آنها تلاش کرده اند در سایه این مشارکت جمعی، قدرتی فراتر از توان انفرادی شرکت‌ها در بازار، ایجاد کنند. بنابراین باید گفت که ایجاد تشکل‌هایی مانند سندیکای صنعت برق، تابع نحوه رابطه فعالین بخش

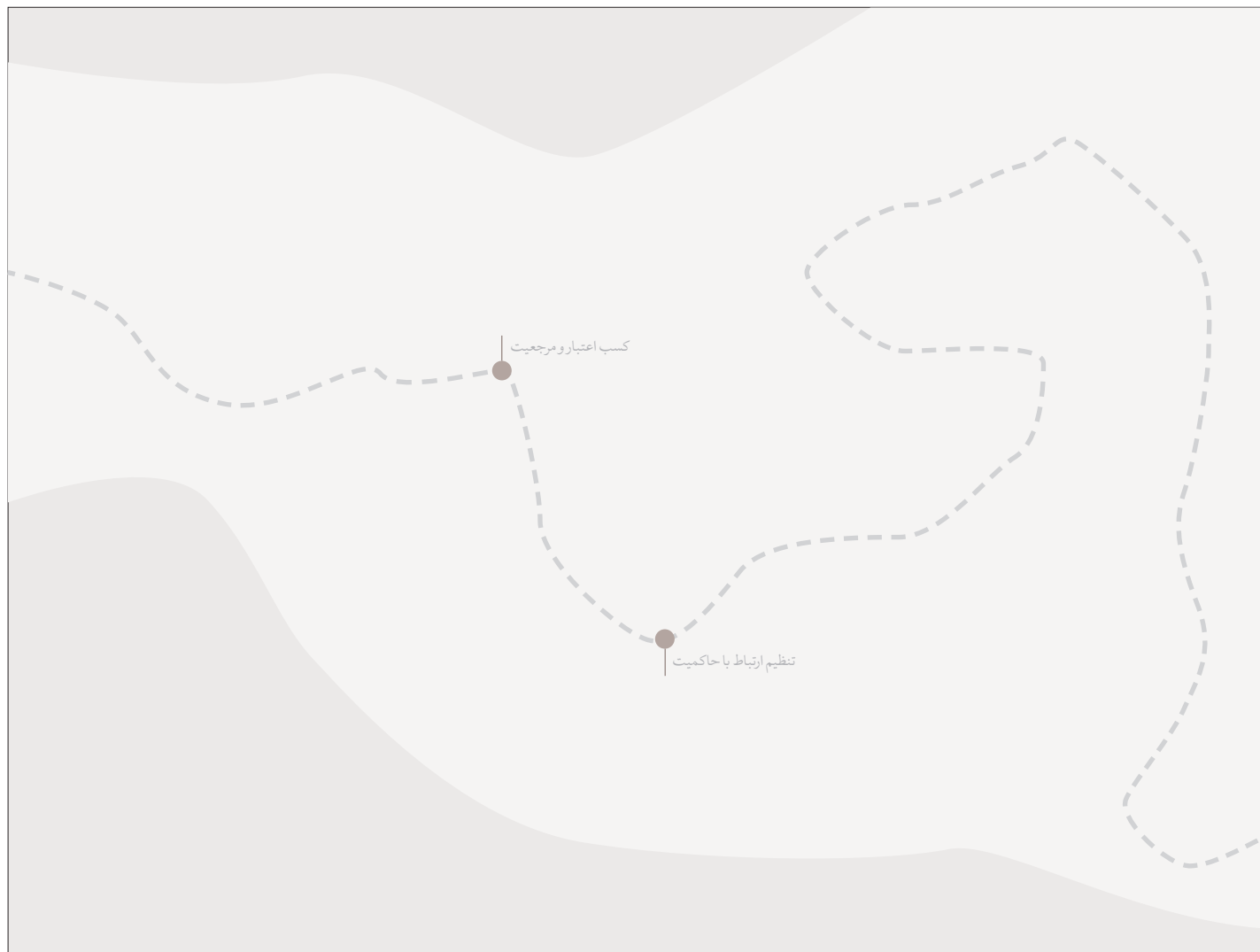
کارفرمایی یا همان انجمن های کسب و کار عضو محور است. نظام تنظیم گری و هزینه های ناشی از مصوبات دولت، فعالان اقتصادی را ناگزیر می‌کند که برای قابل پیش بینی کردن مولفه های اصلی محیط کسب و کار خود و تاثیرگذاری بر روی حوزه عمومی تصمیم گیری، اقدام به تاسیس انجمن ها و تشکل ها کنند. آنها تلاش می کنند با اتکا به توان تشکل هایشان، موانع و فشارهای ایجاد شده در فضای فعالیت های اقتصادیشان را مهار کنند. این مهم؛ به ویژه در کشورهایی که دولت به عنوان سیاستگذار، بنگاه دار و خریدار اصلی کالا و خدمات سهم بسیاری در اقتصاد دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

از دیگر سو فشار ناشی از حضور سایر رقبا در بازار و فشار خریداران به عنوان دوی نیروی رقابتی جدی دیگر هم ممکن است، فعالین کسب و کار را ترغیب کند که فعالیت‌هایی را در قالب رسمی یا غیررسمی با یکدیگر شکل دهند. اما به هر حال تاثیر دولت در ایجاد تشکل‌ها به وسیله بخش خصوصی پررنگ تر از هر حوزه

سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین مولفه های جوامع مدنی و البته یکی از اساسی ترین بنیان های تشکل ها محسوب می‌شود. در این نگاه است که حاصل گفتگوی مفصلی با سیدعلیرضا سیاسی راد، مشاور اتاق بازرگانی ایران است، با نگاهی کلی به نقش سرمایه اجتماعی در توسعه تشکل های کارفرمایی به روند رشد، گلوگاه ها و راهکارهای توسعه فعالیت های سندیکای صنعت برق ایران اشاره شده است.

تشکل ها و انجمن های کسب و کار یکی از مهمترین پایه های توسعه جوامع مدرن محسوب می‌شوند. پیش از هر چیز باید این مساله را بررسی کرد که چه عواملی، فعالان اقتصادی را به ایجاد تشکل ها ترغیب می‌کند. به نظر می‌رسد الزام و فشار استراتژیک ناشی از مداخله دولت در بازار کسب و کار و قرار گرفتن دولت در شرایط رقابتی با بخش خصوصی، مهمترین عوامل ایجاد تشکل های





خصوصی با دولت است.

رابطه بخش خصوصی با دولت در ایران و بسیاری از کشورهای دنیا متناسب با دوره عمر و مراحل توسعه یافتگی، چند مرحله را طی می کند که به نظری می رسد روند رشد سندیکا نیز با این مدل نظری تطابق بسیاری دارد.

در ایران و بعد از انقلاب اسلامی و از ابتدای دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰، بخش خصوصی تحت تاثیر اقتصاد دولتی، جنگ، دولت های برآمده از انقلاب و رویکردهای عدالت خواهانه اساسا به رسمیت شناخته نمی شد. در این دوره زمانی نه تنها با این بخش مشورت و مذاکره ای صورت نمی گرفت، بلکه مالکیت خصوصی نیز به رسمیت شناخته نمی شد. به طوری که افکار عمومی در این دهه با مساله فعال شدن بخش خصوصی کنار نمی آمد.

بنابراین عمده تلاش های بخش خصوصی در این دوران بر مشروعیت یابی متمرکز بود. آنها ابتدا باید مشروعیت خود را در میان افکار عمومی و توده مردم باز می یافتند، تا بتوانند به عنوان یک بازیگر اصلی در اقتصاد نظرات خود را ارائه دهند. بازیابی این مشروعیت به معنای

دید شده شدن منافع بخش خصوصی بود. تنها در این صورت بود که مشروعیت این بخش به شکل حقوقی هم به رسمیت شناخته می شد و صاحبان کسب و کار اجازه ایجاد انجمن، راه اندازی تشکیلات و دسترسی به رسانه را پیدا می کردند.

با تغییر سیاست های اقتصادی دولت پس از پایان جنگ و رویکرد دولت آیت الله هاشمی رفسنجانی و اصلاحات به خصوصی سازی، به آرامی بخش خصوصی از مراحل اولیه کسب مشروعیت به مرحله تاسیس تعدادی تشکل ملی و مؤثر رسید.

پیش از آن تلقی عموم از عضویت در اتاق بازرگانی منفی بود و فعالان اقتصادی اعتقاد داشتند که اعضای این اتاق تاجر، عوامل بازار، راست سنتی و محافظه کار هستند؛ بنابراین هرگز به عضویت این اتاق در نمی آمدند. اما در دهه هفتاد در کنار شکل گیری طبقات جدیدی از فعالان کسب و کار با تولید فناورانه تر و صنعتی تر، دسترسی به صنایع بزرگتر و پیچیده تر، فضای تشکلی تغییر کرد، نگاه فعالان اقتصادی نسبت به انجمن ها بهبود

یافت و به تدریج انجمن هایی متناسب با این فضای جدید شکل گرفتند و خوشبختانه فرایند مشروعیت یابی بخش خصوصی از همین زمان آغاز شد.

پس از به رسمیت شناخته شدن بخش خصوصی توسط دولت، فعالان این بخش بر روی چگونگی تنظیم ارتباط خود با حاکمیت متمرکز شدند. تقریبا بیش از یک دهه طول کشید تا این رابطه از حالت رابطه بنگاهی، فردی و اتفاقی، قالب نهادینه تری پیدا کرد و در سطح تشکل ها پیگیری شد و رسمیت یافت. با تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که محصول یک دهه فعالیت جدی فعالان بخش خصوصی بود، صاحبان کسب و کار در صدد ایجاد یک نهاد گفت و گوی رسمی برای انتقال درست مسائل موجود به لایه های سیاست گذاری و حاکمیتی برآمدند. در حقیقت آنها تلاش کردند که ارتباط بخش خصوصی با دولت را به شکلی هدایت کنند که به جای آنکه متضمن تقسیم رانت بین شرکت های خاصی باشد، به صورت مستقیم و در قالب یک حرکت جمعی باشد. در حقیقت آنها

تلاش کردند ارتباط بین بخش خصوصی و دولت را به شکلی سازمان دهند که به یک همکاری همه جانبه برای تامین منافع ملی، توسعه صنایع کشور و کسب و کار بخش خصوصی تبدیل شود. کاهش فساد، افزایش کیفیت تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی دولت در سطح کلان و محیط عمومی اقتصادی کشور و نیز بهبود تنظیم‌گری و سیاست‌های صنعتی مهمترین اهدافی بودند که بخش خصوصی در ساماندهی ارتباط خود با دولت آن را دنبال می‌کرد.

فعالین اقتصادی همچنین در نظر داشتند که در سایه این ارتباط، هزینه مبادله در اقتصاد ایران کاهش یابد، چرا که تازمانی که نظام تصمیم‌گیری و اجرایی دولت بهبود نیابد، هزینه‌های کسب و کار رو به افزایش خواهد بود و همین امر تأثیری بسیار منفی بر قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها خواهد داشت. به همین دلیل هم تمام تلاش بخش خصوصی در این دوره برای ایجاد نوعی دسترسی سازمان یافته به دولت متمرکز بود.

با تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، برنامه پنجم توسعه و چند مصوبه مهم دیگر، ارتباط تشکلی‌ها از حالت روابط و لابی‌های شخصی خارج شده و به یک ساختار نظام مند بدل می‌شوند. البته افزایش میزان اثرگذاری این نهادها هم نیاز به گذر زمان دارد.

در این مرحله تشکلی‌های بخش خصوصی علیرغم ارتباط ساختاری خود با دولت و حضور رسمی یا غیررسمی در کمیته‌ها و شوراهای مختلف تصمیم‌گیری، اما هنوز آنقدر اثرگذار و قدرتمند نیست که بتوانند از

»

**از آنجایی که بخش عمده‌ای از مطالبات مطرح شده از سوی تشکلی‌ها معمولاً از حد مطالبه جلوتر نمی‌رود، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اساساً تشکلی‌ها قادر به طراحی سیاست هستند یا خیر؟**

تدوین سیاست‌های مخرب جلوگیری کنند. به‌طور کلی بخش خصوصی برای بهبود کیفیت سیاستگذاری عمومی در بخش اقتصادی و پیشنهاد دادن سیاست‌های درست تر، به ابزارهایی نیاز دارد که هنوز هم نتوانسته آنها را در اختیار بگیرد.

گام سوم پس از مشروعیت‌یابی و نهادینه سازی ارتباط دولت با بخش خصوصی، کسب اعتبار و مرجعیت است. این مرحله در توسعه و افزایش میزان اثربخشی تشکلی‌ها بسیار حیاتی و کلیدی است. در این مرحله نظرات بخش خصوصی در مذاکره با دولت معتبر تلقی می‌شود، دولت تشکلی‌ها را به نمایندگی از یک صنف به رسمیت می‌شناسد. ممکن است دولت با هر تشکلی که نماینده جمع کوچکی از فعالین اقتصادی است، مذاکره کند، ولی مهم این است که کدام مذاکرات بر روی تصمیمات مدیران دولتی موثر است و سیاستگذار نظر ارائه شده را نظر صنف تلقی کند. واقعیت این است که سیاستمداران تا یک موضوع، اهمیت ملی و جدی نداشته باشد، توجه جدی به آن نخواهند کرد. باید پذیریم که آنها موظف به حل مسائل عمومی هستند و عمومی شدن یک مساله، مستلزم حداقلی از تعداد و تأثیرگذاری است.

بنابراین وقتی تشکلی داعیه نمایندگی از یک صنف را دارد، لزوماً باید سطح هماهنگی در آن صنف بسیار بالا باشد و به همین دلیل است که موضوع داشتن صدای واحد، هم‌بستگی صنفی گسترده و سطح پوشش عضویت فراگیر، برای افزایش میزان اثربخشی انجمن‌های کسب و کار بسیار حیاتی بوده و از عوامل اصلی موفقیت آن محسوب می‌شود.

شرط اول برای کسب اعتبار در انجمن‌های کسب و کار، سطح نمایندگی بالاتر و برخورداری از همبستگی نسبی است. رسیدن به این مرحله در مورد تشکلی‌های کارگری یا NGO ها چندان دشوار نیست، به این دلیل که منافع آنها تعریف شده و شناخته شده است و تعارض منافی میانشان وجود ندارد. ولی در مورد کارفرماها رسیدن به این مرحله کار پیچیده‌ای است و چگونگی طراحی ساختار و

رهبری سازمان می‌تواند به ایجاد هماهنگی و همبستگی بهتر منجر شود.

نکته دوم پس از ایجاد هماهنگی و همبستگی در اعضا این است که سخن تشکلی‌ها تا چه حد به لحاظ کیفی، حاوی استدلال و منطق است و آیا اساساً با منافع ملی و سیاست‌های عمومی کشور پیوند و سازگاری دارد یا خیر؛ در نهایت آیا طرح ارائه شده منجر به توسعه صنعت خواهد شد؟ تأثیر آن در صنایع

بالادستی و پایین دستی چگونه است؟ از آنجایی که بخش عمده‌ای از مطالبات مطرح شده از سوی تشکلی‌ها معمولاً از حد مطالبه جلوتر نمی‌رود، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اساساً تشکلی‌ها قادر به طراحی سیاست هستند یا خیر؟ چون دولت اساساً راه حل مطالبات مطرح شده را در دست ندارد و هرگونه مذاکره جدی با دولت به طرح راه حل‌های مختلف از سوی نمایندگان بخش خصوصی نیاز دارد.

در ارتباط با طرح‌هایی که به دولت ارائه می‌شود باید گفت کیفیت اطلاعات طرح‌ها، بسیار حیاتی است؛ مشکلی که در حال حاضر در بسیاری از تشکلی‌ها وجود دارد، این است که دیدگاه‌ها و پیشنهادهایی که به دولت منتقل می‌شود، مبتنی بر دیدگاه و تجربه شخصی اعضا است. البته این مساله در سندیکای صنعت برق ایران کمتر دیده می‌شود، اما در مجموع روند انتقال دیدگاه‌ها باید از رویکرد تجربه مبنای دانش محور مبتنی بر داده، اطلاعات و دانش تغییر کند.

اگر کار به این صورت دنبال نشود، ممکن است تشکلی‌ها نتوانند در مواردی با لابی و مذاکره به موفقیت‌هایی دست یابند و تغییرات مقطعی و موقتی ایجاد کنند اما این تغییرات به شکل سیستماتیک، دازمدت و موثر باقی نخواهد ماند و با یک تغییر در دولت و تشکلی ممکن است این دستاورد از بین برود.

سندیکا نیز در مراحل این تجربه را داشته است، در مقطعی بر اساس پیگیری‌ها، ارتباطات و مداومت فعالین سندیکا در زمینه‌های مشخصی موثر واقع شده است و در

ارتقای سطح نمایندگی و برخورداری از همبستگی نسبی





دوره‌هایی که این پیگیری کمتر شده، میزان تأثیرگذاری آن نیز به شدت افت کرده است. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت شکل دهی به انجمن‌های کسب و کار موثر، نیازمند داشتن مشروعیت کافی، ارتباطات سازمان یافته و نهادینه با دولت و سطح نمایندگی بالا است. ایجاد انجمن‌های تأثیرگذار با سیستم‌ها و زیرساخت‌هایی که امکان شکل دهی به سیاست‌ها یا راه‌حل‌های مبتنی بر پژوهش‌های حرفه‌ای باشد، امکان پذیر است. اگر تشکیلات صنفی بتوانند زیرساخت‌های چابک و حرفه‌ای مبتنی بر دانش و اعتماد میان اعضا برای لابی و مذاکره با دولت فراهم کنند، با احتمال بالایی می‌توان پیش‌بینی کرد که تأثیرگذار باقی بمانند. البته این سخن بدین معنا نیست که می‌توانند همیشه هر تصمیمی را به نتیجه برسانند اما به هر حال این ساختار به استمرار و افزایش تأثیرگذاری آنها کمک شایانی خواهد کرد.

اما به هر حال باید این مساله را هم در نظر بگیرند که بازیگران دیگری نیز در حیطه فعالیت آنها وجود دارند. ممکن است سیاست‌هایی که یک تشکل پیشنهاد می‌کند، مخالفی داشته باشد و علیرغم همه تمهیداتی که در نظر گرفته می‌شود عوامل مختلفی منجر به عملی نشدن یک پیشنهاد شوند.

هنگامی که از اثرگذاری پایین تشکل‌ها صحبت می‌کنیم، باید دقت داشته باشیم که مبنای مقایسه مربوط به چه بازه زمانی است و آیا منظور ما مقایسه با تشکل‌های دیگر بخش خصوصی است یا خیر؟

به عنوان مثال سندیکای صنعت برق جزو تشکل‌های موفق ایران است، که شاید گروهی بر این باور باشند که اثربخشی پایینی دارد؛ طبق گزارش رتبه بندی اتاق بازرگانی و براساس شاخص‌های بین‌المللی و ارزیابی سختگیرانه، این نهاد در مقایسه با سایر تشکل‌ها گرید A و بالاتر از سطح متوسط است. این امر نشان می‌دهد که در سندیکا کار سازماندهی انجام شده، در حالی که ممکن است اثربخشی آن پایین باشد.

فراموش نکنیم که بخشی از اثرگذاری انجمن‌های کسب و کار به وضعیت عمومی اقتصاد کشور گره خورده است. به این معنا که نرخ رشد اقتصادی ایران حدود یک دهه پس از سال ۸۷ منفی بوده است و در حال حاضر نیز نرخ رشد عمدتاً از محل نفت است.

به علاوه بروز بحران‌های موزای در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هم می‌تواند به کاهش اثرگذاری تشکل‌ها منجر شود. کافی است این مساله در نظر گرفته شود که گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها حداقل از ۴ تا ۵ سال پیش نشان می‌داد که بودجه عمومی کشور در حوزه برق و انرژی با کاهش چشمگیری مواجه خواهد شد. بحران ناشی از کاهش بودجه می‌تواند اثرگذاری یک تشکل را به شدت خدشه دار کند. البته سندیکا بارها در همان دوره زمانی هشدار داد که نتایج این گزارش‌ها خطرناک است و به کاهش سطح سرمایه‌گذاری در صنعت برق منجر می‌شود.

پیش‌بینی شده بود که پروژه‌ها به شکل جدی با مساله تامین مالی مواجه می‌شوند.

بنابراین راه حل جایگزین این بود که یک کار پژوهشی در مورد مساله انرژی و اهمیت آن صورت گیرد و تحلیل روشنی از غلط بودن رویکرد دولت ارائه شود. سندیکا تلاش کرد از این طریق سیاست‌گذاران را متقاعد کند که سرمایه‌گذاری در بخش انرژی نباید کاهش پیدا کند.

از طرفی باید برای تامین منابع جایگزین صنعت برق مدل‌های جدیدی از تامین مالی پیشنهاد می‌شد که در آن زمان طرح مطالعاتی در مورد مدل‌های تامین مالی غیر وابسته به دولت‌ها در حوزه انرژی و به ویژه برق در کشورهای مختلف دنیا پیشنهاد شد. سندیکا تلاش کرد تا سطح آسیب‌پذیری کسب و کارهای صنعت برق را کاهش دهد، چراکه با این میزان وابستگی به منابع عمومی، صنعت برق به شدت آسیب‌پذیر است.

تاکید من بر این است که وقتی وابستگی اعضای یک تشکل به محیط اقتصادی کشور زیاد است، حتماً باید روش‌های جایگزینی

توسط تشکل ارائه شود تا شرایط محیطی منجر به تحمیل آسیب‌های جدی به شرکت‌های عضو نشود. در حال حاضر هم با توجه به شرایط بحرانی اقتصادی پیشنهاد این است که سندیکا باز هم بر مساله تامین مالی در صنعت برق ایران متمرکز شده و نسبت به انجام پژوهش‌های همه‌جانبه در این خصوص اقدام کند.

به نظرمی‌رسد به لحاظ تشکیلاتی و سازمانی چند عامل مهم در سندیکا به سرانجام جدی نرسیده است و باید روی آن فکر شود. مساله افزایش هماهنگی در سندیکا بسیار حیاتی است. در واقع حضور همزمان کسب و کارهایی با تعارض منافع جدی، نسبت قابل توجه تعداد فعالین در سندیکا، فعالیت ۲۵ کمیته تخصصی که وظیفه نمایندگی منافع اصناف مختلف صنعت برق را دارند و سرریز حجم اطلاعات و تقاضا نسبت به منابع، از عوامل ایجاد اختلال در هماهنگی است.

اگر فرایندهای هماهنگی بین بخش‌های مختلف به درستی اتفاق بیفتد، می‌توان با خیالی آسوده با مشارکت اعضا در مورد چگونگی بهره‌گیری از این توانمندی‌ها برای دستیابی به اهداف سازمان و نیز تعیین محورهای اصلی پروژه‌های سندیکا، تصمیم‌گیری کرد. سندیکا در برخی از حوزه‌ها تحرک زیادی دارد، اما تمرکز کافی ندارد. به طوری که همچنان برخی از پروژه‌های یک دهه پیش نظیر قرارداد تیپ و فهارس بها در جریان است. لذا کاری که امروز باید انجام شود این است که این مسائل را با اولویت‌های مد نظر اعضا به صورت جدی پیگیری کرده و به نتیجه برساند. تنظیم کردن اهداف تشکل با مطالبات و نیازهای اعضا و اولویت‌بندی آنها هم در سازماندهی موفق تشکل‌ها اهمیت بسیاری دارد. تقریباً همه بخش‌های یک تشکل باید در فرایند گفت‌وگوی عمومی، همکاری و مشارکت جمعی متقاعد شوند که اولویت یک سال آینده چه مسائل استراتژیکی خواهد بود.

خوشبختانه ظرفیت‌های زیر ساختی برای اولویت بندی نیازها و مطالبات در سندیکا

ارتقای سطح علمی  
و کارشناسی

تنظیم کردن اهداف  
با مطالبات و نیازهای اعضا و اولویت بندی آنها

»

### هر چند سندیکا در حال حاضر ظاهرًا جز هیچ کمیته رسمی کلانی نیست، اما موقعیت کم نظیری در اتاق بازرگانی دارد. در واقع تشکل های کمی وجود دارند که رهبران آن مانند رهبران سندیکا در اتاق بازرگانی معتبر بوده و جدی گرفته شوند

وجود دارد اما به نظر می رسد باید در شیوه های اجرایی آن تجدید نظر شود و اعضا در گفت و گوی دائمی، سازمان یافته و حرفه ای در مورد مسائل کلیدی به اجماع برسند.

مسئله بازسازی اعتماد بدنه سندیکا به رهبری تشکل نیز بسیار حیاتی است؛ چون سندیکا نیاز به انتقال یک صدای واحد به محیط بیرون، از جمله وزارت نیرو و مجلس و... دارد. از طرفی حمایت های مالی، پشتیبانی، اطلاعاتی و حضور و مشارکت رهبران بنگاه های اقتصادی عضو هم برای تحقق اهداف توافق شده بسیار کلیدی است و در بازسازی اعتماد بدنه سندیکا به رهبری سازمان اهمیت ویژه ای دارد.

در تشکل های کارگری و NGOها به دلیل منافع مشترک و نبود اهداف متعارض این اعتماد به میزان زیادی ایجاد می شود، ولی ساختن این اعتماد در سندیکا به دلیل وجود منافع متعارض کار دشواری است. از آنجایی که اعضای این تشکل ها با یکدیگر رقیب هستند، عموماً سطح اعتماد به خودی خود کاهش می یابد، لذا برای بهبود این مساله نقش دبیرخانه سندیکا، و ایجاد زیرساخت هایی مانند شیوه های رهبری سازمان، تعهد هیات مدیره و دبیرخانه به شیوه های رهبری مشارکتی و تمرکز بر اولویت بندی های صحیح منافع اعضا بسیار حیاتی است.

برای اینکه یک عضو در یک سازمان عضویتی، هزینه های سازمان را تقبل و در همکاری جمعی مشارکت کند، به چند عامل کلیدی نیاز داریم. در ابتدا هر یک از اعضا باید اطمینان حاصل کنند که هزینه ای که صرف عضویت در یک تشکل می کنند، صرف همان اولیوی می شود که برای آنها تبیین شده است. از طرفی تشکل ها نباید قولی بدهند که نمی توانند از عهده اجرای آن برآیند. این موضوع در هدف گذاری تشکل ها مساله مهمی محسوب می شود، اگر ارزیابی یک تشکل این است که امکان دستیابی به اهداف تدوین شده برایش فراهم نیست، نباید پیشنهادی در این خصوص ارائه دهد چرا که در نهایت عدم توانمندی او برای اجرایی کردن این اهداف و وعده ها به کاهش سطح اعتماد اعضا و سرمایه اجتماعی آن تشکل منجر می شود. بنابراین پیدا کردن موضوعات و مسائل مشترکی که دربرگیرنده بخش زیادی از اعضا بوده و امکان به نتیجه رسیدن آن فراهم است، به ساخته شدن و یا افزایش سطح اعتماد اعضا به تشکل کمک می کند.

به نظر می رسد رهبری و مدیریت سندیکا در این زمینه وضعیت نگران کننده ای ندارد. البته در دوره هایی این نقد به شکل جدی مطرح بود که ظرفیت ها و قابلیت های مهمی که در سندیکا ایجاد شده به جای اینکه صرف منافع عمومی شود، صرف شرکت های خاص می شد. مساله این است که حتی اگر چنین ذهنیتی به طور غیرواقعی وجود دارد، سندیکا باید با شفاف کردن نوع ارتباط خود با دولت و اطلاع رسانی در خصوص عملکرد هیات مدیره، منابع مالی، هزینه ها و تمام فرایندهای تشکل این ذهنیت را از بین ببرد.

تاکید من بر این است که مدیران و رهبران در

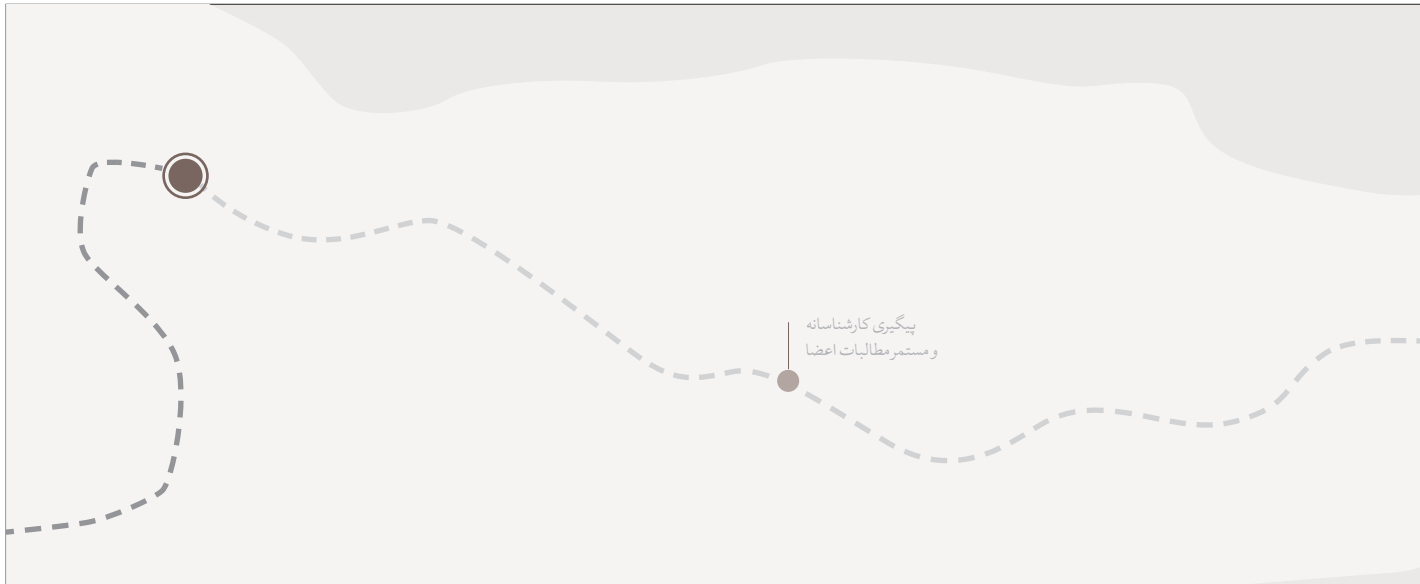
تشکیلات صنفی و حتی اتاق بازرگانی باید با مواردی که به بروز تعارض منافع منجر می شوند، به صورت جدی برخورد کنند، چون این موضوع به هیچ عنوان قابل مماشات نیست و تأثیر آن بر روی اعضا بی نهایت مخرب است. یکی دیگر از آسیب هایی که از این محل متوجه انجمن های کسب و کار می شود، این است که برخی از رهبران متهم می شوند که از اعتبار انجمن به نفع کسب و کار خودشان استفاده می کنند. این مساله به طور طبیعی به اعتماد اعضا و تشکل لطمه می زند، لذا باید قواعد مدیریت تعارض منافع میان اعضا اعلام و جدی گرفته شود.

اگر صلاحیت های اخلاقی حرفه ای رهبری یک تشکل زیر سوال برود و اعضا به سلامت و درستکاری آن اعتماد نکنند، به طور طبیعی مشارکت خود را کاهش داده و حق عضویت خود را پرداخت نمی کنند. به این ترتیب تشکل گرفتار چرخه مخربی می شود که بیرون آمدن از آن تقریباً غیر ممکن است.

اگر درون یک تشکیلات داوطلبانه صنفی اعضا به یکدیگر و به رهبری سازمان اعتماد نداشته باشند، حمایت خود را دریغ کرده و منابع خود را در اختیار تشکیلات قرار نمی دهند. به هر حال نباید فراموش کنیم که رهبری تشکل بدون حمایت و همراهی مالی و غیرمالی اعضا امکان انجام مذاکره موثر با دولت را نخواهد داشت.

نکته بعد این است که تشکل باید تلاش کند مشارکت حداکثری اعضا را جلب کند و در کنار آن نسبت به اعضایی که مشارکت فعال دارند و حق عضویت خود را به موقع پرداخت می کنند، حساس تر باشد. باید در ارائه خدمات تفاوت روشنی بین این دست از شرکت های عضو با اعضایی که سطح همکاری پایینی با





پیگیری کارشناسانه  
و مستمر مطالبات اعضا

تشکل دارند، قائل شد.

نکته سوم مهارت‌های رهبری در تشکل هاست. باید دقت داشته باشیم که ممکن است رهبران، منابع را صرف مسائل خصوصی نکنند و حداکثر اعضا نیز مشارکت لازم را داشته باشند؛ اما اقدام کننده، رهبر شایسته‌ای نباشد و به تعبیری منابع را اگرچه میل نمی‌کند اما حیف می‌کند. در اینجا نیز اعتماد از بین می‌رود، بنابراین مساله دانش، کیفیت رهبری و انتخاب رهبران بر اساس یک مدل صلاحیت به تدریج باید در مورد تشکل‌های صنفی ایران پیاده سازی شود. این الزام در مورد سندیکا هم مصداق دارد. در حقیقت احراز حداقل‌های صلاحیت چه در سطح مدیریت اجرایی و چه در حوزه هیات مدیره و منتخبین کمیته‌ها باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

امروزه این مساله ثابت شده است که در راس تشکل‌هایی که فاقد اعضایی با قابلیت‌های تخصصی، مهارتی و اجتماعی بالا هستند، عمدتاً هیات مدیره‌هایی ضعیف قرار می‌گیرد. البته این عارضه به علل مختلف در سندیکا کمتر رخ داده است. چرا که کسانی که در مجمع عمومی سندیکا و در جمع کثیری از نخبگان صنعت برق رأی می‌آورند و انتخاب می‌شوند، علی‌القاعده باید دارای حداقل‌های صلاحیتی باشند؛ ولی به هر حال لزوم افزایش قابلیت‌های هیات مدیره برای حل مساله و بهبود کیفیت تصمیماتش، باید همواره مورد تاکید قرار گیرد.

در همین راستا هیات مدیره می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های موجود شامل توانمندی‌های پژوهشی دبیرخانه، به کارگرفتن و استخدام مشاورین حرفه‌ای و متخصص و نیز تشکیل اتاق فکری در سطوح بالایی مدیریتی در این مسیر موفق عمل کند.

سندیکا و کل تشکل‌هایی که در ایران در گرید A و B دسته بندی می‌شوند، به تدریج باید با هدف بهبود سطح نمایندگی خود به سمت تغییرات نظام تشکلی پیش بروند تا زمینه را برای شنیده شدن صدای همه اعضای خود فراهم کنند. وقتی هر طیفی از اعضا نماینده ای داشته باشد، بدون تردید کیفیت تصمیم‌گیری در تشکل به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد.

نکته دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که پایه اصلی تشکل‌های مؤثر در دوران جدید، توان در مدیریت دانش، طبقه بندی و سازماندهی دانش و تولید سیاست‌ها و راه حل‌های با کیفیت است.

سرمایه اجتماعی در وجه خرد و درون تشکیلات انجمن، بین اعضا، بین اعضا و مدیریت سازمان، بین دبیرخانه و اعضا و حتی بین پرسنل سازمان نقش حیاتی در موفقیت تشکل‌ها ایفا می‌کند. تشکل موفق قادر به شبکه سازی و توسعه ارتباطات بیرونی خواهد بود. چنین تشکلی تبدیل به یک مشاور دائمی برای نهادهای تصمیم‌گیری می‌شود و موقعیت خود را از مشتری به مشاور ارتقا می‌دهد و به نظری می‌سد که سندیکا در مراحل مختلف رشد این مراحل را نیز طی کرده است.

سندیکا در مرحله‌ای فاقد مشروعیت بود. وزارت نیرو در سال ۸۴، خواستار تغییر نام سندیکا شد و کار به جایی رسید که حتی مدیر کل حقوقی وزارت نیرو هم حاضر به ملاقات حضوری با مقامات سندیکا نشد. اما این تشکل با افزایش اعضا، شکل دهی به ساختار حرفه‌ای، ارتقا ظرفیت‌های پژوهشی، افزایش قابلیت‌های رسانه‌ای و نهادسازی به تدریج از مراحل مختلف رشد تشکلی عبور کرد.

هر چند سندیکا در حال حاضر ظاهراً عضو

هیچ کمیته رسمی کلانی نیست، اما موقعیت کم نظیری در اتاق بازرگانی دارد.

نمایندگان سندیکا سال‌ها در شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی شرکت می‌کردند و در حال حاضر می‌توانند مدیریت کمیسیون‌های مختلف اتاق را به راحتی در اختیار بگیرند. امروز سندیکا توسط وزارت نیرو به رسمیت شناخته شده و به طور دائمی طرف مشورت و مذاکره قرار می‌گیرد. به علاوه مطبوعات و رسانه‌ها سندیکا را در صنعت برق به عنوان یک مرجع قابل اتکا می‌شناسند. البته به نظرمی رسد سندیکا همچنان در مرحله کسب اعتبار است. در واقع کیفیت تمامی ندارد و تشکل‌ها دائماً می‌توانند با دسترسی به اطلاعات باکیفیت و دانش تخصصی بیشتر به شکل قوی تری در محافل و سازمان‌ها حضور پیدا کنند. باید بر روی قابلیت اعتماد سندیکا سرمایه گذاری شود، این تشکل در مرحله‌ای است که به تدریج می‌تواند قواعد حکمرانی مطلوب را پیاده سازی کند و برای رسیدن به این مرحله گام‌های بزرگی برداشته است.

شیوه برنامه‌ریزی سندیکا باید به سمت مدل‌های حرفه‌ای تری هدایت شود که با وجود کارشناسان برجسته این تشکل دستیابی به این مهم، کار پیچیده‌ای نخواهد بود.

به علاوه باید در خصوص میزان چاپکی دبیرخانه و بدنه اجرایی تصمیماتی اخذ شود. به این ترتیب می‌توان با تفویض اختیار، به آنها اجازه داد که وارد حوزه‌های جدید شوند. از آنجایی که سندیکا در مرحله مساله شناسی موفق بوده، در شرایط کنونی نیاز به یک بدنه اجرایی با کیفیت بالا دارد که به صورت تخصصی و حرفه‌ای، مهارت حل مساله داشته باشند. ■



# سرمایه اجتماعی، هدف و ابزار شکل‌گرایی بالنده

تاریخ انقلاب صنعتی در انگلستان نشان می‌دهد که پیش از آنکه دانشمندان، مهندسان و تکنیسین‌ها در این کشور راه خود را برای انقلاب با ابزار و ماشین برای تولید انبوه کالا آغاز کنند، نهادهای کارفرمایی در فعالیت‌های گوناگونی مانند فعالیت‌های تشکلی، مثل فروشندگان انواع پرنده، نیز شروع به کار کرده بودند.

این نهادهای کارفرمایی در کنار رشد آگاهی در خانواده‌ها و شهروندان در انگلستان، بدون چون و چرا راه کامیابی این کشور به سوی انقلاب صنعتی را هموار می‌کردند. بنگاه‌ها، خانواده‌ها و نهادهای کارگری و کارفرمایی در کنار احزاب همان جلوه‌های نهادمدنی بودند که جان لاک فیلسوف آزادی در انگلستان وجود آن‌ها را برای پدیدار شدن جامعه دارای تعادل و توازن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌دانست.

به این ترتیب بود که تشکل‌های غیردولتی به مرور از انگلستان به سایر کشورهای اروپایی راه یافتند و یک جامعه دارای تعادل و توازن را در اروپای غربی بنا گذاشتند. واقعیت این است که در غیاب نهادهای مدنی دارای قدرت واقعی که بتوانند همپای نهادهای حکومتی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها کارآمدی داشته باشند، جوامع به سوی استبداد دولتی پیش می‌روند.

شاید این نهاد و مدیران آن چنین احساسی نداشته باشند، اما از پیش معلوم است اگر نهادهای مدنی از جمله تشکل‌های واقعی در جوامع وجود عینی نداشته باشند، روزهای دشواری برای آنها پدیدار می‌شود. برای اینکه بتوانیم مفهوم یاد شده را به ذهن نزدیک کنیم به جامعه ایران در اواخر دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردیم.

در آن دهه سخت از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ که ایران درگیر اداره جنگ و تثبیت انقلاب بود، سرمایه داران خصوصی نابود شدند و عملاً هیچ نهاد کارفرمایی بزرگی نبود تا در برابر دولت وقت ایستادگی کند. به این ترتیب بخش خصوصی نمی‌توانست در نوشتن قانون کار نقش و سهم داشته باشد، تا قانونی برپایه جامع‌نگری بر جوانب و منافع ملی به جای منافع کارگران نوشته شود.

در حال حاضر و پس از سپری شدن نزدیک به ۳۰ سال از زمان تصویب و اجرای قانون کار موجود که به گواه اکثریت کارشناسان نقص‌های بنیادین دارد، محیط کار و مناسبات میان کارگران و کارفرمایان مخدوش است و این نشان می‌دهد که نبود یک تشکل کارفرمایی اثرگذار تا چه حد می‌تواند مشمول پیامدهای منفی برای اقتصاد کشور باشد.

بنابر آنچه نگاشته شد وجود تشکل‌های کارفرمایی به‌مثابه تبلوری از جامعه مدنی یک ضرورت است. براساس میزان اهمیت و نقشی که نهادهای مدنی در برابر نهاد حکومت دارند. در کشورهای گوناگون این نهادها توانایی‌هایی با درجه‌های مختلف دارند. در غرب، این نهادهای مدنی دارای قدرت واقعی‌اند و می‌توانند مناسبات در حکومت را از

خواست و هدف خود متأثر کنند.

در ایران، اما برپایه تجربه‌های تاریخ معاصر و براساس بررسی کارشناسانه وضعیت موجود، نهادهای مدنی از جمله نهادهای کارفرمایی دارای قدرت واقعی و اثرگذار نیستند. در صورتی که اتاق بازرگانی را به‌مثابه مادر تشکل‌های کارفرمایی لحاظ کنیم و اندازه قدرت این نهاد را با قدرت دولت مقایسه کنیم، به نتایج تاسف‌باری می‌رسیم.

درباره دلایل ضعف تاریخی نهادهای مدنی در ایران از جمله نهادهای کارفرمایی در برابر دولت به نکات قابل‌اعتنایی می‌توان اشاره کرد. به نظر می‌رسد نیروی انسانی به‌مثابه سرمایه اجتماعی هر نهاد و سازمان در هر اندازه و در هر عصر و دوره و در هر سرزمینی نقش بسیار بااهمیتی در نیرومندی یا ناتوانی دارند و این چیزی است که در ایران متأسفانه مورد غفلت واقع شده است.

با وجود اینکه در ایران و در میان تشکل‌های کارفرمایی نهاد دموکراسی نیرومند است و زبده‌ترین نیروهای انسانی می‌توانند با حفظ و رعایت مقررات در انتخابات تشکل‌های کارفرمایی حاضر باشند، اما این اتفاق به دلایل گوناگون، روندی تکامل یافته نیست. ناتوانی تشکل‌ها در برابر دولت در برآورده کردن خواسته‌های قانونی منطقی خود راه را برای تضعیف سرمایه اجتماعی نیرومند، مسدود می‌کند.

ورزیده‌ترین نیروهای یک صنف شاید هرگز به درون مناسبات رقابتی در نهادهای کارفرمایی ورود نکنند و از این ناحیه به تشکل‌ها آسیب برسد. با فرض اینکه کارآمدترین نیروی انسانی شناخته شده در هر صنفی به مناسبات رقابتی وارد شده و در راس هرم رهبری تشکل‌ها قرار گیرند، اما در عمل نتوانند کاری از پیش ببرند. در این صورت آن‌ها نیز به روزمرگی افتاده و دست از بلندپروازی‌های قانونی و عرفی برداشته و تشکل‌ها را به محیطی اداری تبدیل می‌کنند که در دیوانسالاری با موسسه‌های دولتی رقابت می‌کنند.

از سوی دیگر وقتی اعضای تشکل‌ها در یک دوره توان‌آزمایی تشکل‌ها در مواجهه با نهادهای دولتی به این نتیجه می‌رسند که تشکل‌ها کاری از پیش نمی‌برند، از مشارکت فعال در تشکل اجتناب خواهند کرد. بنابراین تشکل‌ها و فقدان سرمایه اجتماعی نیرومند در یک دور کاهنده یا بازنده قرار می‌گیرند. سرمایه اجتماعی ناتوان به تضعیف نهادینه شده تشکل‌ها منجر می‌شود و تشکل ناتوان نیز در جذب نیروی انسانی نیرومند ناتوان می‌شود.

این وضعیت در تشکل‌های ایرانی به درجه‌هایی کم یا زیاد دیده می‌شود. برای برون‌رفت از این وضعیت باید یک جنبش عمومی تشکل‌های نیرومند برپا شده و این نهادهای مدنی ضمن اینکه منافع صنفی خود را لحاظ می‌کنند، به منافع بزرگ‌تر اندیشیده و راه مقابله قانونی با دولت را بیابند. ■





# صنعت برق و افول سرمایه اجتماعی

برای ایجاد صدای واحد در صنعت از طریق سندیکای صنعت برق

۲. «ما»ی سندیکای برق: سندیکای صنعت برق از پیشروان همکاری جمعی و ساختن سرمایه اجتماعی و شاید موفق ترین و مشهورترین تشکل اقتصادی در سال های گذشته بوده است. این مهم بویژه در بحران اقتصادی اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ مشهود بود. لذا دارای مشخصات سازمان مهم است از قبیل:

الف. تجربه مواجهه با فضای رکود و بحران

ب. نیروهای سازمانی دارای مهارت و دانش مواجهه با بحران

ج. اعضای دارای سرمایه اجتماعی تجمیع شده

د. ساختار سازمانی طراحی شده برای توسعه سرمایه اجتماعی

ه. برند و اعتبار سازمانی مناسب در بین دولتمردان و تشکل های بخش خصوصی بویژه اتاق بازرگانی

لذا رهبران و مدیران سندیکا نیز با توجه به احتمال کاهش درآمدهای ناشی از حق عضویت و خدمات برای سال های پیش رو باید رویکرد و محتوای مدیریت خود را تغییر دهند که به نظر می رسد با انتخاب دبیرکل برآمده از داخل سازمان و آشنا به فضای بالا گام اول را بدرستی برداشته اند. از جمله نکاتی که سندیکا باید بیشتر از گذشته به آن پردازد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الف. توجه بیشتر به ساختارهای مشارکتی: دعوت بیشتر از اعضا برای حضور در سندیکا و کمیته ها، اعتماد سازی، افزایش ارتباط با اعضا برای افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی صنعت برق
- ب. شکل دهی به همکاری های مشترک: برای شرکت در مناقصات، کاهش رقابت های مخرب، شکل دهی به کنسرسیوم ها، ادغام ها و ...
- ج. تمرکز مجدد بر کمیته توسعه صادرات: تمرکز بر بازار کشورهای همسایه، هدفمند تر کردن اعزام و پذیرش هیئت های خارجی، همکاری مشترک در بین اعضا برای توسعه صادرات و برگزاری نمایشگاه های تخصصی در کشورهای همسایه، کاهش مشکلات صادراتی اعضا با استفاده از ظرفیت سازمان توسعه تجارت، وزارت خارجه، اتاق بازرگانی و ...
- د. تمرکز بر توسعه روابط و اعتماد سازی با وزارت نیرو برای جلب حداکثر همکاری جهت حفظ ظرفیت های صنعت برق
- ه. گسترش همکاری با تشکل های موازی و جلوگیری بیش از پیش از دو صدایی: شاید شرایط پیش رو بیش از هر زمان دیگری نیاز به شکل گیری فدراسیون با همکاری دیگران را پررنگ می کند.
- صنعت برق با در اختیار داشتن کارآفرینان و نیروی انسانی دارای تحصیلات بالا، میانگین بالای دانشی، سرمایه اجتماعی ناشی از همکاری های مشترک، سازمان نمایندگی کارآمد (سندیکای صنعت برق)؛ شاید بیشترین پتانسیل های لازم برای عبور از بحران های پیش رو را خواهد داشت. ■

مسایل و بحران های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ماه های اخیر به حدی متنوع و گسترده و البته پیچیده بوده که در پیش چشمان روشنفکران، محققین و سیاستمداران قرار گرفته است و نگاه و سیما و کلام مردم و بویژه طبقه متوسط شهری را بیش از پیش نگران و پریشان نموده است. طبقه متوسط از طرفی با لیستی از بحران های اقتصادی نظیر کاهش ارزش پول ملی، افزایش قیمت ها، بحران بانکی، بحران موسسات اعتباری، بحران های مبادلاتی ناشی از تحریم ها، عدم پرداخت معوقات پروژه ها و ... و از طرف دیگر با یاس، ناامیدی، بی اعتمادی، فرسودگی، خستگی و بحران های روان شناختی اجتماعی دست به گریبان شده است.

وضعیت بغرنج فوق بر دو «ما» تأثیرات شاید عمیق تری داشته باشد:

۱. «ما»ی صنعت برق: شاید بیشترین تهدیدات را برای افرادی در پی داشته باشد که از پس سال ها زنج و مزارت و تلاش؛ نیروی انسانی، تولید و سرمایه ای را تجمیع کرده اند و بسان کارآفرینان خارجی سودای توسعه و افزایش سرمایه را در سر می پروراندند اما اینک نه در سودای توسعه که در پروای از کف رفتن سرمایه ها هستند. آنها در سال های پیش رو احتمالاً با بحران های زیر مواجه خواهند شد:

- رکود اقتصادی فراگیرتر
- کاهش قدرت خرید دولت و مردم و حجم بازار
- کاهش سهم بازار
- افزایش دستمزدها و هزینه های عملیاتی
- بی انگیزگی پرسنل
- تنش های سازمانی توسط نیروی انسانی
- ...

کارآفرینان صنعت برق باید خود را بیش از پیش برای این روزهای سخت آماده سازند. موضوع توجه به پارامترهای اجتماعی برای بقای سازمانی بیش از پیش اهمیت دارد. لذا توجه مدیران را به پیشنهادات زیر جلب می کنم:

- الف. حفظ نیروهای خوش بین، امیدوار، با تجربه، متعهد
- ب. کاهش ارتفاع سازمان: کاهش سلسله مراتب، اعتماد سازی، کاهش رسمیت، جلب بیشتر مشارکت مدیران و پرسنل در راستای افزایش اعتماد و سرمایه اجتماعی
- ج. توجه و تمرکز بیشتر بر صادرات به ویژه با کشورهای دارای مرز زمینی (به دلیل گسترش تحریم ها و سختی مبادلات پولی)
- د. تمرکز بیشتر بر همکاری های مشترک در داخل از طریق کاهش رقابت های مخرب، ادغام های افقی با شرکت های رقیب، ساختن برندهای بزرگ تر
- ه. افزایش همگرایی، همسویی و همکاری با سایر کارآفرینان صنعت برق

# سرمایه اجتماعی؛ تهدید یا فرصت



بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و تنها با پشتیبانی سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، لیکن بدون سرمایه اجتماعی هرگز اقدام درخور و هدفمندی انجام نخواهد شد. این سرمایه، گردآیه‌ای از هنجارهای موجود در سامانه‌های اجتماعی است که موجب بالا رفتن سطح همکاری اعضای آن جامعه و کاهش سطح هزینه‌های تبادلات گشته که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. اما دیدگاه‌های چپ‌گراتر بر این باور هستند که شرایط منفی و بحرانی، افراد را به سوی استفاده از انرژی و توانایی‌های بالقوه گروهی

بر بهره‌وری افراد و گروه‌ها تأثیر خواهد گذاشت و از اینرو امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، نام سرمایه اجتماعی (Social Capital) نیز به چشم می‌خورد. سرمایه اجتماعی در واقع بعد معنوی یک اجتماع است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی قادر است، موفق به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع شود که البته ابعاد این اجتماع می‌تواند کوچک یا بزرگ و یا حتی اجتماعی در دل اجتماعی بزرگتر باشد. در واقع، سرمایه اجتماعی در ساختار مثبت آن را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به شمار آورد،

آیا آنچه به عنوان ویژگی مثبت ایرانیان از آن یاد می‌شود به راستی مفید است؟! سرمایه اجتماعی مفهومی جامعه‌شناسانه است که در شاخه‌های گوناگون دانش، از آن برای پرداختن به ارتباط‌های درون و میان‌گروهی بهره گرفته شده و تعاریف چندگانه‌ای دارد.

مفهوم سرمایه اجتماعی بیشتر بر این پایه استوار است که شبکه‌های اجتماعی (به مفهوم عام، کلاسیک و گسترده آن و نه به معنی نرم‌افزارهای ارتباط مجازی، هرچند این بخش را نیز شامل می‌شود). دارای ارزش هستند و مانند سایر سرمایه‌ها که توان انجام کاری را فراهم می‌کنند، ارتباطات اجتماعی نیز



و پشتیبانی از یکدیگر هدایت می‌کند که به نوعی همبستگی از روی اجبار و ضرورت است و براین اساس سرمایه اجتماعی چندان نیز اصیل و معنوی نبود و تنها یک سازوکار واکنشی است.

باید آگاه بود که سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما اینکه جامعه از آن نفع می‌برد یا خیر کاملاً وابسته به کاربرد آن در یک موقعیت ویژه است، برای نمونه باندبازی را می‌توان یک سرمایه اجتماعی خواند که کارکرد منفی دارد، زیرا تقویت‌کننده یک نظام اخلاقی دوگانه است که در آن فرد مجبور است جانب اعضاء خانواده خود را بگیرد، از این رو آنان را در چارچوب این روابط به سود رسانده و به جامعه و اعتمادش زیان خواهد زد.

تمایز این دو نوع سرمایه اجتماعی به درک اثرات احتمالاً منفی این مفهوم بر کل جامعه یاری خواهد رساند. گرچه پیامد سرمایه اجتماعی در نهایت همواره به سود افراد و گروه‌هایی خواهد بود، اما زیان روی دیگر این سکه است. شبکه‌های افقی شهروندان و گروه‌ها که موجب افزایش بهره‌وری اجتماع و همبستگی هستند، به عنوان سرمایه اجتماعی مثبت تلقی می‌شوند، حال آنکه باندهای انحصارگرایی خودمحور و ساختارهای لابی را می‌توان سرمایه اجتماعی منفی و از معضلات جامعه نامید هرچند که برای بخشی از جامعه سود داشته باشد.

عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را می‌توان در چهار دست‌عوامل نهادی به معنای قانون، رسم، عرف، عادت، عوامل خودجوش که به جای قانون، از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند، عوامل بیرونی که شامل هنجارهایی بیرون از اجتماع همچون دین، مذهب و ایدئولوژی است و عامل پایانی طبیعی است که دو دسته از عوامل روابط خویشاوندی و همبستگی‌های قومی و نژادی را شامل می‌شود.

همانگونه که دیده می‌شود عوامل اثرگذار روی سرمای اجتماعی، همگی پیرامون انواع و اقسام هنجارهای موجود در میان گروه‌ها و جوامع بوده و اثر مثبت و منفی خود را بسته به منشاء و ماهیتشان خواهند گذاشت.

شاید بتوان گفت سرمایه اجتماعی، به کسانی که یک فرد می‌شناسد بستگی دارد؛ یعنی اندازه، کیفیت و تنوع شبکه‌های کسب و کار و شبکه‌های ارتباطی شخصی انسان در آن مؤثر است؛ اما فراتر از آن، به کسانی که انسان نمی‌شناسد نیز بستگی دارد. زیرا به صورت

غیرمستقیم و به وسیله شبکه‌ها با آنها در ارتباط است و همین موضوع اندازه‌گیری کمی این سرمایه را دشوار می‌کند و حتی شمار اعضاء یک گروه یا شبکه نیز نمی‌تواند شاخصی برای این کار باشد و چه بسیار گروه‌هایی که با وجود شمار کم اعضاء، سرمایه اجتماعی بسیار نیرومندی در اختیار دارند و با جوامعی هستند که با جمعیت کم به دلیل عضویت اشخاص در گروه‌های پرشمار، سرمایه اجتماعی عظیمی را ایجاد کرده‌اند. افزون بر این سطح همبستگی در گروه و سرایت‌پذیری شبکه نیز بر سرمایه اجتماعی اثر می‌گذارد که مورد پایانی را می‌توان با روش‌های پیچیده ریاضی تا اندازه‌ای به صورت کمی محاسبه کرد.

با وجود آنچه گفته شد، باید اعتراف کرد که سرمایه اجتماعی هنوز تا اندازه بسیاری تاریک و گنگ است و باید با پرداختن به مفاهیم جانبی پیوسته با آن، تلاش کرد تا ابعادش به روشنی مشخص شود. یکی از مفاهیم مفید در تبیین سرمایه اجتماعی، مفهوم "شبکه اعتماد" است، شبکه اعتماد، بیانگر این مطلب است که افراد بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر؛ از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات میان خود استفاده می‌کنند. "شعاع اعتماد" نیز در مسیر راهگشا بوده و به معنای میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل میان اعضای یک گروه است و هرچه این شعاع و شبکه گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی قوی‌تر است.

از نگاهی دیگر سرمایه اجتماعی را می‌توان به دو دسته پیشینی و پسینی تقسیم کرد. سرمایه اجتماعی پیشینی منافع، فرصت‌ها و امکاناتی است که گروه بدون تلاش و به دلیل کارکردهای اعضای پیشین از آن بهره‌مند شده است. سرمایه اجتماعی پسینی نیازمند تلاش و کوشش اعضاء گروه برای برقراری تعاملات بهینه جهت دریافت اطلاعات و امکانات لازم است. در واقع، سرمایه اجتماعی پیشینی، ارث و میراث گروهی است که به اعضاء جدید می‌رسد، ولی سرمایه اجتماعی پسینی با اعمال و مناسبات افراد حاضر در گروه فراهم می‌شود. سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی دارد که آن را از سرمایه به مفهوم کلاسیک متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌ها انتقال‌ناپذیری عملی آن است و به آسانی مبادله نمی‌شود، سرمایه اجتماعی، دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند، نیست. سرمایه اجتماعی، منبع مهمی برای افراد است و می‌تواند بر توانایی کنش آنان و کیفیت مشهود

زندگی‌شان اثر شگرفی بگذارد. آنان توانایی ایجاد چنین سرمایه‌ای را دارند.

لیکن سرمایه اجتماعی ویژگی شگرف دیگری نیز دارد، بسیاری از منافعی که سرمایه اجتماعی به وجود می‌آورد توسط افرادی غیر از کسانی که آن را ایجاد می‌کنند، کسب می‌شود. در نتیجه بیشتر شکل‌های سرمایه اجتماعی به عنوان نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر ایجاد یا نابود می‌شود. سرمایه اجتماعی به آفریده می‌شود یا از میان می‌رود بدون اینکه کسی قصد آفرینش یا نابودی آن را داشته باشد.

سرمایه اجتماعی را می‌توان از دیدگاهی دیگر و رویکردی ساده روشن تر به دو گروه سرمایه اجتماعی درون گروهی (سرمایه اجتماعی قدیم) و سرمایه اجتماعی برون گروهی (سرمایه اجتماعی جدید) تقسیم کرد و عناصر اصلی تشکیل دهنده آن که پیرامون محور اعتماد گرد آمده‌اند را اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حکومت و نهاد‌های اصلی جامعه، اعتماد نهاد‌های یاد شده به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم تشکیل می‌دهد.

### سرمایه اجتماعی،

#### جامعه مدنی و سیاست مدرن

برخی جامعه مدنی را به صورت مجموعه انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه بیرون از حوزه بازار و دولت تعریف می‌کنند. افراد از رهگذر جامعه مدنی شبکه‌های ارتباطی ایجاد می‌کنند و این انجمن‌ها با ساختاری غیررسمی و انعطاف‌پذیر، مردم را به هم ارتباط و اعتماد و عمل متقابل را گسترش می‌دهند و جامعه را با دوستی بدون اجبار استحکام می‌بخشند.

با توجه به تعریف سرمایه اجتماعی می‌توان به سادگی فهمید که جامعه مدنی در واقع اشکال گوناگونی از این سرمایه را در خود دارد و موجب تقویت جامعه مدنی خواهد شد، لیکن از سوی دیگر سرمایه اجتماعی ممکن است به جای تقویت جامعه مدنی موجب ایجاد انحصار نیز بشود و به همین دلیل می‌بایست در این زمینه محتاط بود.

### سرمایه اجتماعی و سلامتی

تحقیقات رو به رشد پیرامون سلامتی نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات، حافظ سلامتی است. افرادی که در شبکه یا اجتماعی سرشار از حمایت و اعتماد عمومی زندگی می‌کنند منابعی در اختیار دارند که بر سلامت آنها اثر مثبت می‌گذارد. به‌طور مثال، یک بیمار سرطانی می‌تواند بدین طریق اطلاعات،

اگر شهروندان نسبت به سازمان های دولتی بی اعتماد شوند، جامعه از نظر سرمایه اجتماعی فقیر خواهد شد زیرا هنگامی که بنگاه های دولتی بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود، در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می کنند



پول یا حمایت روانی را که برای درمان و بهبود نیاز دارد بدست آورد، البته این بازده مثبت در صورتی دریافت خواهد شد که خود سرمایه اجتماعی مثبت باشد و گروه یا اجتماع، رفتارهای سالم و مثبت را به فرد پیشنهاد دهد.

#### سرمایه اجتماعی و فضای مجازی

همانند مشاهده اخبار و آگاه شدن از آخرین وقایع، استفاده از اینترنت می تواند بر سرمایه اجتماعی هم اثر مثبت داشته باشد. رشد سری شبکه های اجتماعی نشان دهنده این است که کاربران در حال ایجاد شبکه ای مجازی با سرمایه اجتماعی بالا هستند و ویژگی های فضای اینترنتی نیز موجب می شود که افراد بتوانند به صورت انتخابی و براساس منافع و پیشینه های کاملاً معین با هم ارتباط برقرار کنند.

می توان گفت که درکل ارتباط مثبتی میان سرمایه اجتماعی و اینترنت وجود دارد. اگرچه منتقدان اجتماعات مجازی براین باورند که این پیوندهای آنلاین ضعیف هستند و آسیب زا خواهند بود و پاره ای از تحقیقات نیز نشان می دهد که روابطی که با کمک تکنولوژی شکل می گیرند رابطه منفی با سرمایه اجتماعی دارند زیرا که زمان صرف شده برای روابط اجتماعی فیزیکی و رودر رو را به خود اختصاص می دهند. با این وجود، در تحقیقات انجام شده توافق بر این است که هرچه مردم بیشتر آنلاین باشند، روابط فردی بیشتری داشته و بنابراین نقش مثبت در تقویت سرمایه اجتماعی دارند.

در مجموع می توان مهم ترین پیامدهای مثبت و منفی سرمایه اجتماعی را در این موارد خلاصه کرد: تبادل و انتقال بهتر دانش بر پایه اعتماد، اهداف، زبان مشترک و روابط غیررسمی، هزینه های کمتر روابط، به علت اعتماد و

همکاری، کاهش هزینه و ضرورت استفاده ساز و کارهای هماهنگی رسمی، سرمایه اجتماعی، هسته جامعه مدنی است که یکی از تأثیرات مثبت آن ایجاد حکومت های پاسخ گواست، سرمایه اجتماعی به عنوان یک شاخص برترک تحصیل و عملکرد دانش آموزان، منابع اشتغال و موفقیت های شغلی و کسب و کار افراد مهاجر گروه های قومی است اثرگذار است و همچنین خلاقیت اجتماعی نیز یکی دیگر از پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی به شمار می آید و پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی نیز تثبیت نابرابری های اجتماعی، از دست دادن خلاقیت و آزادی افراد در پی حمایت گروهی و تقویت همبستگی، تشویق و ترغیب نژادپرستی در پی تأکید بیش از حد بر گروه و شبکه اجتماعی خاص هستند.

#### نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی

درباره نقش شایسته دولت در فرآیند توسعه اقتصادی دو دیدگاه عمده وجود دارد، در دیدگاه نخست که از نظریه لیبرال دموکرات و اقتصاد نئوکلاسیک ریشه می گیرد، دولت باید مداخلات خود را در حوزه اقتصادی بسیار کاهش داده و تصمیم گیری های عمده را به بخش خصوصی واگذارد. دیدگاه دوم الگوی نظری رادیکال است که بر پایه آن، دولت باید از طریق ملی کردن و برنامه ریزی اقتصاد، توسعه اقتصادی را هدایت و راهبری کند و یا دست کم کنترل صنایع پایه، زیرساخت ها و بخش های مالی را در دست داشته باشد. با این حال سال ها تجربه توسعه این واقعیت را روشن کرده است که دولت در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، لیکن نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد، بلکه به عنوان یک شریک، عامل شتاب دهنده

و آسان کننده در روند توسعه که از مهم ترین این اقدامات تقویت سرمایه اجتماعی است و می تواند با تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی، تقویت آموزش های عمومی؛ تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی، واگذاری فعالیت های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به نهادهای مردمی و زمینه سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه های اعتماد میان مردم به شمار می رود.

#### نگاهی به وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

پژوهش های سرمایه اجتماعی نشان می دهد که درمکان هایی که شبکه اجتماعی نیرومندتری وجود دارد و مردم نیز دستخوش دگرگونی های زندگی تجاری و صنعتی نشده و از یک بافت روستایی برخوردارند، سرمایه اجتماعی نیرومندتر است. براساس پیمایش های آماری در استان های سراسر کشور میان رتبه سرمایه اجتماعی و رتبه توسعه هر استان همبستگی وجود ندارد و این برخلاف یافته های پیشین است که هر جا سرمایه اجتماعی بوده، توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز رخ داده است. سرمایه اجتماعی دیربه دست آمده و زود از کف می رود و این تحقیق حاکی است که سیاست های توسعه ای در ایران به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است، ولی در کشورهای توسعه یافته، میان توسعه و شاخص های سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، یعنی جایی که توسعه یافته تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد. در ایران حتی شبکه های عمومی مردم نهاد نیز به نوعی دولتی هستند و تا زمانی فعالیت می کنند که از جانب دولت به آنها کمک شود. در ایران تمایل به مشارکت در اداره امور کشور





بسیار پایین است به ویژه در مسایل مالی و این به علت عدم پرداختن به موضوع تغییر سرمایه درون گروهی به سرمایه برون گروهی است. اصولاً این نیاز به دلیل وجود پول نفت احساس نشده و این روند به مشارکت‌های مدنی مردم نهاد نیز گسترش یافته تا آنجا که آنها نیز برای فعالیت به کمک‌های دولتی وابسته‌اند. نکته دیگر اینکه در متون درسی ما سرمایه اجتماعی درون گروهی بیشتر تقویت می‌شود. در جوامعی که سیر تکاملی از سنت به مدرنیته دارند، سرمایه اجتماعی به معنای قدیمش از بین رفته و چیز جدیدی به نام سرمایه مدرن جایگزین آن نشده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز تغییر و تحولات گسترده در ساختارهای سیاسی و اقتصادی میزان مشارکت مردم و اعتماد متقابل دولت و مردم به شدت افزایش یافت. اما برخی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت پس از انقلاب، با وجود دنبال کردن اهداف مثبت، آثار منفی بر سرمایه اجتماعی گذاشته‌اند. بگونه‌ای که امروزه اعتمادی که مورد انتظار است مشاهده نمی‌شود.

شاید بتوان یکی از عوامل اثرگذار بر میزان پایین اعتماد اجتماعی را وجود سطح بالایی از سرمایه اجتماعی پیوند دهنده (درون گروهی) و کاهش سرمایه اجتماعی متصل‌کننده (برون گروهی) در بین افراد جامعه دانست به طوری که در پیمایش‌ها، پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی هر چه از خانواده و گروه‌هایی مانند اقوام، دوستان و همسایگان دورتر شویم اعتماد کم‌تری شود. مورد بعد اینکه محور برنامه‌های کلان کشور بر ابعاد سخت‌افزاری توسعه متمرکز شده و توجه به ابعاد اجتماعی توسعه کم‌تر بوده است، وجود نابرابری نیز از دیگر عوامل مؤثر است.

جامعه ایران در سال‌های گذشته تحولات ساختاری همه‌جانبه‌ای را تجربه کرده است. این تحولات، دگرگونی در ساز و کارهای اداره جامعه را الزامی ساخته است. هر چند پیشرفت‌هایی در همه عرصه‌ها داشته‌ایم و نرخ رشد برخی از شاخص‌ها را می‌توان دلگرم‌کننده دانست، اما نکته مهم این است که از یک سو آهنگ رشد شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف کم‌تر بوده و از سوی دیگر توزیع نامناسب امکانات و منابع در روند توسعه، موجب ایجاد شکاف میان فقیرترین و غنی‌ترین استان‌ها شده است. همچنین عدم توجه به سرمایه اجتماعی در برخی مناطق و حتی در سطوح ملی، مانع از ایجاد جو اعتماد دو سویه شده و کاهش

بازده نیروی انسانی و انرژی اجتماعی را در پی خواهد داشت که در این رابطه می‌توان به عدم پیوستگی نخبگان قومی و محلی با نخبگان مرکزی و ملی به عنوان یک نمونه بارز کاهش سرمایه اجتماعی اشاره کرد.

چگونه می‌توان بر کاهش پرشتاب سرمایه اجتماعی لگام زد؟

در برابر کمبودها و مشکلات یاد شده می‌توان به راهکارهایی برای بهبود وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی پرداخت که باید با نیروی کافی روی هریک از آنها متمرکز شد.

ارزشهایی چون درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت، ارزش‌هایی اعتمادآفرین هستند و وجود آنها در شبکه‌های اجتماعی بستر آفرینش سرمایه اجتماعی است، براین پایه به فعالیت در آوردن این ارزش‌ها که در فرهنگ مردم ایران، جایگاه ویژه‌ای دارند، برای دستیابی به اعتماد و در پی آن سرمایه اجتماعی از بایسته‌های اساسی است.

آزادی فعالیت‌های مدنی در قالب شکل‌گیری نهادهای مدنی فعال و مستقل از دولت و گسترده نبودن بیش از اندازه دولت نیز انگیزنده مشارکت عمومی است. امروزه سازمان‌های دولتی می‌بایست به فعالیت‌های دست‌بزنند که مورد پذیرش جامعه و هماهنگ با ارزش‌های آن باشند. اگر سازمانها بخواهند جایگاه خود را در جامعه حفظ کرده و به شیوه‌ای عمل کنند که باعث بقاء، توسعه و موفقیتشان شود، می‌بایست عملکرد خود را دگرگون کرده و تعهدات خود را نسبت به شهروندان به درستی به انجام رسانند.

بدیهی است اگر شهروندان نسبت به سازمان‌های دولتی بی‌اعتماد شوند، جامعه از نظر سرمایه اجتماعی فقیر خواهد شد، هنگامی که بنگاه‌های دولتی بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود، دردست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می‌کنند.

براین پایه، همواره نخستین اصل برنامه ریزی اجتماعی باید این باشد که آسیبی به سرمایه اجتماعی وارد نشود و به دیگر سخن سازمان‌های دولتی باید وظایفی را بر عهده بگیرند که در توان آنها باشد و تنها در این صورت است که می‌توان به تولید سرمایه اجتماعی توسط سازمان‌های دولتی امیدوار بود.

برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که در ایران نیاز به سرمایه اجتماعی برون گروهی (خارج از پیوندهای خانوادگی و قومی و محلی) به شدت احساس می‌شود تا روابط میان افراد تقویت شود.

سرمایه اجتماعی درون گروهی به میزان بسیار

بالایی در ایران وجود دارد و نمونه‌های آن نیز پیوندهای خانوادگی، قومی، عشیره‌ای و هیات‌های خودجوش مذهبی هستند. در هنگام بلایایی چون سیل و زلزله، ایرانیان برای یاری به هم‌نوعان خود به خوبی نقش آفرینی می‌کنند، لیکن مشکل در شرایط غیراضطراری خود را نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در جامعه کم‌رنگ شده و در بسیاری از موارد دیده نمی‌شود. در ایران شکل مدنی سرمایه اجتماعی بسیار کم‌رنگ به چشم می‌خورد. وجود سرمایه اجتماعی بستگی به خواست عمومی دارد و تا اجتماع و دولت خواست جدی نداشته و همکاری لازم را انجام ندهند، نتیجه‌گیری از سرمایه‌گذاری در این زمینه ناممکن خواهد بود.

با توجه به پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی، چیرگی گونه قدیم آن بر جدید و نقش منفی که سرمایه اجتماعی درون گروهی در تضعیف انسجام ملی ایفا می‌کند، تقویت سرمایه اجتماعی جدید به ویژه در بعد روابط انجمنی و پیامدهای مثبت آن از طریق اصلاح و بهبود محیط اجتماعی کنشگران فردی و جمعی و تقویت نهادهای مدنی بسیار ضروری است. به عنوان سخن پایانی با توجه به نقش پررنگ دولت در ایران، پرداختن به نقشی که دولت می‌تواند در تقویت سرمایه اجتماعی بر عهده بگیرد جالب به نظر می‌رسد.

تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی، صنفی، حرفه‌ای و تشویق در ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی که از راه حل‌های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی است.

تقویت مؤلفه‌های فرهنگی نظیر احساس هویت جمعی و سازمانی مشترک، احساس تعلق به آینده‌ای مشترک و ... تأمین امنیت شهروندان برای حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی.

پرهیز دولت از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت نهاد‌های اجتماعی و شبکه‌های اعتماد میان قشرهای گوناگون مردم.

به کوتاه سخن باید بتوان میان سه عنصر متضاد در یک جامعه که دولت، جامعه مدنی و ساختار اقتصادی هستند تعادل و هماهنگی ایجاد کرد، چیزی که تا کنون در کشورمان کمبود آن احساس شده است و برای گذار از دشواری‌های موجود راهکار دیگری به نظر نمی‌رسد. ■



## تشکل‌ها و ایجاد تعهد

/ داگلاس سی. نورث و پری آر. وینگاست /  
ترجمه اصلاان قودجانی

### گزیده‌ای از مقاله تحول نهادهای حاکم بر انتخاب عمومی در انگلستان قرن هفدهم

سازوکاری پیش‌بینی کرد که پس از هر معامله، دو طرف در برابر وسوسه‌های پیمان‌شکنی خویش‌تاری کرده و تعهدات خود را تا پایان انجام دهند.

در گذشته فرمانروایان با یافتن منابع ملی بهتر و بزرگ‌تر و یا در هنگام جنگ و بحران، ممکن بود تعهدات خود را نقض کرده و از انجام آن سرباز زنند، از این رو این اندیشه ایجاد شد که برای ضمانت اجرای یک پیمان اقتصادی با حکومت چیزی بیش از محدودیت‌سازی قدرت و یا تکیه بر حفظ حسن شهرت نیاز است.

توانمندی دولت برای متعهد بودن در قبال حقوق بخش خصوصی و معاملات با این بخش، یکی از شرایط اساسی برای رشد اقتصادی است و باید نهادهایی باشند که بتوانند این توانمندی را تضمین کنند. خاندان استیوارت در دهه دوم سده هفدهم برای جبران کسربودجه افزودن بردآمدهای گمرکی با توسل به وضع مالیات‌های جدید روی آورد که در واقع این افزایش مالیات‌ها در دهه ۱۶۳۰ موجب ورشکستگی‌های مالی بسیاری شد و دولت نیز کوچکترین هماهنگی با مجلس در این زمینه نکرد. راه دیگر دریافت «وام‌های اجباری» با تهدید بود که به دلیل نامعلوم بودن بازپرداخت آن بیشتر مالیات بود تا وام، لیکن چون نام وام بر

فاتحان از این دگرگونی‌ها نظارت و مهار قدرت مستبدانه و مصادره‌گرانه پادشاه بود. از جمله اینکه محدودیت‌های صریحی بر سرراه اعمال قدرت یکجانبه پادشاه برای تغییر شرایط قول و قرارهایش وضع شد و پادشاه ملزم گشت تا برای تغییر این موارد، موافقت مجلس بریتانیا را جلب کند و البته قدرت مجلس نیز تا آن پایه زیاد نبود که بتواند رفتار نامستولانه پادشاه را تکرار کند.

اثر این دگرگونی‌های ساختاری در اوضاع اقتصادی حکومت به خوبی دیده می‌شود، رژیمی که از آغاز قرن ۱۷ با تنگنای مالی روبرو بود و کسی حاضر به پرداخت وام به آن نمی‌شد، به یکباره از افزایش چشمگیر استقراض با بهره پایین بهره‌مند شد و این تمایل قرض‌دهندگان برای تأمین اعتبار مخارج حکومت را باید نشانه‌ای از رشد چشمگیر باور به تعهد حکومت در پایبندی به پیمان‌هایش دانست.

در این میان قانون اساسی و سایر نهادهای سیاسی که در وضع کردن محدودیت‌هایی برای حکومت یا فرمانروا بسیار مؤثر هستند، نقش مهمی بر عهده دارند زیرا عملکرد موفق اقتصادی در بلندمدت، مستلزم وجود انگیزه‌های مناسب در میان فعالان اقتصادی و عوامل سیاسی است. لیکن محدودیت به تنهایی برای ایجاد اعتماد بسنده نیست و باید

پس از انقلاب شکوهمند سال ۱۶۸۸ انگلستان (Glorious Revolution)، نهادهای جدید، موجب پایبندی کامل حکومت به رعایت حقوق مالکیت شدند. یکی از عوامل خطیر سیاسی، میزان تعهد یا تقید رژیم یا فرمانروا به این قواعد است. هر قدر امکان تغییر قواعد به دست فرمانروا و به نفع او بیشتر باشد، درآمدهای مورد انتظار برای سرمایه‌گذاری و نیز انگیزه آن کمتر خواهد بود، اگر قرار باشد که رشد اقتصادی به تحقق پیوندد، فرمانروا نباید صرفاً به تأسیس مجموعه‌ای از حقوق پردازد بلکه باید نسبت به آن حقوق، تعهدی در خور اعتماد نیز از خود نشان دهد.

حاکم می‌تواند از دوره چنین تعهدی را برقرار کند: (۱) رفتار مسئولانه حاکم (۲) مقید بودن به اطاعت از مجموعه قواعدی که اجازه آزادی عمل برای نقض تعهدات را از حاکم سلب کند و بدیهی است که روش نخست چون داوطلبانه است به ندرت رخ خواهد داد.

در پیوند با آنچه گفته شد، در اوایل قرن هفدهم، حکومت پادشاهی انگلستان به دلیل تنگنا و نیازهای مالی ناگزیر شد از طریق بازتعریف حقوق به نفع فرمانروا به مصادره اموال رعایا پردازد که همین مساله در نهایت به جنگ داخلی، انقلاب ۱۶۸۸ و دگرگونی ساختاری نهادها ختم شد و انگیزه انقلابیون و



خود داشتند برای دریافت آنها نیاز به موافقت مجلس نبود.

روش دوم برای افزایش درآمد، فروش انحصارها بود. دربار به منظور افزایش درآمد هایش از این طریق، از حق ثبت اختراع به شیوه‌های جدید استفاده کرد. امتیازهای انحصاری باعث شد که منافع اقتصادی موجود در فعالیت‌های مورد نظر و نیز کلیه افراد وابسته به این فعالیت‌ها دچار آشفتگی شوند. چنین خطری به کاهش بازده سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه تضعیف تمایل به آن منجر شد.

مصادره اموال بدون رویه و قانون روشن، فروش القاب اشرافی به میزان بسیار بالا، استفاده از اختیارات در تأمین و تدارک عمومی که منجر به ضبط کالاهای مختلف به بهایی بسیار کمتر از قیمت بازار و به بهانه کاربرد عمومی آنها می‌شد و همچنین فروش معافیت‌ها به اشخاص از دیگر منابع درآمد خاندان استیوارت پیش از انقلاب شکوهمند بود.

اینگونه تضاد منافع میان پادشاه و ثروتمندان و پرداخت کنندگان مالیات، دلیل اصلی شکست دربار در جلب کمک‌های مجلس بریتانیا بود. مجلس به جای کمک کردن به دربار، محدودیت‌هایی را بر سر راه قدرت پادشاه مطالبه کرد که وی مایل به پذیرش آنها نبود و از دیگر سواستمنافع مجلس از تأمین اعتبار برای دربار، مشکلات مالی آن را وخیم‌تر کرده و پادشاه را به جستجوی منابع درآمدی دیگر واداشت.

مجلس و دادگاه‌های حقوق عرفی (common law courts) در تلاش برای جلوگیری از سوءاستفاده دربار از انحصارها و دستکاری در حقوق با هدف کسب درآمد، پیشنهاد کرد تا در برابر ایجاد درآمد برای پادشاه، قدرت وی را در مصادره اموال محدود کند. افزون بر این مجلس بر آن بود تا نگذارد که شاه برای تأمین مقاصد شخصی خود، قانون را دستاویز قرار دهد. دادگاه‌های حقوق عرفی نیز در سال ۱۶۰۱ به مورد معروف «پرونده انحصارها» رسیدگی کرده و استفاده دربار از انحصارها را طبق حقوق عرفی، غیرقانونی اعلام کرد.

با این همه پادشاه قدرت داشت که از همه این محدودیت‌ها شانه خالی کند. با اینکه تمام شکل‌های این شانه خالی کردن از لحاظ قانونی سؤال برانگیز بود، اما شاه تا زمانی که از نظر درآمدی به مجلس نیاز نداشت، می‌توانست عملاً این روال را ادامه دهد.

برای فهم چگونگی انجام گرفتن اقدامات یاد شده به وسیله سلطنت باید ۳ ابزار نهادی عمده که پادشاه به میانجی آنها حکومت را اداره می‌کرد مورد بررسی قرار داد. نخستین منبع عمده قدرت دربار، امتیاز ویژه سلطنتی بود که دربار به وسیله آن بیانیه‌ها یا احکام سلطنتی

را صادر کرده و از این راه می‌توانست قواعد تازه‌ای ایجاد کند. به عبارتی دربار با این امتیاز می‌توانست بدون توسل به مجلس، قدرتی شبه قانونگذارانه داشته باشد. قوانین صادر شده از دربار، نه به واسطه نظام دادگاهی حقوقی عرفی، بلکه توسط دادگاه‌های امتیاز ویژه، از ضمانت اجرایی برخوردار می‌شدند.

دومین منبع قدرت دربار، تالار برگزیدگان (Star Chamber) بود که با درهم آمیختن قوای قانونگذاری، اجرایی و قضایی، از نقشی کلیدی بهره‌مند شده بود و تصمیم‌گیری نهایی در مورد امتیازات ویژه را بر عهده داشت و می‌توانست در شرایط ویژه، آرای صادر شده به زبان شاه را تغییر دهد. منبع سوم دستگاه قضایی بود، چون شخص شاه بابت تک‌تک کارهای دولت مسئول بود، به قضاتی پول می‌داد که باب میل او کار کنند. خاندان پادشاهی استیوارت روز به روز بیشتر از قدرت خود برای تحت تأثیر قراردادن قضات و انحراف قضاوت‌های ایشان بهره می‌جستند که این روش در نهایت به تربیت قضاتی انجامید که در کل حامی دربار بودند.

تأثیری که این نهادها بر جای می‌گذاشتند، در هم آمیختن اختیارات اجرایی، قانون‌گذارانه و قضایی دربار بود که نظارت نهادینه از بیرون را دشوار می‌کرد. با اینکه بیانیه‌های سلطنتی از شأن حقوقی قوانین مجلس برخوردار نبود اما به صورت مستقیم در دادگاه‌های حقوقی عرفی، ضمانت اجرایی داشت و اگرچه این دادگاه‌ها با پادشاه سرسازگاری نداشته و بیشتر ساز مخالف می‌زدند، اما شاه در نهایت از راه دادگاه عالی یعنی تالار برگزیدگان، کار خود را پیش می‌برد. پس با اینکه حقوق عرفی غالباً علیه شاه عمل می‌کرد، ولی او می‌توانست قضاوت بر سر هر دعوا را با انتشار بیانیه به سود خود برگرداند. دربار افزون بر این به خاطر در اختیار داشتن اختیارات واقعی در حوزه‌های قانون‌گذاری و قضایی می‌توانست در مواردی که نیاز می‌دید، حقوق اقتصادی و سیاسی را نیز تغییر دهد.

در واکنش به این شرایط، ائتلافی بر ضد دربار شکل گرفت تا صیانت از آزادی‌ها، حقوق و دارایی‌های فردی را پیگیری کند. پدید آمدن این ائتلاف، به صاحبان منافع اقتصادی جرأت داد تا به بازی سیاسی وارد شوند و به ویژه، ارزش مخالفت با پادشاه را نیز افزایش داد. پس از درهم شکستن قدرت پادشاه در نخستین شورش و آغاز دیکتاتوری کرامول پیش از انقلاب شکوهمند تالار برگزیدگان در سال ۱۶۴۱ و از طریق قانونی منحل شد که به موجب آن کلیه پرونده‌های مربوط به اموال باید براساس حقوق عرفی حل و فصل می‌شد. به این ترتیب نقطه عطف دیگری در مسیر تثبیت برتری حقوق

عرفی و در نتیجه بهبود حقوق مالکیت پدید آمد. مجلس برای پایان دادن به مدت‌ها حکمرانی پادشاه بدون رجوع به مجلس، قوانین سه‌سالانه را تصویب کرد که به تمدید اعتبار پیوسته از سوی مجلس نیاز داشت. دستگاه اداری سلطنتی نیز برچیده شده و در پی آن قدرت دربار نیز برای تحمیل محدودیت‌های مقرراتی بر نظام اقتصادی که مخالف نظر دادگاه‌های حقوقی عرفی بود از میان رفت.

از دیدگاه اقتصادی این تحولات کاهش محدودیت در جابجایی نیروی کار را در پی داشت و همزمان اصلاحات در اجاره‌داری زمین نیز به نفع شکل‌گیری حقوق خصوصی و بازارها به کار افتاد و تسلط سیاسی شاه را بر این بخش از جامعه که روزگاری بسیار مهم بود، تضعیف کرد. با مرتفع ساختن محدودیت‌های کاربری زمین و بهبود وضع بازارها، فرصت‌هایی جدید و سودآور به وجود آمد.

اما به دلیل اقدامات تندروانه، پادشاه دوباره به قدرت بازگشت و اعمال گذشته را از سر گرفت، تا انقلاب شکوهمند که از سلطنت خلع شد. تجربه نشان می‌داد که از میان بردن اختیارات زیربنایی رفتار مستبدانه، به تنهایی برای جلوگیری از سوءاستفاده، کافی نیست. نظارت و مهار کردن رفتار پادشاه، به حل مشکلات مالی و در عین حال وضع محدودیت‌هایی بر سر راه ضبط اموال از سوی وی نیاز داشت و به این ترتیب انقلاب شکوهمند، انقلابی مالی با ۲ ویژگی را نیز با خود به همراه داشت:

۱) ظهور عصر برتری مجلس  
۲) محور قرار گرفتن مجلس در امور مالی، وضع مالیات‌ها و نظارت بر نحوه هزینه بودجه.  
در تحول نهادی دیگر نظام قضایی نیز کاملاً از پادشاه مستقل شد و پس از آن قضات به جای راضی کردن پادشاه، فقط مطابق قاعده «رفتار شایسته» (good behavior) خدمت می‌کردند، به این ترتیب تسلط دادگاه‌های حقوقی عرفی که در حقوق خصوصی بسیار اهمیت دارد، تضمین شد. از سوی دیگر پادشاهان فهمیدند که در صورت سرپیچی از قانون یا عدم اجرای تعهدات و نپذیرفتن نظارت مجلس، در شرف عزل و برکناری قرار خواهند گرفت و همین واقعیت آنها را محتاط‌تر می‌کرد.

چون بحران‌های مالی در نهایت پادشاه را (حتی با وجود داشتن حسن نیت و پایبندی به انجام تعهدات) وادار به شکستن قول و قرارهایش می‌کردند، برداشتن سلطه یک‌سویه شاه بر تصمیم‌گیری‌های مهم، یکی از بُنداشتهای ضروری نهادهای در حال شکل‌گیری پس از انقلاب ۱۶۸۸ بود که این اصل از راه الزامی کردن موافقت مجلس با دگرگونی‌های کلان در سیاست‌های مالی مانند وام و مالیات و قدرت دادن به صاحبان ثروت برای وتو کردن

تصمیماتی از این دست و همچنین جلوگیری از عواملی چون قدرت شاه در قانونگذاری یک سو به میانجی امتیاز ویژه، نادیده گرفتن مجلس به دلیل دسترسی شاه به منابع مالی مستقل و برکناری قضاتی بود که هماهنگ با خواسته های شاه کار نمی کردند، به تحقق رسید.

البته تنها نظارت بر عملکرد و محدودسازی قدرت پادشاه برای اطمینان از انجام تعهدات توسط وی هیچگاه کافی نبوده و می بایست ویژگی دیگری نیز زیر عنوان «خودتضمینی» در درون خود نهاد سلطنت وجود داشته باشد تا از نقض عهد توسط پادشاه جلوگیری شود. این سازوکار وابسته به ۲ عامل بود که نخستین آن ترس از برکناری و دیگری ضمانت مجلس برای تامین مالی نهاد دربار بود که از راه وام و مالیات و در برابر کاهش قدرت پادشاه و پذیرش نظارت مجلس انجام می شد. در این صورت درآمد نهاد پادشاهی رشد چشمگیری می یافت و پایدارتر می شد و به همین دلیل شاه نیز از این محدودیت ها را با روی باز می پذیرفت.

اما آنچه باعث شد تا مجلس با افزایش قدرت در این دوران خود به یک دیکتاتوری تبدیل نشود یکی وجود شمار بالای نمایندگان با انگیزه و خواست های گوناگون بود و دیگری تفکیک قوا میان نهاد پادشاهی، دو مجلس عوام و اعیان و قوه قضاییه (البته نه در شکلی که اکنون ما می شناسیم) بود. عوامل دیگر مؤثر در این زمینه انحلال دستگاه اداری دربار در زمینه مالی، اصالت بخشیدن به دادگاه های عرفی به عنوان حامی مالکیت خصوصی و فعالان اقتصادی و دیگری استقلال قوه قضاییه از مجلس و شاه در نظارت بر عملکرد آنان و حسن اجرای قانون بود که موجب جلوگیری از استبداد پارلمان و دربار شد.

این اقدامات در کنار اصلاح رفتارهای مالی دربار (تاسیس بانک و پیش بینی پذیر شدن سیاست های مالی) که به انقلاب مالی شهرت یافت، موجب شد تا وضعیت برای دولت بریتانیا بسیار بهتر شود و حکومت که پیش از این یک بدهکار بدقول بود که کسی حاضر به پرداخت وام به آن نبود، توانست با جلب اعتماد وام دهندگان به تدریج حتی مبالغ بسیار هنگفت تری را استقرض کند. با اینکه پس از انقلاب شکوه مند میزان بدهی چند ده برابر شد، اما هنوز امکان دریافت وام های هنگفت وجود داشت، عامل اصلی این مساله اعتمادی بود که در پی انقلاب و اصلاح مالی به وجود آمده بود، این امر به دولت امکان داد تا وارد جنگی دمام عیار با فرانسه شود که پیش از این ناممکن می نمود.

با پایه گذاری یک بانک معتبر که از پشتوانه اعتماد عمومی برخوردار بود، این امکان فراهم

شد تا پس اندازه های خرد گرد آمده و تامین های مالی بزرگ را ایجاد کنند که این همه در سایه اصلاحات نهادی و مالی انقلاب شکوه مند ممکن شد، بانک ها به عنوان یک میانجی میان دولت و وام دهندگان، رفتار دستگاه پادشاهی را پیش بینی پذیر و نهادها صیانت از اموال خصوصی را تضمین می کردند. انتشار و پخش اوراق بها دار و کاهش سود وام ها نیز در همین دوره و به دلیل اعتماد عمومی رخ داد که نتایج مثبت و بزرگی در پی داشت.

آنچه به دنبال این اصلاح ساختاری انقلاب شکوهمند و افزایش اعتماد عمومی به متعهد بودن دولت نسبت به بازپرداخت وام ها و پایبندی آن به حقوق خصوصی ایجاد شد، دگرگونی شگرف در بازار سرمایه خصوصی بود. در پی پایه گذاری بانک انگلستان در زمان کمی شمار بسیاری بانک خصوصی بنیان نهاده شد و با گردآوری پس اندازهای کوچک مردم از صندوق خانه ها در صندوق بانک، افزون بر استقرض دولتی، شرایط تامین مالی کلان برای برنامه ها و پروژه های بخش خصوصی نیز فراهم شد. به این ترتیب در آغاز سده هجدهم، شاهد رشد بازار سرمایه خصوصی و در پی آن تحولی ژرف به نام انقلاب صنعتی در بریتانیا هستیم.

در این دوره یکی از ویژگی های پایه ای وام های دولتی بهره پایین آن بود که تأثیر آن در بازار سرمایه خصوصی هم به همین شکل کاستن بهره وام ها دیده می شود. این وضعیت جدید موجب شتاب گرفتن روند انباشت سرمایه و افزایش نرخ رشد صنعت و پروژه های گوناگون شد.

در این زمینه باید یادآور شد که دگرگونی های نهادی گفته شده با آرامش و دلخواه انجام نگرفت و تنها پس سال ها خونریزی، جنگ داخلی و کشمکش درگیری بود که دربار تن به این اصلاحات داد. البته به دلیل کنترل کامل ارتش توسط پادشاه درگیری ها بسیار سخت و پیچیده بود و در نهایت نیز اجازه پیروزی کامل را به مخالفان نداد، همین مساله سبب شد تا سرنوشت بریتانیا از فرانسه و اسپانیا متفاوت باشد.

تکرار دوباره این مطلب نیز مفید است که حقوق خصوصی و صاحبان ثروت در این دوران از احترام بالایی برخوردار شده و منافع آنها می بایست حتما در تصمیم گیری ها مورد توجه قرار می گرفت تا جایی که حتی شماری از اشخاص و صاحبان ثروت و سرمایه در موارد مالی یا مواردی که با منافع آنان تداخل داشت از حق و توبرخوردار بودند.

دیگر نتایجی که رخ داده های این دوران آن را تایید می کند، این است که میان «ظهور آزادی های سیاسی و مدنی» و «آزادی های

اقتصادی» پیوندی ناگسستنی وجود دارد و منافع اقتصادی حاکمان بیشتر از مسیر تجاوز به حقوق مدنی و سیاسی افراد تامین می شد. نهادهای اصلی دولت انتخابی (representative government) (مجموعه های بدون ابهام از چندین صاحب حق و تودر کنار تقدم حقوق عرفی بر مناسبات اقتصادی) در نهایت تأثیری بی چون و چرا بر نبرد بر سر مهار کردن قدرت دولت دارند. توفیق صاحبان دارایی و تجار به شکل گیری نهادهایی منجر شد که همزمان به تخفیف انگیزه های دربار برای یافتن منابع درآمدی جدید و نیز به تقید چشمگیر در رفتار دولت کمک کردند.

بدون شک دگرگونی های نهادی انقلاب شکوهمند، موجب رشد انگیزه های برتری طلبانه بریتانیا و سلطه آن بر جهان شد. انگلستان بدون انقلاب مالی و بدون منابع مالی حاصل از رشد بدهی های حکومت در سال ۱۶۸۸ تا ۱۶۹۷ قادر به شکست دادن فرانسه نبود و در جنگ پس از آن نیز که در سال های ۱۷۰۳ تا ۱۷۱۴ رخ داد و انگلستان توانست به عنوان قدرت برتر دنیا شناخته شود،

امیدی به پیروزی اش نمی رفت. فرانسه با اینکه در سال ۱۶۹۰ قدرت بزرگ اروپا به شمار می رفت، لیکن در سده پس از آن قدرت و جایگاه خود را در مقایسه با انگلستان از دست داد. با آغاز سده هجدهم، جنگ های دیگری نیز رخ داد به صورتی که فرانسه در سال ۱۷۶۵ - در پایان جنگ ۷ ساله که شکست تحقیرآمیزی را در برابر انگلستان تجربه کرد - مستعمرات خود در قاره جدید (کانادا و لوئیزیانا) را از دست داده و آنچنان به درماندگی مالی دچار شد که تا پس از انقلاب نتوانست از چنگال آن رهایی یابد. تفاوت میان نظام اقتصادی این دو کشور در میانه سده هجدهم بسیار زیاد است: فرانسه در سال ۱۷۶۵ در معرض ورشکستگی بود در حالی که انگلستان در آستانه انقلاب صنعتی قرار داشت.

آنچه گفته به روشنی نشان می دهد که نهادها چگونه ممکن است در ساختن رشد اقتصادی و آزادی سیاسی، نقشی مهم و تعیین کننده بازی کنند. آنچه در کشوری مانند فرانسه در دوران لویی وجود نداشت همین نهادها بودند که در کنار دستگاه اداری گسترده در این کشور موجب روبه افول رفتن فرانسه پادشاهی شد. تحولات ساختاری در نهادهای انگلستان هر چند به صورتی ناآگاهانه موجب شد تا راه برای یک رشته دگرگونی ها در بخش اقتصادی و صنعتی هموار شود، تغییراتی که نه تنها این کشور بلکه سراسر جهان را زیر سایه خود گرفت. ■

\* پویا فکری توسعه





## کسب رانت یا توسعه اقتصادی

بالا حاصل می‌شود ضمن این که از آن جایی که منافعیشان درگرو اجرای همین تصمیم‌هاست پس اجرای آن از قبل تضمین شده خواهد بود.

موافقان و هواداران تأثیر مثبت تشکل‌های خصوصی بر محیط کسب و کار به نگاه افراد و اقتصاددانانی هم چون اوتوگریف و آلبرت هیرشمن اشاره می‌کنند که معتقدند انجمن‌ها به عنوان عوامل بهبود دهنده و ایمن‌ساز در محیط کسب و کار می‌توانند موثر باشند. البته نام پیتراوانز را هم باید به این جمع اضافه کرد که باور دارد تشکل‌ها و انجمن‌ها می‌توانند از فساد دولت جلوگیری کنند و با ارائه اطلاعات گسترده در مورد شرایط واقعی اقتصادی از تصمیم‌گیری‌های غلط ممانعت به عمل آورند. چرا که بدون تشکل‌های اقتصادی ارتباط سازمان یافته دولت با جامعه منتفی می‌شود و دولت نمی‌تواند به طور مستمر از مطالبات اجتماعی و واقعیت‌های اقتصادی اطلاعات لازم را به دست آورد.

مثلاً آلبرت هیرشمن در کتاب خروج، اعتراض و وفاداری که محمد مال‌جوآن را ترجمه کرده است می‌نویسد: «تشکل‌ها به عنوان صدای صاحبان کسب و کار، اعتراضات و پیشنهادهای بخش خصوصی را به گوش تصمیم‌گیران می‌رسانند و بدین ترتیب در بهبود کیفیت تصمیمات دولتی نقش مفیدیفا می‌کنند. انجمن‌های کسب و کار قادرند با دریافت اعتراضات و پیشنهادهای اعضای خود، صدای صاحبان کسب و کار را به صورت نظام مند به گوش تصمیم‌گیران برسانند، مطالبات آن‌ها را پیگیری کنند،

چندسالی هست که نقش و اهمیت تشکل‌های غیردولتی و تأثیر آن‌ها در فضای اقتصادی کشور مد نظر صاحب نظران اقتصادی قرار گرفته و از این طریق از سوی بسیاری از آنان بر اهمیت آن‌ها در بهبود فضای کسب و کار تأکید می‌شود؛ چه در شرایطی که دولتی بودن بخش اعظم اقتصاد راه تنفس در این حوزه را بسته شاید بخش‌های غیردولتی بتوانند به مدد بیایند و کمک کنند.

و این همه اهمیت حضور آن‌ها نیست که گاه فاصله فضای فکری تصمیم‌گیران با کسانی که تصمیمات بر آنها اعمال می‌شود باعث اعتراض صاحبان کسب و کار، به تصمیمات اتخاذ شده از سوی دولت و مجلس و ابتر ماندن سیاست‌هایی می‌شود که ساعت‌ها کار کارشناسی صرف آنها شده است.

بر همین اساس هم هست که امروزه انجمن‌های بخش خصوصی در کشورهای مختلف، در کنار دولت و بازار، از ارکان توسعه به حساب می‌آیند و از بازیگران اصلی فرایند تصمیم‌گیری‌اند، زیرا به خاطر چهار معضل مسئله شناسی نادرست، زمان بربودن اجرای راه حل‌های کارآمد، تفاوت معضلات اصناف مختلف و عدم استمرار سیاست‌های کلان به اتحادیه‌ها، اصناف و نمایندگان بخش خصوصی و تشکل‌ها متوسل می‌شوند و برای آن‌ها نقش قابل توجهی در حل معضلات قائل هستند.

زیرا اولاً اعضای آنها در کسب و کار مرتبط فعال هستند و بهتر از هرکسی مسایل و مشکلات خود را می‌شناسند و دوماً توافق میان اعضای یک صنف و اتحادیه بسیار راحت تر از سطوح

مانع از اتخاذ و اجرای تصمیمات زیانبار شوند و در اجرایی شدن سیاست‌های نافع نقش آفرینی کنند.

چنین کار کردهایی باعث می‌شود انجمن‌های کسب و کار در بهبود کیفیت دولت و تصمیماتش سهیم و از این روال منافع دولتی کارآمد بهره‌مند شوند. تشکل‌ها بدین ترتیب مانع از گسترش نارضایتی، توسعه بخش غیررسمی اقتصاد و مانند آن می‌شوند و از این حیث انسجام اجتماعی را ارتقا می‌دهند و بخشی از بار دولت را بردوش می‌کشند.»

چنین است که می‌توان از منظر موافقان تاثیر مثبت تشکل‌ها در بهبود فضای کسب و کار این گونه گفت که آن‌ها معتقدند این تشکل‌ها از یک سومی توانند نقش صدای بخش خصوصی را ایفا کنند و با رساندن مشکلات و نظرات بخش خصوصی به دولت در بهبود کیفیت تصمیمات دولت مفید واقع شوند و از سوی دیگر با انجام اقدامات موثر می‌توانند در بهبود فضای کسب و کار نقش ایفا کنند.

### مخالفان چه می‌گویند؟

اما در این میان مخالفانی هم وجود دارد که معتقدند حضور تشکل‌های بخش خصوصی هزینه‌هایی را به بازار و جامعه تحمیل می‌کند.

اقتصاد دانانی هم چون السون، فریدمن و بکریاورد دارند که این تشکل‌ها نه تنها در بهبود فضای کسب و کار موثر نیستند که موجب می‌شوند اقتصاد هر کشوری ضعیف‌تر شود.

اما نظر دقیق این افراد چیست؟ مثلاً السون معتقد است که منافع گروه‌های خاص نه منافع عمومی، زیربنای تصمیمات سیاسی-اقتصادی و هادی سیاست‌های دولتی به شمار می‌آید و این مسئله روند فرایند رشد را کند می‌کند. به اعتقاد السون، فرایند ارتقا و بهبود فناوری با تشکیل اتحادیه‌ها و تراست‌ها به خطر می‌افتد، زیرا اتحادیه‌ها در تلاش هستند منافع و سود خود را افزایش دهند و از آن‌جا که ورود رقبای جدید و فناوری‌های جدید را مانعی برای دستیابی به سود بیشتر تلقی می‌کنند، سعی دارند با نفوذ در دولت و تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولتی، به هر نحو ممکن از این فرایند ممانعت به عمل آورند و برای خود منفعتی کسب کنند، هرچند نتیجه تلاششان مانع رشد سریع فناوری می‌شود و در واقع به اعتقاد او تشکل‌ها و انجمن‌های کسب و کار همواره اهداف توزیعی و کسب رانت را دنبال می‌کنند.

اما این تنها نظر او نیست که میلتن فریدمن و رز فریدمن در کتاب آزادی انتخاب که حسین حکیم زاده جهرمی ترجمه کرده، نوشته‌اند که انجمن‌ها با اعمال نفوذ بر تصمیمات دولت، از اتخاذ تصمیمات نافع برای جامعه ممانعت به عمل می‌آورند و به این ترتیب منافع جمع فدای منافع انجمنی خاص می‌شود. این گونه است که می‌توان گفت در واقع مخالفان می‌گویند تشکل‌ها با نفوذ در دستگاه تصمیم‌گیری به محملی برای باز توزیع رانت‌ها تبدیل می‌شوند و در جستجوی منافع خود با هزینه دیگرانند.

### کدام درست می‌گویند؟

اما سوال این است حق با کدام یک است؟ مخالفان یا موافقان؟ مطالعاتی که در این زمینه در کشورهای مختلف صورت گرفته نشان می‌دهد که فعالیت انجمن‌ها و تشکل‌های بخش خصوصی در بهبود فضای کسب و کار موفق بوده است و اگرچه نظر مخالفان در برخی مواقع درست است و برخی انجمن‌ها و تشکل‌ها به دنبال رانتجویی هستند اما همین رانت هم در مواقعی موجب شده است دامنه‌ای از خدمات را فراهم کند که باعث کاهش

هزینه‌های اطلاعات شود.

براساس این مطالعات انجمن‌ها با اقداماتی مانند اطلاع‌رسانی، مشاوره دادن به دولت و نظارت می‌توانند در محیط کسب و کار موثر باشند. ضمن این که برخی از کالاهای عمومی اساسی از طریق فشار انجمن‌ها بر ادارات دولتی بهتر تولید می‌شوند.

ضمن این که بسیاری از تشکل‌ها در فعالیت‌های مکمل بازار نقش دارند و تلاش می‌کنند تا انواع نواقص مختلف بازار را برطرف سازند.

آن گونه که دکتر علی نصیری اقدام و زینب مرتضوی فردر پژوهشی با عنوان «بررسی نقش تشکل‌ها در بهبود محیط کسب و کار» انجام داده‌اند تشکل‌ها از طرق زیر می‌توانند در بهبود فضای کسب و کار موثر باشند:

۱- ایجاد حقوق مالکیت قوی و دفاع از آن

۲- ایجاد شفافیت و تاثیرگذاری بیشتر به دولت‌ها در رفع فساد و ناکارایی

۳- تلاش برای فراهم آوردن انواع زیربناها

۴- داشتن نقش موثر در بهبود نظام قضایی

۵- فعالیت در جهت وضع قوانین و مقررات کارا تر

۶- راه‌اندازی جلسات گفت و گو میان دولت و بازار

۷- ترمیم اقتصاد در سطح کلان و ایجاد ثبات برای آن

۸- تعیین عدم کارایی ناشی از به کارگیری نادرست ظرفیت‌ها

۹- تسهیل عرضه، کنترل قیمت و یکسان کردن کیفیت محصولات بنگاه‌های ضعیف و قوی

۱۰- ایجاد ارتباطات قوی میان بنگاه‌ها برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری

۱۱- استاندارد گذاری برای کاهش هزینه اطلاعات

۱۲- جلوگیری از رقابت ویرانگر در بازار

و این چنین است که می‌توان بر نقش مهم و پراهمیت تشکل‌ها در بهبود فضای کسب و کار تاکید کرد. در واقع تعامل میان دولت و تشکل‌های اقتصادی امری مهم و ضروری است.

### دولت و تشکل‌ها چه کنند؟

در این میان اما دولت‌ها باید به این موضوع دقت کنند که ساز و کارهای ارتباطی دولت و بخش خصوصی نباید به گونه‌ای باشد که دولت به تسخیر گروه‌های مختلف در بیاید و تصمیماتش تنها منافع گروهی خاص را دنبال کند بلکه باید مستقلاً با تشکل‌ها ارتباط برقرار کند.

تشکل‌ها هم باید توجه داشته باشند که ارتباط میان تشکل‌ها و دولت مستلزم توانمندی نظام اداری از یک سو و قدرت و ظرفیت بالای تشکل‌هاست. تشکل‌ها باید با افزایش قابلیت و توانمندی خود در انتظار ایجاد فضای مناسب از سوی دولت نباشند و ظرفیت کارشناسی خود را افزایش دهند. این گونه خواهد بود که رانت‌جویی جای خود را به توسعه اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار خواهد داد.

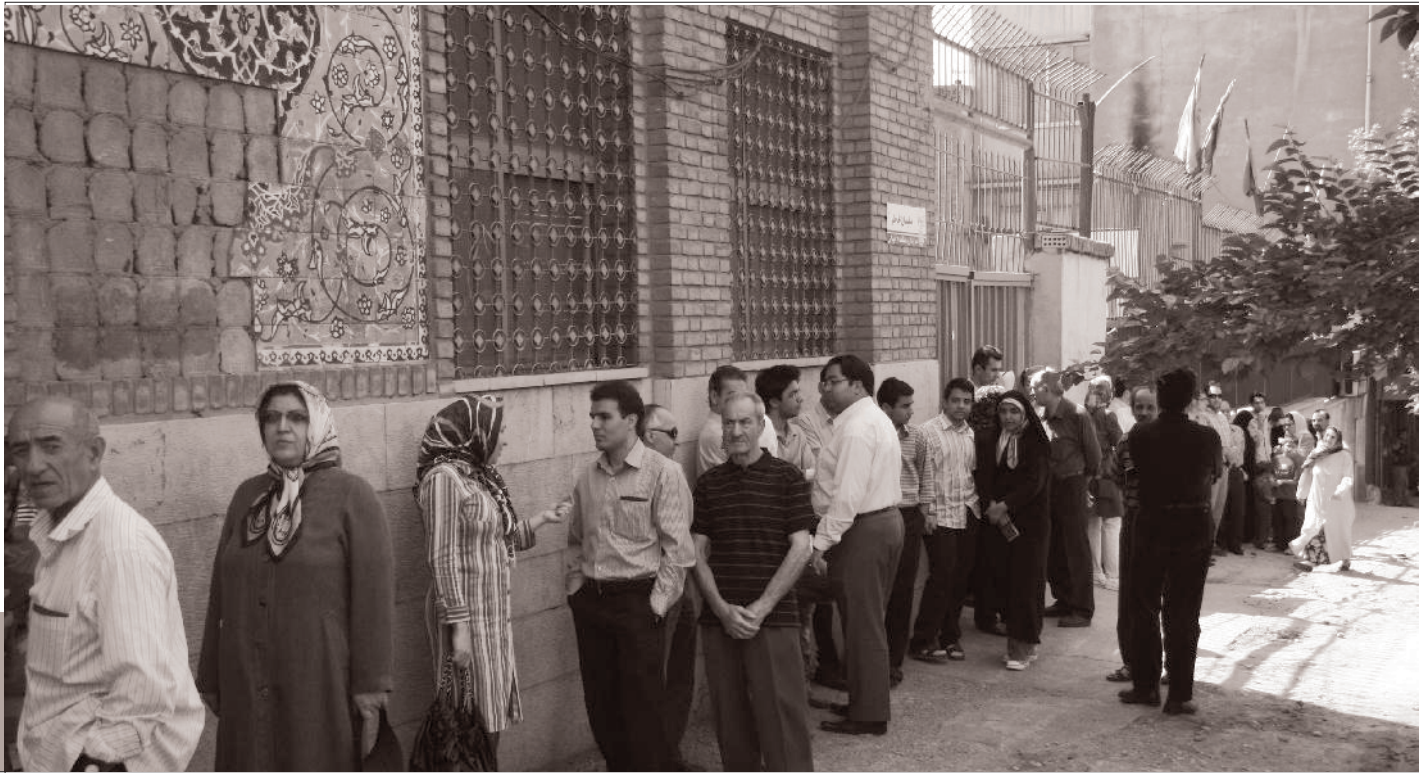
### منابع

۱- نصیری اقدام، علی و زینب مرتضوی فردر (۱۳۹۰). بررسی نقش تشکل‌های بخش خصوصی در بهبود فضای کسب و کار، مجلس و پژوهش، سال ۱۸، شماره ۶۵

۲- هیرشمن، آلبرت (۱۳۸۲). خروج، اعتراض و وفاداری، ترجمه محمد مالجو، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.

۳- فریدمن، میلتن و رز فریدمن (۱۳۷۸). آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی، تهران، نشر و پژوهش ورزان روز





/ محمد مبشری /

## سرمایه اجتماعی چیست؟

### مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، اقتصاد و اخیراً در علوم سیاسی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی عبارت است از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. در این میان نباید از نقش نهادهای مدنی و دموکراتیک و نیز نقش دولت در گشودن چنین فضاهاهایی غافل شد. به هر روی، امروز بر جامعه‌شناسان ثابت شده که یکی از ابعاد مهم هر توسعه‌ای توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. از این رو سرمایه اجتماعی، یکی از مهمترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. مطلب حاضر در چند بخش به بحث درباره سرمایه اجتماعی می‌پردازد. انسان به طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل در نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیرممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی در برگرفته مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را در جهت دستیابی به هدف‌های ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک کرده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع شود. مفهوم سرمایه اجتماعی که صبغه جامعه‌شناسانه دارد، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود. مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند.

امروزه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی انسجام بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هاست. از این رو در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند

۲۳

پرونده

تشکل‌ها و  
معمای سرمایه  
اجتماعی

و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود.

در دیدگاه‌های سنتی مدیریت توسعه، سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می‌کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی نیازمندیم زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است سایر سرمایه‌ها ابتر می‌مانند و تلف می‌شوند. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی برای نیل به توسعه پایدار محسوب شده و حکومت‌ها و دولتمردانی موفق قلمداد می‌شوند که بتوانند با اتخاذ سیاست‌های لازم و ارائه راهکارهای مناسب در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند.

### تعریف سرمایه اجتماعی از نگاه صاحب نظران

سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی شده و از این منظر دریچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است. در این زمینه مطالعات وسیعی توسط صاحب نظران و دانشمندان این علوم صورت گرفته و نظریه‌پردازی همچون جین جاکوب (۱۹۶۱)، لوری (۱۹۷۰) بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسن (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، جیمز کلنن (۱۹۶۶)، رابرت پاتنام (۱۹۷۰)، پیربوردیو (۱۹۸۰) و فرانسین فوکویاما (۱۹۹۰) تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند.

جیمز جاکوب در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. یک مثال عینی این تعریف را در دنیای امروزه می‌توان در تشکلهای غیردولتی حمایت از محیط زیست یافت. این شبکه اجتماعی بعضاً نیروهای قدرتمندی را به صورت NGOها به وجود می‌آورد که حتی در حمایت از محیط زیست موجب توقف پروژه‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند.

گلن لوری، سرمایه اجتماعی را مجموع منابعی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. بن پرات، در تعریف سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد یک خانواده، گروهی از دوستان یا شرکای یک شرکت را به صورت رابطه F تعریف می‌کند و به بررسی اثرات این رابطه بر مبادلات اقتصادی می‌پردازد.

ویلیامسن و بیکر، که به دنبال مطالعات بن پرات در پی بررسی شیوه اثرگذاری یک سازمان اجتماعی بر عملکرد نهادهای اقتصادی بوده‌اند مجموعه‌ای از مطالعات را پایه‌گذاری کرده‌اند که اقتصاد نهادی نام گرفته است.

بیکر نشان داده است که چگونه روابط میان سوداگران در بازار فوق‌العاده عقلانی شده بورس تجاری شیکاگو توسعه می‌یابد، حفظ می‌شود و بر فعالیت داد و ستد تاثیر می‌گذارد. از نظر پیربوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل بین افراد - یا به بیان دیگر عضویت در گروه - است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها است. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

برخلاف بوردیو، کلنن از واژگان مختلفی برای سرمایه اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلنن برای تعریف سرمایه اجتماعی از کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست اما نسبت به فعالیت‌های به خصوصی تعویض پذیر است.

شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌مند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. بنابراین از نظر کلنن سرمایه اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود، به گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به هدف معین هزینه بیشتری به افراد آن جامعه تحمیل کند.

از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند.

پاتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون گروهی (یا انحصاری). سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون





گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان یک پدیده جامعه شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد و هرچه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت.

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. لذا آنچه از این تعریف استنباط می‌شود این است که هر چند ممکن است سرمایه اجتماعی به دلیل تقویت نیروهای جاذبه بین اعضای یک گروه و نیروهای دافعه بین گروه‌های متفاوت لزوماً عامل مثبتی در یک جامعه به شمار نیاید ولی قطعاً برای پیشبرد و سهولت در عملکرد اقتصادی، اجتماعی آنها، جامعه یک عامل ضروری به شمار می‌رود. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند نشان دهنده شکاف موجود بین آن جامعه یا یک جامعه برخوردار از یک نظام دموکراسی با حداکثر کارایی در نظام اقتصادی، اجتماعی باشد.

### اهمیت سرمایه اجتماعی

در دو دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی در زمینه‌ها و اشکال گوناگونش به عنوان یکی از کانونی‌ترین مفاهیم، ظهور و بروز یافته است، هر چند شور و شوق زیادی در بین صاحب‌نظران و پژوهشگران مشابه چارچوب مفهومی و ابزار تحلیلی ایجاد کرد. لیکن نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. افزایش حجم قابل توجه پژوهش‌ها در این حوزه بیانگر اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در سپهرهای متفاوت اجتماعی است.

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد.

تعدادی از عناصر اصلی که می‌توان سرمایه اجتماعی را با آن مورد اندازه‌گیری قرار داد عبارتند از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه که در پی کسب این دسته از آگاهی‌ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیررسمی همیارانه در فعالیت‌های داوطلبانه در تشکلهای غیردولتی، خیریه‌ای،

مذهبی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و علمی و... در مجموع می‌توان گفت که یکی از معیارهای اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی شکل و شیوه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوه همزیستی آنها در جامعه مورد مطالعه است. از دیگر معیارها می‌توان به احساس مردم نسبت به حکومت و مردم اشاره کرد و نیز داشتن احساس خوشایند نسبت به امنیت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و امیدواری نسبت به آینده از معیارهای مطرح محسوب می‌شود.

اگر سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه‌های مورد بحث ایجاد کنند بدانیم، آنچه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند نقش نهادهای جامعه مدنی در تشکیل این سرمایه است. اگر ما مانند عصری از یک سازمان مدنی به صورت همیشگی همدیگر را ملاقات کنیم احساس مسئولیت نسبت به همدیگر در ما پیدا می‌شود و می‌توانیم به همدیگر اعتماد کرده و در نهایت با هم همکاری کنیم. برای اینکه احساس اطمینان در بین باشد لازم است که ما همدیگر را ملاقات کنیم و ارتباط مدام با هم داشته باشیم. همچنین چیزی که به طور جمعی می‌توانیم به دست آوریم به تنهایی نمی‌توانیم.

منظور از باهم بودن، نهادهای اجتماعی‌ای است که کارکرد دیدار، شناخت و در نهایت اعتماد را میسر می‌کنند. البته حتماً لازم نیست که ارتباط پیش‌گفته تنها در داخل نهادهای جامعه مدنی باشد بلکه بیشتر روش‌ها و فرم‌های اجتماعی را نیز که ارتباط مداوم و سازماندهی شده دارند، در برمی‌گیرد. اما نباید از یاد برد که اعتماد و حس همکاری با شیوه‌ای آسان‌تر در داخل نهادهای جامعه مدنی درست می‌شوند؛ به این دلیل که اعضای آن نهادها به دلخواه و بدون هیچ چشمداشتی به عضویت آن نهادها درمی‌آیند.

به این ترتیب سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه‌های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند و نیز میزان اعتماد و همکاری میان روابط موجود. در اینجا می‌توان گفت اگر در جامعه‌ای میزان سرمایه اجتماعی پایین باشد خطر افتادن آن جامعه به وضعیت تله اجتماعی بسیار بالاست. تله اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی پایین، نبودن اعتماد و اطمینان به یکدیگر بین مردم، رواج فساد اداری- اقتصادی، ترس و... پس می‌توان تله اجتماعی را که بعضی اوقات از آن به عنوان مشکل منافع جمعی یاد می‌شود به صورت زیر شرح داد.

همه می‌دانیم که منافع‌مان ایجاب می‌کند که همه با هم همکاری کنیم. اما اگر تو به این باور نرسی که تمام افراد دیگر اجتماع هم همکاری می‌کنند، دیگر معنایی نخواهد داشت که توبه تنهایی همکاری کنی. نتیجه این اعتقاد این است که همکاری و تلاش برای منافع جمعی تنها زمانی میسر می‌شود که انسان به این باور برسد که همه افراد دیگر نیز همکاری خواهند کرد. ■

\* برگرفته از سایت راهکار مدیریت



گفت و گوی اختصاصی با یحیی آل اسحاق /  
اقتصاددان



به گفته برخی محققان سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. در گفتگو با «یحیی آل اسحاق» اقتصاددان و رئیس سابق اتاق بازرگانی تهران به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و نقش آن در تقویت تشکل‌های اقتصادی پرداخته‌ایم.

## شناسایی سرمایه اجتماعی متروک؛ قوام تشکل‌های اقتصادی

از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی، به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت بخش‌تر می‌کند. پس می‌توان گفت هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت خوشبخت‌تر و ثروتمندتر خواهد بود.

برخی از ابعاد جنبه‌های سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، صداقت، حسن تفاهم، سلامت نفس، همدردی، دوستی، همبستگی، فداکاری و... است که این‌ها را در روابط همسایگی، دوستانه، شغلی و خانوادگی نیز می‌توان مشاهده کرد بنابراین سرمایه اجتماعی یعنی یک ظرفیت که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه

### تعریف شما از سرمایه اجتماعی چیست؟

در جامعه امروز در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را امکان‌پذیر سازد.

در واقع، سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود.

بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری



## مردم و تشکل‌های مردم نهاد به عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شوند و برای رسیدن به اقتصادی پویا و توسعه سرمایه گذاری، نیازمند جلب مشارکت‌های مردم و کارآفرینی هستیم

تسهیل می‌کند و مرکب از سه بعد ساختار، محتوا و کارکرد است.

### به نظر شما نقش سرمایه اجتماعی در حیطه اقتصادی، رونق آن و توسعه چیست؟

رونق فعالیت اقتصادی در کشورها وابسته به عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است یکی از عوامل موثر اجتماعی در فعالیت اقتصادی هم سرمایه اجتماعی است که باعث تسریع، شتاب رشد و توسعه می‌شود. همچنین در عصر حاضر مدیران برای توسعه، علاوه بر سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و انسانی بایستی نظر خود را به مفهوم کلیدی دیگری که امروزه در بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه تحت عنوان سرمایه اجتماعی مطرح شده معطوف کنند. بدون بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن، سایر سرمایه‌ها کارایی لازم را ندارند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه، تکامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرچالش و پرهزینه است.

### نقش دولت‌ها در افزایش میزان سرمایه اجتماعی به چه صورت است؟

سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده بین گروهی از جمله عوامل مهم در جهت حرکت یک جامعه به سمت رشد و تعالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. به همان اندازه که سرمایه اجتماعی درون گروهی با ایجاد انحصارهای خاص و روابط درون گروهی می‌تواند دارای آثار منفی برای توزیع امکانات و فرصت‌ها برای گروه‌های مختلف اجتماعی و در نتیجه دارای آثار مخرب برای رشد و پیشرفت جامعه باشد، تقویت سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده می‌تواند از طریق ایجاد مشارکت اجتماعی و ارزش‌های مشترک، دارای آثار مثبت در جهت رشد و ترقی جامعه باشد البته نباید از نظر دور داشت که سرمایه اجتماعی درون گروهی نیز در وجه مثبت خود، به صورت‌های مستقیم و اغلب غیرمستقیم، در جهت رشد و تعالی جامعه عمل می‌کند.

بهره‌گیری افراد و گروه‌ها از شبکه‌های ارتباطی خود و منفعت یابی از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یکدیگر در جهت ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود آن‌ها به طور غیرمستقیم، به حرکت چرخ‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه در جهت حرکت روبه جلو کمک می‌کند، زیرا شرایط رقابت اقتصادی و اجتماعی بین فردی و گروهی تا جایی که در جهت تخریب نیروهای یکدیگر نباشد؛ ضمن نفع‌رسانی به عاملان فردی، باعث بهره‌مندی کلیت جامعه و اقتصاد از این تلاش‌ها و فعالیت‌های فردی می‌شود.

در جوامعی که دولت نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور دارد و کنترل بخش‌های مهمی از اقتصاد جامعه در دست اوست (مانند کشور ما ایران) می‌توان وظایف خطیری را برای دولت در جهت تشویق سرمایه اجتماعی ملی از جمله شفافیت در افشای اطلاعات مربوط به سیاست‌ها، تشویق شهروندی آگاهانه و مسئولیت‌پذیر تعریف کرد. توجه به شبکه‌های ارتباطی و سرمایه اجتماعی گروه‌ها و اقشار کم درآمد و بهره‌گیری مثبت از آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف توسعه‌ای.

در واقع دولت باید از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی سازمانی و تسهیل شرایط همکاری نهادی دستگاه‌ها با یکدیگر و ممانعت از گسستگی ارتباطات سازمانی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی با یکدیگر و با حکومت، وظیفه ایجاد انگیزه بیشتر برای کار و تلاش سازنده و حرکت به سمت عدالت در جامعه را به عهده دارد و در این راه، از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی برای تحقق اهداف ملی بهره‌برد. از طرفی هم مهم‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه، اغلب در حوزه‌های اقتصادی، بهداشت و سلامت جامعه و آموزش و پرورش تعریف می‌شوند که در ارتقای وضعیت آن‌ها سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به عنوان مثال، در حوزه اقتصاد، سرمایه اجتماعی در سطح خرد به کار یابی و اشتغال افراد کمک می‌کند و در سطح کلان، شبکه‌های ارتباطی در موفقیت‌های تجاری، کاهش هزینه‌های معاملاتی، تبادل نوآوری میان شرکت‌ها،

رونق کشاورزی و انعطاف‌پذیری و ایجاد زمینه مشارکت همگان مؤثر واقع می‌شوند. در حوزه آموزش، بهداشت و سلامتی جامعه نیز، تقویت شبکه‌های ارتباطی باعث افزایش سلامت روانی و آرامش جامعه، کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر و سلامتی افراد می‌شود. در آموزش و پرورش نیز شبکه‌های ارتباطی سازنده سرمایه اجتماعی در پیشبرد آموزش افراد نقش دارند.

### با توجه به اینکه تشکل‌های اقتصادی در ایران رشد چندانی ندارند به نظرتان بهترین راهکار برای تجمیع سرمایه‌های اجتماعی در قالب تشکل‌های اقتصادی چیست؟

مردم و تشکل‌های مردم نهاد به عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شوند و برای رسیدن به اقتصادی پویا و توسعه سرمایه گذاری، نیازمند جلب مشارکت‌های مردم و کارآفرینی هستیم؛ لذا باید بهره‌گیری از توانمندی‌های تخصصی تشکل‌های مردم نهاد و تعادل بخشی به وزن دولت و حوزه مردمی در تصمیم‌سازی و اجرا از جمله اولویت‌های مهم مسئولان باشد. چنانچه یکی از شاخص‌های مهم در برنامه ششم توسعه کشور موضوع تشکل‌های غیردولتی و استفاده از توان آن‌ها در تمامی بخش‌ها تعریف شده است که این هدفگذاری کیفی بهترین فرصت برای رشد بخش مردمی و ارتقای جایگاه آن است.

پیشنهاد بنده این است که در وهله اول باید شناختی از سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های گوناگون و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها کسب کنیم و مسئولان دلایل متروک ماندن بعضی از سرمایه‌های اجتماعی را بیابند و سعی در گسترش، حفظ و توسعه آن داشته باشند؛ چرا که سرمایه اجتماعی، اولاً زیربنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است و ثانیاً منبع شکل‌گیری اساسی گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شود، گروه‌هایی که توسعه هر جامعه، به آنان وابسته است. ■



گفت و گوی اختصاصی با محسن رنانی / اقتصاددان

عده‌ای سرمایه اجتماعی را فرآیندهای بین فردی می‌دانند که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را می‌سازد و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می‌کند که در نتیجه آن، منافع متقابل افزایش می‌یابد. از این منظر سرمایه اجتماعی قابل اندازه‌گیری است و منزلت اجتماعی سایر سرمایه‌ها را نیز در بر دارد. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در جامعه با «محسن رنانی» اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان گفتگو کرده‌ایم.

## در فقدان سرمایه اجتماعی، خیزش اقتصادی ممکن نیست

### تعریف شما از سرمایه اجتماعی چیست؟

از نگاه من سرمایه اجتماعی به مثابه نوعی روغن اجتماعی است که در مناسبات بین افراد نقش ایفا می‌کند و در عین تسهیل‌کنندگی مناسبات، نوعی چسبندگی هم ایجاد می‌کند به عبارتی هم چسب اجتماعی و هم روغن اجتماعی است. از یک سو بسیاری از زبری‌های مهره‌های اجتماعی؛ یعنی افراد و واحدها را که در اصطکاک با هم قرار می‌گیرند، تسهیل می‌کند و از بین می‌برد. یعنی برخوردها و مناسبات افراد را تسهیل می‌کند. در عین حال همچون یک چسب اجتماعی افراد را در کنار هم و در یک محیط تعامل اجتماعی نگه می‌دارد. می‌توان سرمایه اجتماعی را محیط یا مجموعه شرایط و مجموعه قواعد اخلاقی اجتماعی و رفتاری دانست که به طور ضمنی رفتار افراد را شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند در تعامل با هم به یک رشد پویا برسند. بنابراین سرمایه اجتماعی بسترو فضایی است که تعامل نیروهای انسانی و استفاده این نیروی انسانی از سرمایه مادی را تسهیل و کم‌هزینه

می‌کند. اگر جامعه را مانند یک میدان بازی در نظر بگیریم که بازیگران آن افراد و واحدهای اقتصادی - اجتماعی هستند، اینها در رقابت با هم به دنبال حداکثر کردن منافع شان هستند، حداکثر کردن منافع به معنی گل زدن بیشتر در بازی است. اما این بازی حداکثرسازی منفعت و استفاده از سرمایه‌های مادی را قواعد و رویه‌هایی که اسمش را سرمایه اجتماعی می‌گذاریم امکان‌پذیر می‌سازد و تسهیل می‌کند در غیر این صورت بازی یا متوقف می‌شود یا بسیار خشن و پرهزینه ادامه پیدا می‌کند. در مثال بازی فوتبال مسائلی همانند وجود قواعد بازی و رعایت آنها، داوری بی‌طرفانه و تمکین بازیکنان به نظرات داور، احترام متقابل بازیکنان، عدم پرخاشگری، تعهد و پایبندی به اخلاق بازی و نظایر آن جزء سرمایه اجتماعی بازی هستند که بازی را روان، مطمئن و کم هزینه می‌کند و رفتارها را پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد. در چنین بستری از سرمایه اجتماعی است که بازیگران شروع به بازی می‌کنند. در واقع توانایی تکنیکی بازیگران، سرمایه انسانی بازی است و محیط و تجهیزات ورزشگاه نیز

سرمایه مادی آن محسوب می‌شود.

### رابطه سرمایه اجتماعی و گروه‌های اجتماعی چگونه است؟

سرمایه اجتماعی منبع اصلی شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی است، بدون حضور سرمایه اجتماعی هیچ گروهی شکل نمی‌گیرد در واقع هرگروهی حول یک سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد بنابراین می‌توان گفت سرمایه اجتماعی منبعی است شامل قواعد ارزشی، اخلاقی، رفتاری که رفتار افراد را مقید می‌کند تا در گروه‌های مختلف اجتماعی با هم به تعامل، مبادله و تصمیم‌گیری بپردازند. اکنون می‌توانیم به یک جمع بندی از سرمایه اجتماعی برسیم. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌های غیررسمی، قواعد عرفی و تعهدات اخلاقی است که رفتارهای متقابل افراد در چارچوب آنها شکل می‌گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی افراد می‌شود و معمولاً به افزایش همکاری و مشارکت اجتماعی افراد می‌انجامد.



## سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع در حال توسعه مانند ایران تا چه حد اثر بخش است؟

رشد و توسعه اقتصادی نیازمند خلاقیت است و مطالعات اقتصادی نشان داده که بخش اعظم رشد در قرن بیستم نه حاصل نیروی کار یا رشد سرمایه‌گذاری بلکه حاصل ابداعات و خلاقیت‌ها و نوآوری در روش‌های تولید بوده است.

خلاقیت نیازمند یک افق زمانی بلندمدت برای فکر کردن، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است. هر نوع ابداعی در عرصه اقتصاد و تکنولوژی نیازمند افق زمانی بلندمدت، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری است. در دوره‌های سقوط سرمایه اجتماعی این افق‌های بلندمدت تیره و نامطمئن می‌شود. اعتمادی به آینده وجود نخواهد داشت. درجه حفاظت و تضمین حقوق مالکیت کاهش پیدا می‌کند. رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی افزایش پیدا می‌کند، مناسبات اجتماعی و اقتصادی پرهزینه می‌شود و بخش بزرگی از انرژی کارآفرینان و نیروهای خلاق در حل و فصل این اصطکاک‌های اجتماعی صرف می‌شود و لذا فرصت برنامه‌ریزی و خلاقیت و تمرکز وجود نخواهد داشت. بنابراین ممکن است ما رشد‌های عادی و معمولی داشته باشیم اما رشدهای چشمگیر که موجب خیزش اقتصادی بشود نخواهیم داشت. در فقدان سرمایه اجتماعی خیزش اقتصادی ممکن نیست اما ممکن است رشد اقتصادی معمولی وجود داشته باشد.

## به نظر شما یکی از عواملی که باعث شده سرمایه اجتماعی نتواند جایگاه خود را پیدا کند، چیست؟

یکی از مهمترین مسائل دشواری اندازه‌گیری آن است. هنوز هیچ شاخص فراگیری که بتوانیم میزان سرمایه اجتماعی و تحولات آن را اندازه‌گیری کنیم در دسترس نیست. سرمایه اجتماعی یک متغیر چند وجهی است. اولاً یک متغیر کلان غیرقابل مشاهده است. ثانیاً متغیری است که هم در سطح خرد وجود دارد و هم کلان و اشکالی که اینجا به وجود می‌آید آن است که در بسیاری از موارد سرمایه اجتماعی ممکن است در سطح خرد تقویت بشود در حالی که در همان زمان سرمایه اجتماعی در سطح کلان در حال تخریب است.

مثلاً استحکام مناسبات در گروه‌های قاچاق و شکل‌گیری باندهای قاچاق؛ یعنی اینکه سرمایه اجتماعی در گروه‌های کوچک در حال تقویت شدن است اما همزمان افزایش قاچاق به این معناست که سرمایه اجتماعی در سطح کلان در حال کاهش است. یا وقتی که روند

عمومی کشور به این می‌انجامد که اقلیت‌های قومی و مذهبی به سمت همگرایی درونی بروند و از همگرایی ملی بپرهیزند و شکافی بین آنها و نظام ملی پدیدار بشود این به منزله افزایش سرمایه اجتماعی در سطح قومیت‌ها و اقلیت‌ها و کاهش سرمایه اجتماعی در سطح ملی است. بنابراین به دلیل این پیچیدگی‌ها ساختن شاخص برای سرمایه اجتماعی خیلی دشوار است.

## آیا می‌توان با شواهدی گفت که میزان سرمایه اجتماعی در حال کاهش یا افزایش است؟

بله، ما می‌توانیم یکسری شواهد را ملاحظه نماییم و از طریق آن شواهد نتیجه‌گیری کنیم که سرمایه اجتماعی در حال رشد است یا کاهش. در واقع می‌توان روند تغییرات سرمایه اجتماعی را از روی پیامدهای سرمایه اجتماعی شناسایی کرد. مثلاً وقتی که اعتیاد رو به افزایش باشد، وقتی که میزان جرایمی که عنصر عمد در آن وجود دارد در حال گسترش باشد، وقتی مهاجرت به سمت خارج شدت بگیرد و... این شاخص‌ها به خوبی نشان می‌دهد که روند عمومی سرمایه اجتماعی به چه سمت و سویی در حرکت است.

در شرایط باثبات ممکن است بنا به دلایلی یکی از این متغیرها افزایش پیدا کند، مثلاً میزان خودکشی بالا برود، اما بقیه شاخص‌ها یا در حال کاهش هستند و یا ثابت می‌مانند اما وقتی به طور همزمان همه متغیرهای یاد شده در حال افزایش باشند به خوبی می‌توان دریافت که سرمایه اجتماعی به شدت در حال کاهش است. البته جدای از شاخص‌های آماری که روند پیامدهای سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند، می‌توان در زندگی روزمره و در عرصه‌های مختلف اجتماعی نیز شواهد کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی را ملاحظه کرد. مثلاً وقتی در معاملات املاک و مستغلات، هر روز میزان وثیقه‌ها بیشتر می‌شود، یا وقتی که مغازه‌های محلی دیگر به مشتریان خود نسبه نمی‌دهند، یا وقتی میزان خلف وعده‌های افراد چشم‌گیر می‌شود یا وقتی تعداد موتورسیکلت‌هایی که از پیاده‌روها یا از چراغ قرمز عبور می‌کنند روبه افزایش می‌گذارد و موارد دیگری نظیر اینها، همگی نشانه روند روبه کاهش سرمایه اجتماعی است.

## نقش دولت‌ها در افزایش سرمایه اجتماعی چیست؟

اگر حکومتی بنیاد برخی اقدامات تخریب‌کننده سرمایه اجتماعی را بگذارد حرکت او به طور طبیعی در جامعه تکثیر می‌شود پس همانطور

که حکومت یک نهاد نهادساز است و اقدامات او می‌تواند فعالیت‌های مردم را قانونمند کند متقابلاً حرکت‌هایی که از حکومت سربرزند و تخریب‌کننده سرمایه اجتماعی باشد می‌تواند کار تخریب سرمایه اجتماعی را تشدید کند. در کشورهای نفت خیز مثل ایران معمولاً فرایند تخریب سرمایه اجتماعی از طرف حکومت آغاز شده و علت هم آن است که دولت مدرن در ایران همزاد نفت است؛ یعنی دولت مدرن در ایران وقتی پدیدار شد که نفت هم در ایران کشف شد. اگر مبدأ دولت مدرن را انقلاب مشروطیت در نظر بگیریم، این نوزاد آرام آرام به شیر نفت وابسته شد و احساس کرد که بدون درآمد نفت نمی‌تواند حضور داشته باشد. آرام آرام متوجه شد که تمام منویات خودش را می‌تواند از طریق وجود درآمد نفت که در دستش است اجرا بکند. آرام آرام متوجه شد که نیازی به قانون ندارد و نیازی به قانونمداری ندارد و در مواقع ضروری توانسته ناکارایی‌ها را با نفت پوشش دهد. کارگزاران دولتی به طور تاریخی احساس کرده‌اند که فرا قانونی هستند. این روحیه در دوران باثبات یک کشور خیلی آشکارا به سرمایه اجتماعی ضربه نمی‌زند اما در دورانی که کشور در مرحله گذار قرار دارد به شدت تخریب‌کننده است. چرا که در دوران گذار دولت با مسائل و مصائب بیشتری روبروست و لذا سعی می‌کند که آن مسائل و مصائب را به طرق فراقانونی حل و فصل بکند. درآمد نفت دارد و لذا می‌تواند مشکلات را با سرعت زیاد آن هم از طریق فراقانونی حل و فصل بکند. این حرکت به سمت راه‌حل‌های فراقانونی مبدایی است برای تشدید تخریب سرمایه اجتماعی چرا که عادات حکومت به سرعت در جامعه تکثیر می‌شود.

به عنوان مثال، اعتماد اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که دولت و مردم به یکدیگر اعتماد کنند. اگر دولت به مردم اعتماد نداشته باشند و یا مردم از دولت سلب اعتماد کنند این کالا قابلیت تولید را ندارد. یا اگر کارکنان دولت فاسد باشند این فساد به مردم سرایت می‌کند و اگر مردم فاسد باشند این فساد به کارکنان دولت سرایت می‌کند. پس عدم فساد، عدم رشوه دادن، صداقت در مناسبات، اعتماد و نظایر این‌ها، همه بخش‌هایی از سرمایه اجتماعی هستند و زمانی افزایش می‌یابند که هم مردم و هم دولت به آن پایبند باشند و در انباشته کردن آن بکوشند. چه مردم قوانین رانندگی را رعایت نکنند چه دولت؛ یعنی پلیس رعایت نکند ترافیک وضعیت وخیم می‌شود. ترافیک وقتی تسهیل می‌شود که قواعد رانندگی به عنوان یک سرمایه اجتماعی از سوی همه افراد و دولت مورد احترام قرار بگیرد. ■

نگاه ویژه:

# بن بستى به نام صنعت برق

۳۰

نگاه ویژه



## دولت و بخش خصوصی؛

## مسافران کشتی طوفان زده اقتصاد ایران

شرایط صنعت برق بحرانی است.

پیش از هر اقدام و تصمیمی باید این مساله را بپذیریم که وقتی از بروز بحران در صنعت برق سخن می‌گوییم نه فقط مطالبات و یا رکود بلکه به هجوم حجم قابل توجهی از رخدادهای ناگوار اقتصادی اشاره می‌کنیم که بنیان‌های یک صنعت استراتژیک در ایران را نشانه گرفته‌اند.

شاید تا چند سال پیش می‌شد مطالبات را بحران اصلی صنعت برق دانست. امروز اگرچه مطالبات و عدم پرداخت خسارت دیرکرد همچنان صنعت برق را روی همان پاشنه اقتصاد ناکارآمدش می‌چرخاند اما رکود، تحریم، عدم پوشش هزینه‌های ناشی از نوسانات قیمت ارز و فلزات، کمبود نقدینگی، قراردادهای متوقف، نبود قرارداد تیپ منصفانه، بیمه، مالیات و چالش‌های بانکی هم به جان صنعت برق افتاده‌اند.

شرایط از آنچه تصورش را می‌رفت بغرنج‌تر است و به نظر می‌رسد بخشی از دشواری‌ها، ناشی از عدم پذیرش بحران توسط مسئولین است. خروج آمریکا از برجام و بازگشت موج تازه‌ای از تحریم‌ها مساله‌ای بود که می‌شد از همان ابتدای کار ترامپ به عنوان رییس جمهور آمریکا آن را پیش‌بینی کرد. اما سؤال اینجاست که چرا برای عواقب و پیامدهای این تصمیم قابل پیش‌بینی کاری در کشور انجام نشد؟

چرا دست روی دست گذاشتیم تا حالا که آمریکا دوباره به تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران روی آورده و بانک‌ها و شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به سادگی بدعهدی می‌کنند، تنها بنگاه‌های اقتصادی ایرانی که از قضا اکثراً خصوصی هستند باید هزینه آن را بپردازند؟

اقتصاد ایران گرفتار بی‌باوری مدیرانش شده است. راه دوری نرویم در صنعت برق هم این مساله به خوبی به چشم می‌خورد. سندیکا چندین سال است که از عواقب و عوارض رکود حاکم بر صنعت برق، سخن می‌گوید. این تشکل بارها به صراحت نسبت به

خاموشی‌های گسترده ناشی از عدم تعریف پروژه‌های توسعه‌ای صنعت برق هشدار داد. با این حال اما دولت به همان روند گذشته کارش را ادامه داد. سهم صنعت برق از بودجه سالانه وزارت نیرو کاهش یافت و بحران برق در هیاهوی خشکسالی و بی‌آبی کم‌رنگ شد. امروز اما منابع موثق از تحمیل ۱۷۰۰ کیلووات ساعت خاموشی به شبکه در روزهای ابتدایی تیرماه سخن می‌گویند و احتمال می‌دهند که این رقم تا مرز ۴۵۰۰ مگاوات هم افزایش یابد. بحران در حال پیشروی است. ارز در جهشی غیرقابل باور از مرز ۹ هزار تومان گذشت، معاملات ارز قفل شد، مسئولین به راحتی حساب قیمت‌ها سخن گفتند و در نهایت این بنگاه‌های اقتصادی بودند که برای تامین مواد اولیه، ارز مورد نیاز پروژه‌ها و یا بازپرداخت تسهیلات ارزی شان، هزینه قیمت‌هایی را پرداخت کردند که به تعبیر دولتمردان باید حساب می‌بود.

یا مثلاً در حوزه دیگری سندیکا در یک روند فرسایشی ۶ ساله با توانیر و وزارت نیرو برای تدوین یک قرارداد تیپ که بتواند حداقل حقوق را برای سازنده، پیمانکار و تامین‌کننده در نظر بگیرد، پای میز مذاکره نشستند. تدوین قرارداد تیپ سال‌ها زمان برد و هزاران نفر ساعت کار داوطلبانه از سوی بخش خصوصی صرف این کار شد.

درست در بجه‌ای افزایش نرخ ارز، وقتی صاحبان بخش خصوصی به دنبال راهکاری برای پوشش خسارات ناشی از این افزایش بودند، توانیر متن قرارداد تیپ را ابلاغ کرد. البته پیش‌تر در اواخر سال ۱۳۹۵ قرارداد تیپی که با مشارکت سندیکا تدوین شده بود، ابلاغ و اجرای آن الزامی شده بود. اما عدم تمکین مدیران عامل شرکت‌های تابعه وزارت نیرو کار را به بن بست رساند. به هر حال قراردادی که این بار ابلاغ شد، با هماهنگی مدیران ارشد شرکت‌های برق منطقه‌ای تدوین شد. بدون شک این بار آنها در اجرای این قرارداد تردید نخواهند کرد. کار اما برای بخش خصوصی

همچنان دشوار باقی می‌ماند.

با نگاهی اجمالی در می‌یابیم که هیچ مرجع قانونی و یا مصوبه لازم‌الاجرای برای جبران خسارات ناشی از افزایش نرخ ارز، فلزات یا تغییر قوانین و مقررات وجود ندارد. دولت هنوز هم برای مواجهه با عوارض ناشی از تحریم، ارز، رکود و کسری بودجه برنامه عملیاتی ارائه نکرده و یا اگر کاری انجام شده بخش خصوصی از آن بی‌اطلاع است.

به نظر می‌رسد همه مسافران این کشتی بزرگ که در آستانه به گل نشستن است، فراموش کرده‌اند که با هم همسفرند. دولت بدون همراهی و همکاری بخش خصوصی نخواهد توانست از بحران‌هایی یابد و بی‌شک بنگاه‌های اقتصادی هم بدون حمایت و سیاستگذاری صحیح دولت از این ورطه جان سالم به در نخواهند برد.

متأسفانه هنوز هم رویکرد دولت در حوزه اقتصاد مستقل از منافع بخش خصوصی است. به عنوان مثال مسئولین دولتی بارها اعلام کرده‌اند که در تامین نیازهای ارزی کشور هیچ مشکلی ندارند، اما اعضای سندیکای صنعت برق ایران برای تامین ارز جهت ترخیص کالاهایشان و یا خرید مواد اولیه دچار چالش جدی هستند. گویی فعالان اقتصادی در فضایی جز آنکه مسئولین درباره آن سخن می‌گویند فعالیت می‌کنند.

امروز در شرایط سختی که بیم از نفس افتادن بنگاه‌های اقتصادی صنعت برق می‌رود، پیش از هر چیز باید مسئولین کشور بپذیرند که شرایط کشور بحرانی است و همه بخش‌ها باید مهبای مواجهه با این وضعیت شوند. شاید این پذیرش عمومی، تنها راهی است که می‌تواند کشور را به سمت تدوین راهکارها و عملیاتی کردن آنها هدایت کند.

در غیراین صورت این سراب حاکم بر جو کنونی، ریشه بخش خصوصی را می‌خشکاند و اقتصاد را به روی سرازیر سقوط می‌اندازد. تا دیر نشده باید مهبای یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی شوم. ■



ولی اله بیات /  
مدیر عامل شرکت پارس سویچ

# ابزارهای موجود برای التیام اقتصاد ملت‌ه‌ب ایران

قرار گرفته و پشتیبان آنها در جنگ اقتصادی کنونی باشند. نکته حائز اهمیت این است که رویه فعلی مقررات به این شکل است که به دلیل شرایط حاکم بر اقتصاد کلان، قراردادها مشمول تعدیل می‌شوند. در این شرایط پیمانکار ناگزیر است با علم به این موضوع قرارداد را اجرا کرده و سپس ادعای خود را مبنی بر اعمال تعدیل‌های قراردادی بر مبلغ نهایی پروژه مطرح کند و امیدوار باشد که ممکن است این تقاضا پس از گذر از هفت‌خوان مصوب شود. در نهایت این پیمانکار است که بیشترین زیان را از محل اجرای پروژه‌های توسعه‌ای صنعت برق متحمل می‌شود. در این شرایط صنعت برق علاوه بر همراهی کارفرمایان به مشارکت دستگاه‌های نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور هم نیاز دارد. این دستگاه‌ها می‌توانند و باید کارفرمایان را ناگزیر به تأیید تعدیل و اصلاح مبلغ قرارداد کنند. تنها در این صورت است که پیمانکار یا تولیدکننده قادر به تأمین نیازها و اجرای تعهدات خود خواهد بود. نگارنده امیدوار است که این نگاهت به عنوان گزارش دیده‌بانی که از مواضع دشمن اطلاعاتی را به فرمانده خودی گزارش می‌کند، تلقی شده و جدی گرفته شود.

در همین راستا منطقی کردن نرخ فلزات پایه از جمله آهن، مس، آلومینیوم و روی که به عنوان مواد اولیه مورد نیاز صنعت برق بوده و در داخل کشورمان تولید می‌شود هم یکی دیگر از اقدامات مهم برای گذر از بحران

شرایط کنونی صنعت برق علاوه بر بحران‌های گسترده‌ای که تا پیش از این گرفتارش بود، با افزایش ناگهانی نرخ ارز و نبود روشی سیستماتیک برای جبران خسارات ناشی از این افزایش قیمت در قراردادهای صنعت برق هم در حال دست و پنجه نرم کردن است. توان شرکت‌های برقی برای تحمل فشارهای ناشی از این نوسانات غیرقابل پیش‌بینی بسیار کمتر از آن است که دولت در جبران این خسارات تعلل کند.

در این راستا نکاتی قابل توجه به نظر می‌رسد. نکته اول اینکه جبران خسارت پیمانکاران و تولیدکنندگان و به تعبیری تعدیل مبلغ قرارداد در پی تغییر غیرعادی نرخ ارز که بدون تردید در قیمت مواد اولیه تولید داخل نیز تأثیر قابل توجهی گذاشته است، امری الزامی و غیرقابل انکار است. نکته دیگری که نباید آن را از نظر دور داشت این است که تا پایان سال ۱۳۹۶ موضوع تقاضای استفاده از قرارداد تیپ و گنجاندن بند تعدیل تغییرات نرخ ارز و فلزات و خسارت دیرکرد، خواسته‌ای بجا برای حفظ فعالان اقتصادی بود که در صورت توافق کارفرما، تحت شرایطی باید انجام می‌گرفت. اما امروزه با توجه به تغییرات غیرعادی در نرخ‌ها و شرایط اقتصادی، انجام تعدیل و تأیید آن قبل از اجرای قرارداد به امری ضروری برای بقای فعالان اقتصادی تبدیل شده است. با این شرایط مهمترین انتظار فعالان بخش خصوصی صنعت برق این است که مقامات و مسئولان دولتی و همچنین دستگاه‌های نظارتی در کنار فعالان اقتصادی







”

عدم توجه و به کارگیری ابزارهایی که در حال حاضر در اختیار دولت است، این ذهنیت رانداعی می کند که ملاحظه منافع این بنگاه ها به منافع عموم و مدیریت التهاب ترجیح داده می شود

این فلزات را به رعایت مقررات ملزم کرده و در صورت تمرد آنها، انرژی برق مصرفی را با کمترین نرخ آزاد در کشورهای صنعتی یا در حال توسعه محاسبه کند.

واقعیت این است که حتی اگر چنین اقدامی حذف سود این شرکت ها را که عمدتاً وابسته به دولت هستند، در پی داشته باشد؛ قطعاً در مقابل مدیریت التهاب جامعه امری توجیه پذیر خواهد بود.

ابزار فوق در الزام صادرکنندگان به برگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد نیز می تواند کاربرد داشته باشد. برای کاهش التهابات ایجاد شده در فضای اقتصادی کشور ابزار دیگری هم وجود دارد که به نظر می رسد تا امروز مغفول مانده است. تخصیص درصدی موثر به عنوان جایزه صادراتی است که می توان با افزایش درصد آن در حد جایزه صادراتی کشورهای در حال توسعه (۱۰ تا ۱۷ درصد) به بهبود شرایط اقتصاد کشور کمک کرد. پیش بینی چنین جایزه صادراتی و پرداخت آن همزمان با فروش ارز توسط صادرکننده به سیستم بانکی زمینه ساز توسعه صادرات و کاهش التهابات داخلی اقتصاد خواهد بود. در صورتی که علیرغم پرداخت جایزه صادراتی، صادرکننده از برگشت ارز حاصل از صادرات خودداری کند، آنگاه محاسبه هزینه انرژی به نرخ گرانتر باید به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد.

عدم توجه و به کارگیری به ابزارهایی که در حال حاضر در اختیار دولت است، این ذهنیت را تداعی می کند که ملاحظه منافع این بنگاه ها به منافع عموم و مدیریت التهاب ترجیح داده می شود. امیدوارم سندیکا با کنکاش پیرامون این موضوعات به دور از جنجال و هرگونه حاشیه آنها را از مجاری قانونی مرتبط پیگیری و حل کند. انشا... ■

کنونی است.

تا زمان اعلام نرخ رسمی ارز، قیمت گذاری مواد اولیه تولید داخلی بر اساس حاصل ضرب نرخ LME در نرخ روز ارز آزاد بود. بنابراین پس از اعلام ارز تک نرخ، انتظار می رفت تولیدکنندگان این فلزات که اغلب تحت کنترل وزارت صنعت، معدن و تجارت بوده و یا از امکانات و سوبسیدهای موثر دولتی به ویژه در زمینه نرخ انرژی برق، سود می برند، فرمول موصوف را بر اساس حاصل ضرب نرخ LME در نرخ ارز رسمی پیاده سازی کرده و قیمت محصولات خود را اینگونه تعیین کنند.

اما متأسفانه این اتفاق رخ نداد. روندی که متأسفانه برخلاف منافع ملی رخ داد این بود که در ابتدای اعلام تک نرخ رسمی برای ارز، هیچکدام از تولیدکنندگان فلزات فوق حاضر به تبعیت از تصمیم دولت و پرهیز از انعکاس التهاب به بازار نبودند.

پس از آن با پیگیری هایی که سندیکا انجام داد از نیمه دوم اردیبهشت ماه تولیدکنندگان اصلی مقاطع مسی (شهید باهنر) نرخ محصولات خود را با فرمول مورد انتظار، تطبیق و قیمت ها را کاهش دادند. البته اخیراً شایعه افزایش قیمت جدیدی شنیده می شود که می باید به این موضوع توجه و علت تغییرات را پیگیری بود.

با این وجود اما این اتفاق در مورد سایر مواد اولیه تولید داخل مانند آهن، آلومینیوم و روی رخ نداد. هنوز تغییری در قیمت این فلزات مشاهده نمی شود و قیمت های قبل از سال ۹۷ همچنان روند افزایشی خود را طی می کنند.

در تولید این مواد اولیه، انرژی برق نقش اساسی دارد. یارانه ای بودن قیمت انرژی در سودآوری تولیدکنندگان فلزات اساسی تأثیر قابل توجهی دارد. بنابراین در صورتی که دولت علاقمند به ایجاد آرامش باشد می تواند از ابزار منطقی سوبسید هزینه برق به نفع آرامش جامعه سود برده و تولیدکنندگان



# آقای دولت! لطفاشانه خالی نکنید

/ سمیه کاظم زاده دهکردی /  
دبیر تحریریه ستیران

پروژه‌های جدید، کمبود نقدینگی، روند بسیار کند اصلاح تعرفه های برق و بسیاری چالش های دیگر، تلاش وزارت نیرو و سندیکا را برای بهبود نسبی شرایط به بن بست رساند.

با این حال وزارت نیروی دولت یازدهم چهار سال فعالیت خود را در بی پولی، بدهی های معوق و رکود در حاشیه گذراند. ثبات حاکم بر اقتصاد کشور در طول این دوره دست فعالان اقتصادی را برای مدیریت شرایط رکودی حاکم بر صنعت تا حدی باز گذاشت. بسیاری به بازارهای صادراتی روی آوردند و گروهی دیگر تلاش کردند مجموعه های خود را با تعداد اندک پروژه های تعریف شده سرپا نگه دارند. در این دوره یکی از مهمترین مسائل مطروحه در صنعت برق بازمانده های بحران ارزی سال ۹۱ بودند. قراردادهایی که در بنبوحه ناگهانی افزایش نرخ ارز در آن سال متوقف شده بودند و حالا پس از چند سال کار به فسخ آنها و ضبط ضمانت نامه رسیده بود. اینکه سندیکا با چه جدیتی موضوع را پیگیری کرد و کار در نهایت به ایجاد کارگروه مشترکی با وزارت نیرو برای حل مشکلات این دست از قراردادهای رسید، تنها یک روی سکه بود.

روی دیگر سکه اما چشم پوشی وزارت نیرو از تعهدات حقوقی، اخلاقی و کارفرمایی اش برای جبران خساراتی بود که پیمانکاران و سازندگان کوچکترین دخالتی در ایجاد آنها نداشتند.

زمینه ساز ایجاد تحولات خطرناک و پرهزینه ای در اقتصاد ایران شود. با این حال دستگاه های اجرایی به جای چاره اندیشی برای آنچه که خروج بی ثمر ترامپ از برجام تلقی می شد، دست روی گذاشتند تا کار به جهش تاریخی قیمت ارز و سقوط اسفبار ارزش پول ملی بیانجامد.

این سوی کار اما داستان صنایعی مانند برق غم انگیزتر و متاثرکننده تر است. صنعتی با پیشینه افتخار آفرین اما پربحران که تلاش می کرد آسیب های جدی ناشی از عملکرد ناکارآمد دولت های نهم و دهم را در سایه سیاست های یازدهمین دولت جمهوری اسلامی ایران تا اندازه ای ترمیم کند، آنقدر سریع به ورطه بحرانی تازه تر و گسترده تر کشیده شد که امروز بیم از دست رفتن دستاوردهای چهل ساله آن می رود.

وقتی دولت یازدهم وزارت نیرو را با بدهی بالغ بر ۲۰ هزار میلیارد تومان از محسن نامجو تحویل گرفت، فعالان این صنعت امیدوار بودند که در سایه مدیریت و دانش حمید چیت چیان، تا اندازه ای گره از مشکلاتشان باز شود. اگرچه چیت چیان تلاش کرد تا با رد بخشی از دیون سازندگان و پیمانکاران و ایجاد رابطه سازمان یافته با تشکل های بخش خصوصی صنعت برق از جمله سندیکا به حل مشکلات این صنعت کمک کند، اما رکود، عدم تعریف

اقتصاد ایران در سرازیری سقوط است. این روزها رکود بدل به بی ثباتی غیرقابل پیش بینی شده که عملاً اقتصاد کشور را زمین گیر کرده است. در شرایط کنونی بخش های مختلف اقتصادی چنان مبهوت رخدادهای ناگهانی بازار و جابجایی قیمت ها شده اند که حتی قادر نیستند راه چاره ای برای برون رفت از بحران دامنگیر کنونی بیابند. افزایش ناگهانی قیمت طلا و نرخ ارز و به دنبال آن افزایش شدید قیمت مولفه های تولید زنگ خطری برای توقف فعالیت های بخش خصوصی است. اگرچه قیمت ارز به فاصله چند روز از التهابات شدید فاصله گرفت و به هفت هزار تومان نزدیک شد اما باز هم این امر نشانه ای برای خروج از بحران نیست. در هر صورت این افزایش قیمت خدمات جبران ناپذیری به بدنه اقتصاد کشور وارد می کند.

این مساله جایی بغرنج ترمی شود که مسئولین دولتی یا به طور کلی منکر این وضعیت بحرانی می شوند و صحبت از حباب و پیامدهای روانی بازار به میان می آورند و یا وقتی از یک جنگ اقتصادی تمام عیار حرف می زنند به خوبی به ابعاد و اثرات آن آشنا نیستند.

خروج آمریکا از برجام، بازگشت تحریم ها و بدعهدی اروپایی ها برای روی خوش نشان دادن به آمریکا به خودی خود می توانست



وزارت نیرو تلاش کرد در کنار سندیکا و با ایجاد کارگروه مشترک قراردادهای متوقف مساله را به نوعی بدون ایجاد حاشیه های قضایی حل کند اما مشکل این بود که نه وزارت نیرو و نه شرکت های تابعه اش ریشه این بحران را در خود نمی دیدند. دقیقا به همین دلیل درست زمانی که به دستور مستقیم وزیر مقرر شده بود که برای هیچیک از قراردادها بدون انجام بررسی های لازم در کارگروه مشترک تصمیم گیری نشود، برق خوزستان در اقدامی غیر قابل پیش بینی ضمانت نامه دو شرکت را ضبط کرد.

این رویکرد نشان می داد که مشکل تنها متن سلیقه ای و یک سویه قراردادهای وزارت نیرو و مجموعه های تابعه اش نیست، بلکه ریشه این مساله در نوع تفکر مدیران این مجموعه هاست. مساله فسخ قرارداد و ضبط ضمانت نامه در شرایطی که شرکت ها در بحران رکود و نقدینگی به سر می بردند، نشان داد که تنها راه حل تدوین یک قرارداد تیپ با لحاظ شدن منافع دو طرف است.

البته سندیکا ظرف بیش از یک دهه گذشته همواره این موضوع را به شکل جدی و گسترده دنبال کرده است، اما راه همیشه به دیوارهای بلند شیشه ای آیین نامه ها و قوانین وزارت نیرو منتهی می شد. تلاش یک دهه ای این تشکل برای تدوین قرارداد تیپ، پس از نشست های مکرر و جلسات متعدد به تدوین متنی منجر شد که اگرچه همه آنچه که مد نظر سازندگان و پیمانکاران بود را در خود نداشت، اما به دلیل تایید توانیر، یک دستاورد کلی محسوب می شد.

در متن این قرارداد حداقل جبران بخشی از خسارات ناشی از تغییر مولفه های اصلی اقتصادی از جمله ارز، فلزات، دیرکرد در پرداخت و تغییر قوانین و مقررات دیده شده بود. شرایط پیش پرداخت، خاتمه و... هم نه آنقدر که منافع سازنده و پیمانکار تامین شود اما نسبت به گذشته بهبود یافته بود.

این قرارداد تیپ پس از تصویب نهایی در توانیر به شرکت های زیرمجموعه این وزارتخانه ابلاغ شد. حاصل کار اما اصلا آنچه که پیش بینی می شد، نبود. در مناقصات پس از این ابلاغ، تعداد بسیاری از شرکت های تابعه این وزارتخانه از متن قرارداد ابلاغی بهره نگر شدند و دستور توانیر را تمکین نکردند.

باز هم این سندیکای صنعت برق ایران بود که باید موضوع را پیگیری می کرد. چرا که توانیر دغدغه ای بابت اجرا یا عدم اجرای قرارداد تیپ نداشت. شاید تفکر حاکم بروزارت نیرو این بوده که در نهایت قرار نیست آنها متضرر شوند. به هر حال پیگیری های گسترده و چندین باره سندیکای صنعت برق ایران در کنار تحریم یک ماهه مناقصات توزیع به

تصویب و ابلاغ دوباره قرارداد تیپ منجر شد. منتها تفاوت آنجا بود که متن این قرارداد با آنچه پیشتر با همراهی سندیکا تدوین شده بود کاملاً متفاوت بود.

حالا در بزنگاه بحرانی و تاریخی اقتصاد ایران و در شرایطی که ثبات چهار سال گذشته بر اقتصاد حاکم نیست و قیمت ها افسارگسیخته و بی منطق افزایش می یابند، نبود قرارداد تیپ، عدم جبران خسارات ناشی از تغییرات اینچنینی و بی باوری مسئولین وزارتخانه نسبت به یکپارچه بودن بخش های دولتی و خصوصی این صنعت، کار خود را خواهد کرد. بی شک موج جدیدی از قراردادهای متوقف در راه خواهد بود، هجمه تازه ای از قراردادهایی که زیر سایه سنگین تحریم ها از ادامه کار باز مانده اند و پروژه هایی که افزایش نرخ ارز زمینگیرشان کرده است. صنعت برق با این حجم از خسران و زیان چه خواهد کرد؟

وزارت نیرو در شرایطی که به روزهای تحریم های بین المللی بازمی گردیم و دوباره راه برای مبادلات بین المللی تجاری بسته می شود، بدون بازوهای اجرایی اش چه خواهد کرد؟ امروز که این وزارتخانه با بحران کم آبی و خشکسالی مواجه است و در حاشیه، درباره کمبود بیش از چهار هزار مگاوات در روزهای گرم تابستان و پیک مصرف هشدار می دهد، تضعیف و حذف شرکت های سازنده و پیمانکاری که سالها و در اوج بحران های این وزارتخانه، پروژه هایش را با اتکا به تسهیلات بانکی گران قیمت اجرا کردند، می تواند هزینه های جبران ناپذیری در پی داشته باشد. کنترل و یا کاهش نرخ ارز، افزایش ارزش پول ملی و یا حتی اصلاح ساختار اقتصادی صنعت برق و قیمت فروش آن قطعا مسائلی هستند که در حیطه مدیریت کلان کشور قابل بررسی و پیگیری است. اما پذیرش آسیب های وارد شده به بنگاه های اقتصادی از محل این مولفه ها، کار چندان دشواری نیست.

وقتی معاون اول اقتصادی رییس جمهور از یک جنگ اقتصادی سخن به میان می آورد، دولت علاوه بر همیا کردن خود برای این تقابل اقتصادی دشوار باید بخش خصوصی را هم برای حضور در این میدان مجهز کند. اما آنچه که در شرایط کنونی در حال رخ دادن است، چیزی جز شانه خالی کردن دولت از مسئولیت های سنگینش برای بهبود شرایط و یا حداقل پذیرش عوارض و پیامدهای آن نیست. به این ترتیب صاحبان بخش خصوصی صنعت برق در حالی که از رفع رکود در این صنعت ناامیدند و برای گرفتن مطالباتشان گرفتاری های بسیاری دارند، باید فکری به حال قراردادهایی کنند که با دلار ۳۷۰۰ تومانی منعقد کرده بودند. حالا که نرخ دلار بین ۴۲۰۰

تومان مصوب دولت و ۷۵۰۰ تومان بازار معلق مانده، بی شک فعالان اقتصادی بیش از هر زمان دیگری از ورودشان به این عرصه احساس پشیمانی خواهند کرد.

البته مدیران ارشد صنعت برق ظرف چند ماه گذشته و به ویژه پس از خروج از برجام تلاش بسیاری کردند که با یادآوری خودکفایی ۹۵ درصدی صنعت برق، این صنعت را از بحران ارزی میرا کنند. اما نه اصول اقتصادی و نه واقعیت این صنعت، بی نیازی از ارز را تعبیر درستی از خودکفایی نمی دانند.

بخشی از مواد اولیه، تجهیزات واسطه ای برای تولید کالاهای برقی و تجهیزاتی که امکان ساخت آنها در داخل کشور وجود ندارد، قسمتی نیازهای ارزی این صنعت است. به علاوه برخی از شرکت ها برای انجام پروژه های صادراتی و گاها داخلی خود ناگزیر به اخذ تسهیلات ارزی شده اند. بازپرداخت این تسهیلات با کدام ارز و با چه نرخ صورت خواهد پذیرفت؟ کدام نهاد عهده دار ضرر قابل توجهی است که بنگاه های اقتصادی بخش خصوصی متحمل می شوند؟

سندیکای صنعت برق ایران طی یک استعلام از اعضا و براساس پاسخ تنها ۸۰ شرکت از جمع ۵۱۰ شرکت عضو خود نیاز ارزی صنعت برق را ۶۰۰ میلیون یورو ارزیابی کرده است. این رقم مربوط به صنعتی است که سال ها داعیه خودکفایی داشته و دارد، اما این خودکفایی هرگز به معنای بی نیازی به ارزی از ریز نبود پروژه های آن نبوده است.

تعبیر نادرست مدیران ارشد صنعت برق از میزان تاثیرگذاری نوسانات نرخ ارز بر پروژه های این صنعت، به مغری برای بی توجهی به متن قراردادها و تلاش برای پوشش ریسکی است که از محل تغییر قیمت مولفه های کلان اقتصادی، قراردادها را تهدید می کند.

اقتصاد ایران ناخوش احوال است. سکوت، سکون و رکود حاکم بر اقتصاد، هشدار جدی برای آینده نزدیکی است که ممکن است سرشار از اتفاقات ناخوشایند باشد. پس بهتر است دولت، مجلس و سایر نهادهای تصمیم ساز، به جای نادیده گرفتن عوارض جنگ نابرابر اقتصادی که در کشور به راه افتاده، پای پیامدهای تصمیمات، عملکرد و سیاستگذاری های خود بایستند.

بی شک این بزنگاه تاریخی و بحرانی زمان خوبی برای شانه خالی کردن نیست، باید ایستاد، با بحران مواجه شد و برای گذر از آن با همفکری و همراهی بخش خصوصی چاره اندیشی کرد.

آقای دولت! شما مسئولید.... لطفا شانه خالی نکنید. ■



## ایجاد بازارهای جدید برای جذب سرمایه‌گذاری

اقتصاد و صنعت ایران روزهای پرتلاطمی را سپری می‌کنند، روزهایی که عبور از پیچ‌ها و شیب‌های سخت و تند را به طور دقیق معنی می‌کند، این شرایط که با نوسان نرخ ارز در هم گره خورده است، فعالان اقتصادی را با چالش‌هایی مواجه کرده که عرصه فعالیت را بر آنها تنگ کرده است. «محسن کوهکن» عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ما از زمینه‌های رشد نرخ ارز و طلا و تبعات آن بر اقتصاد کشور می‌گوید.

جدیدی برای جذب سرمایه‌گذاری ایجاد کند تا قیمت مسکن، ارز و طلا کاهش پیدا کند اما از آنجایی که دولت میزان تقاضا در بازار طلا را کاهش نداده است، شاهد افزایش قیمت سکه بودیم.

### راه حل شما در این باره چیست؟

در مرحله اول تا جایی که امکان دارد باید مدیریت، برنامه‌ریزی و بسترسازی شود تا با یک نرخ ارز سرو کار داشته باشیم، به این معنی که آثار ظهور و بروز ارز در نرخ‌های کالاهای مشابه و کالاهای متفاوت به دو نوع محاسبه نشود در این صورت قیمت‌های تمام شده واقعی خواهد بود. با واقعی شدن نرخ ارز از برخی سوء استفاده‌ها جلوگیری شده و برنامه‌ریزی‌ها حساب شده و پیش‌بینی‌ها دقیق خواهد بود. افزایش و کاهش نرخ ارز برای واردات و صادرات پیام مختلفی دارد. وقتی نرخ ارز بالا می‌رود صادرات اقتصادی‌تر و واردات کنترل و محدودتر می‌شود یعنی افزایش نرخ ارز برای واردات کنترل‌کننده است و صادرات را تشویق می‌کند. عکس این روند وقتی است که قیمت ارز پایین می‌آید، پایین بودن نرخ ارز مساوی است با واردات پرمفعت‌تر و اقتصادی‌تر و کم‌رنج شدن و توقف صادرات. بنابراین کاهش و افزایش نرخ ارز دو پیام متفاوت برای صادرات و واردات دارد:

۱. رسیدن به نرخ واقعی ارز مشخصا به معنای افزایش نیست، امکان دارد نرخ ارز به صورت بادکنکی در فضای روانی افزایش پیدا کند، در چنین موقعیتی واقعی کردن نرخ ارز کاهش تلقی می‌شود اما عموما کاربرد واقعی سازی نرخ ارز مترادف با افزایش بوده است.

۲. اگر واقعی کردن نرخ ارز منجر به افزایش جزئی شود و بتوان آن را مدیریت و از دو نرخی جلوگیری کرد آثار آن در میان مدت و بلندمدت برای اقتصاد کشور نه تنها منفی نیست بلکه می‌تواند مثبت باشد.

### به نظر شما اجرای این روند منجر به کاهش ارزش پول ملی نمی‌شود؟

اگر برای واقعی کردن نرخ ارز به سمت افزایش نرخ برویم کاهش ارزش پول ملی حرف درستی است اما باید بدانیم که هر تصمیم اقتصادی هم پیامد مثبت دارد و هم پیامد منفی و اهمیت این تصمیم در نوع مدیریت آن است به این معنی که با مدیریت بتوان آثار منفی آن را به حداقل و آثار مثبت آن را برای اقتصاد کشور به حداکثر رساند. ■

### نوسان قیمت ارز روی صنایع مختلف تأثیرات منفی داشته است، ارزیابی شما از وضعیت کنونی چیست؟

اولین نهادی که نسبت به نوسانات قیمت ارز واکنش نشان داد مجلس بود. دولت بعد از انجام بررسی‌هایی، قیمت‌گذاری ۴ هزار و ۲۰۰ تومان را برای دلار انجام داد که حرکت خوبی بود. البته در این مورد دو بحث عمده وجود دارد، چرا که دولت در قانون بودجه مقدار دلار را سه هزار و ۸۰۰ تومان ارزیابی کرده است. بنده فکر می‌کنم که این قیمت ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی در تعامل با واردکنندگان و صادرکنندگان و افرادی دیگری که به نوعی فعالیتشان به قیمت دلار گره خورده، صورت گرفته است. قطعا دولت باید به تقاضاهای صادق ارز پاسخ بدهد و با مبادلات غیرقانونی و غیرضروری به جد برخورد کند در همین راستا باید نظارت مستمر و برخورد مقتدرانه‌ای برای ثبات نرخ ارز در کشور داشته باشیم. دولت نباید برای وارد کردن کالاهای غیرضروری مثل شکلات و عروسک و... ارز در اختیار افراد قرار دهد و با دقت بر بازار عرضه و تقاضا نظارت داشته باشد.

### فکر می‌کنید دلیل نوسانات نرخ ارز و سکه چه بوده است؟

نقدینگی حکم آب را دارد. سرمایه داران با راکد ماندن سرمایه کنار نمی‌آیند و باید آن را به جریان بیندازند. در فرهنگ جامعه ما این سرمایه باید به سمت زمین، مسکن، طلا و ارز برود لذا از آنجایی که همه به دنبال رشد ارزش پول خود هستند، شاهد افزایش تقاضا در بازارهای مختلف هستیم. ماجرای افزایش نرخ سکه نیز از جایی شروع شد که وقتی قیمت بالا رفت تقاضا نیز افزایش یافت تا زمانی که قیمت سکه یک میلیون تومان بود میزان تقاضا نیز مشخص بود اما زمانی که به دو میلیون تومان رسید، ۷ میلیون تقاضای سکه شدند. وقتی تقاضا برای تبدیل ریال به ارز، طلا، مسکن افزایش پیدا می‌کند، وجود گرانی در بازار طبیعی است، مردم برای اینکه احساس نکنند ارزش نقدینگی‌شان کاهش یافته به سمت و سوی تبدیل ریال به کالاهای ارزشمند می‌روند.

بازار ارز از حجم نقدینگی اشباع شده است و مردم متوجه شده‌اند که ارز دیگر جایی برای رشد ندارد به همین جهت نقدینگی به سمت طلا سرازیر شده است، دولت می‌تواند در این زمینه با تسلط به بازار، میزان تقاضا را با محدود کردن عرضه مدیریت کند اما در واقع تاکنون چنین اقدامی نداشته است. دولت باید اطلاعات را رصد کند و بازارهای





وضعیت نابسامان اقتصادی، نوسان ارز و افزایش قیمت مواد اولیه باعث شده این روزها کلمه تعطیلی و ورشکستگی بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری بیشتر به گوش برسد. کلمه‌ای که با خود هزاران تبعات اقتصادی و اجتماعی و در نهایت سیاسی به همراه خواهد داشت. مهندس مهدی مسائلی عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران وضعیت فعالان صنعت برق و حال این روزهای شرکت‌های برق را برای ما تشریح کرده است.

گفتگو با مهدی مسائلی /  
عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

## ورشکستگی اقتصاد کلان کشور و حال ناخوشِ صنعت برق

فعالان صنعت تنگ می‌کند.

**آیا ادامه روند نابسامان اقتصادی کشور ممکن است به ورشکستگی اجتناب ناپذیر شرکت‌ها منجر شود؟**

ورشکستگی زمانی رخ می‌دهد که شرکت‌ها در برابر انجام تعهدات خود ناتوان بوده و قادر به پاسخگویی آنها نیستند. عده‌ای در علم مدیریت علت ورشکستگی شرکت‌ها را عدم توانایی داخلی و نقص در نحوه مدیریت می‌دانند اما بنده مخالف این رویکرد هستم. فقدان سرمایه کافی، بازار ضعیف و رشد کنترل نشده از دلایل اصلی ورشکستگی در کشورهای پیشرفته است، در آنجا بستر کسب و کار توسط دولت آماده شده است و اشتباهات استراتژیک مدیران شرکت آن را با ورشکستگی مواجه می‌سازد در اینگونه کشورها نظیر آمریکا، آلمان، چین

شرکت‌های برق منطقه ای و توزیع از جنس مشتریان end user دولتی هستند. منظور ما از دولت در ایران state است نه دولت به معنای government. سنتی ترین وظیفه هر دولتی تامین امنیت در دو بعد جغرافیایی و اقتصادی است که روی صحبت ما با دولت در تامین امنیت اقتصادی است. در حالی که با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی شعار خصوصی سازی سرداده شده است و اقتصاد باید به سمت خصوصی شدن حرکت کند، چنین بستری برای بخش خصوصی فراهم نشده است لذا این بخش هم با مشکلات داخل کشور (تحریمهای داخلی) ناشی از عدم ثبات قوانین و مقررات در محیط کسب و کار و هم با مشکلات بین المللی روبرو است یعنی نه در داخل امنیت اقتصادی داریم و نه در خارج که این عدم ثبات و امنیت عرصه را بر

**آقای مهندس شما به عنوان یکی از فعالان صنعت برق شرایط اقتصادی ایران را چگونه می‌بینید؟ بخش خصوصی در این شرایط با چه مشکلاتی مواجه است؟**

صنعت برق یک صنعت زیرساختی است که در تمامی محورهای تولید، انتقال و توزیع در ذات دولتی هستند. این صنعت زیرساختی تحت نظارت حاکمیت کشور است فلذا با برق به مثابه کالایی تعزیراتی برخورد می‌شود که نتیجه این نوع نگاه، نرخ‌گذاری برق است و متأسفانه این نرخ طی یک دهه گذشته و بویژه دو سه سال اخیر تکافوی اداره این صنعت را نداده است.

در محیط کسب و کار ایران با دو نوع فعال اقتصادی روبرو هستیم اول دسته‌ای که با بخش خصوصی و مردم کار می‌کنند و دوم دسته‌ای که طرف آنها دولت است. که



**راهکار کلان‌رهایی از مشکلات اقتصادی فعلی این است که دولت شرایط فورس‌ماژور اعلام کند چرا که به نوعی با جنگ اقتصادی روبرو هستیم. دولت باید ضمن سبک کردن بار خود و جلوگیری از هزینه‌های اضافی، اولویت‌ها را تعریف کرده و فقط کارهای واجب را انجام دهد**

و تاسیس شرکت داده شود تا از همان ابتدا با مسئولیت‌ها و مخاطرات مسیر آگاه شوند (قبل از تاسیس هر شرکت کاملاً خصوصی، موسسین و سهامداران از مخاطرات و مسئولیت‌های خود آگاه شوند همانند مشاوره و آزمایش خون قبل از ازدواج)

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که یکی از بهترین فاکتورهای توسعه یعنی سرمایه اجتماعی ندارد، این سرمایه در شرایطی رشد می‌کند که به مسئولیت‌های اجتماعی از بالا به پایین توجه شود به این معنی که علاوه بر پذیرش مسئولیت در جامعه، باید اثرات آن مسئولیت را نیز در ابعاد جامعه باید دید و پذیرفت.

حاکمیت برای فعالیت‌های کلان نباید فقط یک پلان داشته باشد بلکه باید تبعات هر مسئولیت سیاسی و اجتماعی را به صورت ۳۶۰ درجه‌ای ببینید. آثاری که امروز در اقتصاد کشور دیده می‌شود ناشی از ورشکستگی و از هم گسستگی کلان کشور است نه بخش خرد که بخش خصوصی و خانواده‌های متصل به آن را تحت تاثیر قرار داده است، تمامی کالاها و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌ها چند برابر شده است، گناه شرکت‌ها چیست؟ با این شرایط، ورشکستگی هر فعال اقتصادی کاملاً خصوصی در صنعت برق و یا هر صنعت دیگری که طرف قرارداد با دولت است محتمل است.

بخش خصوصی اگر می‌خواهد از این شرایط سربلند بیرون بیاید و موفق باشد باید از درون منسجم باشد هم در رویکردها و نظریات و هم در عرصه عمل. اجرای مواد ۴ و ۵ قانون بهبود کسب و کار با هدف ساماندهی بخش خصوصی توسط اتاق بازرگانی یکی از راه‌های توسعه بازار با توجه به ظرفیتهای آن است. قانونی کنسرسیوم‌ها و جوینت ونچرها لازم است تصویب شود تا بدینوسیله امکان قانونی حضور مشترک در مناقصات دولتی بصورت قانونمند فراهم گردد.

راهکار کلان‌رهایی از مشکلات اقتصادی فعلی این است که دولت شرایط فورس‌ماژور اعلام کند چرا که به نوعی با جنگ اقتصادی روبرو هستیم. دولت باید ضمن سبک کردن بار خود و جلوگیری از هزینه‌های اضافی، اولویت‌ها را تعریف کرده و فقط کارهای واجب را انجام دهد. در این مسیر تنها عقلانیت و اجرای اقتصاد مقاومتی به معنای چابک‌سازی اقتصاد با تدبیر داخلی پاسخ خواهد داد نه مقاومت در برابر هم.

با فشار بر مردم و بخش خصوصی تنها ورشکستگی اقتصادی، نابودی سرمایه اجتماعی و در نتیجه بحران‌های اجتماعی نصیب حاکمیت می‌گردد و لاغیر. ■

و ژاپن محیط کسب و کار امن است (وظیفه دولت بدرستی انجام شده) جاده درست است و تصادف ناشی از بی‌مبالائی راننده است اما آیا این مورد در ایران هم همینطور است؟ در کشور ایران نرخ ارز لحظه ای شده است. سکه، طلا، آهن آلات و مصالح ساختمانی، آیا در چنین محیط نامنی می‌شود ورشکست نشد، اما با دولت کار کرد؟

ورشکستی علاوه بر تعطیلی شرکت‌ها، پیامدهایی منفی برای عوامل متصل نیز به شرکت مربوطه را نیز به همراه دارد به این معنی که علاوه بر خود شرکت، ذی‌نفعان، بانک‌ها، پرسنل و حتی خود دولت نیز آسیب می‌بینند که افزایش نرخ بیکاری در جامعه از آشکارترین تبعات آن است. وقتی یک عامل مولد شغل از سیستم خارج شد عملاً برخی از درآمدهای دولت کاهش می‌یابد و تقاضای پرسنل بیکار شده برای دریافت بیمه بیکاری، فشاری بر دوش دولت خواهد بود!

برق جزو لاینفک زندگی مردم است، بدون آن، نه زندگی شهری جریان دارد و نه کار صنعتی انجام می‌شود اما متأسفانه با اشتباهاتی که در سطح کلان اقتصاد کشور رخ داده است، قراردادهای این صنعت دچار توقف شده است. نرخ ارزی که از اسفند ۹۶ تا تیر ۹۷، ۶۰ درصد رشد داشته، نشان دهنده تنزل ارزش پول ملی است این تنزل یعنی ما اقتصاد درستی نداریم، در این شرایط چه توقعی می‌توان از فعالان اقتصادی داشت؟! فعالان اقتصادی نقشی در تعیین سیاست‌های کلان ندارند و تعیین کننده آنها نیستند اما عملاً از تبعات این شرایط نابسامان اثر منفی می‌بینند البته دود این وضعیت علاوه بر بخش خصوصی به چشم خود دولت هم می‌رود چرا که با این نرخ ارز قراردادهای دولتی هم می‌خواهد.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم بالای ۹۵ درصد اقتصاد ایران دولتی است و فقط ۵ درصد خصوصی سازی خالص و واقعی شده است به همین منظور گاهی در ادبیات شرکت‌هایی تحت عنوان خصولتی نام برده می‌شود. طبق تعریف سازمان حسابرسی شرکت‌هایی خصوصی هستند که دولت به هیچ وجه بطور مستقیم یا غیرمستقیم نقشی در تعیین مدیران آن نداشته باشد و آن شرکت سهمی از بودجه دولتی نداشته باشد.

**راهکارهای پیشنهادی شما برای جلوگیری از خسران بخش خصوصی و کمک به سرپا ماندن این بخش چیست؟**

قطعا بهترین راهکار برای جلوگیری از ایجاد مشکل برای فعالان صنعت برق و شرکت‌های خصوصی فعال در سایر صنایع، این است که قبل از هرکاری مشاوره‌های لازم برای آغاز کار





گفت‌وگو با رضا شرقی /  
مدیرعامل شرکت سیم نور پویا

## جنگ اقتصادی؛

# جدال ارز و قراردادهای برق

ما اقدام کنند. به نظر من کشوری که اقتصاد محکم و پویایی ندارد آن هم با این قوانین و مقررات مالیاتی و بیمه، نمی‌تواند به راحتی از کالاهای تولید داخل حمایت کند چرا این قوانین فقط دست و پای فعالان اقتصادی را می‌بندند و جرات حضور آنها را در مناقصات سلب می‌کنند.

در قراردادهای صنعت برق بندهایی گنجانده شده است تا در شرایط فورس مازور فشاری بر تولیدکنندگان و طرفین قرارداد وارد نشود آیا امروز وضعیت ارز خارج از کنترل ما نبوده است که هیچ بندی از شرایط فورس اجرایی نمی‌شود و شرکت‌ها به سمت ورشکستگی حرکت می‌کنند؟ آیا دلاری که از ۳۸۰۰ تومان به مرز ۸۰۰۰ تومان رسیده است، شرایط اضطراری نیست؟ سندیکای صنعت برق ایران برای اجرایی شدن قرارداد تیپ و تعدیل نرخ ارز و فلزات تلاش‌ها و پیگیری‌های زیادی انجام داده است که جا دارد همین‌جا از عملکردشان سپاسگزارى کنم. در کنار اینها از سازمان برنامه و دفتر فنی انتظار داریم که تعدیل نرخ ارز و فلزات را به جریان بیندازد و تبعات منفی این شرایط متزلزل را بر صنعت کشور کمزنگ تر کند. دولت نیز نباید منفعل عمل کند، انتظار ما این است که وزارت صمت کمیته‌ها و کارگروه‌های تنظیم بازار و ارز را راه‌اندازی کند تا با کارشناسی بتوان مشکلات موجود را مدیریت کرد البته این کمیته‌ها باید قبل از آغاز بحران شکل می‌گرفتند و از به وجود آمدن این شرایط جلوگیری می‌کردند، همه دستگاه‌های ذیربط باید تفکر کنند و کار را پیش ببرند نه اینکه آن را رها و به حال خود واگذار کنند. ■

از طرف دیگر گاهی صنایع بالادستی مواد اولیه را در بورس عرضه نمی‌کند و در حجم بالاتر به فروش می‌رساند که این اقدام دست شرکت‌های کوچک را خالی می‌گذارد. این مسائل شاید به تدریج باعث ورشکستگی شرکت‌ها را مجبور به اعلام ورشکستگی و تعطیلی کرده است.

هیچ شرکتی و کارخانه‌ای به منبع لایتنای پول وصل نیست که بتواند از پس تمامی مشکلات مالی برآید، تمامی شرکت‌ها برای تداوم فعالیت خود به تسهیلات بانکی هم رو می‌آورند اما وقتی شرایط اقتصاد ثبات نداشته باشد حتی قادر نیستند بهره این تسهیلات را بپردازند حال با هر بهره‌ای که باشد لذا تضامین املاک ضبط می‌شود و تولیدکننده نمی‌تواند از منابع بانکی استفاده کند و نه می‌تواند مواد اولیه تامین کند.

شرایطی که امروز در اقتصاد کشور حاکم است شرکت‌ها را برای حضور در مناقصات دچار ترس و تردید ساخته است چرا که از تامین مواد اولیه و زیربار مسئولیت رفتن نگران هستند.

### جریان فعالیت شرکت‌های برق در بستر ناآرام اقتصادی، چه مشکلاتی با بیمه و مالیات دارد؟

شرکت بیمه و سازمان مالیاتی توان اجرایی دارند و در صورت عدم پرداخت مشکلاتی را در روند فعالیت ما ایجاد می‌کنند که عدم تمدید کارت بازرگانی و اخلال در روند صادرات کالا بخشی از آنهاست. این دورکن با توجه به قدرت اجرایی قضایی که دارند می‌توانند حساب ما را مسدود کرده و حتی به ممنوع‌الخروج کردن

جنگ اقتصادی عبارتی است که این روزها دهان به دهان مسئولان می‌چرخد و مردم را پریشان تر از روزهای آغازین سال ۹۷ ساخته است چرا که هرروز بر قیمت کالا و ارز افزوده شده و بی‌ثباتی اقتصادی خود را بهتر نشان می‌دهد. بستری اقتصادی موجود که قطعا با اجرایی شدن تحریم‌ها حال و روز بدتری خواهد داشت، آرامش را از همه اقشار به خصوص فعالان اقتصادی گرفته و آنها را با بحران‌های بزرگی روبرو کرده است که در این فضا عده‌ای دچار تنگی نفس شدند و عده‌ای هم نای نفس کشیدن ندارند و مهر تعطیلی بر شرکت و کارخانه خود زده‌اند. فعالان صنعت برق نیز از شرایط اقتصادی موجود در کشور مصون نمانده و از این آشفته بازار چه آسیب‌ها که ندیده‌اند. با مهندس رضا شرقی، مدیرعامل شرکت سیم نور پویا و عضو سندیکای صنعت برق ایران که از تولیدکنندگان کالا و تجهیزات برقی هستند، گفتگو کرده‌ایم تا شاید بتوانیم با استماع درد دل‌های فعالان صنعت برق حداقل بار فشار روانی روی دوش فعالان این صنعت را کاهش داده و قدمی برای حل معضلات آنها برداریم.

### فعالان صنعت برق در شرایط اقتصادی امروز با چه مشکلاتی مواجه هستند؟ نوسان ارز چه تأثیری بر قراردادهای صنعت برق داشته است؟

ما به عنوان تولیدکنندگان برق در جریان مناقصات با برق‌های منطقه‌ای و توانیر طرف هستیم که در صورت برنده شدن تعهدات و مسئولیت‌هایی را می‌پذیریم که با این پذیرش باید کالای مورد تعهد را در زمان موعود تحویل دهیم. تولیدکننده در حالی چنین تعهدی را می‌پذیرد که تحقق آن وابسته به عوامل دیگری نیز هست که گاه خارج از کنترل است. مسئله ما در فضای بی‌ثبات اقتصادی از جایی شروع شده است که با تغییر روزانه و هفتگی قیمت ارز در تامین مواد اولیه دچار مشکل شده‌ایم و صنایع بالادستی چون آلومینیوم المهدی، هرمزال، ایراک این مواد را در اختیار ما قرار نمی‌دهند چرا که به فکر منافع خود بوده و درصد هستند بتوانند آن را با ارز بالاتری عرضه کنند.

با این اوصاف ما زیربار تعهدی رفته‌ایم که قادر به تامین مواد اولیه آن نیستیم و این شرایط خارج از حیطه اختیار ماست اما در مقابل ما باید در بحث تاخیر در اجرای قرارداد پاسخگو باشیم و در صورت عدم تحویل به موقع کالا تبعاتی از قبیل جریمه تاخیر در انجام تعهد، ضبط ضمانت‌نامه، ضبط ضمانت‌نامه حسن انجام کار و... گریبان ما را می‌گیرد. به این ترتیب است که ما منابع مالی خود را به صورت جریمه و ضبط ضمانت از دست می‌دهیم در صورتی که ما کنترلی برای عرضه مواد اولیه با ارز ۲۲۰۰ و یا با هر قیمت دیگری نداریم.



# بلا تکلیفی های امروز اقتصاد کشور

امروز موضوع اقتصاد نقطه ضعفی شده برای کشور، نقطه ضعفی که قفل های بسیاری دارد. در این مجال گفت و گویی داشتیم با مدیرعامل شرکت اتانیریکی از شرکت های عضو سندیکای صنعت برق تا این قفل ها را با عینیت واگویی کند. تقوی تغییرات لحظه ای قیمت بازار، نوسانات لحظه ای بازار و عدم پذیرش حقیقت موجود بازار برای کارفرمایان اصلی صنعت برق یعنی همان دولتی ها را از کانال های رسمی عامل اصلی این قفل می داند. قفلی که بسته ماندنش کسی را بیش از دولت و منافع اساسی کشور متضرر نمی کند.

## کدام نرخ ارز؛ بانک مرکزی یا حواله ای! مساله این است

مهمترین تأثیری ثباتی در شرایط کنونی اقتصاد کشور ناتوانی در تصمیم گیری های بلند مدت است. با وضع موجود قیمت ها فقط به صورت لحظه ای است و در این حالت تصمیم گیری در فضای کسب و کار را ناممکن ساخته است. مصادیق این قضیه قراردادهایی است که در سال ۹۶ و ۹۵ منعقد شده و هنوز جاری است و تعهداتی از آن باقی مانده. تقریباً سازندگان و تامین کنندگان کالای این قراردادها با توجه به شرایط حال قادر به پایبندی مفاد قرارداد نیستند. بدین صورت که در زمان عقد قرارداد تولیدکننده در شرایط ثابت کالا و تهیه ارز نبوده و ارز را از طریق ثبت حواله بدست می آورده و نوسانات ارزی تا قبل از نیمه دوم سال ۹۶ جزئی و قابل قبول بود اما از نیمه دوم سال ۹۶ نوسان قیمت به طرز غیرقابل قبولی روبه افزایش رفت و تا به امروز نیز ادامه دارد. اگر سود محاسبه شده در زمان انعقاد قرارداد ۵۰ درصد بود با شرایط حاکم کنونی این سود به زیر صفر کاهش پیدا کرده و نیاز به تامین مابه التفاوت قرارداد است.

لازم است این مابه التفاوت قیمت تمام شده قرارداد از سوی کارفرمایان پروژه تامین شود. همه ما می دانیم که کارفرمایان معمول پروژه های صنعت برق دولتی هستند و مبنای

محاسبات این کارفرمایان بر اساس نرخ ارز بانک مرکزی است و اسناد و مدارک ارائه شده را بر اساس نرخ بانک مرکزی مطالبه می کند. در زمان عقد قرارداد و در مقطع ثبت سفارش پیمانکار مجبور به ثبت نام جهت تخصیص ارز دولتی نبوده! و برای انجام مفاد قرارداد با ارز آزاد اقدام به کار نموده است. به فرض محال نیز اگر کارفرما نرخ ارز آزاد را بپذیرد در شرایط کنونی خرید ۱۰۰ هزار یورو در بازار قاچاق محسوب می شود و حالا نکته قابل توجه این است که ارز بانک مرکزی در بازار اصلاً وجود ندارد و با این شرایط همچنان کارفرما بر بدهکاری پیمانکار بر حسب یورو و دلار پابرجاست.

## برده شدن در مناقصات؛ آری یا خیر

بلا تکلیفی در فضای اقتصادی امروز موج می زند. مبنای حیات شرکت های پیمانکاری برق جذب و پیروزی در مناقصات است. شرایط شرکت در مناقصات کنونی نیز بسیار دشوار است. با توجه به فضای ایجاد شده در صورت عدم برد در مناقصه پیمانکارها احساس شکست مطلق نمی کنند. پرواضح است که برای ادامه بقا در بازار، شرکت هایی از این دست نیاز به جذب مناقصات دارند؛ اما جذب مناقصه از یک سو پیامدهای خود را به همراه دارد و عدم پیروزی در جذب مناقصات هم مفهوم بی کاری و توقف درآمدزایی را دارد.

## ضبط ضمانت نامه

### برای وزارت نیرو پست برق نمی شود

کارفرمایان دولتی نیز به صورت غیر رسمی پذیرای فضای کنونی و مشکلات جاری هستند اما در صورت مراجعه رسمی پذیرای مشکلات ایجاد شده و شرایط موجود نیستند و به قراردادهای امضا شده استناد می کنند. در نهایت کارفرما اقدام به فسخ قرارداد و ضبط ضمانت نامه می کند اما آیا با ضبط ضمانت نامه و فسخ قرارداد وزارت نیرو می تواند پست های برق و سایر پروژه های برقی را راه اندازی کند؟

ادامه این وضعیت بازار را به سمت قفل شدن هدایت می کند مگر اینکه دولت بخصوص وزارت نیرو، پذیرای قیمت جدید بر اساس مستندات ارائه شده باشند. در حال حاضر قراردادهای حیاتی وزارت نیرو به خاطر همین شرایط متوقف شده است.

تأمین کالای قرارداد بر عهده پیمانکار است. در بازار امروز پیمانکار برای استعلام قیمت کالا دچار سردرگمی است. قیمت های کالا حداکثر به اندازه سه روز اعتبار داشته و حتی می توان گفت قیمت ها به صورت لحظه ای دست خوش تغییر است. در کنار همه این مسائل افزایش قیمت فلز نیز گریبان گیر پیمانکاران شده است. البته که این مشکل مختص یک پیمانکار نیست و همه پیمانکاران به آن مبتلا





## در قوانین آمده است که سازمان تامین اجتماعی بر روی قیمت کالا حق بیمه دریافت نکند اما این سازمان به کرات به بهانه قیمت کلی کالا ورود کرده و اقدام به اخذ حق بیمه کرده است

هستند. سوال این است که پیمانکار روی این قیمت‌ها چطور می‌تواند پروژه‌های خود را پیش ببرد؟! در کنار این‌ها مطالبات معوق پیمانکاران از کارفرمایان را نیز باید لحاظ کرد. در این مقوله کارفرما مدعی است که قادر به پرداخت دستمزد کارمندان نیست و در این اثنا مطالبات پیمانکاران به راحتی دست‌خوش بدهدی و بدقولی کارفرما قرار می‌گیرد. به همین دلیل تامین نقدینگی بسیار دشوار شده. تامین مالی برای خرید اجناس و پرداخت مطالبات کارمندان پیمانکار از سویی دیگر. این مشکل بسیار فراگیر است و تبعات آن خروج نخبگان از صنعت برق و گرایش آنان به کارهای غیر تخصصی و غیر حرفه‌ای است. این خود زنگ خطری است برای مجموعه دولت و وزارت نیرو.

### حکومت قوانین غیر شفاف بر فضای کسب و کار

در کنار این آشفته بازار اقتصادی موضوع قابل تامل و آزار دهنده جولان سازمان بیمه و مالیات است. این سازمان‌ها به هر دلیلی حتی اگر بر اساس استانداردهای ابلاغی خودشان باشد به صورت سلیقه‌ای اقدام می‌کنند و مستندات تهیه شده را قبول نمی‌کنند و به دنبال اعمال جریمه و اخذ مبلغ‌های هنگفت از پیمان کاران هستند. همه این‌ها نشأت گرفته از قوانین غیر شفاف است. برای عملکرد سال ۱۳۹۵ اگر دفاتر و صورت‌های مالی شرکتی گزارش حسابرسی داشته باشد «می‌تواند» مورد قبول قرار گیرد. حسابرس اداره مالیات به عبارت «می‌تواند» استناد می‌کند و اعمال سلیقه و اختیار خود را برای تخصیص مالیات در نظر می‌گیرد و پیش‌آمد آن تعیین مالیات‌های غیر منصفانه است. در این میان لزوم تدوین قانون شفاف جزو وظایف قانون‌گذار به نظر می‌رسد. اگر عبارتی همچون مثال ذکر شده در قانون به وضوح بیان می‌شد اعمال آن از حالت سلیقه‌ای خارج و جانب انصاف رعایت می‌شد. حتی حسابرسان امور مالیاتی اشخاصی هستند که از طرف اداره دارایی مورد تاییداند و اگر اسناد حسابرسی مورد تایید این حسابرسان باشد اسناد غیر قابل رد می‌شوند و مورد تایید اداره دارایی نیز قرار می‌گیرد اما متأسفانه خلاف این مساله اعمال می‌شود. در واقع حسابرس اداره مالیات در زمان‌های مشخص و در طول

سال اقدام به بررسی و کنکاش حساب‌های مالی می‌نماید؛ سپس حساب‌ها را به تایید می‌رساند و در نهایت نماینده اداره مالیات با اعمال سلیقه این حسابرسی‌ها را رد کرده و مالیات و جریمه‌ای را برای شرکت‌ها اعمال می‌کند.

در قوانین آمده است که سازمان تامین اجتماعی بر روی قیمت کالا حق بیمه دریافت نکند اما این سازمان به کرات به بهانه قیمت کلی کالا ورود کرده و اقدام به اخذ حق بیمه کرده است. در صورتی که این کالا قابل تفکیک است و کلی نیست. در اکثر قراردادها موضوع اصلی کالا است و پیمانکاران در زمان عقد قرارداد ضریبی را برای بیمه کالا در نظر نگرفته‌اند و با ورود اداره بیمه و تعیین مبلغ بیمه برای قرارداد شرکت پیمانکار دچار مشکلات مشخصی در تامین مالی پروژه می‌شوند.

جدا از ایرادات وارده به پروسه بیمه و مالیات این دو اداره به تنهایی و بدون اخذ مجوز از قوه قضائیه توانایی مسدود کردن حساب‌های مالی شرکت‌های دارای جریمه را نیز دارند و می‌توانند موانع اساسی و متعددی برای شرکت‌ها ایجاد کنند.

در ظاهر ضرر این مسائل یعنی همان بیمه و مالیات، گریبان‌گیر شرکت‌های پیمانکاری است اما در اصل موضوع چیز دیگری است. در نهایت این تضرر گریبان خود دولت و وزارت نیرو را می‌گیرد. اگر دولت و وزارت نیرو واقع بین باشند در اصل بودجه وزارت نیرو باید صرف قیمت قراردادهایی شود که نیمی از مبالغ آن به بیمه و مالیات اختصاص داده شده است.

اما در رابطه با فضایی که ایجاد شده از طرف سازمان بیمه و اداره مالیات، سندیکا وظیفه دارد تا با ورود به شورای گفت و گو، مجلس و ... خواستار رفع ابهام و شفاف‌سازی آن‌ها از جانب اعضا که همان صاحبان اصلی کسب و کار هستند، شود. این موضوع باعث می‌شود که تکالیف عقد قراردادها، تعیین مالیات و میزان بیمه برای هر بند مشخص شود.

لازم است سندیکا با این مراجع (اداره مالیات و بیمه) وارد گفت و گو شود تا در نهایت بر اساس موانع تراشی این مراجع فعالان اقتصادی از فضای کسب و کار نشوند.

### نه عمل که فقط شعار

با در نظر گرفتن فضای ذکر شده به راحتی می‌توان فهمید که هیچ قدم مثبتی در بهتر

شدن فضای کسب و کار برداشته نشده است... حرف‌ها بسیار زده شده و شعارهای بسیاری داده شده اما حتی یک قدم هم به سمت عملی شدن این موضوع برداشته نشده است.

در واقع بخش خصوصی نیز دارای یک توان مشخصی است و بنیه تعریف شده‌ای دارد. در برخی از اظهار نظرها از بخش خصوصی می‌خواهند تا بودجه‌ای را خودجوشانه وارد فضای کسب و کار کند اما پاسخ این است که با وجود این مصادیق آیا بودجه‌ای باقی مانده؟

### صدای جمعی بهتر از صدای فردی

انتظار اعضا از سندیکای برق نتیجه‌گرا بودن در پیگیری مسائل است.

سندیکا باید روی اقدامات جمعی تمرکز داشته باشد؛ حرکات جمعی که در این شرایط الزام‌آور است و حافظ منافع اعضا است و حتی اگر حافظ منافع جمع نباشد مانع ورشکستگی شرکت‌ها می‌شود. این حرکات باید در دستور کار اصلی و اولویت سندیکا. پیشنهادات این نوع حرکت‌ها را از اعضا استخراج کنند و در خصوص آن حرکت جمعی را به انجام برسانند. به عنوان مثال تصمیمی که در خصوص قراردادهای تیب به صورت جمعی گرفته و اعلام شد که اعضا سندیکا در این مزایده‌های شرکت‌های توزیع شرکت نمی‌کند؛ می‌تواند جزو حرکت‌های جمعی درست و مناسب با زمان محسوب شود.

در این شرایط بی‌ثباتی ارز و قیمت فلز و ... لازم است سندیکا به عنوان سرگروه اعضا وارد عمل شود و نیاز به تغییر قراردادهای پیگیری کند.

قطعا صدای جمع بهتر از صدای فرد شنیده می‌شود و این یک انتظار کاملاً به حق و به جا از سندیکا است. سندیکا تنها مرجع فعالین این صنعت است که گفتارشان در وزارت خانه، مجلس و ... شنیده می‌شود و به آن بها داده می‌شود و طبعاً شرکت‌ها نیز موظف به تبعیت هستند. از طرفی باید بگویم به دلیل تمرکز سندیکا در تهران کل خدمات سندیکا در شهر تهران تعریف شده و به همین خاطر تاکنون به عنوان یک شرکت عضو مستقر در شهر دیگر خدماتی از این تشکل دریافت نکرده‌ایم و برابمان قابل قضاوت نیست که امکاناتی که در اختیار سندیکا است می‌تواند کمکی به شرکت‌ها برساند یا خیر. ■

# یادداشت



# اصلاح اقتصاد برق؛ پیش‌نیاز حمایت از کالای ایرانی

مپنا در عین حال بزرگترین سرمایه‌گذار ایرانی در عرصه نیروگاهی است که روزانه به طور متوسط نزدیک به ۱۵ درصد از برق مصرفی کل کشور را در حدود ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه متعلق به خود تأمین نموده و به شبکه تحویل می‌دهد. با این حال، همه این ظرفیت‌های عظیم، نیازمند رفع موانع اقتصادی موجود هستند تا در یک مدل اقتصادی صحیح و کارآمد، به بلوغ و شکوفایی حداکثری خود برسند و چرخ تولید «کالای ایرانی»، با «دانش ایرانی»، توسط «نیروی ایرانی» و در مجموعه‌ای بزرگ از «شرکت‌های ایرانی»، به روانی بچرخد و شاهد رونق این بخش مهم از کلیت اقتصاد کشور باشیم.

فراموش نکنیم که گروه مپنا در کنار دیگر فعالان صنعت برق حاضر در بخش‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی، علیرغم وجود همه مضایق، چراغ‌های این سرزمین را با افتخار روشن نگاه داشته، اما چنانچه راه حل فراگیر و همه‌جانبه‌ای برای رفع موانع اقتصادی این صنعت اندیشیده نشود، دور از انتظار نیست که همه ظرفیت‌های بومی شده کشور در این صنعت که ظرف چند دهه توسعه یافته و نهادینه شده‌اند، با تهدیدهای جدی‌تر و مخرب‌تری مواجه شوند که دامنه اثرات آن به همه بخش‌های متقاضی کالای حیاتی برق تسری یابد.

اگر چه مسئولان محترم در دستگاه‌های مختلف تقنینی، اجرایی و نظارتی کشور و نیز تشکل‌های صنفی فعالان این صنعت، به شکل متواتر بر لزوم اصلاح این وضعیت تأکید داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد رفع معضل اقتصاد صنعت برق نیازمند همگرایی فراگیر و بیش از پیش در سطح ملی است تا بتوان با تعریف راه‌حلی جامع، شاهد رونق تولید در سایه حمایت از کالای ایرانی بود. ■

+ دنیای اقتصاد

برق به عنوان یک حامل مهم و حساس انرژی در ایران واقعی نبوده است. کالایی که تمامی شئون اداره کشوری به پهنه ۱.۶ میلیون کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر ۸۰ میلیون نفر به این کالای حیاتی وابسته است. به عبارت دیگر ما با کالایی حیاتی روبرو هستیم که آحاد ملت به آن وابسته هستند، جریان عرضه و مصرف آن لحظه‌ای و غیرقابل ذخیره است، هزینه‌های مورد نیاز برای تولید و انتقال آن بسیار هنگفت است اما با یک تهدید جدی روبروست و آن اینکه امکان فروش آن به قیمت واقعی وجود ندارد! و این تهدید بزرگ، در حال حاضر، حیات تمامی ارکان و عناصر شکل‌گرفته در کشور ظرف سه دهه گذشته را که برای تأمین این کالا ایجاد شده‌اند، هدف قرار داده و می‌رود که موجودیت این پیکره بزرگ را با مخاطرات جدی روبرو ساخته و چنانچه، چاره عاجلی برای آن اندیشیده نشود به ورطه نابودی بکشاند.

بیش از هفت سال از آغاز اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در کشور می‌گذرد. طرحی که بر اساس بخشی از آن قرار بود با حذف تدریجی یارانه تخصیصی به حامل‌های انرژی به سمت واقعی شدن قیمت این کالاها حرکت کنیم و منابع مالی حاصل از آن، صرف تولید و توسعه شود. به گفته مدیرعامل توانیر، اگرچه هیات وزیران از ابتدای اردیبهشت ماه امسال در مصوبه‌ای تعرفه‌های آب و برق را هفت درصد افزایش داد؛ اما این نرخ‌ها هنوز هم با قیمت‌های تمام شده واقعی، فاصله قابل توجهی دارند.

گروه مپنا از جمله مجموعه‌های بزرگ صنعتی دانش‌بنیان ایرانی است که با زنجیره ارزش بومی شده خود متشکل از ده‌ها شرکت داخلی دیگر، ظرفیت‌های توسعه‌یافته‌ای برای تولید تجهیزات اصلی و احداث طرح‌های مختلف نیروگاهی در داخل و خارج کشور در اختیار دارد.

سال‌هاست که موضوع واقعی شدن قیمت برق در کشور از سوی تصمیم‌سازان، فعالان و مصرف‌کنندگان این کالای استراتژیک با جدیت دنبال می‌شود و اینک با نگاه به واقعیت‌های اقتصادی این صنعت، ضرورت حل و فصل اثربخش معضلات اقتصاد برق به روشنی هر چه تمام‌تر احساس می‌شود.

با نامگذاری سال ۹۷ از سوی مقام معظم رهبری به نام سال حمایت از کالای ایرانی، اهمیت توجه به محصولات و خدمات ارائه شده توسط شرکت‌های ایرانی به بازار مصرف به عنوان محرک تولید داخلی که در نهایت می‌تواند به رونق کلی اقتصاد کشور منجر شود بیش از پیش روشن شده و انتظار می‌رود تا همه طرف‌های ذی‌نفع اعم از تولیدکننده، مصرف‌کننده و ارکان و دستگاه‌های اداره‌کننده بخش‌های مختلف کشور عزم خود را جزم کنند تا با همت بیشترین شعار به تحقق خود نزدیک شود.

در این میان یکی از صنایع مهمی که باید نگاه ویژه‌ای به آن داشت صنعت راهبردی برق است. تا به امروز منابع مالی هنگفتی برای احداث، بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات زیرساخت‌های انرژی الکتریکی در کشور هزینه شده و با در نظر گرفتن فاکتورهای رشد تقاضا در بازار برق، نیازمند تخصیص مستمر منابع مالی بزرگی در این زمینه نیز هستیم. شکی نیست که در دو دهه گذشته، با شکل‌گیری شرکت‌های توانمند، توسعه دانش و فناوری‌های مورد نیاز و تربیت نیروی انسانی متخصص، درصد بالایی از نیازمندی‌های تولید و توزیع این کالای مهم در داخل کشور تأمین می‌شود و علیرغم همه تنگناهای تحمیل شده هیچ‌کس خدشه‌ای به جریان تولید و توزیع برق در کشور وارد نیامده است. اما در این میان، نکته قابل تأمل آن است که در تمامی این سال‌ها، هیچ‌گاه قیمت

# گزارش روز





/ سمیه کاظم زاده دهکردی /  
دبیر تحریریه ستبران

## فراز و نشیب های صنعت برق ایران؛ از ابتدا تا سندیکا

### تاریخچه صنعت برق

ماشین گرام در سال ۱۸۷۱ میلادی مصادف با ۱۲۵۰ هجری شمسی اختراع شد. این اختراع گامی اساسی در راه ایجاد صنعت برق تجاری بود، زیرا پس از آن بود که تبدیل انرژی مکانیکی به انرژی برقی امکان پذیر شد. یازده سال پس از آن، در سال ۱۸۸۲ میلادی توماس ادیسون نخستین موسسه برق تجاری خود را برای تامین روشنایی در یکی از خیابانهای نیویورک افتتاح کرد و اولین مولد برق در ایران تنها سه سال بعد از موسسه برق توماس ادیسون به کار افتاد.

در سال ۱۲۶۴ و در زمان ناصرالدین شاه قاجار، مولدی به قدرت تقریبی ۳ کیلووات به منظور تامین روشنایی بخشی از کاخ سلطنتی برای نخستین بار وارد ایران شد و به بهره برداری رسید. از مدارک تاریخی چنین برمی آید که کار خرید و وارد کردن این مولد به ایران، از یکی دو سال پیش از آن در جریان بوده است. اما ورود

گسترده تریب برق به ایران ۱۵ سال بعد رخ داد. به همین دلیل است که بسیاری معتقدند برق در سال ۱۲۷۹ به ایران راه گشود. تاریخ گواهی می دهد که سال ۱۲۷۹ هجری شمسی برای اولین بار حرم مطهر امام رضا (ع) با یک موتور برق ۱۱۰ ولتی روشن شد. این موتور در «بالا خیابان مشهد» نصب شد و کلید روشنایی را در ایران زد.

به فاصله ای کوتاه و تنها چهار سال بعد از روشن شدن اولین چراغ ها در مشهد، حاج حسین آقا امین الضرب که یکی از بانیان تاسیس اتاق تجارت تهران محسوب می شد و تا ۵ سال هم در راس این نهاد بود، مجوز تاسیس یک کارخانه برق را در پایتخت گرفت و اولین دستگاه تولید برق را در سال ۱۲۸۴ شمسی، به قیمت ۵۰۰ هزار تومان از روسیه خرید و بانی جایگزین شدن برق به جای گاز برای روشنایی شد. به یمن همین اقدام تاریخی، امین الضرب پدر صنعت برق

ایران نام گرفت.

کارخانه کوچک حاج امین الضرب، خیابان های لاله زار، سعدی، شاه آباد و چراغ برق را روشن کرد. البته برق هم مثل هر تکنولوژی جدیدی آن هم در آن عصر، با مقاومت های بسیار مواجه شد. برخی از مردم روشنایی چراغ های برقی را قسمتی از قدرت شیطان می دانستند و از هر فرصتی برای تخریب آنها بهره می جستند اما به هر حال به فاصله اندکی برق به زندگی مردم راه یافت و در بین آنها پذیرفته شد.

البته باز هم حاج امین الضرب در این پذیرش کوتاه مدت نقشی موثر داشت. وی پس از آنکه با مقاومت از سوی مردم مواجه شد، دستور داد تا به مناسبت جشن میلاد امام زمان (عج) تمام خیابان های امیریه را مزین به لامپ های رنگارنگ کنند و با این کار، مردم را بار دیگر شگفت زده کرد. همین شگفتی آغاز تغییر

عقیده مردم و رجال و وزرا بود. از این پس آنها این ابتکار امین‌الضرب را به خانه‌های خود بردند و به تدریج برق، جای چراغ‌های زنبوری و وسایل روشنایی اولیه را گرفت.

این آغاز روند فعالیت و رشد صنعتی بود که به فاصله صد سال به یکی از استراتژیک‌ترین و حیاتی‌ترین صنایع کشور بدل شد.

ایران در طول فراز و نشیب‌های فراوان ناشی از تغییرات سیاسی و اقتصادی، رشد آرام صنعت برق را حفظ کرد اما اتکای کشور به خارجی‌ها تا سال‌های وقوع انقلاب باقی ماند. پس از انقلاب ورق برگشت و صنعت برق با خروج کارشناسان و شرکت‌های خارجی به ناگزیر روی پای خود ایستاد.

پس از آن آغاز جنگ و هدف قرار داده شدن نیروگاه‌ها، پست‌ها و تجهیزات برقی، دوباره کارشناسان و متخصصین صنعت برق را به ورطه امتحانی تازه کشاند. پس از پایان جنگ، صنعت ایران شامل شرکت‌های کوچک و متوسطی بود که قادر بودند تا حد قابل توجهی نیازهای داخل را تامین کنند.

روند رشد صنعت برق در دهه هفتاد با شتاب سریعتری دنبال شد و به تدریج این صنعت را به خودکفایی نزدیک کرد. عمده چالش‌های صنعت برق تا اوایل دهه هشتاد به مطالبات معوق و البته یک سویه بودن قراردادهای مربوط می‌شد. هرچند عواقب و عوارض قراردادهای یک طرفه در رونق اقتصادی آن سال‌ها آنقدرها قابل لمس نبود.

این روند تا جایی ادامه یافت که در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر در حوزه صنعت برق مشغول به فعالیت بوده‌اند که از این میزان قریب به ۵۰ هزار نفر از آنها را شاغلین بخش خصوصی صنعت برق در حیطه ساخت تجهیزات، پیمانکاری و مشاوره تشکیل داده‌اند. در مجموع، سهم صنعت برق از کل اشتغال در بخش صنعت حدوداً ۴٪ ارزیابی می‌شود. صادرات خدمات فنی و مهندسی صنعت برق که در سال ۱۳۸۷ با رقمی بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار کلید خورده بود در سال ۱۳۹۵ به دو میلیارد و پانصد میلیون دلار رسید و علیرغم پتانسیل این صنعت برای افزایش میزان صادرات خدمات فنی و مهندسی تا مرز ۲۰ میلیارد دلار، متأسفانه میزان صادرات این حوزه به دلیل چالش‌های گسترده صنعت برق تا مرز ۲ میلیارد دلار در سال گذشته کاهش یافت.

### تاریخچه سندیکا

با آنکه فعالان و دست‌اندرکاران صنعت برق ایران از اوایل دهه ۱۳۶۰ به ضرورت ایجاد یک تشکل در این صنف به منظور دفاع جمعی از

منافع و حل مسائل مبتلابه شرکت‌های سازنده تجهیزات برقی، پیمانکاران و مشاوران پی برده بودند و به‌طور غیررسمی گرد هم می‌آمدند تا به تبادل آرا و اطلاعات و اخبار و یافتن راه حلی برای مشکلات مشترک صنف‌شان بپردازند، اما راه درازی پیمودند تا سرانجام در سال ۱۳۷۹ «سندیکای سازندگان تجهیزات برقی ایران» را رسماً تشکیل دهند.

به این ترتیب سندیکا در سال ۱۳۷۹ با عضویت ۲۷ شرکت فعال سازنده تجهیزات برقی کار خود را آغاز کرد. هرچند قوام یافتن و گسترش چشمگیر فعالیت این تشکل تا دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ که اساسنامه سندیکا (با تغییر نام آن به سندیکای صنعت برق ایران) رسماً براساس بندک ماده ۵ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در مجمع عمومی فوق‌العاده به تصویب اعضا رسید، شش سال زمان برد.

پس از آن سندیکا با تدوین استراتژی بلندمدت، تغییر ساختار و اصلاح چارچوبهای دبیرخانه‌ای خود تلاش کرد زمینه را برای افزایش قدرت چانه زنی و همچنین ضریب نفوذ در نهادهای دولتی و حاکمیتی فراهم آورد.

به این ترتیب و با افزایش تعداد شرکت‌های عضو تا مرز ۵۱۰ شرکت این سندیکا توانست در سه استان اصفهان و خراسان و فارس شعباتی ایجاد کند. آمار نشان می‌دهد سندیکای صنعت برق ایران موفق شده است حدود ۶۰ درصد از بنگاه‌های فعال در این صنعت را به عضویت درآورد.

### چالش‌های اصلی صنعت برق

ساختار نامناسب اقتصادی، کمبود شدید نقدینگی و انباشت مطالبات، نبود قرارداد تیپ منصفانه و عدم پیش‌بینی ریسک‌های خارج از کنترل صاحبان صنعت برق در قراردادهای کنونی، قراردادهای متوقف، تامین ارز مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی و تحریم‌ها مهمترین گلوگاه‌های صنعت برق ایران به شمار می‌روند.

البته به این فهرست می‌توان مشکلات بیمه و مالیات، ایرادات اساسی آیین‌نامه‌های مناقصات، مسائل و مشکلات بانکی و نبود فشارس بها در صنعت برق را نیز افزود.

مهمترین و اساسی‌ترین مساله صنعت برق، اقتصاد بیمار و ساختار ناکارآمد این صنعت است. عدم اعمال قیمت واقعی برق و بازارانه قابل توجهی که بر روی این کالا به مشترکین تخصیص داده می‌شود، دخل و خرج این صنعت را به شکلی ناهمگون و نامتعادل درآورده است.

به علاوه صنعت برق سال‌هاست که با مساله مطالبات معوق دست و پنجه نرم می‌کند. عدم پرداخت خسارات دیرکرد به شرکت‌هایی که برای انجام پروژه‌های وزارت نیرو و به دلیل کمبود نقدینگی در این وزارتخانه ناگزیر به اخذ تسهیلات بانکی گران هستند، هم یکی دیگر از مشکلات اساسی این صنعت است.

قراردادهای یک سویه فاقد تعدیل و نبود قرارداد تیپ مورد تایید کارفرمایان و سازندگان یا پیمانکاران، چالش جدی دیگری است که پیامدهای گسترده‌ای برای صاحبان این صنعت دارد. عدم اعمال تعدیل‌ها در سیستم بی ثبات اقتصادی کشور که نوسانات مولفه‌های اصلی آن از کنترل صاحبان کسب و کار خارج است، یکی از عوامل بحران ساز در متن صنایع محسوب می‌شود.

صنعت برق بی شک به دلیل زمانبر و هزینه بر بودن پروژه‌هایش بیشترین آسیب را از محل عدم پوشش ریسک نوسانات قیمت ارز و فلزات می‌بیند. به علاوه پیامدهای منفی ناشی از عدم پیش‌بینی خسارات دیرکرد در شرایط بحرانی نقدینگی در وزارت نیرو و همچنین تغییر قوانین و مقررات در حوزه‌هایی مانند تعرفه چالش‌های جدی دیگری هستند که در قالب یک قرارداد تیپ منصفانه قابل پیگیری خواهند بود.

نبود قرارداد تیپ در صنعت برق در طول سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ و پس از افزایش ناگهانی نرخ ارز، به ایجاد موج گسترده‌ای از قراردادهای متوقف منجر شد. ۷۵ قرارداد به دلیل عدم پیش‌بینی تعدیل نرخ ارز در قراردادهای متوقف شد. ۵ مورد از این قراردادها متأسفانه به ضبط ضمانت نامه و فسخ قرارداد منتهی شدند.

البته اوج گیری نرخ ارز به جز افزایش قیمت تمام شده پروژه‌ها، دست شرکت‌های سازنده تجهیزات را نیز برای تامین مواد اولیه و تجهیزات واسطه می‌بندد و تحریم‌ها نیز به این مساله به شدت دامن می‌زنند.

### برنامه‌های سندیکا

به منظور حل این چالش‌ها سندیکا رئوس و برنامه‌های خود در سال جاری را براساس ده محور تدوین کرده است.

اصلاح رژیم حقوقی مبادلات بین شرکت‌ها و دولت اولین راهبرد سندیکا برای سال پیش روست. این راهبرد شامل اقداماتی نظیر اصلاح مقررات برای مقابله با بازارهای انحصاری، به روز رسانی قرارداد تیپ و استقرار آن در مبادلات شرکت‌ها با دولت، اصلاح آیین‌نامه مناقصات، پایش آن و مقابله با تخلفات، تدوین

فهارس بها، تعدیل نرخ ارز و فلزات و استقرار نظام تعدیل قراردادهای و حل مسائل قراردادهای متوقف است.

دومین برنامه هیات مدیره پیگیری وصول مطالبات و جرایم دیرکرد است که قرار است در مسیر اصلاح مقررات برای الزام اجرای تعهدات کارفرمایان و نیز تعامل با دولت برای وصول مطالبات دنبال شود. کمک به حل مشکلات مالیاتی و بیمه ای در قالب پایش مقررات و ارائه پیشنهادات اصلاحی، رفع مشکلات مالیاتی و بیمه ای از طریق تعامل با دستگاه های متولی و اطلاع رسانی در خصوص تغییر مقررات و ارائه خدمات مشاوره پیگیری شود.

استقرار نهاد رگولاتوری، اصلاح نظام مالی صنعت برق و جذب سرمایه و تعامل با نظام بانکی برای ارتقای خدمات بانکی مورد نیاز صنعت برق هم برنامه های اصلی سندیکا برای اصلاح نظام اقتصادی صنعت برق و جذب منابع مالی هستند.

سندیکا همچنین برای اصلاح نظام ارزیابی صلاحیت شرکت ها برنامه ریزی کرده که نهادینه سازی اخلاق حرفه ای و انسجام صنفی، جلوگیری از رقابت مخرب و صیانت از بازار شرکت های واجد صلاحیت، نظام استاندارد و تاییدیه محصول، اصلاح نظام ارزیابی صلاحیت و ایفای نقش سندیکا در ارزیابی شرکت ها از جمله محورهای این برنامه هستند.

افزایش همکاری های تجاری با تدوین سیاست های تشویقی و افزایش مقیاس بنگاه ها و طراحی مدل های همکاری تجاری در بازارهای داخلی و خارجی هم یکی دیگر از برنامه های سندیکا برای سال ۹۷ است.

توسعه بازار کسب و کار اعضا در بازارهای داخلی و خارجی هم جزو برنامه های سندیکا در نظر گرفته شده است. تسهیل حضور اعضا در نمایشگاه های داخلی و خارجی، اطلاع رسانی مناقصات و فرصت های تجاری، برگزاری جلسات و مجامع معرفی اعضا و اطلاع رسانی و تولید اقلام تبلیغاتی برای معرفی کسب و کار شرکت های عضو مهمترین محورهای این برنامه هستند.

افزایش ظرفیت سازمانی شرکت ها با اتکا به گسترش تحقیق و توسعه و ارتقای فناوری آنها و نیز برگزاری دوره های آموزشی و سمینارهای تخصصی را نیز باید به فهرست برنامه های ده گانه سندیکا افزود.

سندیکا همچنین افزایش قدرت تاثیرگذاری در سیاستگذاری و حکمرانی صنعت برق را هدف گذاری کرده است. قرار است ذیل این هدف برنامه هایی مانند انجام پژوهش های

کاربردی و اجرای نقشه راه سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق، هماهنگی و همکاری با اتاق بازرگانی، تشکل های همسو و تشکیل کنفدراسیون برق دنبال شود. به علاوه تعامل با دستگاه های سیاستگذار و نیز ارتقای قدرت رسانه ای و تاثیرگذاری بر افکار عمومی نیز در راستای دستیابی به این هدف برنامه ریزی شده اند.

اصلاح ساختار سازمانی و ارتقای ارائه خدمات دبیرخانه با ایجاد پایداری مالی، اصلاح فرایندها و چابک سازی دبیرخانه، تقویت و ارتقای تاثیرگذاری شعب و همچنین ارتقای کمی و کیفی خدمات سندیکا هم از جمله دیگر اهداف مورد نظر سندیکا برای سال ۱۳۹۷ است.

### راهبردهای کلان توسعه صنعت برق

راهبردهای کلان توسعه کسب و کارهای صنعت برق براساس پژوهش های گسترده انجام شده در سندیکا که پیشتر در قالب سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق منتشر شد، شامل سیزده محور است.

راهبردهایی که می تواند به بهبود شرایط تقاضا منجر شود شامل اصلاح چرخه نظام اقتصادی صنعت برق از طریق اصلاح نظام قیمت گذاری، افزایش سرمایه گذاری در پروژه های توسعه ای صنعت برق از منابع ملی و ابزارهای بازار سرمایه و ایجاد نهاد رگولاتوری صنعت برق است. البته حذف انحصارها و رقابتی کردن بازار برق و حمایت مالی و سیاسی از صادرکنندگان را نیز باید به این راهبردهای کلان افزود.

بهبود شرایط رقابت نیز مستلزم اصلاح سیاست های دولت به منظور شکل گیری بنگاه های بزرگ، ایجاد ائتلاف های استراتژیک و همکاری های تجاری و جلوگیری از واردات کالاهای خارجی از طریق اجرای مقررات حمایتی است.

براساس این راهبردها، بهبود شرایط زنجیره تامین هم در گرو ایجاد نهاد رگولاتوری تنظیم مقررات در بازارهای انحصاری مواد خام و مقررات گذاری برای پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز است.

مهمترین راهبردها برای بهبود عوامل تولید تسهیل نوآوری و اکتساب فناوری با پوشش ریسک و حمایت های مالی و نیز جذب سرمایه گذاری های مستقیم خارجی به منظور انتقال فناوری و گسترش آزمایشگاه ها مرجع و نظام استاندارد است.

### اقدامات سندیکا

از جمله مهمترین اقدامات سندیکای صنعت برق ایران که به منظور گذر از چالش هایی که پیشتر در این نگاهت به آن اشاره شد، پیگیری شده و به نتیجه رسیده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد. البته مشروح این اقدامات و دستاوردها در گزارش عملکرد سندیکای صنعت برق ایران قابل دسترسی است؛

• تدوین سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق که شامل ۸ سند دیگر است و تدوین این اسناد در قالب پروژه های جداگانه ای در دستور کار سندیکا قرار دارد.

• ابلاغ قرارداد تیپ برای اجرا (ویرایش اول)

• تنظیم و تدوین قرارداد تیپ خرید (ویرایش دوم) کالا براساس پیشنهادهای مطرح کارگروه قرارداد تیپ سندیکا

• جلوگیری از ضبط تضامین بسیاری از قراردادهای جلوگیری از برگزاری مناقصات خارج از حدود قرارداد تیپ

• وصول بخشی از مطالبات اعضا با توجه به مکاتبات و پیگیری های صورت گرفته

• عضویت نماینده سندیکا در هیات های حل اختلاف مالیاتی برای دفاع از حقوق اعضا

• انتقال نمایندگی اتاق بازرگانی در هیات های حل اختلاف بیمه تامین اجتماعی به سندیکا

• انسجام بخشی صنفی میان اعضای سندیکا و امتناع از شرکت در مناقصات فاقد تعدیل

• تصویب پیشنهادات ارائه شده در قانون بودجه سال ۱۳۹۷

• دستور مستقیم معاون برق و انرژی وزارت نیرو به مدیرعامل شرکت توانیر مبنی بر اولویت پرداخت مطالبات اعضای سندیکا

• توافق با شرکت های برق منطقه ای تهران، اصفهان، خراسان، هرمزگان برای احتساب امتیاز عضویت در سندیکای صنعت برق در مناقصات

• انتقال ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت ها از توانیر به سندیکا

• عضویت نماینده سندیکا در مرکز ملی رتبه بندی اتاق ایران

• امضای تفاهم نامه با ستاد توسعه فناوری حوزه انرژی معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری

• قیمت گذاری و ارسال به سازمان برنامه و بودجه کشور

• کسب کرسی دائمی برای سندیکا در کارگروه انتخاب صادرکنندگان نمونه وزارت صنعت

• معدن تجارت و سازمان توسعه تجارت

• ارائه بسته حمایت از تحقیق و توسعه در شرکت های صنعت برق ■

# آیا اعضا به سندیکا نمره قبولی می دهند؟

## نگاهی به اقدامات و دستاوردهای سندیکای صنعت برق ایران

سندیکای صنعت برق ایران از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا کنون، اقدامات گسترده‌ای در راستای بهبود محیط کسب و کار اعضای خود داشته است. این تشکل که به تازگی و در ارزیابی انجام شده از سوی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، در درجه A و در زمره قدرتمندترین تشکل‌های اقتصادی عضو اتاق قرار گرفته، در طول سال گذشته در حوزه‌های مختلفی اعم از «مالیات»، «قراردادهای متوقف»، «قراردادهای تیپ»، «کارگروه راه حل»، «کارگروه مجلس»، «بیمه تامین اجتماعی»، «حقوقی و قراردادهای»، «لایحه بودجه سال ۱۳۹۷»، «پیگیری مطالبات اعضا»، «تدوین فهرس بهای برق و تعرفه‌ها»، «توسعه صادرات صنعت برق»، «ارزیابی و تشخیص صلاحیت»، «حمایت از شرکت‌های دانش بنیان»، «پیشرفت سند راهبردی کسب و کار صنعت برق ایران»، «پیگیری منافع اعضا از طریق رسانه‌های سندیکا»، «همکاری با تشکل‌های اقتصادی»، «پژوهش و برنامه ریزی» و «برگزاری مجامع و نمایشگاه‌های تخصصی» فعالیت کرده است. در این نگاه تلاش می‌کنیم نگاهی اجمالی و کوتاه به آنچه در یک سال گذشته در سندیکای صنعت برق ایران گذشته، داشته باشیم.

### تلاش برای ابلاغ ویرایش دوم قرارداد تیپ

قراردادهای تیپ یکی از موضوعات کلیدی و چالش‌های جدی صنعت برق محسوب می‌شود. سندیکا در طول یک سال گذشته به شکل جدی بر روی این موضوع کار کرده است. در همین راستا ضمن بررسی قرارداد تیپ خرید کالا توسط یک کارگروه تخصصی، مکاتبه با شرکت توانیر و برگزاری جلسات مشترک به منظور اصلاح این قرارداد تیپ خرید کالا، انجام پیگیری‌های لازم جهت پیاده سازی قرارداد تیپ و اسناد مناقصات توسط شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای و نیز پیگیری برای اعمال اصلاحات مورد نظر سندیکا در ویرایش قرارداد تیپ را به شکل جدی دنبال کرده است.

در نهایت این تلاش‌ها منجر به ابلاغ ویرایش اول قرارداد تیپ برای اجرا به شرکت‌های تابعه وزارت نیرو بود. به علاوه این کارگروه تنظیم و تدوین ویرایش دوم قرارداد تیپ خرید کالا بر اساس پیشنهادهای مطروحه را نیز به نتیجه رسانده است.

کارگروه قرارداد تیپ سندیکای صنعت برق ایران در نظر دارد با پایش مستمر اجرای قراردادی تیپ خرید کالا توسط کارفرمایان و به روزکردن قرارداد بر اساس شرایط موجود زمینه را برای بهبود شرایط اعضا به ویژه در پروژه‌هایشان با وزارت نیرو فراهم آورد. به علاوه انجام پیگیری‌های لازم با هدف ابلاغ ویرایش دوم قرارداد تیپ و نیز پایش استفاده از قرارداد تیپ در شرکت‌های کارفرما هم در دستور کار این کارگروه قرار دارد.

### قراردادهای متوقف؛ پرونده‌ای که هنوز در سندیکا بسته نشده است

کارگروه قراردادهای متوقف هم یکی دیگر از بخش‌های فعال سندیکا است که با هدف حل چالش قراردادهای متوقف شده صنعت برق کار خود را در سندیکا آغاز کرد و بررسی قراردادهای شرکت‌های عضو سندیکا با کارفرمایان دولتی برای احقاق حقوق اعضا را به عنوان یکی از دستور کارهای خود دنبال کرد. انجام مذاکرات مستمر با مدیران عامل شرکت‌های کارفرما برای جلوگیری از فسخ قرارداد و ضبط تضامین و همچنین مکاتبه، مذاکره و برگزاری جلسات متعدد با مشاور مدیرعامل شرکت توانیر، معاونت هماهنگی و نظارت معاون اول رئیس جمهور و نیز رییس و اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در خصوص قراردادهای صنعت برق از جمله فعالیت‌هایی بود که در سندیکا به منظور پیگیری حقوق شرکت‌هایی که قراردادهای متوقف شده بود، صورت گرفت.

البته سندیکا این موضوع را از طریق کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس شورای اسلامی هم دنبال کرد و مکاتباتی با شرکت توانیر به منظور درخواست اخذ مجوز از شورای عالی فنی هم داشت. برگزاری نشست مشترک مجلس، سندیکا، وزارت نیرو و توانیر و نشست مشترک دیگری بین سندیکا، سازمان برنامه، برق منطقه‌ای خوزستان هم از دیگر اقدامات سندیکا به منظور حل مساله قراردادهای متوقف بود.

این تلاش‌ها در نهایت به جلوگیری از ضبط تضامین بسیاری از قراردادهای، تشکیل کارگروه مدیریت اختلافات قراردادی با توانیر و تنظیم متن مشترک سندیکا و شرکت توانیر و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی منجر شد. به علاوه معاون هماهنگی و نظارت معاون اول رئیس جمهور در خصوص جلوگیری از فسخ قراردادها و ضبط ضمانت نامه شرکت‌های طرف قرارداد با وزارت نیرو مکاتباتی با این وزارتخانه داشت. توانیر نیز برای اخذ مجوزهای لازم جهت خاتمه قراردادهای متوقف صنعت برق مکاتباتی با مجلس شورای اسلامی انجام داده است.

در این بخش سندیکا بررسی و حل معضل قراردادهای متوقف در کارگروه مدیریت اختلاف قراردادی، ارتباط مستمر با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نیز برگزاری نشست مشترک با معاون وزیر نیرو برای پیگیری مساله قراردادهای متوقف و جلوگیری از شروع دور جدیدی از این قراردادها را در دستور کار خود دارد.

### پیگیری جدی سندیکا برای تعیین تکلیف تعدیل‌های قراردادی

کارگروه راه حل که پیشتر به عنوان کارگروه مشترک سندیکا توانیر شناخته می‌شد هم اقدامات گسترده‌ای در خصوص تعدیل‌های قراردادی داشت. سندیکای صنعت برق ایران تحت هیچ شرایطی این موضوع را از دستور کار خود خارج نکرده است. بررسی خسارات وارده به پیمانکاران به ویژه



در حوزه پروژه های توزیع، انعکاس مناقصات و قراردادهای خارج از قرارداد تیپ به شرکت توانیر و نیز بررسی بلاتکلیفی پیمانکاران بخش توزیع در خصوص اجرای تعهدات قراردادی به دلیل افزایش قیمت فلزات و انعکاس به شرکت توانیر از جمله مهمترین اقدامات این کارگروه بوده است.

انجام پیگیری های لازم و مکاتبه با شرکت توانیر برای تعیین فرمول محاسبه تعدیل نرخ ارز و فلزات، پیگیری پرداخت تعدیل قرارداد از طریق شورای عالی فنی، پیگیری مطالبات اعضا از شرکت های توزیع و همچنین بررسی بازه زمانی تغییرات نرخ ارز و فلز و دامنه آن از جمله اقدامات سندیکا در این زمینه بوده است.

کارگروه راه حل سندیکا همچنین نشست مشترکی با معاونت هماهنگی توزیع شرکت توانیر برگزار کرد و بررسی و جبران ضرر و زیان ناشی از افزایش اسناد خزانه را خواستار شد. این تلاش ها در نهایت به جلوگیری از برگزاری مناقصات خارج از حدود قرار داد تیپ، استفاده از قرارداد تیپ در قراردادهایی که از طرف سندیکا به شرکت توانیر منعکس شد و در نهایت وصول بخشی از مطالبات اعضا با توجه به مکاتبات و پیگیری های سندیکا منجر شد.

#### ارتباط سازمان یافته و هدفمند سندیکا با مجلس شورای اسلامی

اهمیت برقراری یک ارتباط سازمان یافته و هدفمند با مجلس شورای اسلامی مهمترین هدف سندیکا برای فعال کردن کارگروه مجلس است. این کارگروه بررسی و شناسایی اهم موضوعات و مشکلات اعضای سندیکا و انعکاس آنها به مجلس شورای اسلامی جهت چاره جویی و نیز مکاتبه و برگزاری نشست با کمیسیون های مرتبط مجلس در خصوص مشکلات مبتلا به شرکت های عضورا همواره در دستور کار خود دارد.

این پیگیری ها تا امروز به برگزاری چندین نشست مشترک با نمایندگان مجلس و طرح و بررسی مشکلات احصاء شده اعضا با نمایندگان مجلس منجر شده و کارگروه در نظر دارد در ادامه همچنان ارتباط مستمر خود با نمایندگان مجلس را تا حصول کامل نتیجه در تحقق خواستگاه های سندیکا و رفع مشکلات اعضا حفظ کرده و استحکام بخشد.

#### راهیابی سندیکا

#### به هیات های حل اختلاف مالیاتی

از آنجا که مساله مالیات علاوه بر چالش های

گسترده اش یکی از موضوعات و مشکلات مشترک بین همه شرکت های عضو است، سندیکا پیگیری مستمر و دائمی مسائل شرکت های عضو در این حوزه را در کارگروهی با همین نام سامان بخشی کرده است. این کارگروه علاوه بر شناسایی و انعکاس مشکلات مالیاتی اعضا به سازمان برای بررسی و حل آنها، مکاتبات گسترده ای نیز با سازمان امور مالیاتی کشور برای اصلاح قانون مالیات های مستقیم داشته است.

بررسی قوانین و مقررات معاف از مالیات مناطق آزاد تجاری، پیگیری برای استفاده از ظرفیت قانون مالیات های مستقیم، بررسی راهکار های برون رفت از مشکلات حوزه قوانین مالیات و نیز تلاش برای حضور نماینده سندیکا در جلسات هیات حل اختلاف مالیاتی برای دفاع از حقوق اعضا را نیز در فهرست اقدامات خود قرار داده است. یکی از مهمترین نتایج این تلاش ها عضویت نماینده سندیکا در هیات های حل اختلاف مالیاتی برای دفاع از حقوق اعضا بوده است.

#### سندیکا نماینده اتاق در هیات های حل اختلاف بیمه تامین اجتماعی

بیمه تامین اجتماعی هم یکی از مشکلات مشترک اعضای سندیکای صنعت برق ایران محسوب می شود. در همین راستا سندیکا با ایجاد کارگروهی ضمن مکاتبه با سازمان تامین اجتماعی در خصوص عدم رسیدگی موثر در بعضی از هیات های بدوی تشخیص مطالبات، تلاش کرد اجرای مفاد بخشنامه های سازمان تامین اجتماعی، طرح مشکلات بنگاه های اقتصادی با مدیران ارشد سازمان و نیز انعکاس تخلفات کارشناسان تامین اجتماعی به سازمان را به شکل جدی دنبال کند.

البته در این کارگروه بررسی های گسترده ای بر روی عدم شمول حق بیمه به قراردادهای خرید انجام شده و مکاتباتی با مدیر کل درآمد سازمان تامین اجتماعی در خصوص تعیین تکلیف حق بیمه قراردادهای پیمانکاری و نیز حق بیمه کارکنان شاغل در اجرای قرارداد صورت گرفته است.

در نهایت و بعد از انعکاس عدم رسیدگی در بعضی از هیات های بدوی این موضوع توسط سازمان تامین اجتماعی پیگیری و تا حدودی این مشکل مرتفع شد به علاوه به تخلفات برخی از کارشناسان سازمان هم رسیدگی و از استمرار آن جلوگیری شد. البته نمایندگی اتاق بازرگانی در هیات های حل اختلاف نیز به سندیکای صنعت برق ایران منتقل شد. این کارگروه در نظر دارد بررسی مستمر مشکلات

بیمه و تامین اجتماعی اعضا و ارتباط مستمر با سازمان بیمه برای حل آنها را همچنان در دستور کار خود داشته باشد و موضوع حق بیمه قراردادهای پیمانکاری را به شکل جدی دنبال کند.

#### تجربه موفق کمیته حقوقی قراردادهای در انسجام بخشی صنفی

کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا هم راستا با همه بخش های سندیکا و با توجه به معضلات و دغدغه های اعضا بر موضوع قرارداد تیپ و تعدیلات قراردادی تمرکز ویژه داشته است. به همین منظور بررسی مناقصات فاقد تعدیل، درخواست اصلاح و تمدید بخشنامه در قراردادهای فاقد تعدیل و مکاتبه با توانیر به منظور جبران تغییرات نرخ ارز و افزایش شدید قیمت ها از جمله اقدامات این کمیته بوده است.

مکاتبه با مدیران عامل شرکت های عضو در خصوص درخواست همکاری برای حفظ انسجام صنفی، پیگیری برای اصلاح و تمدید بخشنامه ارزی از طریق ارسال مستندات برای شورای عالی فنی و مکاتبه با معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر، بررسی مشکلات ناشی از افزایش قیمت فلزات و درخواست تمدید ضمانت نامه های حسن انجام تعهدات و مکاتبه با مدیر عامل شرکت توانیر برای استفاده از قیمت های واقعی برای محاسبه مابه التفاوت نرخ فلزات از جمله دیگر اقدامات این کمیته بوده است.

در نهایت این تلاش ها به ایجاد انسجام بخشی صنفی میان اعضای سندیکا و امتناع از شرکت در مناقصات فاقد تعدیل و تشکیل کارگروه فلز در توانیر منجر شد. به علاوه شرکت توانیر طی نامه ای به نظام فنی اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور خواستار جبران تغییرات نرخ ارز و افزایش شدید قیمت ها شد.

این کمیته قرار است بررسی مستمر مشکلات حقوقی و قراردادی اعضا و بخشنامه ها و آیین نامه ها برای تنظیم و اجرای هر چه بهتر آنها و نیز بهبود قوانین و مقررات در راستای احقاق حقوق اعضا را در دستور کار آتی خود قرار دهد.

#### تصویب پیشنهاد سندیکا در قانون بودجه سال ۹۷

امسال هم مانند سال های گذشته سندیکا لایحه بودجه سال ۹۷ را به شکل گسترده بررسی و تحلیل و گزارش کارشناسی مربوط به آن را تدوین کرد. در همین راستا پیشنهادات اصلاحی بر روی لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ به

مجلس شورای اسلامی ارائه شد و برای اعمال آنها مکاتبات و مذاکراتی با کمیسیون های تخصصی مجلس صورت گرفت. در نهایت پیشنهادات ارائه شده از سوی مجلس مورد پذیرش قرار گرفت و در متن قانون بودجه سال ۱۳۹۷ گنجانده شد.

### پرداخت مطالبات اعضا با دستور مستقیم معاون وزیر نیرو

مساله مطالبات معوق شرکت های سازنده و پیمانکار سال هاست یکی از چالش های اصلی فعالان صنعت برق محسوب می شود. به همین دلیل در طول این سال ها سندیکا در کنار همه موضوعات در حال پیگیری، مساله مطالبات معوق را به صورت مستمر و دائمی پیگیری می کند. در همین راستا در طول یک سال گذشته هم طی استعلامی از شرکت های عضو، میزان تقریبی مطالبات را استحصال کرده است.

انجام مکاتبات و برگزاری نشست ها و مذاکره با مقامات وزارت نیرو و مدیران عامل شرکت های برق منطقه ای و توزیع نیروی برق گام بعدی سندیکا برای وصول مطالبات اعضا بوده است. در نهایت این تلاش ها به دستور معاون برق و انرژی وزارت نیرو به مدیرعامل شرکت توانیر مبنی بر اولویت پرداخت مطالبات اعضای سندیکا منجر شد.

### عضویت در سندیکا حائز امتیاز در مناقصات شد

تشکیل کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت و انتخاب اعضای هیات ریسه آن گام تازه ای به منظور ارائه خدمات موثر به اعضا محسوب می شود. این کمیته که تدوین برنامه های بلندمدت و کوتاه مدت کمیته برای ارزیابی و تشخیص صلاحیت اعضا را در دستور کار خود دارد، در اولین گام دستور العمل معرفی اعضا به فراخوان مناقصات شرکت های برق منطقه ای و توزیع جهت کسب امتیاز عضویت در سندیکا را دنبال کرده و به نتیجه رساند.

به این ترتیب توافق با شرکت های برق منطقه ای تهران، اصفهان، خراسان، هرمزگان برای احتساب امتیاز عضویت در سندیکا، صنعت برق در مناقصات، انتقال ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت ها از توانیر به سندیکا و عضویت نماینده سندیکا در مرکز ملی رتبه بندی اتاق ایران از جمله دستاوردهای این کمیته محسوب می شود.

این کمیته در نظر دارد ضمن طراحی سیستم ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت ها به

عنوان مرجع ارزیابی با استفاده از فرصت های قانونی، پروپوزال سیستم ارزیابی صلاحیت سازندگان را نیز جهت ارائه به توانیر تدوین کند.

### اوج گیری دانش بنیان های سندیکا

تشکیل کمیته حمایت از شرکت های دانش بنیان در سندیکا آغاز فصل تازه ای در فعالیت های سندیکا بود. این کمیته نوپا از همان ابتدای فعالیت خود تلاش کرد با سازمان ها و نهادهای مرتبط با حوزه کاری شرکت های عضو خود ارتباطی هدفمند و اثربخش برقرار کند. برگزاری نشست های متعدد با معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و ریاست مرکز شرکت ها و موسسات دانش بنیان، مدیر مشارکت صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری، معاونت نوآوری و توسعه فناوری صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری، رییس هیات مدیره مجمع تشکل های دانش بنیان و نمایندگان صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک از جمله مهمترین اقدامات این کمیته برای دستیابی به این هدف بود.

البته همکاری با دفتر کسب و کار امور بین الملل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در معرفی کارگزاران از جانب سندیکا در خارج از ایران، معرفی سندیکا و کمیته دانش بنیان در جلسه با دفتر توسعه کسب و کار امور بین الملل معاونت علمی و فناوری و معرفی نمایشگاه های داخلی و خارجی جهت حمایت از شرکت های دانش بنیان به معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری را نیز باید در فهرست اقدامات این کمیته گنجانند.

کمیته حمایت از شرکت های دانش بنیان توانسته در مدت کوتاه فعالیت خود ضمن جلب نظر مساعد مدیر مشارکت صندوق نوآوری و شکوفایی و معاونت نوآوری و توسعه فناوری جهت دریافت طرح های دانش بنیان از جانب سندیکا، موفق به امضای تفاهم نامه با ستاد توسعه فناوری حوزه انرژی معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری شود.

لازم به ذکر است که امضای تفاهم نامه همکاری با صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک، ارائه نظرات سندیکا و رفع نواقص لیست محصولات دانش بنیان صنعت برق و همچنین طرح موضوع و پیگیری حضور سندیکا در مشاوره ارزیابی شرکت های دانش بنیان با ریاست مرکز شرکت ها و موسسات دانش بنیان را نیز به شکل جدی دنبال کند.

### به همت سندیکا فهارس بهای تاسیسات برقی قیمت دار شد

یکی از مهمترین چالش های صنعت برق به ویژه در دوره هایی که قیمت نهادهای تولید به شدت افزایش می یابد، نبود فهرست بها در این صنعت است. سندیکا مدت هاست که برای تدوین و قیمت دار کردن فهارس بهای بخش های مختلف صنعت برق تلاش می کند. در همین راستا کارگروهی با عنوان تدوین فهارس بهای برق و تعرفه های وارداتی در سندیکا فعال شده است.

این کارگروه علاوه بر تدوین آنالیز بهای خطوط هوایی انتقال نیرو، قیمت گذاری فهرست بهای واحد پایه تاسیسات برقی و ارائه به سازمان برنامه و بودجه و ارائه پیشنهاد به سندیکا در خصوص تعرفه های گمرکی دکل ها و تابلوهای برق را نیز در دستور کار خود داشته و در نهایت موفق به قیمت گذاری و ارسال به سازمان برنامه و بودجه کشور شده است. گفتنی است که پیگیری و آنالیز بها برای ابلاغ فهارس بهای برق جهت اجرا از جمله برنامه های آتی این کارگروه است.

### کرسی دائمی برای سندیکا در کارگروه انتخاب صادرکنندگان نمونه

کمیته توسعه صادرات صنعت برق یکی از قدیمی ترین و فعال ترین کمیته های سندیکای صنعت برق ایران است. این کمیته در طول یک سال گذشته علاوه بر تدوین برنامه راهبردی حضور در بازار عراق، استعلام و جمع بندی مطالبات شرکت های عضو از دولت عراق و پیگیری آن از مشاور معاون اول رئیس جمهور و رئیس ستاد ویژه اقتصادی ایران و عراق، ستاد عراق وزارت نیرو، معاون اول رئیس جمهور و سایر نهادهای مرتبط را دنبال کرده است.

این کمیته همچنین تهیه و چاپ کاتالوگ و تیزرهای تبلیغاتی اعضای کمیته و تهیه تیزر توانمندی صادراتی به سه زبان فارسی-انگلیسی-عربی، میزبانی و برگزاری جلسات مرتبط با معاون وزیر برق عراق و وزیر برق سوریه و هیات همراه در حاشیه نمایشگاه بین المللی برق، برگزاری نشست های تخصصی در حاشیه نمایشگاه بین المللی برق با حضور مقامات ارشد وزارت نیرو، شرکت توانیر و مجلس شورای اسلامی و استعلام و جمع بندی اولویت های صادراتی اعضا را در فهرست اقدامات خود گنجانده است.

البته تدوین و تهیه گزارش صادرات صنعت برق برای ارائه به مجلس و وزیر نیرو با مشارکت

و همکاری معاونت پژوهشی سندیکا، اعلام پیشنهادات سندیکا برای درج در تفاهم نامه کمیسیون های مشترک کشورهای غنا-ارمنستان- تونس- قطر- عراق و نیز انجام مذاکرات با مقامات و دست اندرکاران مرتبط در خصوص اختصاص بخشی از خط اعتباری سوریه جهت انجام پروژه های برق در آن کشور هم از جمله دیگر اقدامات کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران محسوب می شود.

این کمیته هماهنگی با دفتر بین الملل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در خصوص تسهیل صادرات محصولات دانش بنیان و تسهیل حضور اعضا در نمایشگاه های بین المللی برق و انرژی را هم به شکل جدی دنبال کرده است.

نتیجه این تلاش ها و پیگیری ها تامین منابع مالی برای هماهنگی حضور مقامات برق کشور در هیات اعزامی به نمایشگاه برق خاورمیانه، تدوین طرح ارزیابی شرکت ها جهت حضور در کنسرسیوم های صادراتی و کسب کرسی دائمی برای سندیکا در کارگروه انتخاب صادرکنندگان نمونه وزارت صنعت معدن تجارت و سازمان توسعه تجارت بوده است.

دستورکار آینده کمیته توسعه صادرات تدوین برنامه راهبردی و عملیاتی جهت حضور در بازار عراق، تشکیل اتاق فکر صادرات با حضور صاحب نظران و کارشناسان مورد نظر و معرفی کنسرسیوم های مورد تأیید سندیکا در بازارهای هدف خواهد بود.

البته حضور در نمایشگاه انرژی و آب عمان راه اندازی وب سایت چند زبانه با امکان معرفی محصولات شرکتهای عضو هم از دیگر برنامه های این کمیته است.

### ارائه گزارش ها و تحلیل های کارشناسی با تلاش معاونت پژوهش و برنامه ریزی سندیکا

معاونت پژوهش و برنامه ریزی سندیکا که مهمترین دستاورد آن تدوین سند راهبردی کسب و کارهای صنعت برق ایران است، در طول یک سال گذشته گزارش های تحلیلی بسیاری را در خصوص مسائل و مشکلات مطرح شده در سندیکا و صنعت برق تدوین و جهت ارائه به مسئولین امر آماده کرده است.

از جمله مهمترین تحلیل های انجام شده در این معاونت می توان به موضوعاتی نظیر بودجه صنعت برق در لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و ارائه پیشنهادات اصلاحی، ساختار سندیکای صنعت برق و ارائه پیشنهادهای اصلاحی، صادرات و واردات صنعت برق، وضعیت مطالبات بخش خصوصی از دولت و

نیز پروژه های ناتمام و قابل واگذاری به بخش خصوصی در صنعت برق اشاره کرد. به علاوه گزارش های دیگری هم در مورد فرصت ها و چالش های ایجاد فدراسیون صنعت برق و بررسی پیش نویس سند راهبردی برق و الکترونیک وزارت صنعت، معدن و تجارت هم در این معاونت تهیه و تدوین شده است.

از دیگر اقدامات معاونت پژوهشی سندیکا نظرسنجی از اعضا در خصوص اولویت های کوتاه مدت و میان مدت و تدوین دستور کار سندیکای در سال ۱۳۹۷، همکاری با پژوهشگاه نیرو برای حمایت از تحقیق و توسعه در شرکت های عضو و تدوین دستورالعمل پیوست فناوری قراردادهای بین المللی و طرح های مهم ملی، بررسی کارشناسی موضوعات و موارد استعمال شده از سندیکای صنعت برق ایران و ارائه نتایج به دستگاه های اجرایی، پیگیری مسائل اعضا از پژوهشگاه نیرو و مبادله قرارداد پژوهشی با اتاق بازرگانی تهران بوده است.

انجام پژوهش بررسی و ارزیابی راهکارهای تنظیم مقررات بازار در بازارهای انحصاری مواد خام و صنایع بالا دستی و مقررات گذاری برای حمایت از حقوق سازندگان در برابر تولیدکنندگان انحصاری و انجام پروژه تدوین مدل های نوین تامین مالی و سرمایه گذاری در صنعت برق از جمله دیگر فعالیت های معاونت پژوهش سندیکا بوده است.

انجام نظرسنجی از شرکت های عضو و تدوین گزارش چالش های سازندگان تجهیزات و پیمانکاران شبکه توزیع نیروی برق ایران جهت ارائه در کنفرانس توزیع برق، تهیه گزارش اظهار نظر سندیکای صنعت برق ایران درباره طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۳۱ قانون مقررات صادرات و واردات و نیز گزارش زمینه های همکاری با اروپا در صنعت برق در چارچوب برجام هم از دیگر اقدامات اثرگذار این بخش بوده است.

واگذاری پروژه های ناتمام به بخش خصوصی و تولید برق با ملاحظات زیست محیطی و توسعه پایدار موضوعات دیگری بودند که معاونت پژوهشی سندیکا در کنار نظرسنجی از اعضا در خصوص اولویت های کاری سندیکا در سال ۱۳۹۷، گزارش های تحلیلی در مورد آنها تهیه کرده است.

البته این معاونت در سایه تلاش ها و پژوهش های خود توانست ضمن ارائه بسته حمایت از تحقیق و توسعه در شرکت های صنعت برق، اعتبار سندیکا را تا جایی افزایش دهد که وزیر نیرو از سندیکا خواست جهت اجرای طرح پژوهشی در خصوص چالش های

توسعه صادرات صنعت برق وارد عمل شود. انجام پژوهش های تعیین شده در سند راهبردی و ارائه بسته های سیاستی جهت بهبود محیط کسب و کار صنعت برق هم در دستور کارهای آتی این واحد است.

گفتنی است که گسترش کار پژوهشی سند راهبردی سندیکا که در معاونت پژوهش و برنامه ریزی تهیه و تدوین شده بود، همچنان در حال پیگیری است. در همین راستا طرح های پژوهشی جهت تامین مالی به اتاق بازرگانی تهران و ایران ارائه شده است. ضمن اینکه طرح های پژوهشی بررسی روش های تامین مالی صنعت برق، بازارهای انحصاری مواد خام مورد نیاز صنعت برق و ارائه مدل کنترل بازارهای انحصاری و تدوین راهبردها و برنامه عملیاتی توسعه صادرات صنعت برق به مرحله اجرا رسیده اند.

در همین راستا گزارش های تخصصی و سیاست های پیشنهادی سندیکا به نهادهای سیاست گذاری (وزارت نیرو، مجلس شورای اسلامی، وزارت صنعت و معدن و تجارت ارائه شده و برخی از آنها به تصویب رسیده اند. در ادامه این روند انجام پژوهش های تعیین شده در سند راهبردی و ارائه بسته های سیاستی جهت بهبود محیط کسب و کار صنعت برق به دستور کار سندیکا خواهد بود.

### سندیکا همچنان فعال در برگزاری نمایشگاه ها

یکی از مهمترین نقاط قوت سندیکا برگزاری موفق مجامع و نمایشگاه های تخصصی است. این تشکل در طول یک سال گذشته برگزاری نمایشگاه جانبی بیست و دومین کنفرانس شبکه های توزیع نیروی برق با همکاری شرکت توانیر و شرکت توزیع نیروی برق استان سمنان، برگزاری نمایشگاه جانبی بیست و پنجمین کنفرانس مهندسی برق با همکاری دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، مشارکت در برگزاری و حضور در هفدهمین نمایشگاه بین المللی صنعت برق و مشارکت در برگزاری و حضور در نمایشگاه بین المللی انرژی های تجدیدپذیر را در فهرست اقدامات خود گنجانده است.

البته به این فهرست باید برگزاری رخدادهای صنعتی مانند نمایشگاه جانبی چهارمین کنفرانس بین المللی ترانسفورماتور، کنفرانس شبکه هوشمند انرژی، مجمع عمومی سالیانه و انتخابات دوره جدید هیأت مدیره سندیکا و جلسه هم اندیشی با اعضا را هم افزود. نتیجه تلاش های سندیکا کاهش هزینه های اعضا در بخش نمایشگاه ها با رقمی بالغ بر هزار میلیون تومان بوده است. ■

گفت و گو





/ گفت و گو با بهمن عشقی /  
دبیرکل اتاق بازرگانی تهران

## اراده دولت، انتقال قدرت به بخش خصوصی نیست؛

استفاده از ظرفیت تشکل‌ها یک اصل فراموش نشدنی است

و به عنوان يك سند برای ادامه همکاری اتاق تهران با سایر تشکل‌ها مطرح شود.

**به نظر شما تشکل‌های خصوصی با چه معضلاتی روبرو هستند و چه خلاءهایی در مسیر فعالیت آنها وجود دارد؟**

بزرگترین مسئله‌ای که بخش خصوصی ایران در ایفای نقش اقتصادی خود با آن مواجه است، این است که جایگاه آن به طور تاریخی تعریف نشده است. در سال ۱۳۰۴ ایران صاحب دولت مدرن شد و ما بحثی درباره سال‌های قبل از این تاریخ نداریم (اگرچه صبغه اتاق به سال‌های قبل از این بازمی‌گردد). در تمام طول سال‌های قبل از انقلاب، اگرچه بخش خصوصی هم به وجود آمده و اثراتی هم داشته است، نقش حاکم مطلق در بازی اقتصادی متعلق به دولت بوده است. بعد از انقلاب شرایط انقلابی حاکم شد، طبیعت هر انقلابی است که در دل خود تحولاتی به همراه دارد، انقلابی در دنیا نیست که فاقد عنصر دولتی شدن اقتصاد باشد اما گیر کار این است که عمر رفتار انقلابی در ایران زیاد شده است. انقلاب باید مبانی خود را تحکیم می‌کرد و کار را به

**ارزیابی شما از رابطه بین سندیکا و اتاق بازرگانی تهران چیست؟ این رابطه از چه نقاط قوت و وضعی برخوردار است و کدام بعد رابطه باید بیشتر تقویت شود؟**

حضور من در اتاق بازرگانی و افتخار شرف‌یابی در جلسه هیات مدیره سندیکا سندی است بر اینکه روابط اتاق و سندیکا روابط خوبی است. معنای آن این نیست که ما به اعلی‌ترین درجات رابط سازمانی رسیده ایم بلکه به این معناست که ما برای رسیدن به جایگاه باشکوه ارتباط بین دو سازمان در مسیر درستی حرکت می‌کنیم. ما در اتاق تهران تلاش می‌کنیم بازتعریفی از میثاق خود با تشکل‌ها به عنوان زیردستان تشکلی داشته باشیم، شما هم در سندیکا تلاش می‌کنید به عنوان نماینده بخشی از فعالان اقتصادی به اتاق تهران نزدیک شوید بنابراین هر دوی ما در رسیدن به یک نقطه حرکت می‌کنیم. اتاق تهران و سندیکا ظرفیت‌هایی دارند که اگر ما معماری این دو سازمان را روی هم بگذاریم به گمان من نقاط قوت فراوانی برای آینده همکاری‌ها پیدا خواهیم کرد و چه بسا سندیکای صنعت برق ایران بتواند به یک پابلوت مناسب

خصوصی‌سازی به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن مالکیت و مدیریت از بخش دولتی به بخش مردمی (خصوصی) منتقل شود. طی این فرآیند اندازه دولت یا حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد کاهش یافته و اندازه بخش خصوصی یا حجم فعالیت‌های بخش خصوصی افزایش می‌یابد. به طور کلی مهم‌ترین هدف خصوصی‌سازی در اکثر کشورها افزایش کارایی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع بوده است. با نگاهی به عملکرد چند سال گذشته خصوصی‌سازی در کشور می‌توان دریافت که روند مورد انتظار و مثبتی از اجرای این سیاست به دست نیامده است. درباره مشکلات بخش خصوصی با دکتر بهمن عشقی، دبیرکل اتاق بازرگانی تهران گفتگو کرده‌ایم.

بخش خصوصی تحویل می‌داد، این دوران گذر دیراتفاق می‌افتد یعنی مبانی انقلابی‌گری کماکان در اقتصاد باقی است و اقتصاد دولتی مانده است.

همه ما با زبان و ادبیات مختلف آثار دولتی بودن اقتصاد را بیان می‌کنیم، واقعیت این است که دولت باوری به اقتصاد متکی به بخش خصوصی ندارد. ممکن است در برخی از سخنرانی‌ها از ضرورت انتقال قدرت اقتصاد به بخش خصوصی شنیده شود ولی باور دولت انتقال قدرت به بخش خصوصی نیست.

**با توجه به گفته شما مبنی بر اینکه باور دولت انتقال قدرت به بخش خصوصی نیست، تشکلهای چه وظیفه‌ای دارند؟**  
تشکلهای باید مثل سرنگ داروی مورد خواست خود را که فکرمی‌کنند تغییرات را در بدن بیمار دولتی شده اقتصاد فراهم می‌کند، تزریق کنند. بزرگترین دستاوردی که تشکلهای در همه جای دنیا دارند نه تنها در ایران، ایجاد فشار عمومی علیه دولت است یعنی خواسته‌های فعالان اقتصادی تحت پوشش خود را در قالب فشار عمومی مطرح می‌کنند.

صنعت برق فشار عمومی به حاکمیت ندارد اما وقتی خواسته خود را به عنوان مطالبه ملی تعریف کرد، به فشار تبدیل می‌شود. جایی قدرت موازنه دولت و فعالان اقتصادی در بخش خصوصی به نقطه تعادل می‌رسد، این نقطه را بسیاری از فلاسفه علوم اجتماعی نقطه بهینه تعادل قدرت ملت و حاکمیت نامیده‌اند در این صورت است که نه دولت موفق به محو کامل بخش خصوصی از بازار است و نه بخش خصوصی قادر است دولت را کنار گذاشته و نقش رگولاتوری آن را نادیده بگیرد. نقطه‌ای که زور دو طرف به خواباندن میج هم‌دیگر نمی‌رسد، نقطه بهینه منافع ملی است. وظیفه اتاق بازرگانی تهران این است که قدرت بازو و آرزوهای تشکلهای را هم راستا کند، وقتی قدرت بازوی همه تشکلهای هم راستا شد، کار درست پیش خواهد رفت.

**اصل ۴۴ قانون اساسی که به واگذاری فعالیت‌های دولتی به بخش‌های غیر دولتی و قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار تا چه میزان در کشور اجرایی شده است؟**  
قانون اساسی به عنوان یک میثاق ملی در بخش اقتصادی باید مورد بازنگری قرار بگیرد، قانون اساسی ایران قانون دولت است و آنچه به عنوان قانون ملاحظه می‌کنید یک اقتصاد دولتی است که درکنار آن به اقتصاد تعاونی هم اشاره‌ای شده است. بخش خصوصی مکمل بخش دولتی و تعاونی تعریف شده است یعنی اگر کاری بود که این دو بخش نتوانستند انجام دهند بخش خصوصی انجام دهد و این یعنی

جامانده بودن و وامانده بودن. اصلاح فرامین مرتبط با اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد اما اجرای این فرامین چقدر منطبق با منویات اصول بوده است، جای سوال دارد؟ ما در اجرای اصل ۴۴ به جای خصوصی کردن به سمت عمومی کردن رفته‌ایم. مفاد اجرایی اصل ۴۴ کمی به بیراهه رفته است چون به زعم خودش اقتصاد را مردمی کرده است نه خصوصی.

بین اقتصاد عمومی، اقتصاد توده‌ای، اقتصاد مردمی و اقتصاد خصوصی فرق بسیار است و هر کدام تعریف مشخص خود را دارد. در حکومت‌های سوسیالیستی که مبنای ایدئولوژی مارکسیستی داشتند، به عنوان مثال کره شمالی و کوبا دو کشور با این ایدئولوژی، معتقد به اقتصاد توده‌ای هستند و توده‌ای از مردم را به عنوان حاکمان اقتصادی معرفی می‌کنند.

در کشور ما قانون بهبود فضای مستمر محیط کسب و کار هم در فضایی چالشی بین دولت و مجلس تصویب شد. من بیشتر از اینکه روح این قانون را حلال مشکلات بخش خصوصی بدانم منازعه‌ای می‌دانم بین پارلمان وقت و هیات حاکمه در دولت وقت، دو جناح سیاسی که برای کاهش قدرت طرف مقابل قانونی را تصویب کردند به طوری که در ابلاغ آن هم اختلافاتی وجود داشت. بنده سهم قانون بهبود فضای مستمر محیط کسب و کار را در اصلاح امور چندان پررنگ نمی‌بینم و نمره خوبی به این قانون نمی‌دهم.

امروز همین قانون موافق منویات دولت نیست، طبیعی است که هر دولتی در دنیا علاقمند نیست قدرت و اختیارش را واگذار کند، حتی دموکراتیک‌ترین دولت‌ها هم مایل به واگذاری قدرت خود نیستند. آن چیزی که دولت را مجبور به واگذاری قدرت می‌کند توازن مچ‌اندازی است. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در خلا قدرت بخش خصوصی در مچ‌اندازی، قانون موفقی نشده است.

**از نظر شما دیدگاه دولت دوازدهم نسبت به بخش خصوصی چگونه بوده است و این دولت تا چه میزان به حرف‌هایی که درباره بخش خصوصی زده، عمل کرده است؟**  
اینکه ظرفیت را به بخش خصوصی بسپاریم ایده خوبی است، اما اینکه فقط به لقلقه کلام تبدیل شود، خاصیتی ندارد بلکه باید در اجرا تحقق پیدا کند و موازی باشد با کوچک سازی دولت. آقای روحانی وقتی در گفتار صادق است که نشان دهد بودجه دولت هر سال کمتر می‌شود. یکی از علایم بالینی فریگی دولت، بودجه است وقتی بودجه به قدری فریه شده است که کفایت بودجه عمرانی باقی نمانده است پس شعار دادن ظرفیت به بخش

خصوصی درست نیست. اگر دولت بودجه را به طور متوازن کاهش داد، بر حسن اجرای این کاهش نظارت کرد و از تک تک وزرا بابت هزینه بودجه پاسخ خواست، می‌توان روی حرفشان مبنی بر ضرورت واگذاری بخشی از اقتصاد به بخش خصوصی حساب کرد.

**ارتباط سندیکا و اتاق بازرگانی تهران تا چه میزان می‌تواند مشکلات بخش خصوصی را حل کند؟**

نه سندیکا و نه اتاق بازرگانی به تنهایی قادر به حل مشکلات بخش خصوصی نیستند. اتاق و سندیکا حلال مشکلات نیستند، آنکه توانایی حل مشکل را دارد، دولت است. این دو رکن قدرت اجرایی ندارند بلکه باید مشکلات بخش خصوصی را شناسایی و طرح کنند. ابزار و رویکرد این روش ایجاد فشار عمومی است. آرزوی من در اتاق این است که با کمک هم مسائل و مشکلات را طراحی کنیم تا بتوانیم فشار و غلبان عمومی لازم را برای حل آن ایجاد کنیم.

**برنامه اتاق بازرگانی تهران در سال ۹۷ در خصوص ارتباط با تشکلهای چیست؟**  
سال ۹۷ سال سخت و پرفشار اقتصادی است، برنامه اتاق تهران در سال جدید بر مبنای بازگشت تحریم‌ها طراحی نشده است شاید امروز لازم باشد نه تنها ما بلکه دولت نیز برنامه و بودجه خود را براساس نظام بازگشت تحریم‌ها باز طراحی کند.

هدف اصلی ما در سال جدید بهره‌گیری از ظرفیت بهتر تشکلهاست چه به شرایط تحریمی برگردیم و چه برنگردیم استفاده از ظرفیت تشکلهای یک اصل فراموش نشدنی است. تصمیم اتاق در سال جدید تخصیص بودجه جهت کمک و توانمندسازی تشکلهاست و اولویت ما در این مسیر با تشکلهایی است که در پیگیری امور خود جدی‌تر باشند.

اصل کلی ما در سال ۹۷ کمک به بازتعریف روابط خود به عنوان میثاق با تشکلهاست. تشکلهای سازمان‌های زبردست ما نیستند تشکلهای سازمان‌های موازی با ما هستند اما با گستره کمتر. ما ذیل هم قرار نگرفتیم بلکه تشکلهای بازوهای اتاق هستند و نگاه ما به تشکلهای از بالا به پایین نیست. تغییر پارادایم مهمترین رویکرد اتاق در سال ۹۷ است چرا که سلبیت پارادایم، علت اصلی بیشتر مشکلات است. ما در سال جدید به عقاید و شیفتهگی خود غلبه کردیم، نقش ما نگاه همساز و سازگار است و امیدوارم سندیکا پایلوت خوبی برای اجرای این اصل باشد. ■

# ناتوانی نیروگاه‌های برق آبی برای تامین برق تابستان

ظرفیت این صنعت برای صادرات برق و تجهیزات آن تا رقم ۳۳ میلیارد دلار تا افق ۱۴۰۴ در صورت تامین زیرساخت‌هایی لازم، در کشور خبر داد.

علیرضا اسدی نیز در این نشست با اشاره به اینکه ما نیازمند نظام یکپارچه حکمرانی صادرات در صنعت برق هستیم افزود: در حال حاضر سه وزارتخانه نیرو، امور خارجه و صنعت و معدن تجارت صادرات برق را برعهده دارند که انجام سیاست‌گذاری‌های جداگانه در این ارگانها سبب از دست رفتن فرصت‌های زیادی برای صادرکنندگان برق می‌شود.

وی با بیان اینکه با ادامه داشتن روند فعلی تامین زیرساخت‌ها برای صادرات صنعت برق تا افق ۱۴۰۴، صادرات این صنعت به ۱۷ میلیارد دلار می‌رسد گفت: صنعت برق از لحاظ زیرساخت‌های فیزیکی رتبه ۱۴ جهان را دارد که این نشان دهنده ظرفیت مناسب این صنعت در صادرات برق است اما زیرساخت تسهیل‌کننده فضای مناسب کسب و کار در کشور شرایط خوبی ندارد.

معاون پژوهش و برنامه ریزی سندیکای برق با تاکید بر نیاز کشور به بازنگری در حکمرانی صنعت برق ادامه داد: دولت باید بنگاه‌داری را رها کرده و بر حکمرانی تمرکز کند این درحالیست که دولت اجازه چندانی به حضور بخش خصوصی نمی‌دهد و حتی قیمت‌گذاری برق نیز در دست دولت است. اسدی مجموع صادرات تجهیزات در کشورهای همسایه را حدود ۱۰۰ میلیارد دلار دانست و گفت: ایران قادر به تامین این اعداد هست اگر شرایط فراهم شود اما این درحالیست که هم اکنون چین، ژاپن، آمریکا و آلمان عمده صادرات این کشورها را برعهده دارد.

وی افزود: ضعف در اطلاعات از بازار، فقدان استحکام و ثبات کافی در روابط سیاسی، ضعف در قدرت رقابت پذیری شرکت‌های صادراتی و ریسک‌های شرکت‌های صادرکننده در بازارهای هدف از جمله مهم‌ترین موانع صادراتی در صنعت برق است. ■

+ خبرگزاری صدا و سیما

نیروگاه برق آبی و ششمین سازنده توربین‌گازی در دنیا است که هم اکنون به ۴۰ کشور صادرات دارد که باتوجه به ظرفیتهای موجود در این صنعت میتوان مقاصد صادراتی را به مقدار قابل توجهی افزایش داد.

باقری با اشاره به نرخ ۸ برابری تولید ارزش افزوده در صنعت برق نسبت به بقیه صنایع صادراتی کشور گفت: ۱۱ درصد از ارزش افزوده کل صنایع کشور و ۱۴٫۵ درصد سهم اشتغال کشور در صنعت برق محقق می‌شود.

وی صنعت برق را یکی از صنایع پیشرو در حوزه صادرات غیرنفتی دانست و ادامه داد: ایران قادر به صادرات تجهیزات صنعت برق، خدمات فنی و مهندسی و انرژی برق به دیگر کشورهاست که هم اکنون از ۵۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی کشور ۱۵ تا ۲۰ درصد سهم خدمات فنی و مهندسی و کالاهای دارای تکنولوژی پیشرفته است.

نائب رئیس هیئت مدیره سندیکای برق با اشاره به سهم ۵ درصدی خدمات فنی و مهندسی صنعت برق از صادرات غیرنفتی کشور ادامه داد: این درحالیست که ظرفیت صادراتی صنعت برق ایران ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار است.

باقری هدف گذاری انجام شده براساس سند ۱۴۰۴ برای صادرات غیرنفتی را ۲۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت: هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به این هدف وجود دارد که مشکلات موجود در شبکه بانکی از بزرگترین موانع رسیدن به این هدف‌گذاری است.

وی با اشاره به ظرفیت موجود در کشورهای همسایه دارای مرزهای خاکی با ایران برای صادرات ادامه داد: به گواه آمار در سال ۹۶ بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار واردات در کشورهای همسایه انجام شده است که سهم ایران از این رقم معادل ۱۳٫۵ میلیارد دلار بوده است که با توجه به شرایط فعلی و تحریم‌ها باید برای استفاده از این ظرفیت در کشورهای همسایه برنامه ریزی کرد.

## توانمندی ایران برای صادرات

۳۳ میلیارد دلاری برق تا ۱۴۰۴

معاون پژوهش و برنامه ریزی سندیکای برق از توانایی و



پیام باقری در نشست پژوهش خبری در محل سازمان صداوسیما با اشاره به اهمیت مدیریت مصرف برق از سوی مردم افزود: رشد تقاضای



مصرف برق در کشور سالانه ۷ درصد است که این رقم ۲٫۵ تا ۳ برابر متوسط استانداردهای جهانی و به معنای ورود سالانه ۵ هزار مگاوات نیروگاه جدید به مدار مصرف است.

وی هزینه ساخت نیروگاه جدید را ۳ تا ۴ میلیارد یورو اعلام کرد و گفت: این رقم علاوه بر هزینه ۱۰ تا ۱۵ میلیارد تومانی تاسیس شبکه توزیع و خطوط انتقال است که باید برای جلوگیری از خاموشی در کشور انجام شود اما این در حالست که وزارت نیرو امسال توان تامین این هزینه را ندارد.

نائب رئیس هیئت مدیره سندیکای برق با اشاره به تولید بیش از ۵۵ درصد برق مصرفی کشور توسط بخش خصوصی ادامه داد: هم اکنون وزارت نیرو ۳۰ هزار میلیارد تومان به بخشهای مختلف خصوصی و بانکها بدهکار است که ۲۰ هزار میلیارد تومان آن متعلق به بخش خصوصی و پیمانکاران این صنعت است که پرداخت نشدن این هزینه مانع از سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنعت برق شده است.

باقری قیمت برق را چالش بزرگ صنعت برق دانست و افزود: برق یک محصول است که هزینه تولید و انتقال دارد بنابراین ثابت نگه داشتن نرخ برق بخش خصوصی را با مشکل مواجه کرده است زیرا با پرداخت نشدن قیمت برق به وزارت نیرو این ارگان قادر به تسویه بدهی‌ها به بخش خصوصی نخواهد بود که این روند در تولید برق اثر منفی خواهد گذاشت. وی با اشاره به اینکه آزاد شدن اقتصاد برق سبب رونق گرفتن این صنعت پول ساز خواهد شد گفت: راهکار دیگر رفع چالش بخش خصوصی در صنعت برق صادرات این کالا است در حالی که بخش خصوصی نقشی در صادرات برق ندارد.

نائب رئیس هیئت مدیره سندیکای برق، ایران را از لحاظ ظرفیت نصب شده نیروگاهی در منطقه دارای رتبه اول دانست و افزود: ایران جزو ۱۰ کشور مطرح دنیا در تولید تجهیزات



مقام معظم رهبری امسال را به نام حمایت از کالای ایرانی نامگذاری کردند. بیش از یک دهه است که ایشان شعار سال را با محوریت مسائل اقتصادی انتخاب می‌کنند که این موضوع حاکی از اهمیت بحث معیشت و اقتصاد خانوارها برای رهبری معظم انقلاب دارد. بدون تردید نامگذاری سال‌ها با عناوین و شعارهای خاص، خط سیر حرکتی مسئولان و مردم را مشخص کرده و تحقق آن نیازمند تلاش همه‌جانبه است. در راستای بررسی مسیر تحقق شعار سال و راهکارهای حمایت از کالای ایرانی با «مهدی پازوکی» اقتصاددان و استاد دانشگاه گفتگو کرده‌ایم.



/ گفت‌وگو با مهدی پازوکی /  
اقتصاددان و استاد دانشگاه

## شفافیت و مبارزه با نهادهای انحصارطلب؛ کلید نجات اقتصاد ایران

**به نظر شما الزامات حمایت از کالای ایرانی چیست و چگونه زمینه برای رونق آن فراهم خواهد شد؟**

در ابتدا باید زمینه‌های لازم برای کسب و کار تولیدکننده داخلی فراهم شود که این خود شرایطی دارد. در واقع وقتی از حمایت تولیدکننده داخلی حرف می‌زنیم منظور این است که باید به کسب و کار خصوصی اهمیت بیشتری داده شود. اقتصاد ایران ظرفیت‌های بی‌بدیلی دارد که شاید در کشورهای دیگر کمتر این ظرفیت‌ها وجود داشته باشد. از جمله این مزیت‌ها پایین بودن دستمزدها نسبت به بازارهای بین‌المللی و ارزان بودن قیمت انرژی است. اگر جلوی رانت‌ها و انحصارها گرفته شود و سیستم اقتصادی شفاف‌تری داشته باشیم، قطعاً فضای رقابتی سالم بین بنگاه‌های خصوصی فراهم می‌شود. همچنین باید مانع فعالیت نهادهای انحصارطلب شد که فضا را برای بخش خصوصی پرالتهاب می‌کنند که دقت به این امر به نفع اقتصاد ایران است.

**به نظر شما رقابتی شدن بازار تا چه حد بر روند حمایت از تولیدکنندگان داخلی تأثیرگذار**

**است؟**

پارامتر رقابتی شدن بازار به تنهایی کافی نیست بلکه بالا بردن کیفیت کالای ایرانی در کنار رقابتی شدن بازار نکته مهم در پیشرفت اقتصاد است البته ما باید ما تعامل مثبت و در چارچوب منافع ملی را با جهان توسعه یافته در دستور کار خود قرار دهیم. برای بالا بردن بهره‌وری و کارایی در اقتصاد داخلی، نیاز به انتقال تکنولوژی و دانش فنی از جهان پیشرفته داریم. هرچقدر تعامل ما با جهان بیشتر باشد بهره‌وری و کارایی اقتصاد ما بالاتر می‌رود. اگر سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی با یکدیگر در تولید همکاری نکنند، شاهد پیشرفت مثبتی در اقتصاد خواهیم بودیم. کشور ما برای پیشرفت اقتصادی نیازمند انتقال تکنولوژی و دانش فنی از جهان پیشرفته است و تنها در این صورت است که پیشرفت خواهد کرد در جهان هیچ کشور خودکفایی وجود ندارد، تمامی کشورهای پیشرفته در زمینه اقتصاد نیازمند تعامل با سایر کشورها هستند اما خودتکایی می‌تواند محقق شود. شک نداشته باشید که ما می‌توانیم کیفیت کالاهای خود را بالا ببریم و پیشرفت اقتصادی داشته باشیم

کما اینکه بسیاری از کالاهای تولید داخل هستند که از نمونه خارجی خود باکیفیت‌تر هستند اما متأسفانه برخی از آن‌ها در طول زمان گرفتار برخی مشکلات شدند و کیفیت کالاهایشان پایین آمد.

**یعنی حلقه مفقوده اقتصاد ایران را تعامل با جهان می‌دانید؟**

بله کاملاً درست است، حلقه مفقوده اقتصاد ایران، تعامل مفید و سازنده با جهان است که در این صورت اقتصاد ما پیشرفت خواهد کرد. چنانچه از تولیدکنندگان داخلی حمایت‌های لازم به عمل بیاید و تولیدکنندگان خارجی و داخلی در چارچوب منافع ملی با یکدیگر تعامل سازنده داشته باشند، کالاهای داخلی توان رقابت با نمونه مشابه خارجی خود را خواهد داشت.

**در صحبت‌هایتان به بهبود فضای کسب و کار اشاره کردید. برای بهبود این فضا چه باید کرد؟**

اگر خواهان حمایت از تولید ملی هستیم در وهله‌ی اول باید به بهبود فضای کسب و کار





توجه کنیم. فضای کسب و کار باید به نحوه تولید ملی و با سیاست‌های بخردانه در دستور کار مجموعه حاکمیت در ایران قرار بگیرد و تاکید می‌کنم یک قوه و آن هم قوه مجریه فقط براین موضوع موثر نیست. نظرم این است که برای ارتقای نظام تصمیم‌گیری کلان اقتصادی، شورای عالی اقتصاد به ریاست مقام رهبری و عضویت سه قوه قضائیه، مجریه و مقننه و همچنین وزرای اقتصادی، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه و دو تن از صاحب‌نظران حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به انتخاب رئیس جمهوری تشکیل شود.

#### پیشنهاد تشکیل شورای عالی اقتصاد را مطرح کردید لطفا بیشتر توضیح دهید که منظورتان چیست؟

شورای عالی اقتصاد باید خطوط قرمز اقتصاد را روشن کند و هرآنچه در این شورا تصمیم‌گیری می‌شود از طریق رهبری به صورت حکم حکومتی به سه قوه ابلاغ شود. ما برای مسائل اقتصادی نیاز به یک نظام تصمیم‌گیری قدرتمند داریم. من فکر می‌کنم همانگونه که

سیاست خارجه ما به برجام نیاز داشت اقتصاد داخلی ما نیز به این شورای تصمیم‌گیری نیاز دارد.

باید فضای کسب و کار ارتقا پیدا کند و سرمایه‌گذار ایرانی امنیت داشته باشد تا بتواند پول خود را سرمایه‌گذاری کند. من معتقدم که ما در ایران مشکل پس‌انداز نداریم و پس‌انداز ما بسیار بالاست که این میزان را می‌توان در نقدینگی مشاهده کرد. اکنون حدود ۱۵۰۰ تریلیون تومان نقدینگی وجود دارد، اگر این نقدینگی با سیاست‌های بخردانه نظام تصمیم‌گیری کشور به سمت تولید ملی می‌رفت، قطعاً تولید ملی افزایش می‌یافت. به دنبال تولید ملی درآمد ملی و به دنبال آن درآمد سرانه و رفاه ملی بهبود پیدا کرده و مشکل بیکاری حل می‌شد.

اقتصاد ما مزایایی دارد که از آن استفاده نمی‌شود مثلاً هنوز قیمت انرژی در ایران بسیار پایین‌تر از بازارهای بین‌المللی است. نیروی کار ما متخصص و ارزان است ولی اقتصاد ما نمی‌تواند آن‌ها را جذب کند. یکی از مسائل مهم اقتصاد ما جذب نشدن نیروهای فرهیخته در کشور است در عوض نیروهای غیرمتخصص

بر مبنای ارتباطات به بدنه دولت راه یافته‌اند که عامل بسیاری از عقب ماندگی‌های اقتصادی کشور هستند، من معتقدم شفافیت برای اقتصاد ایران از نان شب واجب‌تر است، شفافیت باید به اقتصاد ایران برگردد.

#### رانت و انحصار تا چه حد به اقتصاد کشور ضربه زده است؟

به نظرم باید مبادله اطلاعات آزاد شود تا بتوان جلوی بسیاری از رانت‌ها در اقتصاد ایران را گرفت. متأسفانه در دولت نهم و دهم طبقه رانت‌خواری شکل گرفت که این طبقه در دولت یازدهم هم به حیات خود ادامه داد و اکنون با ثروت‌های نجومی امورات خود را می‌گذرانند، این در حالی است که بسیاری از آحاد جامعه از حداقل‌ها محروم هستند. مجموعه حاکمیت موظف است جلوی طبقه رانت‌خوار را بگیرد که شامل قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و سایر ارگان‌های مرتبط می‌شود. حاکمیت باید به فکر برانداختن فساد نهادینه شده باشد. ■

# مقالات





مهدی زارع پور /

کارشناس ارشد مهندسی مکانیک و مدیریت سیستم های اطلاعاتی  
مدیرکارخانه پرشین تابلو تابان مشهد

## «سیستم»، بودن یا نبودن؟ مسأله این است!

وی می گوید:

«از آن جا که اساسی ترین ویژگی های موجودات، در سازمان تشکیل دهنده آنان است، روش بررسی مرسوم که فقط به بررسی یک جزء یا یک فرآیند از آن ها می پردازد (دیدگاه جزیره ای)، نمی تواند تشریح کاملی از آن موجود انجام دهد. همچنین نگرش تک بعدی نیز نمی تواند اطلاعات جامعی درباره نحوه هماهنگی اجزاء و فرآیندهای گوناگون ارگانیسم ها در اختیار ما بگذارد.»

تفکر سیستمی برخلاف برخی از جنبش های فکری که در یک رشته ی علمی و در محدوده ی معینی نشو و نما کرده اند در خارج از محدوده ی یک علم معین متولد شد و در محیطی میان رشته ای رشد کرد. شاید تأثیر تفکر سیستمی بیشتر برحوزه ی ابعاد انسانی سازمان بوده است.

به نظر برتالانفی، یک ارگانیسم صرفاً مجموعه عناصر جداگانه نیست، بلکه سیستمی است دارای نظام و کلیت. این سیستم، به جای آنکه مانند جامدات، به طور ظاهری متشکل از تعدادی اتم باشد، بیشتر موجودیتی شبیه شعله یا بلور دارد که به طور مرتب در حال تغییر و تبدیل است. وی براین باور است که ارگانیسم را نمی توان با شیوه تفکر و روش های معمول در مکاتب مکانیستی شناخت و بایستی طرز تفکر نوینی را برای شناخت موجودات ارگانیکی ابداع کرد.

نزد نمایندگی مجاز برده و اگر برای بیماری خود به پزشک متخصص مراجعه می کنیم، چطور انتظار داریم سازمان ما که مجموعه ای از «نیروی انسانی» است، با حدس و گمان، اطلاعات تجربی، مجموعه دانش جزیره ای که از منابع اینترنتی غیرقابل استناد کسب شده و... بصورت کارآ و مؤثر کنترل شود؟

مفاهیم را نمی توان با برداشت ذهنی و شخصی تفسیر نمود، چراکه در این حالت، هیچگاه دو نفر را نخواهید یافت که باهم بر سر مسأله ای به تفاهم برسند. دقیقاً به همین دلیل قانون، استاندارد، مرجع، رفرنس و... وضع و تدوین شد تا سلیق شخصی نظم و شاکله را برهم نزند. شاید نیاز به دانستن «مدیریت» را، عواقب بعضاً دیر هنگام آن کم رنگ نموده است. عواقبی که معمولاً با یکدیگر ادغام شده، پیچیده می شود، افراد دیگر را دخیل کرده و در انتها، سرچشمه آن گنگ و مبهم می شود! یکی از این مفاهیم که نیاز به «واژه شناسی» دارد، سیستم یا همان سامانه است؛ واژه شناسی را با ویکی پدیا شناسی نباید اشتباه گرفت! لودویگ فون برتالانفی (۱۹۰۱ تا ۱۹۷۲) از جمله متفکرانی است که کمک شایانی به شناخت و ارایه نظریه سیستمی کرده است. در واقع می توان گفت وی واضح نظریه عمومی سیستم ها به صورت مدون و علمی است؛ برتالانفی در اواخر ۱۹۲۰ نظریه ارگانیسمی را مطرح کرده است.

اگر دقت کافی داشته باشیم، در طول بیست و چهار ساعت یک شبانه روز، واژه «سیستم» را بارها و بارها، از زبان اقدار مختلف مردم می شنویم و خودبه کرات از این لفظ، استفاده می کنیم اما به راستی، «سیستم» چیست؟! اجازه دهید تا با یک پرسش، بحث را آغاز نماییم:

تصور فرمایید برای یک مسافرت تفریحی، پس از یک سال سخت و پرتنش، در قسمت درجه یک ایرباس A۳۸۰ بلیط رزرو نموده و پیش از پرواز، با آرامش بر صندلی خود لمیده، آب میوه طبیعی نوش جان نموده و فیلم مورد علاقه خود را تماشا می کنید؛ ناگهان متوجه مکالمه افراد مجاورتان می شوید که می گویند خلبان این پرواز، یکی از نوابغ جراحی مغز و اعصاب است! نخستین پرسشی که در ذهنتان ایجاد شده و شما را آشفته خاطر می سازد این است که آیا این جراح فوق تخصص که فقط در حوزه مغز و اعصاب نابغه است، خلبانی بلد است؟! از اصطلاحات و مفاهیم پرواز، اطلاع دارد؟! واکنش شما به این مهم چه خواهد بود؟

اگر اعتقاد داریم که خلبانی یک امر تخصصی است که باید صرفاً توسط یک فرد آموزش دیده مورد تأیید صورت پذیرد، اگر یقین داریم که طراحی و محاسبه تأسیسات برق ساختمان در حال احداثمان باید توسط مهندس برق مورد تأیید سازمان نظام مهندسی صورت پذیرد، اگر اتمبیل خود را برای سرویس دوره ای فقط



تفکر سیستمی، دارای مبانی چهارگانه به شرح زیر است:

- ۱- **تصور ارگانیکی:** یعنی تصویری که ارگانیزم را در مرکز طرح ادراک آدمی قرار می‌دهد.
- ۲- **کل‌نگری:** یعنی هر پدیده به منزله موجودی زنده، دارای نظم، دارای روابط باز با محیط، خودتنظیم و هدفمند در نظر گرفته می‌شود و به جای توجه به اجزای پدیده‌ها بر کلیت آن‌ها تأکید دارد و بر آن متمرکز می‌شود.
- ۳- **مدل‌سازی:** یعنی متفکر سیستمی سعی می‌کند که به جای شکستن کل به اجزای قراردادی، ادراک خود از پدیده‌های واقعی را بر پدیده‌های واقعی منطبق کند.
- ۴- **بهبود شناخت:** به طوری که یک متفکر و پژوهشگر نظام‌گرا درک کند که: الف) زندگی در یک سیستم ارگانیکی و در فراگردی پیوسته، استمرار دارد. ب) شناخت آدمی از یک کل، از طریق مشاهده فراگردهایی که درون آن به وقوع می‌پیوندد، به دست می‌آید نه از طریق مشاهده اجزای آن کل. ج) آنچه که فرد مشاهده می‌کند، خود واقعیت نیست، بلکه ادراک وی از واقعیت است. البته تفکر سیستمی در تضاد با تفکر تحلیلی نیست، در واقع این دو روش مکمل یکدیگرند، نه جایگزین هم. با وجود این، همان‌گونه

که متفکران سیستمی دریافته‌اند مطالعه فراگردهای به هم پیوسته اجزای یک سیستم مفیدتر از تحلیل ریز آن‌هاست.

حال که بصورت مقدماتی با مفهوم سیستم آشنا شده ایم، وقت آن است که به دنبال پیاده‌سازی این دیدگاه در سازمان باشیم. توجه کنید!

نگرش سیستمی، یک راه حل نیست که دستورالعمل برای آن تدوین و ابلاغ نموده و منتظر باشیم تا از شنیه، اجرایی شود! ما باور داشته باشیم یا نه، سیستم در جریان است. مهم، لمس و درک آن است، آنهم توسط رأس هرم سازمان. نه تنها این باور و دیدگاه، بلکه تمامی ماهیت‌های مدیریتی، برای جاری شدن، فقط یک راه دارد، باور آن در رأس هرم. آنگاه که پذیرفتیم «سیستم» حکم فرماست، نوبت به آن می‌رسد تا فرایندهای سازمان و مجموعه خود را بصورت سیستمی مورد بازنگری قرار دهیم، نه مجزا و جزیره ای.

برای طراحی یک سیستم کارآ و مؤثر که ما را به بهره‌وری سوق دهد، نیازمند پیش‌نیازهای اساسی مانند تدوین استراتژی هستیم؛ در شماره قبلی، یکی از روش‌های تدوین استراتژی به نام ماتریس سوات، مورد بررسی اجمالی قرار گرفت.

سیستم، مختص سازمان‌های عریض و طویل

با چند هزار پرسنل نیست، یک سوپرمارکت کوچک نیز اگر سیستم منطقی و حساب شده در انجام فرایندهایش نداشته باشد، محکوم به شکست و از دست دادن بازار محلی خود خواهد بود.

در سازمان‌ها، اگر سیستم معیوبی طراحی و به خوبی اجرا شود، هزینه بسیار هنگفتی دربر خواهد داشت چرا که ممکن است برخی پروسه‌های به ظاهر زیبا و منطقی، فایده‌ای جز اتلاف وقت و سرمایه نداشته باشند؛ بسیاری از مدیران تجربی، انعطاف و پویایی سازمان را در فرایندهای موقت و ثبت نشده می‌دانند، برداشتی کاملاً اشتباه از مفهوم «مدیریت اقتضایی»!

اگر قرار به احداث سد شد، دو حالت داریم:

۱. در سالی که کم‌آبی است، ناامیدانه از چوب و سنگ استفاده کنیم تا هزینه کم باشد و صرفاً کارمان انجام شده باشد؛

۲. با پرس و جواز صاحب نظران، شرایط ده ساله منطقه را رصد نموده و بر اساس یک برنامه دقیق، از مصالحی استفاده کنیم که در پایان فصل خشکسالی، با دو باران شدید، سد از هم فرو نپاشد!

مهم این است که بدانیم، این تصمیمات را کارگری که مصالح روی هم می‌گذارد اتخاذ نمی‌کند! ■

(تهیه شده توسط گروه حقوقی متولی انتقال [مفاهیم از اسناد پایه به سند حاضر] در بانک اروپایی بازسازی و توسعه)

ترجمه:

/ دکتر جواد حدّاد /

متخصص ظرفیت سازی / مدیرعامل مؤسسه بین‌المللی سنگ بنای حقوق احداث



/ مهندس حمید حسین زاده /

مشاور حقوقی / نایب رئیس هیأت مدیره مؤسسه بین‌المللی سنگ بنای حقوق احداث



# اصول اساسی بانک اروپایی بازسازی و توسعه

پیرامون گزینش و توجیه مبانی قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی

مقدمه

اصول اساسی بانک اروپایی بازسازی و توسعه، پیرامون قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی (اصول اساسی)، الگوی پروژه‌های تحوّل حقوقی [ناظر به مباحث] امتیاز / مشارکت عمومی خصوصی را بنا نهاده است. هدف از تدوین این اصول، تشخیص و توسعه مبانی دقیق و پیشرفته حقوق مشارکت عمومی خصوصی در کشورهای عضو بانک اروپایی بازسازی و توسعه است. این اصول با ترویج شفافیت، انصاف، پایداری، پیش‌بینی‌پذیری و قابلیت انعطاف در اهداف اصلی خود، سرمایه‌گذاران و بخش دولتی را از رفتار غیرمنصفانه و هرگونه سوء استفاده مصون می‌دارد. این اصول، مبتنی بر بالاترین سطح شفافیت در رویه‌ها، تهیه شده و در پی تأمین منافع مشترک تمام طرف‌های قرارداد است. این سند نخستین بار به منظور اخذ نظرات عمومی و با عنوان «متن اولیه بابت تبادل نظر» در سال ۲۰۰۵ در تارنمای این بانک قرار گرفت و هم‌اکنون در قالب آخرین ویرایش قرار دارد. اطلاعات بیشتر در خصوص این اصول اساسی به همراه نسخه‌هایی به زبان‌های انگلیسی، روسی و فرانسه را می‌توان در تارنمای بانک اروپایی بازسازی و توسعه، دریافت نمود.

می‌توان همراه با / به عنوان متن تکمیلی سند دیگری با عنوان «مشارکت عمومی خصوصی و متن اولیه بابت تبادل نظر» بانک که با نگاه جامعی به اشکال متفاوت مشارکت از دیدگاه بانکداری پرداخته و توسط بخش بانکداری بانک اروپایی بازسازی و توسعه در جولای سال ۲۰۰۶ تهیه و تنظیم شده است، مورد مطالعه قرار داد.

## اصول اساسی

این اصول اساسی، مطابق با استانداردهای کلیدی و پذیرفته‌شده بین‌المللی و بهترین رویه‌ها، توسط پروژه‌های همکاری فنی گروه حقوقی انتقال، شامل مطالعات منطقه‌ای، پایش‌ها و ارزیابی‌های بخشی و همچنین نتایج شرکت این گروه در تهیه اسناد استاندارد بین‌المللی (مانند مفاد الگوی تقنینی آنسیترال برای پروژه‌های زیرساختی تأمین مالی شده توسط بخش خصوصی) تهیه، آزموده و پالوده شده است.

اسناد بین‌المللی زیر در تهیه اصول اساسی مورد استفاده قرار گرفته است:

- راهنمای یونیدو برای توسعه زیرساخت‌ها از طریق پروژه‌های ساخت، بهره‌برداری، انتقال؛ تهیه شده در سال ۱۹۹۶ (راهنمای بی‌اوتی یونیدو)؛
- سند عناصر مبنایی حقوقی اوابی‌سی دی در موافقت‌نامه‌های امتیازی؛ تهیه شده در

- سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰؛
  - راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال برای پروژه‌های زیرساختی؛ تهیه شده در سال ۲۰۰۰ (راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال)؛
  - مفاد الگوی تقنینی آنسیترال برای پروژه‌های زیرساختی تأمین مالی شده توسط بخش خصوصی؛ تهیه شده در سال ۲۰۰۳ (مفاد الگوی تقنینی آنسیترال).
- اسناد منطقه‌ای زیر هم، در تهیه اصول اساسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

- مکاتبات تفسیری کمیسیون اروپایی در خصوص [قراردادهای] امتیازی، تحت قانون شورای اروپایی؛ تهیه شده در سال ۲۰۰۰؛
  - راهنمای کمیسیون اروپایی برای مشارکت عمومی خصوصی؛ تهیه شده در سال ۲۰۰۳؛
  - سند سبز کمیسیون اروپایی در خصوص مشارکت عمومی خصوصی و قانون جامعه اروپایی برای قراردادهای بخش عمومی و امتیازی؛ تهیه شده در سال ۲۰۰۴.
- از آنجا که راهنما و مفاد الگوی تقنینی آنسیترال، اسنادی است که دقیقاً به پروژه‌های از نوع [واگذاری] امتیاز، مرتبط می‌باشد و راهنمایی با چهارچوب حقوقی موثر و با هدف مهیا نمودن شرایط جذاب برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با تأمین مالی بخش خصوصی فراهم می‌نماید، از منابع اولیه برای تهیه اصول اساسی قرار گرفته‌اند. از آنجا که سایر اسناد مرجع نامبرده، اطلاعاتی در خصوص ماهیت، ساختار و

### اصل ۳: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی، باید شفافیت در مقررات را فراهم نماید.

شرح: قانون [واگذاری] امتیاز بایستی صریحاً حوزه کاربری خود را تعریف نماید؛ بدین معنا که ارتباطات حقوقی که چنین قانونی در پی توسعه آن است، بایستی تعیین شود. این وضوح نه تنها برای پیش‌بینی روش [واگذاری] امتیاز حائز اهمیت است، بلکه جهت ثبات و اعتبار موافقت‌نامه واگذاری و همچنین جلوگیری از رفتارهای بی اساس و سلیقه‌ای ارکان دولتی طرف قرارداد نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. با چنین هدفی، قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید تعریف کاملی از قراردادهای [واگذاری] امتیاز، فهرست بخش‌هایی که این نوع از قرارداد در آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارکان دولتی طرف قرارداد و حق امتیاز گیرندگان واجد شرایط را فراهم نماید.

منابع: اصل سوم عمدتاً برگرفته از سند پیشنهاد ۲-۵ راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال است. این پیشنهاد اهمیت مشخص نمودن افراد و پست‌های رسمی در سطوح مختلف دولت که برای ایفای نقش [به عنوان] طرف قرارداد، مجاز هستند و همچنین بخش‌های مختلفی که در پروژه‌های [واگذاری] امتیاز شرکت دارند را استوار می‌نماید. این راهنما قصد دارد به منظور حصول اطمینان از شفافیت در باب مورد واگذاری امتیاز، اهمیت «تفسیر» معنای [واگذاری] امتیاز را در قانون مورد توجه قرار دهد؛ بدین معنا که فرم، نوع و هدف پروژه (انواع مدل‌های مشارکت عمومی خصوصی) و همچنین محدوده انحصار حق امتیاز که به نهاد مورد نظر واگذار می‌شود و حوزه جغرافیایی آن را مشخص نماید. به منظور تعریف [واگذاری] امتیاز، کمیسیون اروپایی تعاریفی از «واگذاری امتیاز کارها» و «واگذاری امتیاز خدمات» و همچنین معنای تعمیم‌یافته «واگذاری امتیاز»، ارائه می‌دهد. همچنین در راهنماهای بی‌اوتی یونیدو، شفافیت و حوزه اختیارات در مدیریت و اجرای پروژه‌های [واگذاری] امتیاز مورد تأکید واقع شده است. (به مواد سه و چهار الگوی تقنینی آنسیترال نگاه کنید)

### اصل ۴: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید چهارچوب حقوقی پایدار و قابل پیش‌بینی برای [واگذاری] امتیاز فراهم نماید.

شرح: به عنوان یک قاعده، پروژه‌هایی با تأمین مالی بخش خصوصی بسیار مانا (با ماندگاری بالا) می‌باشند. با این وجود، عوامل مختلف و فراوان مؤثر بر پروژه، ممکن است در

ویژگی‌های مشارکت عمومی خصوصی (شامل تعریف «امتیاز») و چهارچوب‌هایی تنظیمی و تقنینی برای اجرای اثربخش پروژه به دست می‌دهند، اغلب به عنوان راهنماهای عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### اصل ۱: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی، بایستی مبتنی بر سیاست‌های شفاف برای مشارکت بخش خصوصی باشد.

شرح: راهبرد / سیاست شفاف دولت در خصوص مشارکت بخش خصوصی، درست همانند یک چهارچوب تقنینی دقیق، برای تعیین تعهدات دولت در توسعه شرایط جذاب سرمایه‌گذاری و همچنین انعکاس تلاش‌های وی جهت ارتقاء شرایط حقوقی امر مشارکت عمومی خصوصی، دارای اهمیت وافر است. این راهبرد / سیاست بایستی به صورت عمومی در سطح اسناد مصوب دولتی توسعه یابد.

منابع: راهنمای بی‌اوتی یونیدو به اهمیت راهبردهای شفاف دولت در انتقال مفاهیم تعهدات حاکمیت و توسعه شرایط سیاسی، حقوقی و تقنینی جذاب برای سرمایه‌گذار تأکید نموده است و از این رو، علاقه سرمایه‌گذاران بالقوه را [برای سرمایه‌گذاری] افزایش می‌دهد.

### اصل ۲: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی، باید مبنای تقنینی دقیقی برای [واگذاری] امتیاز ایجاد نماید.

شرح: مشارکت جدی بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌ها و همچنین عملکرد اثربخش نظام امتیازی نیازمند یک چهارچوب حقوقی توانمند است. چنین چهارچوب تقنینی موثری، برای تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌های طرفین قراردادی و همچنین تخمین ریسک کشور، از سوی سرمایه‌گذاران بالقوه حائز اهمیت می‌باشد. چهارچوب‌های حقوقی امتیاز را هم می‌توان با یک قانون خاص واگذاری و هم از طریق مجموعه‌ای از قوانین بخشی و ویژه که محیط حقوقی پایدار، قابل پیش‌بینی، منصفانه و شفاف را برای پروژه‌های امتیازی ایجاد می‌نمایند، تنظیم نمود.

منابع: اهمیت چهارچوب حقوقی موثر برای پروژه‌های واگذاری، در سند پیشنهادی شماره یک راهنمای تقنینی آنسیترال منعکس شده است. این سند پیشنهادی، تأکید ویژه‌ای بر اهمیت قابل اطمینان بودن قوانین [واگذاری] امتیاز، نه تنها از منظر شفافیت و ثبات نرخ سرمایه‌گذاری بلکه از جهت به نمایش درآوردن تعهدات سیاسی کشور (سرمایه پذیر) دارد.

طول مدت اجرا، تغییر کنند که یکی از آنها مسایل تقنینی است. ریسک تغییر در قوانین می‌تواند اعتبار توافقات پروژه را دچار مخاطره و در نتیجه، پایداری قرارداد را تهدید نماید. به منظور حصول اطمینان از پایداری توافقات و [بقاء] اهلیت (ظرفیت) طرفین قرارداد در عمل به حقوق و تکالیف خود، دولت حاکم باید از تغییرات مکرر در مسایل تقنینی [واگذاری] امتیاز، اجتناب کند؛ همچنین باید مفاد الزام‌آوری را در توافق طرفین پیش‌بینی نماید که کاربری ماندگار برای ساز و کار مورد استفاده در هنگام انعقاد قرارداد و نیز به منظور رویارویی با ریسک‌های حقوقی، پیش‌بینی نماید.

منابع: پیشنهاد شماره ۵۸ از راهنمای تقنینی بیان می‌دارد که، قانون مورد نظر باید توافق [واگذاری] امتیاز را در بر گیرد و ریسک‌های حقوقی بالقوه را به نمایش گذارد؛ همچنین



مورد استفاده قرار گرفته است. به طور ویژه، پیشنهادات شماره ۹ و ۱۰ راهنمای بیان می‌دارند که رویه‌ها و قواعد تنظیم‌کننده در خصوص قراردادهای [واگذاری] امتیاز، باید عینی، شفاف و قابل دسترس (برای عموم) باشند. فراتر از این، پیشنهاد شماره ۱۰، بر اهمیت به‌کارگیری رویه‌های بازبینی تصمیمات تنظیم شده توسط یک سازمان مستقل تأکید دارد. همچنین در پیشنهاد شماره ۱۴ راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال، انصاف و شفافیت در رویه‌ها و قواعد [واگذاری] امتیاز، منعکس شده است و اشاره به اهمیت تضمین اجرای رویه‌های رقابت منصفانه برای گزینش سرمایه‌گذار (امتیاز گیرنده) دارد. در پیشنهاد شماره ۳۹، حق بازبینی عملکرد طرف قراردادی دولتی در خلال فرآیند گزینش برای بخش خصوصی شرکت‌کننده در پروژه تضمین می‌شود. همچنین، راهنمای

شرح: این اصل مرتبط با انصاف، شفافیت و قابلیت دسترسی به رویه‌ها و قواعد [واگذاری] امتیاز، جهت گزینش و مدیریت سرمایه‌گذار (امتیاز گیرنده)، همچنین نحوه اجرای آتی قرارداد [واگذاری] امتیاز است. تحت حاکمیت این اصل، قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی (واگذاری] امتیاز) باید پیش‌بینی‌کننده فرآیندی باشد که گزینش رقابتی و شفاف (که شامل استثنائات فرآیند رقابتی باشد)، رفتار مساوی با سرمایه‌گذاران بالقوه، فرصت‌هایی برای مقابله با چالش‌های قواعد و تصمیمات ارکان دولتی طرف قرارداد و همچنین قواعد رقابتی برای پیشنهادات ناخواسته (برنامه‌ریزی نشده از قبل) را تضمین کند. منابع: در تهیه این اصول، تعدادی از پیشنهادات راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال

مفادی ناظر به روش‌های جبران نتایج منفی حاصل از تغییرات در قوانین پیش روی [طرفین عقد]، قرار دهد و ساز و کارهای بازبینی شرایط پس از وقوع چنین تغییراتی را در نظر داشته باشد. همچنین، عناصر اساسی اوایی سی‌دی در خصوص قانون حاکم بر موافقت‌نامه [واگذاری] امتیاز، حاوی شرطی تحت عنوان «بند پایداری» است که به معنای حمایت از سرمایه‌گذار (امتیاز گیرنده) بابت تغییرات محتمل در قوانین می‌باشد. (به مواد ۳۹ و ۴۰ الگوی تقنینی آنسیترال نگاه کنید.)

**اصل ۵: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید انصاف، شفافیت و قابلیت دسترسی به رویه‌ها و قواعد [واگذاری] امتیاز را ترویج نماید.**

الگوی تقنینی آنسیترال، رویه‌هایی برای پیشنهادات غیررقابتی (پیشنهاد شماره ۲۸) و پیشنهادات ناخواسته (پیشنهادات شماره ۳۰ تا ۳۵) ارائه می‌دهد. اصل شماره پنج با مستندات هم‌چون سند تفسیری شورای اروپایی، سند سبز شورای اروپایی در خصوص مشارکت عمومی خصوصی، قانون اتحادیه اروپا در خصوص قراردادها، امتیاز و عناصر اساسی اوای سی دی برای قانون موافقت‌نامه‌های امتیاز پشتیبانی می‌شود. (به مواد شماره ۶، ۱۸ تا ۲۳، و ۲۸ الگوی تقنینی آنسیترال نگاه کنید).

#### اصل ۶: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید با نظام حقوقی و قوانین خاص کشور محل اجرای پروژه مطابقت داشته باشد.

شرح: به منظور اجتناب از مقابله غیر ضروری قوانین و عدم تطابق آنها با کاربری‌های مورد انتظار، قانون پیشرفته [واگذاری] امتیاز، باید با دیگر قوانین کشور محل اجرای پروژه، مطابقت داشته باشد. بایستی قوانین وضع شده [قبلی] را، با اصلاحات مناسب تغییر دهد، تا پیوستگی و انطباق لازم با قوانین پایه را داشته باشد.

منابع: پیشنهاد شماره یک راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال، اهمیت تطبیق قانون [واگذاری] امتیاز با مفاد قانون اساسی کشور مورد نظر، هم از منظر محدودیت‌ها و هم از منظر تضامین را بیان می‌دارد.

#### اصل ۷: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید قابلیت مذاکره موافقت‌نامه‌های [واگذاری] امتیاز را مقرر نماید.

شرح: آزادی عمل برای مذاکره در خصوص انعقاد موافقت‌نامه‌های [واگذاری] امتیاز، از آن جهت اهمیت دارد که مذاکره، امکان به‌کارگیری روش‌های متعدد را برای طرفین فراهم می‌نماید و ریسک‌های مورد نظر را به طرفین موافقت‌نامه، تخصیص داده و رویکرد خلاقانه و اثربخش مالی را از این طریق برای طرفین فراهم می‌کند. همچنین، اجرای موفق این اصول، مستلزم تعریف روشن قانون [پیرامون نحوه] واگذاری امتیاز از طرف مذاکره‌کننده صاحب صلاحیت دولتی، اجرا و نظارت بر عملکرد پروژه تحت موافقت‌نامه و تقسیم روشن اختیارات بین دولت مرکزی و مقامات محلی دولتی می‌باشد.

منابع: مطابق پیشنهاد شماره دو راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال، به منظور حصول اطمینان از مذاکره اثربخش و اجرایی نمودن پروژه [واگذاری] امتیاز، تعیین اشخاص

یا دفاتری که برای ورود به تعهدات مراحل مختلف مذاکرات قراردادی توانمند هستند از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین پیش‌بینی تخصیص مناسب اختیارات در سطوح مختلف دولتی (دولت مرکزی و دولت محلی) در جریان مذاکره و اجرای پروژه در قانون امتیازی حائز اهمیت می‌باشد. برای در نظر گرفتن حوزه وسیعی از عوامل و نیز به منظور تخصیص بهینه ریسک‌های مرتبط، پیشنهاد شماره ۱۲ راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال، مفادی که قابلیت مذاکره برای طرفین را به شکلی غیر الزام‌آور محدود نکند، توصیه می‌کند.

#### اصل ۸: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی بایستی دادگاه / مرجع داور با آراء لازم‌الاجرا [شناسایی و] معتبر بداند.

شرح: بر اساس این اصل، قانون پیشرفته [واگذاری] امتیاز، باید امکان حمایت از حقوق و منافع طرفین قراردادی را تحت یک نظام لازم‌الاجرای حل و فصل اختلاف (شامل رویه‌های داور بین‌المللی و الزام‌آوری آراء داور) فراهم نماید. این اصل به طور خاص برای ایجاد یک محیط جذاب، قابل پیش‌بینی و مطمئن برای سرمایه‌گذاران حائز اهمیت می‌باشد.

منابع: این اصل بر اساس پیشنهاد شماره ۶۹ راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال است که اهمیت لحاظ نمودن مناسب‌ترین رویه‌ها و ساز و کارهای حل و فصل اختلاف پذیرفته شده توسط طرفین که با عنایت به ماهیت پروژه بهترین روش نیز باشد را در قانون پیشرفته مذکور بیان می‌دارد.

#### اصل ۹: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید تعهدات و تضامین دولتی را [شناسایی و] معتبر بداند.

شرح: این اصل به اهمیت مفادی در قانون پیشرفته [واگذاری] امتیاز اشاره دارد که امکان حمایت مالی و یا تضمین دولت را در به انجام رساندن مناسب تعهدات [به عنوان] طرف قرارداد فراهم می‌کند؛ حمایت دولت در اغلب موارد برای ارتقاء سطح سهولت [کار] برای سرمایه‌گذاران بالقوه، رشد جاذبه‌های سرمایه‌گذاری، همچنین حمایت از اجرای پروژه‌ها، ضرورت دارد.

منابع: پیشنهاد شماره ۱۳ راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال بیان می‌دارد که قانون پیشرفته [واگذاری] امتیاز باید حاوی مفادی روشن هم در خصوص نوع بخش دولتی حمایت‌کننده و هم، نوع حمایت اعمال شده باشد.

#### اصل ۱۰: قانون پیشرفته مشارکت عمومی خصوصی باید ملاحظات نسبت به تسهیم وثائق داشته باشد.

شرح: علی‌القاعده، فقط قریب به ۳۰٪ منابع مالی پروژه [واگذاری] امتیاز توسط «شرکت پروژه»، تأمین و حدود ۷۰٪ دیگر، معمولاً از طریق بانک‌ها (وام دهندگان) در قبال اخذ وثیقه و براساس حقوق و تکالیف «شرکت پروژه» (سرمایه‌گذار یا اسپانسر) در قرارداد [واگذاری] امتیاز، تأمین می‌گردد. با این وجود، برای آنکه چنین وثیقه‌ای عملیاتی باشد، دولت باید تضمین کند که در صورت عملیاتی شدن وثیقه، وام‌دهنده (بانک) با رویه‌های مناسب، مجاز باشد تا در جریان اجرای قرارداد مشارکت عمومی خصوصی (قرارداد [واگذاری] امتیاز) وارد شود. بنابراین، این ساز و کار استمرار و پایداری پروژه و اثربخشی سرمایه‌گذاری را تضمین می‌نماید.

منابع: پیشنهاد شماره ۴۹ راهنمای الگوی تقنینی آنسیترال بر اهمیت شمول مفاد قانون پیشرفته [واگذاری] امتیاز بر تضمین حق «شرکت پروژه» در هرگونه تأمین مالی برای پروژه با تسهیم متناسب وثیقه از دارایی‌ها، سهام شرکت پروژه، مقادیر دریافتی و وثائق مناسب دیگر تأکید دارد. همچنین، ماده ۱۶ سند اوای سی دی در خصوص عناصر اصلی قانون موافقت‌نامه‌های [واگذاری] امتیاز این اصل را مورد تأیید قرار داده و اشماع می‌دارد که «شرکت پروژه» می‌تواند وثیقه را تحت موافقت‌نامه [واگذاری] امتیاز با پرداخت‌ها و مقادیر دریافتی ایجاد کند. (به ماده ۳۵ الگوی تقنینی آنسیترال نگاه کنید.) ■

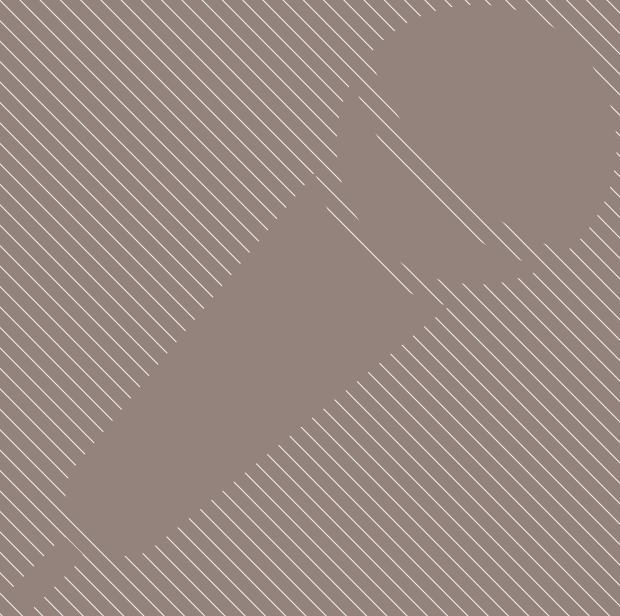
واژگان:

BOO (Build Own Operate)  
BOT (Build Operate Transfer)  
Core Principles (EBRD Core Principles for a Modern Concession Law)  
EBRD (European Bank for Reconstruction and Development)  
LTT (Legal Transition Team)  
MCL (Modern Concession Law)  
OECD (Organization for Economic Development and Cooperation)  
PPP (Public Private Partnership)  
PSP (Private Sector Participation)  
UNCITRAL (United Nations Commission on International Commercial Law)  
UNIDO (United Nations Industrial Development Organization)





# اخبار



## اخبار هیات مدیره سندیکا

با تصمیم هیات مدیره؛  
مهندس سپهر برزی مهر  
دبیر سندیکای صنعت برق ایران شد

بیست و پنجمین جلسه دوره هفتم هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران، بیست و هفتم خرداد سال جاری در محل سندیکا برگزار شد. در ابتدای جلسه ضمن ارائه گزارشی از اهم اقدامات انجام شده طی دو هفته اخیر توسط دبیر سندیکا ارائه شد.

درخواست کمیته‌های تابلوسازان و دکل سازان از هیات مدیره به منظور اعلام موضع در خصوص قراردادهای بررسی و مقرر شد به وزارت نیرو، توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای اعلام شود که شرکت‌های عضو سندیکا در مناقصات فاقد تعدیل (به دلیل عواقب گسترده اقتصادی و زیان‌های غیرقابل جبران) حضور نخواهند یافت. همچنین مقرر شد مشابه اقدامی که در مواجهه با شرکت‌های توزیع انجام شد، در حوزه انتقال هم صورت پذیرد.

در این جلسه مصوب شد که سندیکا با یادآوری تبعات سنگین ناشی از افزایش نرخ ارز در قراردادهای اعضا، از آنها درخواست کند در مناقصات فاقد تعدیل، شرکت نکنند و مسیرا برای پیگیری سندیکا باز بگذارند.

پاسخ استعلام سندیکا از سازمان برنامه در خصوص میزان ارزیابی قراردادهای صنعت برق مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد موضوع به توانیر منعکس و به موازات آن اطلاع‌رسانی‌های لازم برای اعضا انجام شود.

در ادامه گزارشی از معرفی شرکت‌های عضو کمیته انرژی‌های تجدیدپذیر به وزارت

امور خارجه ارائه و با توجه به ملزم شدن شهرداری‌ها به پیاده سازی پروژه‌های تجدیدپذیر، مقرر شد جهت معرفی ظرفیت اعضا در زمینه پروژه‌های تجدیدپذیر، سندیکا با شوراهای شهرهای مختلف نیز وارد مذاکره شود.

در ادامه، دبیر سندیکا گزارشی از ظرفیت‌ها، برنامه‌ها و دستاوردهای این تشکل را به دبیرکل و مدیر امور تشکل‌های اتاق تهران که مهمان هیات مدیره سندیکا در این جلسه بودند، ارائه کرد و مقرر شد مصوبات این جلسه و درخواست‌های سندیکا از اتاق تهران کتبا برای دبیرکل اتاق تهران ارسال شود. همچنین مقرر شد جلسات با دبیرکل و مدیر امور تشکل‌های اتاق تهران به صورت منظم و مستمر ادامه یابد. به دعوت دبیرکل اتاق تهران مقرر شد نمایندگان سندیکا در یکی از نشست‌های هیات رییسه اتاق تهران حضور یافته و درخواست‌های خود را به صورت مستقیم با آنها مطرح کنند.

دبیرکل اتاق تهران ضمن تقدیر از عملکرد موفق سندیکا اعلام آمادگی کرد که این نهاد طبق یک الگوی مشخص به صورت مستمر و برنامه‌ریزی شده، به سندیکا کمک مالی برساند. از این رو مقرر شد مدل مشخصی برای کمک‌های مستمر اتاق تهران به سندیکا تعریف و پیاده سازی شود.

در ادامه مدیر امور تشکل‌های اتاق تهران ضمن ارائه توضیحاتی درباره خدمات اتاق تهران نظیر مشاوره رایگان بیمه و مالیات، بیمارستان بازرگانان، ساختمان تشکل‌ها و ظرفیت‌های شورای گفتگو ارائه کرد.

احقاق حقوق پیمانکاران، پوشش ریسک‌های قراردادی شرکت‌های پیمانکار، پیگیری خسارات دیرکرد فعالان صنعت برق و همچنین دعوت از اعضای سندیکا برای حضور در جلسات هیات‌های خارجی به عنوان انتظارات و خواسته‌های سندیکا به دبیرکل و مدیر امور تشکل‌های اتاق منعکس شد.

پیشنهاد شد به منظور پررنگ شدن صنعت برق در کمیسیون‌های اتاق، نام کمیسیون انرژی به کمیسیون برق و انرژی تغییر پیدا کند تا جایگاه صنعت برق در حوزه انرژی مشخص‌تر شود.

هیات مدیره سندیکا در ادامه جلسه به

ظرفیت‌های قابل توجه صنعت برق برای صادرات خدمات فنی و مهندسی و فضای نامساعد کسب و کار و عقبگرد شرکت‌ها و تشکل‌های اقتصادی در تدوین سیاست‌هایشان اشاره کرده و خواستار پیگیری جدی‌تری اتاق به منظور تسهیل صادرات خدمات فنی و مهندسی به عنوان یکی از پیشران‌های خروج از رکود شد. همچنین بر لزوم تجدیدنظر اتاق در انتخاب نمایندگان خود در نهادها و ارگان‌های تصمیم ساز با اتکا به توان کارشناسی تشکل‌های اقتصادی تاکید شد.

در ادامه جلسه حکم انتصاب مهندس سپهر برزی مهر به عنوان دبیر سندیکا توسط مهندس علی بخشی در حضور اعضای هیات مدیره سندیکا و دبیرکل و مدیر امور تشکل‌های اتاق بازرگانی اعطا شد. وی دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی امیرکبیر است. برزی مهر که از سال ۱۳۸۶ تاکنون مدیر داخلی و معاون اجرایی سندیکا بوده است و سابق ارزنده‌ای در حوزه تشکل‌ها و بخش خصوصی دارد. مدرس دوره‌های آموزشی توانمندسازی تشکل‌های اقتصادی، مشاور اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران در حوزه تشکل‌ها، مسئول پروژه ارزیابی تشکل‌های اتاق ایران، عضو هیات مدیره موسسه پویانگران عرصه سوم، مسئول ارتباطات و برگزاری رویدادها و نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی سندیکا، مدیر اجرایی نشریه ستیران، عضو کمیته ارتباط دانشگاه و صنعت دانشکده برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر، عضو هیات مدیره شرکت کارآفرینان خلاق امیرکبیر و ... از سوابق اجرایی و تألیف کتاب‌های تأمین مالی تشکل‌های کارفرمایی، توسعه عضویت در تشکل‌ها و مطالعات تطبیقی در خصوص نحوه اداره مطلوب تشکل‌های اقتصادی از سوابق پژوهشی سپهر برزی مهر است.

ارائه گزارش جلسه نمایندگان سندیکا با مهندس حائری، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی دستور کار دیگر این جلسه بود که مقرر شد طی نامه‌ای به معاون برق وزیر نیرو مصوبات عملی نشده این جلسه یادآوری شود. در پایان جلسه مقرر شد گزارشی از مشکلات قانون مناقصات و آیین‌نامه معاملات برای سازمان برنامه، مجلس، وزارت نیرو، معاونت وزارت اقتصاد و دارایی و اتاق بازرگانی ارسال شود. همچنین با توجه به فضای نامساعد کسب و کار اعضا مقرر شد تا اطلاع ثانوی و تا زمان حل مشکلات اساسی اعضا، موضوعات قرارداد تیپ و تعدیل، قراردادهای متوقف، مطالبات، تقویت ارتباط با سازمان برنامه و مجلس در اولویت دستور جلسات هیات مدیره سندیکا قرار گیرد.



به منظور جلوگیری از هرگونه اقدام قراردادی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو هم از دیگر مصوبات این جلسه بود.

مطالبات شرکت‌های عضو از وزارت نیرو هم از دیگر مباحث مطروحه در این جلسه بود. در همین راستا قرار بر این گذاشته شد که ضمن استعلام میزان مطالبات شرکت‌های عضو، از شرکت توانیر درخواست شود تا بر اساس فهرست مطالبات اعلام شده از سوی سندیکا تاییدیه‌های لازم از برق‌های منطقه‌ای و شرکت‌های توزیع را استعلام کند تا تخصیص بودجه به شرکت‌های بستانکار با سرعت بیشتری انجام شود.

تهیه فهرست کالاهایی که در اولویت چهار قرار گرفته اند و علیرغم عدم تولید داخلی مشمول ممنوعیت واردات شده اند و تفکیک کد تعرفه‌ای کالاهای مورد نیاز اعضا جهت ارائه به وزارت صمت هم جزو مصوبات بیست و ششمین جلسه هیات مدیره بود.

در پایان این جلسه گزارش عملکرد، صورت‌های مالی سال ۹۶ و بودجه سال ۹۷ سندیکا هم به تصویب اعضای هیات مدیره رسید.

با پیگیری سندیکا و موافقت معاون برق وزیر نیرو برای اعمال تنفس در قراردادهای **از هرگونه اقدام قراردادی در صنعت برق جلوگیری می‌شود**

پروژه‌های صنعت برق ایران به دلیل شرایط حاکم بر اقتصاد کشور به دستور همایون حائری، معاون برق و انرژی وزیر نیرو برای مدت مشخصی در حالت تنفس قرار خواهند گرفت. در جلسه‌ای که شنبه نهم تیرماه، اعضای هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران میهمان معاون وزیر بودند، ضمن اشاره به امکان ایجاد موج جدیدی از قراردادهای متوقف در صنعت برق به دلیل بی‌ثباتی‌های حاکم بر اقتصاد کشور، بر لزوم اصلاح قرارداد تیپ ابلخ شده از سوی شرکت توانیر و همچنین اعمال



سندیکا در مناقصات برق منطقه‌ای تهران یکی دیگر از موضوعات مطروحه در این جلسه بود. در همین راستا مقرر شد سندیکالیست شرکت‌های مورد تایید خود را در اختیار برق تهران بگذارد و طرفین طی نشست‌های چارچوب‌های همکاری‌های فی مابین را تبیین کنند.

در بخش دیگری از این جلسه به تشکیل کمیته‌ای در مجلس شورای اسلامی و وزارت نیرو برای مواجهه با تأثیرات تحریم‌ها اشاره و تأکید شد که با توجه به اعطای کرسی‌های مشخصی در کارگروه‌های مرتبط با این کمیته به سندیکا، نمایندگان منتخب با جدیت و به صورت مستمر و با اتکا به اطلاعات و داده‌های کارشناسی شده در جلسات کارگروه‌های مزبور حضور یابند.

در ادامه این نشست گزارشی از نشست نمایندگان هیات مدیره با معاون برق وزیر نیرو ارائه شد. یکی از مصوبات این جلسه تشکیل کارگروه مشترک وزارت نیرو و سندیکا بوده و قرار است از هر کدام از این دو نهاد یک نماینده در این کارگروه حضور داشته باشند. مهندس سعید مهذب ترابی هم نماینده دائم این کارگروه سه نفره خواهد بود. براساس تصمیم هیات مدیره سندیکا قرار شد که نماینده سندیکا در جلسات کارگروه برحسب موضوع مطروحه انتخاب شود.

ارسال نظرات اصلاحی سندیکا در خصوص قرارداد تیپ به همراه نامه‌ای در خصوص شرایط فوق العاده حاکم بر قراردادهای صنعت برق و

احیای کارگروه‌های مشترک سندیکا با وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه‌اش؛

### سازماندهی ارتباط سندیکا با نهادهای سیاستگذار

بیست و ششمین جلسه هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران دهم تیرماه سال جاری با حضور مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران برگزار شد.

در این نشست که گسترش ارتباطات سازمان یافته با برق منطقه‌ای تهران به منظور راهکارهایی برای عبور از شرایط بحرانی کنونی صنعت، یکی از اهداف آن بود، مقرر شد کارگروه مشترکی بین سندیکا و برق تهران تشکیل شود و مواردی مانند شناسایی راهکارهای اجرایی برای حل مشکلات شرکت‌های سازنده، پیمانکار و تامین کننده و همچنین بررسی چالش‌های موجود در قراردادهای جاری و نحوه مواجهه با آن‌ها از جمله موضوعات پیشنهادی برای این کارگروه بود. به علاوه مقرر شد که فراخور موضوعات مطروحه، از مدیران عامل سایر شرکت‌های برق منطقه‌ای هم برای حضور در این کارگروه دعوت به عمل آید. قرار است اولین جلسه کارگروه مزبور پیش از پایان تیرماه تشکیل شده و چارچوب کلی موضوعاتی که در آن مطرح خواهد شد، استخراج شوند.

در این جلسه همچنین حضار در خصوص موضوع نوسانات قیمت‌ها به ویژه افزایش نرخ ارز به بحث و تبادل نظر پرداختند. با توجه تجربه صنعت برق در خصوص قراردادهای متوقف و الزام شرکت‌های دولتی برای پاسخگویی به نهادهای نظارتی قرار بر این گذاشته شد که سندیکا به نمایندگی از بخش خصوصی صنعت برق با نهادهای نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور وارد مذاکره شده و شرایط کنونی صنعت را برای مسئولین این سازمان‌ها تشریح کند تا زمینه‌های قانونی به منظور حل مساله قراردادهای متوقف فراهم شود.

لحاظ شدن امتیاز برای شرکت‌های عضو



شرایط فوق‌العاده برای قراردادهای جاری صنعت برق تاکید کردند. در همین راستا معاون وزیر نیرو از سندیکا خواست تا اصلاحات پیشنهادی خود در خصوص متن قرارداد تیپ را به صورت مکتوب در اختیار وزارت نیرو بگذارد تا نسبت به اعمال آنها اقدام شود. همایون حائری همچنین با توقف هرگونه اقدام قراردادی از جمله خاتمه یا فسخ قرارداد و نیز ضبط ضمانت‌نامه موافقت کرد.

تشکیل کارگروه مشترک بین نمایندگان وزارت نیرو و سندیکا به منظور بررسی چالش‌های موجود و ارائه پیشنهادات کاربردی یکی از مصوبات این جلسه بود. به علاوه پیگیری موضوعات مشترک دولت و بخش خصوصی صنعت برق توسط سندیکا و از کانال سازمان برنامه و بودجه و سازمان بازرسی کل کشور نیز مورد تاکید و توافق قرار گرفت. در پایان مقرر شد سندیکا گزارش جامعی در خصوص میزان دقیق خودکفایی و ارزیابی این صنعت به وزارت نیرو ارائه دهد.

## پیگیری سندیکا برای ایجاد کارگروه مشترک با وزارت صمت

بیست و چهارمین جلسه دوره هفتم هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران سیزدهم خرداد سال جاری در محل این سندیکا برگزار شد. انتخاب دبیر سندیکای صنعت برق اولین دست‌ورکار جلسه هیات مدیره بود که آقای مهندس سپهر برزی مهر به اتفاق آراء بعنوان دبیر سندیکا انتخاب شد.

در ادامه گزارشی از بررسی‌های اولیه صورت پذیرفته در مورد قرارداد تیپ ارائه و مقرر شد ویرایش جدید تصویب شده توسط اعضای هیات مدیره و کارگروه قرارداد تیپ مورد بررسی قرار گیرد و متعاقباً در این خصوص تصمیم گیری شود.

مقرر شد نامه‌ای توسط کمیته حقوقی و قراردادهای خطاب به وزیر نیرو با موضوع لزوم چاره اندیشی برای جبران خسارات ناشی از نبود تعدیلات نرخ ارز و فلزات تهیه و ارسال شود.

در ادامه، اعضای جلسه نامه برق منطقه‌ای تهران در خصوص اعمال امتیاز فنی برای اعضای سندیکا در مناقصات را بررسی کردند و مقرر شد سندیکا ضمن اعلام موافقت با کلیت موضوع، مراتب به اعضا اطلاع‌رسانی و همچنین پیگیری‌های لازم از طریق کمیته ارزیابی برای اجرایی شدن آن صورت پذیرد. مقرر شد نامه‌ای برای معاونت برق وزیر نیرو با موضوع درخواست حمایت از ساخت داخل و کاهش بار ارزی قراردادهای تهیه و ارسال شود. در ادامه جلسه گزارشی از استعلام انجام شده از شرکت‌های عضو در خصوص ارز مورد نیاز برای پروژه‌ها و محصولات ارائه و مقرر شد نیازهای اعلام شده توسط اعضا برای وزارت صمت ارسال شود. همچنین مقرر شد موضوع درخواست تخصیص ارز دولتی از سوی وزارت صمت به تجهیزات صنعت برق از وزارت نیرو پیگیری شود.

هیات مدیره ضمن استقبال از مشارکت هرچه بیشتر اعضا در تصمیم‌سازی‌های سندیکا بر لزوم طی شدن مسیر رسمی اعلام نظرات سندیکا به سازمان‌ها و نهادهای مرتبط تاکید کردند.

در ادامه گزارشی از جلسه سندیکا با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه و بر لزوم ایجاد یک ارتباط هدفمند با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تاکید و مقرر شد براساس مصوبه هیات مدیره، هر چه سریع‌تر دفتر ارتباط سندیکا با سازمان آغاز به کار کند.

در خصوص تعدیل نرخ ارز بر لزوم رایزنی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت نیرو برای صدور بخشنامه خاص وزارت نیرو از سازمان تاکید و مقرر شد کمیته حقوقی با هماهنگی کمیته مشاوران پیش‌نویس بخشنامه مورد نظر را تهیه و در جلسه بعدی

هیات مدیره ارائه شود.

در ادامه جلسه موضوعات و مطالبات کمیته مهندسی بازرگانی سندیکا با حضور نمایندگانی از این کمیته مورد بررسی قرار گرفت و نقطه نظرات نمایندگان کمیته مهندسی بازرگانی به هیات مدیره سندیکا منعکس شد. براساس مذاکرات فی‌مابین کمیته مهندسی بازرگانی و هیات مدیره در خصوص موارد زیر اتخاذ تصمیم شد:

مقرر شد هماهنگی‌های لازم برای ایجاد کارگروه مشترک بین سندیکا، وزارت صمت و ذینفعان مرتبط با موضوع تعرفه انجام شود. در خصوص تشکیل کمیته بین‌المللی سندیکا مقرر شد کمیته مهندسی بازرگانی پیشنهادات خود را به سندیکا ارائه نماید.

مصاحبه اخیر مدیرعامل شرکت توانیر مبنی بر خودکفایی نود و پنج درصدی صنعت برق مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد کمیته مهندسی بازرگانی با هماهنگی کمیته مشاوران سندیکا نظرات خود را به هیات مدیره ارائه کند. همچنین مقرر شد نامه‌ای با موضوع استعلام چالش‌های گمرکی برای اعضا ارسال و پس از جمع‌بندی برای گمرک ارسال شود.

در پایان گزارشی از جلسه مقامات ارشد صنعت برق و نمایندگان تشکل‌های فنی و مهندسی با وزیر نیرو و موضوعات مطرح شده در راستای منافع اعضا توسط نماینده سندیکا در جلسه ارائه و مقرر شد نقطه نظرات طرح شده بصورت مکتوب نیز برای وزیر و مجلس و مقامات ارشد حاضر در جلسه ارسال شود.

## اخبار کمیته‌های سندیکا

کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات

### تدوین نهایی آیین نامه یکپارچه ساز مسکوت ماند

جلسه هیات رئیسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات بیست و هفتم خرداد سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران تشکیل



شد.

با توجه به وضعیت کنونی شرکت های یکپارچه ساز در خصوص قراردادها و عدم حضور وندورها در کشور و عدم قبول تعهد از سوی ایشان مقرر شد تدوین نهائی آیین نامه تا مشخص شدن وضعیت نهائی مسکوت مانده و مراتب به اطلاع دفتر فنی انتقال توانیر رسانده شود.

در خصوص فعالیت های کمیته در شرایط جدید رکود پروژه ها و هم در شرایط فقدان بودجه در آستانه تحریم و نبود افق روشنی از صنعت امید است بعد از قطعیت پیدا کردن صنایع انرژی کشور به دستاوردهایی نظیر برگزاری سمینار برسیم.

همچنین در این جلسه تشکیل کمیته روابط بین الملل سندیکا به توافق آرا رسید و مقرر شد بحث اسپک همکاری با پژوهشگاه نیرو بصورت فعال پیگیری شود.

#### کمیته انرژی های تجدیدپذیر

### بررسی مشکلات سرمایه گذاری در جلسه عمومی کمیته انرژی های تجدیدپذیر سندیکا

جلسه عمومی کمیته انرژی های تجدیدپذیر سی و یکم اردیبهشت سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد.

در ابتدای جلسه، گزارش عملکرد هیات رئیسه کمیته انرژی های تجدیدپذیر در دوره جدید توسط دبیر این کمیته ارائه شد و هریک از اعضا به بیان دغدغه ها، مشکلات و پیشنهادات خود پرداختند. اعضای کمیته یکی از مهم ترین ابزارهای حمایت از تولید داخل در بخش تجدیدپذیر را امتیاز ۳۰ درصد افزایش قیمت خرید برق تضمینی توسط ساتبا عنوان کردند که این قانون از زمان تصویب و ابلاغ اجرایی نشده است.

در ادامه، محدودیت ایجاد شده توسط ساتبا که به موجب آن شرکت ها تنها مجاز به دریافت دو پروانه ساخت نیروگاه تجدیدپذیر هستند، بررسی و تاکید شد که این موضوع باید هوشمندتر باشد تا اگر شرکت سرمایه گذار از توان و امکانات کافی برخوردار بود، بتواند پروانه های بیشتری بگیرد.

اعضا اعلام کردند وندور لیست هایی که بدون هیچ منطق و پشتوانه مشخصی در استان های مختلف بصورت جداگانه بوجود آمده باعث محروم شدن بسیاری از شرکت های توانمند از پروژه های استانی شده است. همچنین تشتت قوانین بین شرکت های توزیع منجر به سردرگمی سرمایه گذاران شده است. بی نظمی ها و عدم هماهنگی های ساتبا با شرکت های توزیع موجب بروز مشکلات مختلفی در اتصال به شبکه و... شده است.

در ادامه جلسه بر این محور تاکید شد که قوانین معافیت های گمرکی برای کالاهایی که در داخل تولید نمی شود بایستی مشخص باشد تا همه شرکت ها از فرصت برابر در واردات تجهیزات مرتبط با انرژی های تجدیدپذیر بهره مند شوند. تاکید اعضا بر این بود که سندیکا باید نسبت به شناسایی پروژه هایی که با مشکل سرمایه گذار روبرو هستند، اهتمام ویژه ای داشته باشد و با توجه به ارتباطات خود، نسبت به معرفی این پروژه ها به سرمایه گذاران اقدام کند.

بحث و تبادل نظر درباره مواد اولیه تولید برخی از تجهیزات مرتبط با نیروگاه های تجدیدپذیر محور دیگر این جلسه بود که اعلام شد این مواد اولیه دارای تعرفه های گمرکی بالا هستند در حالی که همان تجهیزات به صورت ساخته شده، تعرفه پایینی دارند.

در ادامه جلسه مقرر شد مستندات مربوط به نکات فوق الذکر توسط شرکت های پیشنهاد دهنده به سندیکا ارسال شود تا کمیته

انرژی های تجدیدپذیر جهت حل مشکلات برنامه ریزی کند.

در بخش بعدی جلسه، رئیس کمیته انرژی های تجدیدپذیر با اشاره به بیانیه بروکسل و توافقات انجام شده بین کشورهای اروپایی و ایران، بر ادامه سرمایه گذاری ها در حوزه تجدیدپذیر تاکید کرد و خواستار همصدایی و حمایت تمامی اعضا برای پیشبرد اهداف صنفی در بخش تجدیدپذیر شد.

در پایان جلسه گزارشی از چالش های پیش رو در توسعه انرژی های تجدیدپذیر ارائه شد. تبدیل قرارداد خرید تضمینی فعلی به یک قرارداد بانک پذیر، اصلاح فرمول ضریب تعدیل به منظور جلوگیری از اثر تغییرات نرخ ارز بر تعرفه خرید تضمینی، صدور ضمانتنامه تعهد پرداخت به عنوان مهمترین عوامل داخلی در کاهش ریسک سرمایه گذاری مطرح شدند.

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه ای از دکتر ظریف خواستار شد

### ثبت تجدیدپذیرهای سندیکا در بانک های اطلاعاتی سفارتخانه های ایران

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه ای به دکتر ظریف خواستار ثبت فهرست شرکت های عضو کمیته انرژی های تجدیدپذیر این سندیکا در وندورها و بانک های اطلاعاتی (Yellow Pages) مرتبط به سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف شد.

در ابتدای این نامه ضمن اشاره به روند روبه رشد تقاضا در حوزه انرژی در جهان و سوق یافتن کشورها به سمت انرژی های تجدیدپذیر برای حل چالش های موجود در بحث آلاینده های زیست محیطی در کنار محدودیت های موجود در استفاده از سوخت های فسیلی، عنوان شده است: « کشور ما به واسطه موقعیت ویژه جغرافیایی و ژئوپولیتیک از یک طرف و رشد روزافزون مصرف برق از طرف دیگر بستر مناسبی را برای بهره برداری از این نوع انرژی در شکل های مختلف خود فراهم آورده است. وجود دانش فنی مناسب و متخصصان و کارشناسان مجرب در حوزه های فتوولتاییک، باد، زمین گرمایی و زیست توده در کنار یارانه هایی که دولت برای این دسته از نیروگاه ها پیشنهاد کرده است، شرایطی را بوجود آورده که جمهوری اسلامی ایران را به طور بالقوه به کشوری ایده آل برای سرمایه گذاری خارجی در این صنعت تبدیل کرده است.»

سندیکا در ادامه نامه تاکید کرده است: «متأسفانه علیرغم اینکه سرمایه گذاران انرژی



در رویدادهای مرتبط داخلی و بین‌المللی مشتاقانه خواستار مشارکت با شرکت‌های ایرانی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر هستند. مجموع پروژه‌های اجرا شده این حوزه در کشورمان بسیار کمتر از ظرفیت‌ها و انتظارات است و در واقع بخش انرژی و به دنبال آن صنعت کشور از میلیاردها دلار پروژه بالقوه محروم مانده است.»

در بخش دیگری از نامه ضمن اشاره کوتاهی به پتانسیل‌های سندیکا به عنوان نهاد صنفی ذیل اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران و متشکل از ۵۰۰ شرکت معتبر فعال در صنعت برق کشور آورده شده است: «این سندیکا با درک اهمیت موضوع، کمیته تخصصی انرژی‌های تجدیدپذیر (متشکل از ۶۰ شرکت سازنده، پیمانکار، تأمین‌کننده و مشاور در این حوزه) را ایجاد و ضمن تلاش برای رفع موانع و مشکلات داخلی و کمک به بهبود کسب و کار فعالان بخش خصوصی، تقویت ارتباطات بین‌المللی و معرفی توانمندی‌های کشور عزیزمان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر جهت افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی و فراهم آوردن زمینه ورود و نفوذ شرکت‌های ایرانی به بازارهای بین‌المللی را در دستور کار خود دارد.»

در پایان این نامه که به امضای رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران رسیده است، از وزیر امور خارجه کشور درخواست شده است که هماهنگی‌های لازم را به منظور معرفی اعضای این کمیته از طریق سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران را صورت دهد.

#### کمیته تخصصی سازندگان دکل‌های انتقال نیرو

### تشریح و بررسی مشکلات سازندگان دکل‌های انتقال نیرو

جلسه هیات رئیسه کمیته تخصصی سازندگان دکل‌های انتقال نیرو بیست و یکم خرداد سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران تشکیل شد.

در ابتدای جلسه، رئیس کمیته توضیحات

مبسوطی درباره وضعیت نامطلوب دکل سازان ارائه کرده و هریک از اعضا به تشریح مشکلات موجود در امور جاری سازندگان دکل‌های انتقال نیرو پرداختند.

تبادل نظر درباره فرمول قابل تبدیل تعدیل نرخ ارز از سال ۱۳۹۱ برای قراردادهای جاری، جبران واقعی قیمت فلزات، خاتمه قراردادهای راکد یا متوقف، پرداخت مطالبات و جبرأت خسارت دیرکرد پرداخت‌ها و استفاده از قرارداد تیپ از دیگر محورهای این جلسه بود که بنا شد با تهیه نامه‌ای هماهنگی‌های لازم با هیات مدیره سندیکا جهت اقدام در موارد فوق الذکر انجام شود.

در پایان جلسه درباره امکان خرید و توزیع نبشی‌های مورد نیاز بخصوص نبشی‌های وارداتی، ارزیابی و تشخیص صلاحیت سازندگان دکل‌های انتقال نیرو و قیمت پایه برای دکل‌های انتقال نیرو در سال جاری بررسی و تبادل نظر شد.

#### در نامه کمیته تولیدکنندگان دکل‌های انتقال نیرو به مهندس حائری مطرح شد؛ در صورت عدم همکاری وزارتخانه، تعطیلی واحدهای تولیدی قریب الوقوع است

کمیته تولیدکنندگان دکل‌های انتقال نیرو طی نامه‌ای به مهندس حائری ضمن طرح مسائل و مشکلات مشهود بازار کسب و کار اعلام کرد در صورت عدم همکاری وزارت خانه، تعطیلی واحدهای تولیدی قریب الوقوع است.

در این نامه به مشکلات موجود این گونه مطرح شده است: که تغییرات فاحش قیمت‌ها، تحولات ارزی، شرایط و امکانات تأمین مواد اولیه و خصوصاً گردش نقدینگی در شرکت‌های تولیدی به گونه‌ای مختل گردیده است که هریک خود به تنهایی برای توقف روند تولید کفایت می‌نمایند. همه اینها در کنار مطالبات معوق از کارفرمایان تابعه وزارت نیرو و هزینه‌های ناشی از اخذ وام‌های بانکی (که برای امکان اجرای تعهدات کاری شرکت‌ها در هنگام تأخیر پرداخت کارفرمایان یاد شده

تحت عنوان تسهیلات بانکی دریافت گردیده اند) توان شرکت‌های سازنده را کاملاً تحلیل برده است. در این شرایط فرمول‌های تعدیل که در قراردادهای منظور گردیده نیز به هیچ وجه تکافوی جبران هزینه‌های تحمیل شده را ننموده و اصولاً اجرای تعهدات را از حیثه انتفاع خارج و در حوزه زیان برده است.

در ادامه این نامه آمده است؛ با عنایت به شرایط فوق الذکر، شرکت‌های سازنده دکل‌های انتقال نیرو که تأمین‌کننده صددرصدی وزارت نیرو و عضو کمیته مربوطه در سندیکای صنعت برق می‌باشند صمیمانه و همچون همیشه با حسن نیت تمام اعلان می‌دارند که با ادامه روند فعلی، ناگزیر و خارج از اراده و کنترل و مدیریت خود امکان ادامه کار را نداشته، تعطیلی واحدهای تولیدی کاملاً فوری و قریب الوقوع خواهد بود.

در نهایت کمیته تولیدکنندگان دکل‌های انتقال نیرو درخواست اعضای کمیته را در این نامه این گونه منعکس نموده است:

جهت جلوگیری از سرانجام محتوم گفته شده که مطمئناً به زیان شرکت‌های تولیدی، وزارت نیرو بعنوان کارفرما/ خریدار و در نتیجه در سال حمایت از تولید و کالاهای داخلی به زیان کشور خواهد بود پیشنهادات صریح ذیل تقدیم می‌گردد:

۱. پرداخت فوری مطالبات معوق و تسریع جدی و فوری در کلیه روندهای منجر به پرداخت صورت حساب‌ها و فاکتورهای تقدیمی به کارفرمایان شرکت‌های برق منطقه‌ای

۲. اصلاح بخشنامه‌های تعدیل فولاد و افزودن فلز شمش روی (ماده اولیه در گالوانیزه گرم قطعات برج) که ظرف مدت ۹ ماهه گذشته با افزایش قیمت دو برابری روبرو گردیده و عدم درج آن در بخشنامه مابه‌التفاوت عملاً امکان تأمین این مواد برای کلیه قراردادهای ابتدای سال ۱۳۹۵ را با مشکل جدی مواجه می‌کند. (در این خصوص مکاتبات متعددی سندیکای صنعت برق با شرکت توانیر بعمل آورد که بدون نتیجه باقی مانده است.)

۳. ضمن تسریع در جهت جاری شدن دو بند فوق الذکر، اقدام عاجل جهت پرداخت صورت حساب‌های مربوط به مابه‌التفاوت‌های یاد شده هم‌زمان با تحویل هر قیمت از آهن‌آلات پروژه‌ها



## تبیین برنامه کاری کمیته سازندگان تابلوهای برق جهت تحقق اولویت‌های اعضای این کمیته در سال ۹۷

جلسه کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا سوم تیر سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد. در ابتدای این نشست با توجه به ابلاغ قرارداد تیپ از سوی شرکت توانیر، موضوع مورد بررسی و در دستور کار قرار گرفت. گفتنی است، در



متن قرارداد جدید هیچ یک از اشکالات موجود قراردادها رفع نشده و در شرایط فعلی و با وجود انواع ریسک این تیپ قرارداد قابلیت اجرا ندارد و باعث بروز مشکلات متعدد برای فعالان صنعت برق و اعضا این سندیکا می شود.

براین اساس مقرر شد اصلاحات و پیشنهادات لازم برای درج در قرارداد تیپ در کوتاه‌ترین زمان ممکن به معاون وزیر نیرو منعکس شود و در نهایت قید این موضوع که در صورت عدم درج اصلاحات مورد نظر موجب نمودن شرکت‌های عضو برای مشارکت در مناقصاتی که از این متن غیرعادلانه استفاده می نمایند مقدور نخواهد بود، انجام خواهد شد.

همچنین مقرر شد در خصوص موضوع اصلاح قرارداد تیپ، طی درخواستی این موضوع در هیات مدیره مطرح تا پس از بررسی‌های لازم، اطلاع‌رسانی به اعضا انجام شود که با در نظر گرفتن به یک طرفه بودن قراردادهای، نسبت به حضور در این مناقصات اقدامات و هوشیاری لازم را داشته باشند.

در ارتباط با موضوع ارز و اقدامات صورت گرفته توسط کمیته حقوقی و قراردادهای و شورای هماهنگی گزارشی از سوی ریاست کمیته ارائه شد. با توجه به اینکه مسیر اقدامات شورای هماهنگی در خصوص مسئله ارز و بخشنامه آن جدای از سندیکا می باشد مقرر شد این

جلسه کمیته سازندگان تابلوهای برق سی ام اردیبهشت سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد.

در ابتدای جلسه، رئیس کمیته ضمن ارائه گزارشی از حضور خود در جلسه هیات مدیره سندیکا اعلام کرد که موضوع اصلاح و بازنگری اساسنامه سندیکا و تجمیع نظرات کمیته‌ها از سوی هیات مدیره مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است.

در ادامه اولویت‌های تعیین شده جهت برنامه کاری کمیته در سال ۹۷ بررسی و مقرر شد قانون رفع موانع کسب و کار بر حسب قانون مصوب تهیه و در نامه‌ای مکتوب بر ضرورت حمایت هیات مدیره از اعضای کمیته سازندگان تابلوهای برق تاکید شود.

در پایان جلسه، رئیس کمیته سازندگان تابلوهای برق که به نمایندگی از این کمیته جهت حضور در جلسات سازمان برنامه و بودجه معرفی شده است، گزارشی از اولین جلسه نمایندگان کمیته‌ها با سازمان مذکور مبنی بر پیگیری مشکلات اعضا از جمله تعدیل نرخ ارز، مطالبات اعضا، اصلاح قوانین قبلی و جاری بیمه، مالیات بر ارزش افزوده و گمرک ارائه کرد.

### کمیته حقوقی و قراردادهای

در کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکای برق مطرح شد؛

**تیپ قراردادهای ابلاغی قابلیت اجرا ندارد و اصلاحات لازم باید در این قرارداد درج شود**

موضوع مستقلاً توسط سندیکا مورد پیگیری قرار گیرد. در ادامه گزارشی از روند قراردادهای متوقف و اقدامات صورت گرفته در خصوص حل و فصل این موضوع ارائه شد. پس از آن مقرر شد در کنار مسیرهای اصلی برای حل موضوع مزبور طی مکاتبه با معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر و برگزاری نشست مشترک با ایشان خواستار تسریع در رسیدگی و حل این مشکل شوند.

در انتها با توجه به اینکه یک موسسه حقوقی بر روی یکی از صورتجلسات کارگروه قراردادهای متوقف اقدام قضایی انجام داده است مقرر شد پس از اقدامات کارشناسی این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و در صورت حصول نتیجه از ظرفیت‌های داخلی دبیرخانه سندیکا برای پیگیری این موضوع استفاده شود.

### اظهار نظر سازمان برنامه و بودجه با روش شرکت توانیر مغایرت دارد

کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکای صنعت برق طی نامه‌ای به مدیرعامل شرکت توانیر؛ مهندس کردی، در خصوص تعیین میزان ارزیابی در قراردادهای خرید (P) اعلام کرد؛ مفاد اظهار نظر سازمان برنامه و بودجه بشرح نامه با روش اعلام نظر شده در شرکتهای تابعه شرکت توانیر، بخصوص درصد ارزیابی ضریب (K) مغایرت دارد.

سندیکا، در پاسخ استعلام سازمان برنامه و بودجه از شرکت توانیر طی متن نامه این گونه خواسته است؛ خواهشمند است دستور فرمائید پاسخ استعلام سازمان برنامه و بودجه موضوع نامه شماره ۱۳۲۳۰۲ مورخ ۹۷/۳/۲۲ که پس از درخواست کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا طی نامه شماره ۲۰۳-۹۷ مورخ ۹۷/۳/۲ صادر شد جهت اجرا به شرکتهای تابعه ابلاغ گردد. همچنین در این نامه تعیین میزان ارزیابی در قراردادهای خرید (P) در شرکت توانیر به این شرح آورده شده است؛ شرکتهای تابعه شرکت توانیر در خصوص تعیین میزان درصد ارزیابی



در قراردادهای خرید (P) به شرح ذیل اعلام نظر شده که شرکتهای مذکور خود را ملزم به رعایت آن میدانند.

در خصوص حداکثر درصد ارزبری (K) در پروژههای EPC و PC و اینکه دستورالعملهای مربوط به مابه التفاوت نرخ ارز و فلزات به پروژههای خرید (P) نیز تسری دارد، خاطر نشان می‌سازد، مابه التفاوت بهای ارز و فلزات اختصاص به بخش (P) از قراردادهای EPC داشته که به تبع آن در پروژههای خرید اقلام پروژه ای (P) نیز قابل استفاده خواهد بود. ضمناً میزان درصد ارزبری (ضریب K) کمتر از ۵۰ درصد بوده و حداکثر میزان آن بایستی از طریق مشاور پروژه و یا در صورت عدم استفاده از مشاور توسط آن شرکت و مستند به بررسیهای کارشناسی بعمل آمده تعیین و در اسناد مناقصه مربوط به خریدهای پروژههای درج گردد. ضمناً در پروژههایی که تمام و یا بخشی از اعتبار آن از محل درآمد عمومی (اعتبارات عمرانی) تأمین شده باشد تنها مابه التفاوت قابل اعمال در مناقصات مربوط به مابه التفاوت نرخ فلزات براساس دستورالعمل صادره از سوی سازمان برنامه و بودجه می‌باشد و پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز در این گونه قراردادهای مجاز نبوده و منتفی است.

درخواست عاجل کمیته حقوقی و قراردادهای سنديکای برق از شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی  
**مشکلات قراردادی صنعت برق سریعتر حل و فصل شود**

سنديکای برق طی نامه‌ای از قائم مقام دبیر شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی؛ مهندس سلاح ورزی، به منظور تسریع در رفع مشکلات قراردادی اعضا این سنديکا خواست تا مساعدت لازم جهت طرح این موضوع در شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت و چاره اندیشی برای برون رفت از وضعیت فعلی قراردادهای صنعت را با سنديکای برق داشته باشد.

در همین راستا سنديکای برق آمادگی خود را جهت حضور در جلسات کارشناسی برای کمک به تبیین و چاره‌جویی مشکلات ایجاد شده اعلام کرد.

سنديکا به این مشکل در نامه اشاره کرده است که در خصوص درخواست طرح الزام تعدیل نرخ ارز در قراردادهای جاری فی مابین بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی در شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، به استحضار می‌رساند تعداد کثیری از قراردادهای

منعقده بین شرکت‌های تابعه وزارت نیرو و شرکت‌های بخش خصوصی صنعت برق بدلیل متعددی از جمله تحریم‌های سنگین اتحادیه اروپا، آمریکا و سایر کشورها، تحریم‌های شدید بانکی و عدم امکان گشایش LC و انتقال ارز از طریق سیستم بانکی، افزایش غیرمتعارف نرخ ارز، کمبود ارز جهت تخصیص برای تجهیزات وارداتی، تغییر قوانین و ... که همگی خارج از اختیارات پیمانکار می‌باشند، دچار توقف شده و شرایط فوق عملاً باعث برهم خوردن شرایط اولیه زمان برگزاری مناقصات شده است.

این در حالیست که طی سنوات اخیر انطباق مالی و تعهد لازم در تادیه پرداخت‌ها نیز از سوی کارفرمایان دولتی به بخش خصوصی وجود ندارد. مضافاً بخشنامه‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی همچنین ضوابط و دستورالعمل‌های شورای عالی فنی و سایر بخشنامه‌ها مجموعاً تکافوی جبران حتی نیمی از هزینه‌های تحمیلی به این قبیل قراردادها را نمی‌دهد و بخشنامه تعدیل نرخ ارز در پیمان‌های فاقد تعدیل نیز تاکنون ابلاغ نشده است.

در نهایت سنديکای صنعت برق عدم رفع این مشکل را در نامه این گونه مطرح کرده است؛ با عنایت به اینکه چنانچه در کوتاه‌ترین زمان

صنعت برق مورد بحث و گفت و گو قرار گرفت سپس قرار بر آن شد که میزان واردات مواد اولیه و میزان وابستگی نرخ آن به نوسانات ارز در تجهیزاتی چون: ترانسفورماتور، تابلوهای برق، کابل‌ها و کلیدها برای جلسه بعد تهیه شود.

همچنین رئیس کمیته توضیحات مبسوطی در خصوص جلسه ارزیابی و تشخیص صلاحیت سنديکا در مورد ارزیابی کابل، یراق آلات توزیع و انتقال، مقرر و ترانس ارائه کرد.

در ادامه نیز مسئله موضوع تشکیل کمیته روابط بین‌الملل مطرح و مقرر شد کمیته مهندسی بازرگانی سنديکا ساختار و پیش‌نویس این کمیته را تهیه و به دبیرخانه سنديکا ارائه دهد. در خصوص تغییر اساسنامه سنديکا مقرر شد اعضای هیئت رئیسه این کمیته پس از بررسی و مطالعه اساسنامه، نقطه نظرات خود را در جلسه بعدی اعلام کنند.

#### کمیته سازندگان یراق آلات توزیع

در جلسه کمیته سازندگان یراق آلات توزیع مطرح شد؛

### حضور در جلسات ارزیابی و تشخیص صلاحیت کمیته سازندگان یراق آلات توزیع و انتقال



در ابتدای این جلسه گزارش مبسوطی از حضور در جلسات ارزیابی و تشخیص صلاحیت کمیته سازندگان یراق آلات توزیع و انتقال ارائه شد سپس تشریح مراحل ارزیابی در ۲ مرحله خود اظهاری و ارزیابی فنی بازرگانی کمیته‌های تخصصی در قالب مشاور نیز مورد بحث قرار گرفت.

در مورد عملیاتی کردن مجدد بحث تهارها و دفاع از وضعیت شرکت‌های عضو کمیته با توجه به فعالیت‌های سنديکا در این خصوص مقرر شد کمیته نیز نظرات کارشناسی خود را ارائه دهد.

با توجه به برگزاری اولین جلسه اصلاح و بازنگری اساسنامه سنديکا مقرر شد صورتجلسه مذکور به اطلاع اعضای کمیته رسانده شود و در نهایت مقرر گردید بمنظور پربارتر شدن نتایج جلسات کمیته، طی نامه‌ای به اعضای

برای مشکلات قراردادی فعالان صنعت برق چاره‌ای اندیشیده نشود این صنعت در آینده بسیار نزدیک با مشکلاتی روبرو می‌شود که مرتفع کردن آن بسیار دشوارتر از شرایط کنونی خواهد بود.

#### کمیته مهندسی بازرگانی

### بررسی میزان خودکفایی صنعت برق در کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی

جلسه کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی بیست و نهم خرداد سال جاری در محل سنديکای صنعت برق ایران تشکیل شد. در این جلسه موضوع خودکفایی ۹۵ درصدی



محترم، حضور قطعی و مستمر در جلسات تعیین تکلیف شود.

## تصمیم کمیته تخصصی سازندگان بیراق آلات انتقال برای برگزاری جلسه مشترک ارزیابی با توانیر

جلسه کمیته تخصصی سازندگان بیراق آلات انتقال نیرو، هفتم خرداد سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد. در این جلسه سرفصل‌ها و اولویت‌های توانیر درباره ارزیابی سیم و کابل، بیراق آلات توزیع و انتقال، مقره و ترانس بررسی شد. با توجه به اینکه معیارهای ارزیابی طی چند سال گذشته از طریق کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت به صورت کامل کارشناسی شده بود، مقرر شد ارزیابی اعضای کمیته سازندگان بیراق آلات نیز با نظارت خود کمیته اقدام و به توانیر اعلام شود.

در پایان جلسه با اشاره به اهمیت بحث ارزیابی و تشخیص صلاحیت تاکید شد که رویه ارزیابی سندیکا جامع‌تر و کامل‌تر باشد و مقرر شد به منظور هماهنگی‌های بیشتر با کارشناسان توانیر، برنامه‌ریزی‌های لازم جهت برگزاری جلسه‌ای مشترک صورت بگیرد.

## تشکیل کارگروه ویژه کمیته سازندگان بیراق آلات توزیع برای تعیین فهرست بها

جلسه کمیته سازندگان بیراق آلات توزیع، هشتم خرداد سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد.

در ابتدای جلسه با اشاره به تصویب نسخه جدید قرارداد تیپ در توانیر مقرر شد این نسخه در اختیار اعضای کمیته سازندگان بیراق آلات توزیع قرار بگیرد. همچنین تاکید شد که دبیرخانه سندیکا باید نسخه جدید قرارداد تیپ را به شرکت‌های توزیع و برق‌های منطقه‌ای سراسر کشور ابلاغ کند.

بررسی فهرست بهای محصولات مبتنی بر جداول فنی استخراج شده محور دیگر این جلسه بود که مقرر شد کارگروه ویژه‌ای از سوی کمیته تشکیل شده و اعلام قیمت کند.

در پایان جلسه مقرر شد پیشنهاد انتخابات زودتر از هنگام هیات مدیره سندیکا از سوی کمیته سازندگان بیراق آلات توزیع به دبیرخانه سندیکا ارائه شود. همچنین پیشنهاد شد که وزن اعضای هیات مدیره متناسب با زمینه فعالیت اعضای آن باشد.

## اخبار شعب

### امضای تفاهم‌نامه بین سندیکای صنعت برق خراسان و دانشگاه صنعتی سجاد

تفاهم‌نامه‌ای فی‌مابین سندیکای صنعت برق شعبه خراسان و دانشگاه صنعتی سجاد به منظور برقراری ارتباط منظم و سازمان‌یافته و بهره‌گیری از توانمندی‌های علمی، تحقیقاتی، پژوهشی، مشاوره‌ای و فناوری دانشگاه به امضا رسید.

ارتباط نزدیک و موثرتر صنعت و دانشگاه در جهت انتقال تجربیات و توانمندی‌های علمی و عملی یکی از برنامه‌های هدف‌گذاری شده سندیکای شعبه خراسان در سند چشم‌انداز است. به همین منظور بیست و دوم خرداد سال جاری جلسه مشترکی بین هیات مدیره شعبه خراسان به ریاست مهندس شادمان و دکتر رضایی نیک ریاست دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه صنعتی سجاد برگزار شد.

طرفین در این جلسه ضمن تاکید بر ضرورت برنیاز بیش از پیش به تعامل دو سویه صنعت و دانشگاه، به بررسی راهکارهای ایجاد این تعامل پرداخته و در نهایت تفاهم‌نامه‌ای فی‌مابین سندیکای صنعت برق شعبه خراسان و دانشگاه صنعتی سجاد به امضا رساندند. در این تفاهم‌نامه که به امضای ریاست دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه صنعتی سجاد و رئیس هیات مدیره شعبه خراسان رسیده است بر محورهایی از قبیل آشنایی هر چه بیشتر، تبادل دانش و تجربیات طرفین، بهره‌مند شدن طرفین از امکانات یکدیگر از قبیل توان فکری، تجربی، پژوهشی، آزمایشگاهی، کارگاهی، کتابخانه‌ای، ارتباطات بین‌المللی، و داده‌های قابل استفاده در پژوهش و تحقیق، بومی‌سازی و یا انتقال تکنولوژی‌های مرتبط با نیازهای طرفین، حمایت از ایده‌های نو و تاسیس شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه‌های مرتبط تاکید شده است.

بکارگیری توان مجموعه‌های فناور مرکز رشد و یا معرفی شدگان جهت رفع نیازهای طرفین، حمایت از طرح‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌های دانشجویی، همکاری در برگزاری مشترک همایش‌ها و کارگاه‌ها، اجرای پروژه‌های تحقیقاتی - کاربردی مورد نیاز تا مرحله تبیین دانش فنی، ارائه سمینارها، دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی کوتاه مدت، فراهم کردن بازدیدهای متقابل علمی، معرفی دانشجویان جهت گذراندن دوره‌های کارآموزی مرتبط به حوزه صنعت برق از دیگر موضوعات مطرح این تفاهم‌نامه است.

شایات ذکر است؛ پس از همکاری سندیکای شعبه خراسان با دانشگاه فردوسی مشهد که در قالب تفاهم‌نامه‌ای به امضا رسید، این دومین همکاری با یک دانشگاه موفق در سطح استان خراسان رضوی است که در زمینه رشته‌های تحصیلی برق فعالیت دارد.

## اخبار کارگروه‌ها

### توسط سندیکای برق انجام خواهد شد؛ انتقال نقطه نظرات کارگروه تخصصی مخابرات و ICT به شرکت توانیر

دهمین جلسه کارگروه تخصصی مخابرات و ICT بیست و نهم خرداد سال جاری در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد. در این جلسه مقرر گردید نقطه نظرات کارگروه در مورد پروژه مدیریت شبکه از سوی سندیکا به شرکت توانیر اعلام شود. همچنین مقرر شد در مورد مشخصات فنی و نحوه انعقاد قراردادها و نحوه همکاری این کمیته با کمیته مهندسی مشاور سندیکا از رئیس کمیته مهندسی مشاور به منظور استفاده از نقطه نظرات ایشان، دعوت بعمل آید.

همچنین مقرر شد در مورد نامه فدراسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران مبنی بر مصاحبه ویدیویی از ۵ شرکت شاخص در صنعت اتوماسیون و مخابرات، در جلسه آتی کارگروه نیز این نامه مورد بررسی قرار گیرد.

## اولین جلسه کارگروه بررسی ضرورت بازنگری و اصلاح اساسنامه سندیکا برگزار شد

اولین جلسه کارگروه بررسی ضرورت بازنگری و اصلاح اساسنامه سندیکا سیزدهم خرداد سال جاری با حضور رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره و نمایندگان تعیین شده توسط هیأت مدیره به عنوان اعضای کارگروه برگزار شد. همچنین نمایندگان کمیته‌ها و شرکت‌هایی که نظرات خود در خصوص اساسنامه را کتبا به دبیرخانه سندیکا اعلام کرده بودند نیز میهمان جلسه بودند.

جلسه با مقدمه‌ای از سوی رئیس هیأت مدیره سندیکا آغاز و سپس حاضرین در جلسه نقطه نظرات خود در خصوص ضرورت یا عدم ضرورت بازنگری و اصلاح اساسنامه سندیکا ابراز کردند.

در این جلسه آخرین ویرایش اساسنامه تیپ تشکل‌های کسب و کار وابسته به اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران بطور کلی مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد نسخه الکترونیک آن جهت بررسی دقیق‌تر و شناسایی مفاد و نکات مشترک و متمایز آن با اساسنامه فعلی سندیکا، در اختیار اعضای کارگروه قرار گیرد. مقرر شد هر یک از کمیته‌های تخصصی سندیکا نقطه نظرات شرکت‌های عضو کمیته خود را دریافت و پس از جمع‌بندی به کارگروه بررسی اساسنامه ارائه نماید. همچنین مقرر شد نقطه نظرات دریافتی از کمیته‌ها در کارگروه مورد بررسی و نتایج بررسی‌های بعمل آمده مبنی بر ضرورت بازنگری و یا انجام اصلاحات مورد نیاز جهت تصمیم‌گیری به هیأت مدیره سندیکا ارائه شود.

## اصلاحات پیشنهادی کارگروه قرارداد تیپ سندیکا در خصوص ویرایش جدید قرارداد تیپ

کارگروه قرارداد تیپ سندیکای صنعت برق ایران در نامه‌ای به مهندس حائری، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی پیشنهادات اعضای سندیکا درباره ویرایش جدید قرارداد تیپ را ارائه کرد.

در ابتدای نامه، سندیکای صنعت برق ایران تأکید می‌کند که بیش از ۵ سال از شروع پیگیری‌های سندیکا جهت ایجاد توازن و رفع اشکالات قرارداد تیپ می‌گذرد و طی این مدت جلسات متعدد با مسئولان و نمایندگان محترم شرکت توانیر برگزار شده است.

در ادامه نامه آمده است، در این راستا علی‌رغم رسیدن به نظرات مشترک و حتی ابلاغ قرارداد تیپ به شرکت‌های توزیع در سال ۱۳۹۶، متأسفانه هیچگاه توافقات صورت پذیرفته اجرایی نگردید. اکنون بدون توجه به سوابق مذاکرات فیما بین، شرکت توانیر اقدام به تغییر یک جانبه متن قرارداد و ابلاغ آن به شرکت‌های تابعه کرده است در حالی که در متن قرارداد جدید هیچ یک از اشکالات موجود قراردادها رفع نشده و در شرایط فعلی با وجود انواع ریسک این تیپ قرارداد قابلیت اجرا ندارد و باعث بروز مشکلات متعدد برای فعالان صنعت برق و اعضا این سندیکا خواهد شد. سندیکای صنعت برق ایران از آن مقام محترم درخواست می‌کند نسبت به اصلاح اشکالات قرارداد ابلاغ شده بشرح پیوست دستور مقتضی صادر فرمایید. در صورت نیاز این سندیکا می‌تواند ظرف کمتر از ۳ روز متن قرارداد اصلاح شده را که متضمن منافع دو طرف باشد را تهیه

و ارائه کند.

شایان ذکر است با عنایت به مراتب فوق، تا زمان اصلاح متن قرارداد تیپ مجاب نمودن شرکت‌های عضو برای مشارکت در مناقصاتی که از این متن غیر عادلانه استفاده می‌کنند، مقدر نخواهد بود.

در پایان نامه ضمن تشکر از توجه به درخواست سندیکا به عنوان نماینده بخش خصوصی سازندگان، پیمانکاران و شرکت‌های مهندسی مشاور صنعت برق کشور، اعلام می‌کنیم که سندیکا آمادگی دارد در اولین نشست ماهیانه وعده داده شده نسبت به هرگونه همکاری و هماهنگی جهت رفع هرچه سریعتر مشکل اقدام کند.

## اخبار شرکت‌های عضو

### شرکت آفتاب نیروی سبز گام اخذ کرد؛ نمایندگی انحصاری اینورترهای خورشیدی از شرکت East Group چین

شرکت آفتاب نیروی سبز گام، یکی از زیر مجموعه‌های شرکت گام اراک، موفق به اخذ نمایندگی انحصاری فروش و توزیع اینورترهای خورشیدی ۱ تا ۵۰۰ کیلووات از شرکت East Group شد. این نمایندگی امکان وارانتهی محصولات از طرف شرکت East Group چین را نیز دارد.

مهم‌ترین ویژگی‌های اینورتر ذکر شده کاربردی بودن و دسترسی آسان به اطلاعات، بازدهی بالا در تولید توان، فناوری کنترل پیشرفته، قابلیت اطمینان بالا می‌باشد. لازم به ذکر است شرکت چینی East Group دارای سابقه ۳ ساله در زمینه تولید اینورترهای خورشیدی و همکاری با شرکت‌های بزرگی چون اشنایدر را دارا در رزومه کاری خود دارد.



## رویدادها

### ضرورت سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری برای پاسخگویی به رشد مصرف برق

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی گفت: معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی گفت: رشد ۶ درصدی مصرف برق نشان می‌دهد که در سال ۱۴۱۵ ظرفیت نیروگاه‌های منصوبه باید به ۱۸۰ هزار مگاوات برسد که صنعت برق برای پاسخگویی به این نیاز به سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری نیاز دارد.

همایون حائری معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی در اختتامیه دوازدهمین همایش بین‌المللی انرژی اتمی که در پژوهشگاه نیرو برگزار شد، با اشاره به اهمیت مدیریت مصرف اظهار کرد: برای یادگیری و ترویج مدیریت مصرف انرژی، تدوین استراتژی و سیاست‌های آموزشی و انگیزشی در حوزه‌های عمومی، تجاری و صنعتی اجتناب ناپذیر است.

وی ادامه داد: بهره‌وری انرژی یکی از اولویت‌های وزارت نیرو است که در سال‌های اخیر و در دولت دوازدهم مقدمات اجرای طرح‌های بهره‌وری انرژی و برخی قوانین مدون در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در این حوزه فراهم شده است.

حائری ضمن اشاره به ضرورت کاهش تلفات انرژی، افزود: برنامه ریزی برای کاهش تلفات از برنامه‌های اصلی صنعت برق ایران است. با تلاش و برنامه ریزی‌های انجام شده تلفات برق از ۱۵ درصد به ۹/۱۰ کاهش پیدا کرده است و تصمیم بر آن است که در ۴ سال آینده این تلفات به ۹ درصد کاهش یابد. تصمیم بر آن است که کاهش تلفات به ۹ درصد کاهش یابد که برنامه‌های کاهش تلفات با استفاده از طرح‌های نوین در دستور کار قرار دارد.

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی با تاکید بر اینکه تامین برق مطمئن از وظایف اصلی وزارت نیرو است، تصریح کرد: افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی نیز از برنامه‌های در اولویت وزارت نیرو است، این وزارت با توجه به رشد

موفقیت روزافزون شد.

مهندس بخشی نیز به عنوان رئیس هیات مدیره سندیکا ضمن تبریک به صالحی و آروزی موفقیت برای ایشان، بر ضرورت تعامل هر چه بیشتر صانیر و سندیکا تاکید کردند.

صالحی نیز در پایان تاکید کرد: رسیدن به اهداف صانیر نیاز به همفکری دارد. صانیر متعلق به مملکت است نه فقط سهامداران این شرکت لذا باید حمایت دولت را هم داشته باشد.

وی با اشاره به چشم انداز ۱۴۰۴ گفت: امیدواریم با کمک تمامی همکاران و تلاش برای معافیت‌های مالیاتی بتوانیم به هاب انرژی منطقه تبدیل شویم و صادرات غیرنفتی را افزایش دهیم.

### رهشاد الکتریک سی امین سال تأسیس خود را جشن گرفت

مراسم سی‌امین سالگرد شرکت رهشاد الکتریک در نمایشگاه کنفرانس برق تهران با حضور تنی چند از مهمانان و مدیران حوزه صنعت برق برگزار شد. حامد گرشاسبی، مدیر عامل رهشاد الکتریک در سخنان ضمن تاکید بر اینکه این شرکت با شعار "مشتری مداری - کیفیت گرایی" همواره به دنبال افزایش رضایت مشتری است، از کارکنان و نمایندگان این شرکت تقدیر کرد.

گفتنی است شرکت رهشاد الکتریک در سال ۱۳۶۷ فعالیت خود را با تولید انواع خازن‌های روشنایی و موتوری آغاز کرده است که در حال حاضر با افزایش محصولات خود دارای سبد محصولاتی از جمله خازن‌های اصلاح ضریب قدرت، خازن‌های راه‌انداز موتورهای رگولاتورهای خازنی، خازن‌های استارت الکترونیکی، اینکپتورهای لامپ‌های گازی، جرقه‌زن‌های اجاق گاز خانگی، یراق آلات کابل خود نگهدار شبکه‌های توزیع برق، کامپاندهای مواد پلاستیک و لامپ‌های روشنایی ال ای دی خانگی.

### تقدیر از شرکت سنجش افزار آسیا به عنوان صنعتگر نمونه و برتر کشور در سال ۱۳۹۶

در بیست و دومین همایش روز ملی صنعت و معدن که روز گذشته با هدف بزرگداشت تولید در بخش صنعت و معدن کشور و با حضور دکتر جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور، دکتر شریعتمداری وزیر صنعت معدن و تجارت، مهندس غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی و رئیس صنایع مجلس و جمعی از نمایندگان مجلس و فعالان اقتصادی نمونه کشور در سالن اجلاس سران برگزار شد، با اهدای تندیس و لوح تقدیر، از شرکت سنجش افزار آسیا به عنوان صنعتگر نمونه و برتر کشور در سال ۱۳۹۶ تقدیر به عمل آمد.

### مراسم معارفه مهندس صالحی به عنوان مدیرعامل شرکت صانیر برگزار شد

مراسم معارفه مهندس حمیدرضا صالحی به عنوان مدیرعامل شرکت صانیر ظهر امروز در محل این شرکت برگزار شد.

این مراسم با حضور صالح آبادی مدیرعامل بانک توسعه صادرات، سعید آتشیباری رئیس هیات مدیره صانیر، محمود مقدم از پیشکسوتان صنعت برق، علی شمس اردکانی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، علی بخشی، پیام باقری و نصراله رهنما رئیس و نواب رئیس هیات مدیره سندیکا صنعت برق ایران، پیشکسوتان و سهامداران این شرکت و ... انجام شد.

در این مراسم ضمن تقدیر و تشکر از تمامی مدیرانی که در پیشرفت شرکت صانیر نقش داشتند، تقدیر و قدردانی شده و برای مهندس صالحی که از اعضای هیات مدیره سندیکای صنعت برق نیز هستند، آرزوی پیشرفت و





## تعیین اولویت ارزی برای واردات اعتباری کالا از سوی وزارت صمت

اولویت های ارزی برای تخصیص ارز به واردات کالای شرکت های متقاضی واردات اعتباری توسط وزات صمت تعیین شد. در جداولی که توسط این وزارتخانه منتشر شده است، کالاهای وارداتی در سه دسته اولویت بندی و ابلاغ شده اند. براساس این اولویت بندی بر اساس منابع مختلف تخصیص ارز به گروه ها و صنایع مختلف صورت گرفته است. لذا به منظور تسهیل روند کاری اعضا برای تهیه ارز مورد نیاز و تامین مواد اولیه فهرست اولویت های ارزی ابلاغ شده از سوی وزارت صمت عینا منتشر می شود.

## دبیرکل اتاق بازرگانی تهران مطرح کرد؛ تعریف مدل جامع همکاری های مشترک اتاق تهران و سندیکا

دبیرکل و مدیر امور تشکل های اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران بیست و هفتم خرداد ماه سال جاری میهمان سندیکای صنعت برق ایران بودند. در این نشست که با حضور اعضای هیات مدیره سندیکا برگزار شد، بهمن عشقی ضمن تقدیر از فعالیت های گسترده سندیکا، ابراز امیدواری کرد که این تشکل ارتباط خود را بیش از پیش با اتاق بازرگانی سازماندهی و تحکیم کند.

## در راستای رفع مشکل تخصیص ارز به واردات اعتباری کالا صورت پذیرفت؛ ثبت اطلاعات واردات کالای اعتباری از کانال سندیکا

در پی ابلاغ سیاست های جدید ارزی و به منظور رفع مشکلات شرکت ها، وزارت صمت اقدام به تشکیل و تعیین کارگروهی برای تعیین تکلیف واردات کالای اعتباری برای تخصیص ارز کرده است. در همین راستا طی نامه ای از سندیکای صنعت برق درخواست کرد که اطلاعات شرکت های مرتبط را برای این وزارتخانه ارسال کند.

به همین منظور نامه شماره ۶۰/۷۴۸۰۲ مورخ ۹۷/۳/۲۱ و معاونت امور اقتصادی وزارت صمت و نامه شماره ۶۰/۷۰۴۴۸ مورخ ۹۷/۳/۱۳ دفتر صنایع برق و الکترونیک وزارت صمت همراه با فرم مربوطه برای شرکت های عضو ارسال شد. البته در همین راستا سندیکا هم طی نامه ای به مدیران عامل شرکت های عضو اعلام کرده که با توجه به سیاست های جدید ارزی و ایجاد مشکلات عدیده در خصوص تخصیص ارز به واردات اعتباری کالا، موضوع در وزارت صنعت، معدن و تجارت مورد بررسی قرار خواهد گرفت و تصمیماتی در این خصوص اتخاذ می گردد. در بند دیگری این نامه آمده: از اعضای محترم درخواست می شود ضمن تکمیل فرم، اسناد و مدارک مورد نیاز را جهت ارائه به وزارت صمت در اسرع وقت به دبیرخانه سندیکای صنعت برق ایران ارسال فرمایند.

۶ درصدی مصرف برق در دهه اخیر، احداث ۲۰ هزار مگاوات ظرفیت جدید تولید برق را برنامه ریزی کرده است تا بتواند همگام با اهداف برنامه ششم توسعه، انرژی الکتریکی لازم را تامین کند.

وی ادامه داد: راندمان متوسط نیروگاه های کشور طی دولت دوازدهم می بایست به ۴۰ درصد برسد که این هدف از طریق بکارگیری فناوری های جدید در ساخت نیروگاه ها و بهینه سازی و بازسازی نیروگاه های قدیمی محقق خواهد شد.

حائری افزود: رشد ۶ درصدی مصرف برق نشان می دهد که در سال ۱۴۱۵ ظرفیت نیروگاه های منصوبه باید به ۱۸۰ هزار مگاوات برسد که صنعت برق برای پاسخگویی به این نیاز به سرمایه گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری نیاز دارد.

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی با اشاره به پیک بار و افزایش مصرف انرژی در کشور گفت: جامعه علمی و نخبگان صنعت برق کشور باید برای جلوگیری از افزایش مصرف برق روش های خلاقانه ای ارائه کنند.

وی در ادامه به هوشمندسازی شبکه های برق اشاره ای کرد و گفت: در هوشمندسازی شبکه برق کشور حرکت خوبی شروع شده است که به طور رسمی باید گسترش پیدا کند، تجهیز متقاضیان برق صنعتی، کشاورزی و ... به شبکه هوشمند برق از اهداف وزارت نیرو است. حائری ادامه داد: طرح فهام علاوه بر اندازه گیری دقیق مصرف، قابلیت کنترل و مدیریت مصرف انرژی را از طریق سیستم اتوماسیون دارد که تاکنون حدود ۱۱۵ هزار هوشمند دستگاه نصب و راه اندازی شده است.

استفاده تشکل‌ها از ظرفیت‌های آیین‌نامه‌های حمایتی را فراهم آوریم.»  
وی در بخش دیگری از سخنان خود اذعان کرد: «مرکزداوری اتاق تهران هم برای خدمات‌رسانی به تشکل‌های عضوآمدگی کامل دارد. یادآوری می‌کنم که احکام این این مرکز در همه مراجع قانونی لازم‌الاجرا است. لذا برای ایجاد فصل جدیدی از همکاری‌های فی‌مابین با کمیته حقوقی سندیکا اعلام آمادگی می‌کنیم.»

ملکی پیگیری‌های گسترده اتاق در حوزه بیمه و مالیات را یادآور شد و افزود: «اقدامات بسیار اثربخشی در این زمینه انجام شده و امیدواریم زمینه بهره‌برداری گسترده تشکل‌ها از دستاوردهای اتاق در حوزه بیمه و مالیات فراهم شود. واگذاری نمایندگی به تشکل‌ها در شوراها حل اختلاف مالیاتی و همچنین جایگزین شدن حسابرسی‌های یک‌ساله به جای حسابرسی ده‌ساله از جمله مهمترین دستاوردهای اتاق تهران در این حوزه است.»  
مدیر امور تشکل‌های اتاق تهران به راه‌اندازی بیمارستانی به منظور ارائه خدمات درمانی به اعضای اتاق هم اشاره کرد و گفت: «سندیکا می‌تواند با هماهنگی اتاق از امکانات این بیمارستان برای اعضای خود استفاده کند. همچنین سندیکا می‌تواند از خانه تشکل‌ها به منظور برگزاری جلسات و مجامع خود نیز بهره‌برداری کند. به علاوه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان تهران هم فرصتی برای طرح مسائل و مشکلات فعالان اقتصادی است که سندیکا و اعضایش می‌توانند به خوبی از آن بهره‌جویند.»  
گفتنی است در پایان این نشست مشترک حکم سپهر بزرگی‌مهر به عنوان دبیر جدید سندیکای صنعت برق ایران توسط علی بخشی، رییس هیات مدیره سندیکا و بهمن عشقی، دبیرکل اتاق بازرگانی تهران به وی تقدیم شد.

### معاون نوآوری و تجاری سازی فناوری معاونت علمی منصوب شد

سورنا ستاری، معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری طی حکمی پیمان صالحی را به سمت «معاون نوآوری و تجاری سازی فناوری» معاونت علمی و فناوری منصوب کرد.  
در متن حکم آمده است:  
نظربه مراتب تعهد و شایستگی‌های علمی و عملی، به موجب این حکم، جنابعالی را به عنوان معاون نوآوری و تجاری سازی فناوری منصوب می‌نمایم.  
پیگیری مجدانه وظایف و امور محوله به ویژه



عملکرد موفق سندیکا می‌توانیم به این تشکل طی یک برنامه‌ریزی صحیح به شکل مستمر کمک مالی برسانیم و البته این پیام را به سایر تشکل‌ها بدهیم که اگر عملکردی مشابه با سندیکای برق داشته باشند می‌توانند از این دست از کمک‌ها بهره‌مند شوند.»

وی در ادامه افزود: «البته این نقد به سندیکا وارد است که نتوانسته جایگاه خود را به خوبی در کمیسیون انرژی اتاق تهران تثبیت کند. این کمیسیون بیشتر محوریت صنعت نفت و گاز و پتروشیمی را دارد و لازم است که سندیکا نقش صنعت برق را در آن پررنگ‌تر کند.»

دبیرکل اتاق تهران تغییرات آتی حوزه حمل و نقل و تغییر انرژی مورد نیاز این حوزه از سوخت‌های فسیلی به برق را یک فرصت اقتصادی برای فعالان این صنعت عنوان کرد و گفت: «سندیکا باید تغییرات احتمالی حوزه حمل و نقل را در برنامه‌ریزی‌ها و تعیین استراتژی‌هایش بگنجانند. دنیا در حال تغییر است و پیش از هر بخش دیگری این تشکل‌ها هستند که باید با این تغییرات همگام شوند. نقش صنعت برق در ایجاد تحول در صنعت حمل و نقل بسیار کلیدی است، لذا من معتقدم صنعت خودرو می‌تواند چشم انداز صنعت برق را کاملاً عوض کند. لازم است که سندیکا به صورت جدی بر روی این تغییر پارادایم کار کرده و اعضای خود را مهیای این تحول کند. سندیکا نهادی است که قدرت ایجاد چنین تغییری را در خود دارد.»  
در ادامه این نشست مدیر امور تشکل‌های اتاق تهران هم ضمن تقدیر از تلاش‌های سندیکا، انتخاب سپهر بزرگی‌مهر به عنوان دبیر این تشکل را نشانه دیگری از کارآمدی و شایسته‌سالاری در این تشکل دانست و اظهار امیدواری کرد: «امیدواریم که این انتخاب به توسعه ارتباطات سندیکا با اتاق تهران منجر شود. به هر حال تاکید ما بر این است که اتاق تهران یک نهاد پاسخگوست و بر همین مبنا توانسته تعداد اعضای خود را از ۱۳ هزار به ۱۹ هزار عضو برساند.»

غلامرضا ملکی به فعالیت‌های اتاق تهران اشاره و خاطر نشان کرد: «ما در اتاق تهران یک سند راهبردی تدوین کرده‌ایم. براساس این سند ما تلاش می‌کنیم که زمینه‌های لازم برای

وی ضمن بیان این نکته که سندیکا یکی از تشکل‌های نمونه اتاق محسوب می‌شود، خاطر نشان کرد: «ما می‌توانیم مدل جامعی برای همکاری‌های فی‌مابین تعریف کنیم و البته این مدل می‌تواند در تدوین و تبیین ارتباط سایر تشکل‌ها با اتاق بازرگانی نیز مورد استفاده قرار گیرد.»

دبیرکل اتاق تهران به دشواری‌های فضای کسب و کار کشور اشاره و اذعان کرد: «در شرایطی که متأسفانه بین بخش خصوصی و حاکمیت قرارداد اجتماعی مشخصی وجود ندارد و این دو بخش فاصله معناداری با یکدیگر پیدا کرده‌اند، تشکل‌ها می‌توانند ابزار بسیار مناسبی برای تعریف و پیاده‌سازی این قرارداد اجتماعی باشند. لذا از دیدگاه من تشکل‌ها در شرایط بحرانی کنونی حکم سرنگی برای تزریق دارو به پیکره اقتصاد کشور را دارند.»  
وی پررنگ شدن نقش تشکل‌ها در چارچوب سیاست‌گذاری‌های کلان را امیدوارکننده دانست و افزود: «در هیچ شرایطی نمی‌توان منکر اهمیت و تاثیر صنعت برق در اقتصاد کشور شد. بسیاری از دولت‌ها برای اثبات توسعه صنعتی، به آمار صنعت برق استناد می‌کنند. نباید این مساله را فراموش کنیم که برق یکی از کلیدی‌ترین شاخصه‌های توسعه صنعتی است.»

عشقی بی‌توجهی به ظرفیت‌های کشور در زمینه انرژی‌های نو را نشانی از بی‌توجهی به صنعت برق دانست و تصریح کرد: «امروز سندیکا این قابلیت را دارد که جایگاه فعلی صنعت برق و آنچه باید باشد را تعیین کند. البته اتاق تهران هم قطعاً در این زمینه در کنار سندیکا خواهد بود.»

وی بر لزوم بهره‌گیری بیشتر سندیکا از ظرفیت‌های بخش‌های مختلف اتاق از جمله معاونت اقتصادی این نهاد تاکید و خاطر نشان کرد: «زمینه‌های همکاری‌های گسترده‌ای بین اتاق تهران و سندیکا وجود دارد. لذا پیش از هر چیز از اعضای هیات مدیره سندیکا دعوت می‌کنیم تا در یکی از نشست‌های هیات ریسه اتاق تهران حضور یافته و ضمن معرفی سندیکا درخواست‌های خود را با آنها مطرح کنند.»

بهمن عشقی در ادامه به شرایط سخت مالی به ویژه در تشکل‌ها اشاره کرد و گفت: «با توجه به

تلاش برای توسعه زیست بوم نوآوری مورد انتظار است. استفاده از ظرفیت پارک‌های علم و فناوری و مراکز نوآوری و شرکت‌های دانش بنیان و همچنین تعامل با نگاه‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی برای رسوخ فناوری در اقتصاد ملی مورد تاکید است.

از درگاه خداوند متعال دوام توفیقات جنابعالی را در پیروی از منویات حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی همراستا با سیاست‌ها و راهبردهای معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در دولت دوازدهم مسالت می‌نمایم. همچنین بدین‌وسیله با گرامیداشت یاد و خاطره اندیشمند فرزانه جناب آقای دکتر محمود شیخ زین الدین و با قدردانی از زحمات و تلاش‌های ارزنده ایشان، علودرجات را برای آن عزیز سفر کرده از درگاه الهی مسالت می‌نمایم.

### علاقتمندی یک شرکت چینی جهت سرمایه‌گذاری در زمینه نیروگاهی ایران

رئیس هیات مدیره اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین از علاقتمندی یک شرکت چینی به سرمایه‌گذاری در زمینه نیروگاهی در ایران خبر داد.

اسدالله عسگرآولادی رئیس هیات مدیره اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین در نامه‌ای به رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران، از علاقتمندی یک شرکت چینی به سرمایه‌گذاری در زمینه نیروگاهی در ایران خبر داد.

شرکت چینی power china Henan Engineering علاقتمند به سرمایه‌گذاری در زمینه نیروگاهی در ایران است، با توجه به اینکه مدیران این مجموعه قصد دارند مهم‌ماه سال جاری سفری به تهران داشته باشند و علاقه مندند پیش از سفر با طرف‌های ایرانی سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشند، خواهشمند است دستور فرمایید اطلاعات شرکت‌های علاقتمند به همکاری به دبیرخانه این اتاق ارسال تا امکان هماهنگی قبلی بین شرکت‌ها به وجود آید.

با استقبال شرکت‌های عضو سندیکا صورت گرفت؛

### تحلیل نقش اسناد خزانه اسلامی در مناقصات

سندیکای صنعت برق ایران با شناسایی نیاز شرکت‌های عضو مبنی بر آشنایی با مدیریت ابزارهای نوین مالی، ششم تیرماه جلسه‌ای

تحت عنوان آشنایی با شرایط پرداخت بصورت اسناد خزانه اسلامی در مناقصات، در محل خانه تشکل‌های اتاق تهران برگزار کرد. جلسه آشنایی با شرایط پرداخت بصورت اسناد خزانه اسلامی در مناقصات، با حضور خانی مدیرکل دفتر تلفیق و اطلاعات مالی شرکت توانیر، علیرضا پاکدین مدیر بازار سرمایه و مشاور کارگزاری بورس اوراق بهادار، خانم قربانی کارشناس شرکت فرابورس ایران، سپهر برزی مهر دبیر سندیکا و نمایندگان ۷۰ شرکت عضو سندیکا برگزار شد.

در این جلسه که با استقبال خوبی از سوی شرکت‌های عضو روبرو شد، مباحث مختلفی به صورت کارشناسی مطرح شد و تمامی شرکت‌کنندگان سوالات و مشکلات خود را بیان کردند تا در فرایند شرکت در مناقصات با آگاهی کامل حضور پیدا کرده و کمترین آسیب را ببینند.

معرفی اوراق بهادار دولتی، اسناد خزانه اسلامی، فرایند انتشار و تخصیص اسناد خزانه اسلامی، اشتباهات موجود و تجربیات فرابورس، تعهدات دولت و انتشار اوراق جدید از محورهای مهم جلسه مذکور بود که مباحث مطرح شده بسیار مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

کارشناسان حاضر در جلسه همچنین درباره تاریخچه اسناد خزانه اسلامی و قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب، ریسک‌های مرتبط با اسناد خزانه اسلامی، ریسک نکول، ریسک نقدشوندگی، نهادهای موثر در انتشار اسناد خزانه اسلامی و تخصیص اسناد خزانه اسلامی به طلبکاران غیردولتی توضیحاتی ارائه دادند.

در جلسه مشترک نمایندگان سندیکا و سازمان برنامه بودجه مطرح شد؛

### تاکید بر ضرورت قیمت‌دار شدن بهای‌های خطوط و پست‌های فوق توزیع و انتقال

نشست مشترک نمایندگان سندیکای صنعت برق ایران و نمایندگان امور انرژی و نظام فنی مهندسی سازمان برنامه و بودجه یکم خرداد سال جاری در محل سازمان مذکور برگزار شد. در ابتدای جلسه نمایندگان سندیکا مشکلات فعالان صنعت برق را در قالب عدم نقدینگی وزارت نیرو مطرح کردند چراکه عدم پرداخت مطالبات تولیدکنندگان، پیمانکاران و مشاوران باعث بحران‌هایی چون تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری در این عرصه را به همراه خواهد داشت. همچنین تاکید شد که ادامه این روند باعث رکود و نابودی فعالان اقتصادی در

صنعت برق خواهد شد لذا هرچه زودتر باید سازوکاری برای رونق این صنعت ارائه شود داده شود تا شاهد خاموشی‌های مکرر نباشیم.

رئیس امور انرژی سازمان برنامه و بودجه پس از استماع نکات نمایندگان سندیکا به جمع بندی موضوع پرداخت و مقرر شد پیگیری لازم برای تصویب آیین‌نامه اجرایی بنده تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ صورت پذیرد و نام شرکت‌های توزیع برق در آیین‌نامه مزبور قید شود.

در ادامه مقرر شد جلسات مشترک سندیکا و امور انرژی سازمان برنامه و بودجه به صورت منظم هر ۳ ماه یکبار برای بررسی مشکلات موجود برگزار شود و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط، با پیشنهاد و نظارت سندیکا صادر شوند.

در بخش بعدی جلسه، معاون امور فنی و اجرایی توضیحاتی درباره موضوع تعدیل در قراردادهای و بهای‌های توزیع، انتقال و پست ارائه و تاکید کرد که اقدامات لازم در خصوص کارسنجی و عوامل قیمت صورت گرفته است و سندیکا باید با سازمان همراه شده و مشاوره‌های لازم را به امور فنی و اجرایی سازمان بدهد تا قیمت دار شدن بهای خطوط و پست‌های فوق توزیع و انتقال هرچه سریعتر صورت پذیرد.

همچنین مقرر شد اقدامات لازم و عاجل درباره اصلاح آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی، پلکانی شدن پیش پرداخت در قراردادهای PC و EPC و اصلاح شرایط عمومی پیمان صورت بگیرد.

در پایان جلسه موضوع به روز نبودن در برابر قوانین مالیاتی بویژه ماده ۱۶۹ بررسی و عنوان شد که بسیاری از موارد شرایط عمومی کلی بوده و تعیین تکلیف شفاف انجام نداده است که در این خصوص مقرر شد اقدامات لازم انجام شود.

طی حکمی از سوی نویخت؛

### قانع فر رئیس امور نظام فنی اجرایی سازمان برنامه و بودجه شد

طی حکمی از سوی محمدباقر نویخت رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور؛ سیدجواد قانع فر به عنوان رئیس امور نظام فنی اجرایی، مشاورین و پیمانکاران سازمان منصوب شد. در این حکم اظهار امیدواری شده است وی بتواند با اتکال به خداوند متعال و با رعایت اصول قانون مداری، اعتدال‌گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید در انجام وظایف محوله موفق و مؤید باشد. ■

به گزارش کمیته عضویت سندیکای صنعت برق ایران، در دوره گذشته ۲ شرکت جدید به عضویت این سندیکا پیوسته‌اند. برپایه این گزارش، اعضای جدید به شرح زیر معرفی می‌شوند:

### برنا کلید البرز

حوزه فعالیت: تولید کننده انواع دژکتور، سکسیونر و سوئیچ گیرهای فشار متوسط گروه: سازندگان لوازم و تجهیزات جانبی سیستم های برق  
مدیرعامل: حسن صالحی  
تلفن: ۰۲۸-۳۲۸۴۸۹۱۱  
فکس: ۰۲۸-۳۲۸۴۸۹۱۱  
آدرس: اتوبان تهران قزوین، نیروگاه شهید رجایی، شهرک صنعتی کاسپین  
ایمیل: info@kelidalborz.com, sirous.haqiqatbka@yahoo.com  
وب سایت: www.kelidalborz.com

### پادرای طرح

حوزه فعالیت: مشاوره، مهندسی، طراحی و نظارت بر احداث پست های فشار قوی گروه: مهندسی مشاور  
مدیرعامل: مجید مسیبی  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۴۵۱۳۷-۸  
فکس: ۰۲۱-۸۸۸۸۱۱۰۶  
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به میدان ونک، خیابان ۱۴ گاندی، پلاک ۱۶، واحد ۴  
ایمیل: mosayebi@padraytarh.com, shirzad@padraytarh.com  
وب سایت: www.kelidalborz.com

## پیام تبریک

جناب آقای مهندس آرش قیلاو  
مدیرعامل محترم شرکت سنجش افزار آسیا

جناب آقای دکتر صالحی

معاون محترم نوآوری و تجاری سازی معاونت علمی ریاست جمهوری

بدینوسیله سندیکای صنعت برق ایران کسب عنوان صنعتگر نمونه و برتر کشور و دریافت لوح تقدیر از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت را به حضرتعالی و کارکنان آن شرکت تبریک عرض نموده، از خداوند توفیق روزافزون و توسعه مستمر آن مجموعه ارزشمند را مسئلت داریم.

بدینوسیله سندیکای صنعت برق ایران انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت معاونت نوآوری و تجاری سازی معاونت علمی ریاست جمهوری تبریک عرض نموده و برای آن مقام محترم آرزوی موفقیت روزافزون دارد. امید است با حسن درایت و مدیریت گرانقدر حضرتعالی، ارتباط موثرتری با تشکل های اقتصادی در راستای توسعه و پیشرفت کشور شکل بگیرد.

جناب آقای دکتر قانع فر

رئیس محترم امور نظام فنی اجرایی سازمان برنامه و بودجه

بدینوسیله سندیکای صنعت برق ایران انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت رئیس امور نظام فنی اجرایی، مشاورین و پیمانکاران سازمان برنامه و بودجه تبریک عرض نموده و برای آن مقام محترم آرزوی موفقیت روزافزون دارد. امید است با حسن درایت و مدیریت گرانقدر حضرتعالی، ارتباط موثرتری با تشکل های اقتصادی در راستای توسعه و پیشرفت کشور شکل بگیرد.

## پیام تسلیت

جناب آقای مهندس آقازاده سلطانی  
مدیرعامل محترم شرکت الکترو کاوه پارسین

با کمال تأثر و تأسف مصیبت وارده و درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای دکتر مدنی  
عضو محترم هیات مدیره و مدیرعامل محترم شرکت پیمان خطوط شرق

با کمال تأثر و تأسف درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

معاونت محترم علمی و فن آوری ریاست جمهوری

با کمال تأثر و تأسف درگذشت شادروان دکتر زین الدین، معاونت نوآوری و تجاری سازی را خدمت همکاران و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

جناب آقای مهندس فارسی  
ریاست محترم هیات مدیره شرکت سازه های فلزی یاسان

با کمال تأثر و تأسف مصیبت وارده و درگذشت دایی گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

# ستبران

## راهنمای اشتراک

ستبران، ارگان سندیکای صنعت برق ایران، تلاش می کند به منظور معرفی پتانسیل های حقیقی بخش خصوصی صنعت برق، به ویژه در حوزه سازندگان، پیمانکاران، مشاوران و شرکت های مهندسی بازرگانی، تصویر روشنی از توانمندی های این بخش نشان دهد. به علاوه شناسایی و بررسی چالش ها و گلوگاه های صنعت با هدف طرح دیدگاه های مختلف و روشن کردن زوایای مختلف اقتصاد کلان و خرد کشور هم از جمله دیگر سیاست های این نشریه است.

از فعالان صنعت برق و انرژی کشور دعوت می شود در صورت تمایل به اشتراک نشریه ستبران، ضمن تکمیل فرم ذیل، بهای اشتراک را براساس تعرفه، به حساب شماره ۱۴۷۵۱۸۱۷/۰۸ بانک ملت جاری جام، شعبه امیراتابک به نام سندیکای صنعت واریز و رونوشت فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به شماره نمابر ۶۶۹۴۴۹۶۷ دبیرخانه سندیکا دورنگار نمایید.

هزینه اشتراک یک ساله:	پست عادی: ۲۴,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۶۰,۰۰۰ تومان
هزینه اشتراک دوساله:	پست عادی: ۴۸,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۱۲۰,۰۰۰ تومان

- دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه ها با ارسال کارت یا گواهی نامه معتبر از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می شوند.
- خواهشمند است، مشترکین محترم در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایند.
- با توجه به اینکه تنها عدم وصول مجلاتی که بصورت پیشتاز ارسال می شوند قابل پیگیری است لذا توصیه می شود از خدمات پست پیشتاز استفاده شود.



### فرم اشتراک ستبران

لطفاً در مستطیل روبرو چیزی ننویسید

مشترک حقوقی

مشترک حقیقی

نام شرکت / سازمان: ..... نام: .....

نام متقاضی: ..... نام خانوادگی: .....

نام خانوادگی متقاضی: ..... شغل: .....

سمت: ..... تحصیلات: .....

محل امضا

تعداد نسخه درخواستی از هر شماره: .....

نوع اشتراک:  اشتراک جدید  تمدید اشتراک

نشانی: .....

تلفن: ..... شماره فیش: .....

نمابر: ..... مبلغ: .....

موبایل: ..... بانک: .....

ایمیل: ..... تاریخ واریز هزینه اشتراک: .....

استان: .....

شهر: .....

کد پستی: .....